باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۲۷۳۴۸

رده‌بندی دیویی: ۳۴۲/۵۸۱ ک ۵۷۶ ر ۱۳۰۴

سرشناسه: کشککی، برهان الدین

عنوان قراردادی:

عنوان: رویداد لویه جرگه دار السلطنه کابل

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: کابل ناشر: مطبعه دایره تحریرات تاریخ نشر: ۱۳۰۴ ش.

صفحه شمار: ۴۶۰ ص. مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۱×۱۷ نوع خط: نستعلیق

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☑ خریداری☐ ارسالی☐

توضیحات: فریدون معتمدی تاریخ ثبت: ۱۳۹۳

یادداشتها: ۱. لیست اسامی شرکای جرگه در ابتدای کتاب آمده است.

موضوع(ها): ۱. افغانستان - لویه جرگه. ۲. تبادل اجتماعی. ۳. سیاست اجتماعی. ۴. افغانستان - سیاست و حکومت.

شناسه (های) افزوده: الف. محمد اشیان خان، مصحح، کاتب. ب. معتمدی، فریدون، اهداکننده. ج. عنوان.

فهرستنگار: ... تاریخ فهرستگاری: خرداد ۹۰

اهدائی جناب آقای دکتر [illegible] به
سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

روئداد
لویه جرگهٔ دار السلطنهٔ کابل

(۱۳۰۳)

در مطبع دائرهٔ تحریرات حضور مجلس عالی وزرا
باهتمام و تصحیح کمینه سید محمد ایشان سرکاتب
بتاریخ جوزا ۱۳۰۴
زیور طبع در بر کرد....

تعداد طبع ثانی (۱۰۰۰) جلد

معذرت

درین ترتیب و تنظیمیکه این احقر نموده است از شرکای محترم لویه جرگه عموماً و از حضور شفقت ظهور محسن و مربی و اولو الامر غازی خود اعلیحضرت (امیر امان الله خان) خصوصاً خواستار معذرت و معافی میباشم زیرا نتوانسته ام که کلمات عالیه و عبارات لائقه و لطائف کلامیه و شیرینی محاورهٔ این شرکای معظم لویه جرگه را بدان تفصیلات شیرین و تقریرات دلنشین که خود آنها در محفل عالی ایراد داشته اند عیناً قلمبند بنمودم تنها نقطهٔ نظر و شیوهٔ تحریر خودم را در ترتیب این اوراق بعد از قلم انداز نمودن گذارشات خارج از مبحث و مذاکرات غیر مفید و امثال آن اخذ خلاصهٔ مضامین و مجمل گذارشات متین و عمدهٔ مطالب و خلص مآرب لویه جرگه بعبارت فرسوده و قلم شکستهٔ خودم بوده است بس، گمان میکنم که درضمن ایفاے این خدمتِ بزرگ در بعضی مقامات ازین کمترین سهو و خطائی نیز بفحوای (اول ناسٍ اوّلَ ناسٍ) سرزده خواهد بود، لذا امید وارم که نظر بدین زحمتیکه در راه ترتیب آن کشیده ام از روی لطف و شفقت خرده گیری نکنند.

مصرع

(از من مسکین درین مشکین سواد ❊ گر خطائی رفته است آهو مگیر)

برهان الدین کشککی

روئداد

لویه جرگه دارالسلطنه

۱۳۰۳

که از روز پنجشنبه (۲۰) سرطان الی یوم پنجشنبه (۹) برج اسد

در صیفیه پغمان، تحت صدارت

شهریار دیانت پناه

اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان

ادام الله ظلال رأفته الی ما آنار القمران

شرف انعقاد و اختتام را پذیرفته است

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله وکفی، والصلوة علی محمد المصطفی
وعلی آله المرتضی، واصحابه المجتبی.

اما بعد: در فوائد اتحاد و اتفاق هر قدر شرح و بسطیکه تحریر گردد عشرے از عشیر، وقلیلے از کثیر آن در حیز تقریر نمیگنجد و در حیطهٔ تسطیر نمے آید، مگر ما خدا یرا شکر گذاریم که از مراحم ایزدی و الطاف ربانی خویش در سرزمین **افغانستان** فرشتهٔ امن و امان یعنی وجود مسعود اعلیحضرت **امیر امان الله خان** را بر گماشت و علم حریت و استقلالش را در تمام بسیط غبرا و ملل و دول متمدنهٔ دنیا برافراشت!! و محبوب مرغوب مقصود بهبود شان را که **حکومت شوروی** است نیز در کنار آمال و امانی شان محض از رعیت پروری و حقوق شناسی همین اولوالامر غازیش گذارد !!!

لله الحمد که همه افراد مملکت عزیز مان **افغانستان** از معنی اتفاق اتحاد و نتایج خوشگوار **مشوره** بهره اندوز گردیده در نتیجه باهم دست داده تا این درجه که می بینیم به شاهراه ترقی و تعالی گامزن شده از ثمر آن برخوردند، این نبود مگر از توجه همان پادشاه ترقیخواه مان که افکار ما را از حضیض ذلت نفاق، باوج رفعت اتفاق جلب نمود.

اعلیحضرت محبوب القلوب ما اولین ذاتیست در مشرق زمین که همواره خیالات ترقی و تعالی وطن را داشته در صدد بدست آوردن آرای اصلیه و افکار حقیقیهٔ عموم طبقات ملت خود بوده همه افراد مملکت خود را توصیه مینمایند که در ترقی و تعالی و بهبودی وطن خود تا جان در تن و روان در بدن دارند کوشیده مشوره های مفیده و خیالات عالیات شان را (که عموماً در طبقهٔ غربا موجود میباشد) جهة بهبود و فلاح و درخشان شدن آتیهٔ افغانستان از ارباب حل و عقد مملکت خویش دریغ نفرمایند.

ما ملت مختار افغان را اولاً اظهار عجز از ادای شکر این نعمت کبرای خالق اکبر لازم و ثانیاً تقدیم تشکر صمیمانهٔ خالصانه بحضور این پادشاه وظیفه آگاه جوانبخت مان اعلیحضرت **امیر امان الله خان** لازم است که ما مسلمانها را بعد از هجران سیزده صد ساله شوری [یعنی بعد از آنکه ملوک بنی امیه قاعدهٔ جلیلهٔ شوری را که بواسطهٔ این صفت بسیار بزرگ، ممدوح قایل عظیم کریم (وَاَمْرُهُمْ شُوْرٰی بَیْنَهُمْ) جل جلاله گردیده بودیم قطع کردند، و باز در نشأة الثانیهٔ اخیرهٔ اسلامیه هم درینباب عقب مانده بودیم]

سر دوباره احیا و بوصالِ محبوبهٔ دلستان شورویه و قانون اساسیّهٔ مجالس شورویّه (لویه جرگه) از فرط حقوق شناسی و ملّت پروری و مراحم گستری خود بدون خواهش و تقاضای ملّت شرف و اعزاز اعطا فرمودند.

ازانجا که قبل ازین عصر مدنیت حصر "امانیه" افغانستان قانون نداشت و افغانان قوانین و نظامات رانمی شناختند! زمامدارانِ افغان و صاحبانِ اختیارِ شان، تابع خواهشات و تقاضای نفسانی شان میبودند! و بازار تعارف ستانی و رشوت خواری را گرم کرده شب و روزِ خود شان را بعیش و استراحت گذارده از حال ملت اطلاعی نمیداشتند! و بعرض و داد و فریاد شان گوش نمی نهادند! و از لوازم و ضروریاتِ یک دولتِ آزاد با استقلال اسلامیّه، داشتن نظاماتِ مکمله و قوانین شرعیه و تبادل سفراکه از خارج بداخل قبول، و از داخل به بیرون فرستاده شوند و ترویج و تنویر اوامر شرعیه و انضباط و استحکام اساس دینیّه است، و متعاقباً علم و اجرای قواعد بین الدّول و اصطلاحات بین الکل در امور سیاسیّه و دیگر آئین مدنیّه (که مخالف از مقرراتِ دینیّه نباشد) لازم شمرده میشوند، بناءً علیه اعلیحضرت همایونی در ابتدای سلطنتِ سنیّهٔ امانیّه یک مجلس عالیه رابنام **ریاستِ عمومیّهٔ شورای** قایم نموده اشخاص عالم و فاضل و افراد دانسته و فهیم و عاقل افغانی را دران مشمول نمودند، تا برای ترفیه و آسوده حالی ملّت و تمسّک و هدایات حکام باتفاق علمای اعلام **هیئتِ عالیهٔ تمیز** برطبق اوامر شریعتِ

سیّدالانام قوانین شرعیّه راتسوید، و مواد نظامنامه را املا و تألیف نموده به **مجلسِ عالی وزرا** که دران علاوه بر وزرای ذی خبرتِ افغانستان دیگر اشخاص صاحب بصیرت نیز داخل و صدارتِ آنرا ذاتِ شاهانه بنفس نفیس خویش میفرمایند تقدیم کنند، تا آنها بعد از ملاحظه و بازدید و تطبیقات لازمه خلاصهٔ نظریات و افکار و آراء شانرا نیز باهمان نظامات و مؤلفات بحضور ملوکانه عرض و بیان نموده ذاتِ شاهانه بعد از تدقیقاتِ لازمه و تحقیقاتِ مهمّه احکام اجرای آنرا اعطا میفرمایند.

علاوه بران ذاتِ جهانبانی محض جهة رفاه و آسوده حالی عموم سکنهٔ مملکت افغانی به تمام نقاط افغانستان بعد از تنظیم و تنسیق امورات دولتی و اجرای نظاماتیکه عیناً تراجم مسائل دینی و مهماتِ فقهی و احکام شرعی است امر فرمودند، که از علاقه داریها و حکومتیهای درجهٔ اوّل و دوّم و سوم و حکومتیهای کلان و حکومتیهای اعلیٰ و نائب الحکومه گیها اعضای منتخبه را در **مجلس مشورهٔ** هر مقام جمع داشته بدو شان امر و هدایت فرمودند که در فلاح و بهبودی و ترقّی و تعالی وطن و ترفیه طبقات افغانی با حکام مقامی خویش مشوره نموده اسباب نفع دولت و ملت و مملکت را برروی کار آورده از مضرات نه تنها خود شان مجتنب و محترز باشند، بلکه اطلاعاتِ بیقانونی و مظالم حکّام شان را نیز بمرکز سلطنت بواسطهٔ وکلای شان که در ریاستِ شورای دولت اقامه دارند اخبار و اشعار نموده برای اندفاع اضرار و مظالم، طوریکه در منافع شخصی و خانگی خودها بذل مساعی میورزند، بلکه بیشتر ازان بکوشند و مزید برین مجالسهای مشوره و ریاست

شورای دولت اکثریّه مجالس فوق العادهٔ مشوره ها را نیز منعقد فرموده در سرسبزی و آبیاری ملّت و مملکت کوشیده و میکوشند.

ما جهة خاطر نشین شدن این مسئله خواهشمندیم که قارئین کرام خود را به تذکر مشوره های مفیدهٔ لویه جرگه (۱۳۰۱) تصدیع دهیم، که اعلیحضرت معظم غازی ما دران سنه وکلا و کلان شوندگان عموم افغانستان مخصوصاً از سمت مشرقی را جمع نموده مجلسی را بنام **لویه جرگه** منعقد فرموده دران از هرگونه ابحاث امور داخلیه و خارجیّهٔ دولت را نموده بهر طرف که آراء عمومی قرار گرفت همانطور بروی کار آورده شد، چون مفادِ آن برای دولت بسیار بنظر خورد اعلیحضرت جوان جوانبخت ما مجدّداً چنان تصویب فرمودند که نه تنها امسال بلکه بسالهای آینده نیز یک مجلسی بهمین مقصد خیر مرصد در دار السّلطنهٔ کابل انعقاد یابد.

سواد اعلانی، که بنام عموم رعایای صادقه، نسبت بانعقاد (**لویه جرگه**) این سال فرخنده مآل از حضور لامع النور همایونی سه ماه پیشتر از انعقاد این جرگه نشر و اشاعه داده اند با نقل فرامینی که باسماء سامی و نامهای نامی سادات و مشایخ و علما و وکلا و اکابر و اعزهٔ ملّت جداگانه از طرفِ قرین الشرفِ پادشاهی فرستاده شده در ذیل عیناً نقل و تشریح میگردد.

تسوید اعلانِ لویه جرگه ۱۳۰۳

کافهٔ رعایای صداقت شعارم!

بدیهی است که حیات و زندگانی معنوی و فراهم نمودن وسائل سعادت و ترقی و استراحت یک قوم، یک ملّت، اوّلین وظیفه و تکلیف واجبی دولت است باید دولت متحمّل این بار گران گردیده وظیفهٔ خود را انجام دهد، و از دیگر طرف حتمی است که ملّت با حکومت معاضدت و مساعدت نموده در پیشرفت مقاصد و ترقیاتِ دولت خود قولاً و فعلاً مسامحه و کوتاهی نکند تا متفقاً به آرزو و مرام خویش نائل و کامیاب شوند.

لذا باتباع و اقتضای امر مؤکّدهٔ [وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ] همیشه چنین آرزو دارم که در تمام جریانات مهمّهٔ امورِ مملکت و سعادت و آسایش ملّت آرای قومی نیز تا حدّ ممکن شامل و در تحمیل این بارِ گران علی قدر الامکان فکراً و قولاً معاضد و مساعد باشند، چنانچه در مرکز سلطنت مجلس عالی "**شورای** دولت" را از اعضای **منتخبه** و اعضای **طبیعیّه** که اشخاص با تجربه و خیرخواه دولت و ملت هستند تشکیل داده موجود بودن **وکلای** شما را در علاقه داریها و حکومتیها و مرکز نائب الحکومه گی و حکومتهای اعلیٰ حتّی بشورای دولت حتمی شمرده احضار کرده ام؛ تا بآنها که فی الواقع زبان شما و وکیل تمام معاملات تان هستند در همه امورات سترگ مشاوره و استصواب و تعاطی افکار کرده شود.

علاوتاً از چندیست که درین مورد مقصد دیگر را بخاطر میپرورانم که تشکیل یک مجلس **لویه جرگه** است که باید لااقل در سال یکدفعه علی العموم وکلا و نمایندگان و کلان شوندگان قومی و علمای ملّت دران مجلس اجتماع نموده همه مسائل مهمّه

وافکاریکه در تعالی و ترقی مملکت خویش مدّنظر داشته باشیم مواجهتاً بالمشاوره تصویب آرا تصفیه دهیم و بعد استصواب مجلس مذکور و معرض اجرا گذاریم [موعد انعقاد این مجلس عالی را (باستثنای مواقع ضرورت) هیئت لویه جرگه بعد از هر دورهٔ سه ساله تصویب نموده اند ملاحظه شود مذاکرات روز وداع رسمی ب، د] در سنه (۱۳۰۱) بجلال آباد یک مجلس لوی جرگه را انعقاد نموده چون موقع انعقاد مجلس مذکور ایام زمستان بود و احضاریت تمام وکلا و نمایندگان ملّت افغانستان اسباب زحمت شان میشود از دیگر نقاط مملکت تنها بوکلای منتخبهٔ موجودهٔ شان که در مجلس شورای دولت شمولیت داشتند اکتفا کرده از اقوام سمت **مشرقی** که خیلی قریب و سهولت پذیر بود وکلا و کلان شونده ها و سادات و علمای شانرا جلب نموده بالمواجهه او نها در امور مملکت و ترقیات ملّت که لازم مشاوره بود مذاکره و فیصله نمودیم، برای سالهای آینده بواسطهٔ که انعقاد مجلس لویه جرگهٔ سمت مشرقی در ایام سرما واقع شده بود و هم بایست این مجلس بزرگ در شهر **کابل** که نقطهٔ وسطی و پایتخت مملکت افغانستان است انعقاد پذیرد وقت و موضع آنرا تبدیل داده مرکز لویه جرگه را کابل و موقع انعقاد آن امسال بماه ذی الحجة الحرام که هوای کابل ملایم و سازگار و وفور فواکه و خوراکه باب میشود قرار دادیم تا سادات و علما و وکلا و کلان شونده های ملّت در محفل لویه جرگه بشهر کابل اثبات وجود نمایند و راجع بسعادت و ترقیات شما رعایای صادقه ام و مملکت عزیز تان بهیئت و حیثیت عمومی در مجلس مذکور مذاکره و تظاهر افکار نموده مطالب عمدهٔ دولت و ملّت را

چه در امور خارجیه و چه در امور داخلیه حل و فصل نمائیم و از خداوند توانا و قدیر در ترقی و تعالی مملکت خود استمداد و کمک بخواهیم !

شمارا ازین مکنونات قلبیه ام آگاه نموده برای عموم [حکام اعلی و نائب الحکومه ها و زمامداران محلّی تان] بفرمان جداگانه اشعار نمودم که از وکلای منتخبهٔ آنسمت که در علاقه ها و حکومتیها و مرکز نائب الحکومه گی و حکومتیهای اعلی هستند مناصفه را برای اجراآت کار یومیهٔ همان موضع گذاشته مناصفه را با تعداد دیگه بفرامین جداگانه بحکّام خبر داده شد از سادات و علما و مشایخ و کلان شوندگان و نمایندگان و رؤسا از هر محل بقرار تقسیم بتقریب انعقاد مجلس لویه جرگه بمرکز (حکومتی اعلی و نائب الحکومه گیها) طلب نموده بیک موعدیکه بموقع انعقاد مجلس لویه جرگه بمرکز کابل رسیده بتوانند روانهٔ دار السّلطنه نمایند و خرج راه و خوراکه آنهارا تا رسیدن کابل از انجا پرداخته در مرکز کابل از بدو ورود تا اختتام مجلس خرج و خوراکهٔ آنهارا دولت تدارک و تهیّه کرده بآنها میپردازد و این مجلس (آتیاً) فقط در خود کابل و بهمین تاریخ منعقد و دائر گردیده بتعداد معیّنه از هر ولا نفری بصورت وکالت و نمایندگی برای شمولیت و رزیدن لویه جرگه حاضر خواهند شد، و از خداوند تعالی امید قوی داریم که با این مجلس عالی بموافقت آرای وکلا و نمایندگان ملّت نجیب افغانستان بسی مطالبات مهم دائر به ترقیات وطن مقدس ما حل و فصل گردیده صورت انصرام و اجرا پذیرد .

موضع مهر منوّر شهریار غازی

سواد آن فرامینے که باسماء علما و سادات و مشایخ و وکلاء ملت اسبال شده است

(سواد فرمان لویه جرگه ۱۳۰۳)

القاب .... اسماء ....

چون حکمت بالغهٔ حضرت حکیم علی الاطلاق جلّ و تقدّس شانه، اساس مدنیّت و ترقّی و تعالی بشریّت را به اتحاد و اتفاق منوط نموده و برای متّحد ساختن افراد متعدّد و افکار متضدد، ابلاغ احکام آیهٔ شریفهٔ (وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ) همهٔ ما متابعان دین منیف احمدی (صلواة الله و سلامه علیه) درین شاهراه فلاح و نجاح دارین امر اکید میفرماید، حضرت پیغمبر خود را که (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ) در شان اوست میفرماید که با امتان و پیروان خودت در همه کار مشوره نمای.

لهذا این کمترین عباد الله از بدو جلوس خود تتبع به پیروی سنت سنیهٔ محمّدیه علیه الاف الثناء و التحیه اساس سلطنت و طن عزیز خود را بمشوره وضع نموده، در پایتخت عالی بخت مملکت شاهانهٔ خودم تشکیل مجلس شورای دولت که مرکب از وکلای منتخبهٔ شما ملت و اعضای طبیعیهٔ مامورین دولت است نموده همهٔ قوانین و نظامات مملکداری در انجا غور و خوض میشود و بعد الاتفاق آرا در معرض اجرا آورده میشود، همچنان در مرکزهاے همه ولایات و حکومتیها تا علاقه داریها مجلس مشوره از اعضای منتخبهٔ وکلاے شما ملت دائر و همه اجراآت آن مطابق احکامات الهی بواسطهٔ مامورین

دولت باتفاق و مشورهٔ وکلای منتخبه اجرا میشود با وجود اینهمه مجالس مشوره که به پیروی سنت سنیه در همه مملکت شاهانه اجراست چون حکومت را از ملت و ملت را از حکومت دانسته نفع و ضرر وطن عزیز خود را بهمه ملّت نجیب خود مشترکاً مساوی میدانم اراده نمودم که مکرّراً یک مجلس به اسم لویه جرگه که مرکب باشد از علما و سادات و مشایخ و خوانین و وکلای همه اقوام بدار السلطنهٔ کابل انعقاد یافته در همه امورات مملکتداری و پیشنهادات ترقی و تعالی و تنظیم نظامات و قوانین دولتی و تمام سیاسیات داخله و خارجه بحث و مذاکره نموده شود و آنچه خیر و بهبود ادارهٔ حکومت و فوز و فلاح اهالی ملت را باتّفاق آراء ملاحظه نمائیم متفقاً تنظیم و بعد از اتفاق آرا، متوکلاً علی الله در اجراآت آن عزم بالجزم نمائیم تا باشد که باتباع سنّت قرون اول اسلام ترقیات دینی و دنیوی خود ما را فائز و نائل شویم چنانچه از فحواے اعلانات علیحده مستحضر خواهید بود.

بنا بران حضور والاے ما چون شما را صادق و خیر خواه دولت میدانند شمولیت شما را (در لویه جرگه) لازم دانسته ابلاغ میفرمائیم که سفر خرج شما از آمدن الی کابل بواسطهٔ (حکّام اعلی و نائب الحکومه گی آنجا) انتظام میشود بخاطر جمعی تمام الی روز هشتم ماه ذی الحجة الحرام وارد کابل شده نماز عید سعید اضحی را با همه برادران دار السلطنهٔ خود ادا نموده در مجلس لویه جرگه شامل باشید، در ایام توقف کابل البته مهمان اعلیحضرت ما خواهید بود، و بعد از اختتام "لویه جرگه" خرج سفریهٔ شما را وزارت داخلیه تادیه نموده مع الخیر در مساکن خود عودت مینمائید.

بعد از انتشار و ارسال اعلان و فرمان فوق عموم سادات، مشایخ، وکلا و اعزهٔ اطراف وجوانب خطهٔ بهیهٔ افغانیه با انتظاماتِ خوب و اصول نهایت مرغوب بعد از اتخاذ وجه کرایه و سفر خرج شان از نزد حکام محلّی خویش رهسپار منزل مقصود گردیده بیکجهان شوق و یکعالم محبت و سرور ارائهٔ لقای فرحت انتمای ملوکانه و شوق تشرف و دستبوسی ذاتِ شاهانه رابدل میپروراندند تا اینکه عموم مدعوین محترم بتاریخ ۸ ماه ذیحجة الحرام در شهر شهیر کابل اجتماع ورزیده سررشتهٔ مخارج و مصارف شان عجالتًا از طرفِ دولت بعمل آمد.

گذارشات عید سعید اضحیٰ بدار السلطنهٔ کابل

چنانچه گفتیم دو روز پیشتر از عید اضحیهٔ جمهور علما و فضلا و مشائخ و سادات و وکلا و اعزهٔ تمام ولایات و حکومتیهای اعلیٰ و ایالت کابل حسب فرامین اعلیحضرت محیی ملت افغان بدار السلطنهٔ افغانستان شرف حضور بهم رسانیده بتوسط جناب فخامت مآب آقای محمد یعقوب خان شاغاسی حضور، بمهمانی قابل تقدیر اعلیحضرت غازی پذیرفته شده بروز عید علاوه برین حضرات موقر افراد ملکی و نظامی کابل و اشخاص شهری و دهشش کروهی مقارن بساعت (۷ ½) آغاز اجتماع را بجامع عیدگاه نهاده بتقریب ورود مسعود فرمانفرمای معظم افغانیان اعلیحضرت "امیر امان الله خان" نه تنها جامع بزرگ عیدگاه بلکه اطراف وجوانب مسجد باندازهٔ از حضرات نمازگذاران امتلا داشت که در حین ادای دوگانه

بنام خالق یگانه اکثری از اشخاص صفوف موخر بنا بر قلت مقام و تکثر نفوس و ازدیاد انام برپشت نفری صفوفِ مقدم سجده مینمودند و هیئت مجموعی نمازگذاران که عمومًا از کثرت ازدحام شانه و کتفین همدیگر را میفشردند مانند بحر مواج و دریاے زخار نمایش داده، ماقبل و مابعد نماز آوازهاے تکبیر و صداهاے تهلیل شان کرّوبیان ملاء اعلیٰ را غذاے روحانی بهم رسانیده، شیاطین انسی و خناسهاے جنی را بکمال جدّت و حدّت تهدید و تخویف نموده ضمنًا انتظار ورود ملوکانه و اداے صلوة اضحیه را بمعیت ذاتِ شاهانه بدل میپروراندند!

موکب شهریار محبوب القلوب چند دقیقه از ساعت (۹) گذشته بود که بمعیّتِ وزرا و وکلا و اعیان و مشاهیر افغانی بترتیباتِ نهایت خوب و وضعیت از حد مرغوب روشنی بخش دیدهٔ منتظرین و مسرت افزاے قلوب ناظرین گشته مراسم تعظیم و تکریم این جهاندار فخیم مخصوصًا از طرفِ چند فرقهٔ عساکر ظفر مآثر دار السلطنه که کاملًا حصهٔ بیانی صحن عیدگاه از و شان مملو بود بعمل آمده عموم حضّار نیز تعظیمًا و احترامًا به پیشگاه این پادشاه دیانت اکتناه خویش بپا ایستاده آوازهای السلام علیکم و دیگر کلمات دعائیه را به ثریّا رسانیدند.

بعد ازینکه حضور موفور السّرور شاهانه بصف قرب محراب اخذ موقع نمودند عموم اهالی به تسویهٔ صفوف پرداختند، چون هوا گرمی داشت و ازدحام انام را از ان بیشتر مسجد جامع متحمل شده نمیتوانست، باز مانند جمعه و اعیاد پاستان محیی ملتِ افغان بالذات بار گران امامت را که درحقیقت احیاسنتِ سنیهٔ خیر البریّه و تعقیب طریقهٔ مرضیهٔ خلفای راشده است، بدوش گرفته بعد از تکبیر تحریمه با دای تکبیراتِ زوائد پرداختم

پس از اختتام سورهٔ فاتحه در رکعتِ اولی سورهٔ (الکافرون) و در رکعت ثانیه سورهٔ اخلاص
را قرائت کنان بترتیب و ترتیل نهایت خوب از نماز عید فراغت یافته جهة ادای
خطبهٔ ماثورهٔ اضحیه بروی منبر سنگی صحن مسجد برامده خطبه را بکمال فصاحت و بلاغت
بعد ادای محمدت و منقبت عربیّه بلسان فارسی ایراد فرمودند که مطالب عمدهٔ آن را
تا جائیکه بما ازدحام و کثرتِ انام و ضیق مقام اجازه داده است ذیلاً قلمبند مینمائیم :-

خطبهٔ اولی پادشاه دیانت پرستانه افغان بروز عید قربان

اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ
اَلْحَمْدُ (سه مرتبه) اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ نَشْهَدُ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَنَشْهَدُ اَنَّ سَیِّدَنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ
صَلَّی اللّٰهُ تَعَالٰی عَلَیْهِ وَعَلٰی اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِیْنَ .

اَمّا بعد:- برادران من ! عزیزان من ! نور چشمان من !
امروز خدا را شکر گذاریم که ما و شما را بدین مقدس اسلام مشرف ساخته، از پدر بر پدر بروی دنیا
اولاد مسلمان آمده ایم، و همیشه بدرگاه خالق بی‌نیاز خویش عرض و نیاز داریم که ما را بدین مبین
سیّد المرسلین قایم و دایم داشته باشد، بروز آخرت نیز ما را بشرف شفاعت (محمّدی) افتخار بخشید.

در زمرهٔ مسلمانهای نیکوکار مبعوث دارد .
امروز برای عالم اسلام یکروزیست بسیار مقدس که از برکتِ آن تمام گناهان
و خطاهائی را که بدان مرتکب شده باشیم در حج بیت الله شریف بخشیده و معاف میگردد .
بنده گانیکه خطا میکنند، یا گنهگار میشوند عموماً امید و انتظار مغفرت پروردگار را
دارند، ذات خداوندی نیز از لطف و رحمت خویش بحضیکه بندهٔ عاصی او بصدق دل ابواب
خانهٔ کعبه اش چنگ بزند در همین روز اقدس تمام گناهان وی را معاف میکند و میبخشد !
چقدر نیکبخت و سعادتمند است آن مسلمانانیکه درین روز به زیارت و لقای خانهٔ خداوندی
پذیرفته شده تمام گناهان شان معاف میشود ازین سبب بلندترین و مقدس ترین ایام
برای عالم اسلام همین روز فیروز است !
علاوه براینکه زیارت خانهٔ (کعبه) موجب معافی حقیقی خطا و گناهان ماست یکخدمت
کلان دیگر را هم برای اتحاد و اتفاق عالم اسلام مینماید و آن اینست که در ضمن ادای
حج و زیارتِ آنخانهٔ مبارک با مسلمانان رنگارنگ عالم که ما آنهارا ندیده ایم، و
کلمات و گذارشات شانرا نشنیده ایم، بر میخوریم، و ملاقات مینمائیم؛ حرفهای شانرا
گوش میکنیم؛ و شکایتهائی را که از بیگانگان دارند استماع میورزیم، بمسرتِ عالم اسلام
مسرور، و بغم و اندوه شان غمگین میشویم !
اگر ما و شما بهمان نیّت و مقصدیکه خداوند ما را امر و هدایت نموده بخانهٔ (کعبه) مشرف
شویم، و آن شکایت و بیدادیهائی را که برادران اسلامی ما از دستِ اذیّت ظالمان و بیگانگانی

دین خویش دارند شنیده از حال همدیگر حقیقتاً مطلع و خبردار شویم گاهی عالم اسلام بااینحال فلاکت و ذلت امروزه گرفتار و دوچار نمیشد !

جای شکر و امیدواری است آن عالم اسلامی را که دشمنان دیرینهٔ او پرچه پرچه کرده در میان خود تقسیم نموده خوردند، امروزه روز بیدار شده اند !

ای دشمنان اسلام بدانید، و آگاه باشید ! که درینوقت حصهٔ مهم عالم اسلام بیدار شده، مابقی آن نیز عنقریب بیدار شدنی است و بپاداش این خواری و زبونی که از دستِ شما بعالم اسلام رسیده، شما را هم بپاداش اعمال تان خواهند رسانید، اگرچه شما در موقع غفلت و نادانی و بی اتفاقی عالم اسلام خوردید مارا، لاکن واسطه و ذریعهٔ این پستی و تنزل و خرابی تماماً از دست خود ماست که اغراض پرستی و تن پروری و جدائی و نادانی خود ما شمارا کامیاب داشته است !

هرچه هست از قامت ناساز بی اندام ماست

والا دشمنان بما غلبه کرده نمیتوانستند زیرا که نظر بنفوس آن قطعات عالم اسلام که پامال بیگانگان شده تعداد دشمنان شان، صد یک، هزار یک، کرور یک باشند گاهی و آن مملکت نیست پس چه قسم غلبه کرده میتوانستند !!!

معلوم است که نفاق و ضدیت شخصی و خرابیهای درمیانی خود ماست که بیگانه ها را مظفر میسازد !

اگر مسلمانان حقیقتاً مسلمان و پیرو پیغمبر و قرآن بوده کار از اتحاد و اتفاق و دیانت اسلامیت بگیرند ضرور بمقاصد خود کامیاب و در همه جا مظفر و منصور میباشند !

عجب است که خداوند دشمنان ما را مظفر میسازد و دوستان خود را که با آنها وعدهٔ ظفر و منصوریت را نموده مظفر نمیسازد !

باز میگویم که این نیست مگر از نفاق خانگی و خرابیهای اندرونی خود ما !

ازین است که بحضور شما برادران خود عرض مینمایم چنیکه بکلمه [لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ] چنگ انداخته ایم دین مقدس اسلام را یکسبب دارین خیر و سعادت می انگاریم ! در دنیا و آخرت پیروی او را باعث نجات و رستگاری خود میدانیم، پس از برای خدا و رسول اتفاق بکنید ! و جادهٔ نفاق را مپوئید، همه برادران مسلمان خود را مثل برادر عینی و خون شریک خود پندارید !

در حقیقت چیزیکه اتفاق حقیقی را در میان یک مملکت اسلامی بوجود می آورد، خداشناختن و پیروی اوامر و هدایاتِ خدا و رسول را نمودن است، وقتیکه یک مسلمان، خدای خود را خوب بشناسد و بمسلمانی خود بدرستی پابند باشد گاهی نخواهد شد که نفاق بکند یا حسد و کینه را اختیار ورزد ! و یا خجالت و شرمسار گردد !

چرا هر چیزیکه برای او پیش میشود وی عقیده دارد که این ذلت و خواری یا خسارت در تجارت و معاملات من که بوقوع پیوسته از شامتِ نفس، و یا عدم کوشش خود من است، وقتیکه یک منفعت یا عزت را بیند میگوید که خدا بمن لطف کرده است !

٢٧٣٤٨

باید با جان [illegible] کنیم و با [illegible] باشند
امداد نمائیم، و با برادران اسلامی خویش [illegible] اسباب نفاق
و اتفاق را تولید میکند، و قتیکه اتفاق [illegible] دشمن بالای
ما دراز نمیشود، و [illegible] از عظمت و هیبت [illegible] حضرت [illegible]
دشمن بالای ما حکمرانی کرده نمیتواند!

این بیانهایی را که نمودم [illegible]
ارشادات نبوی نیز همچنین است!

با اینکه در موضوع عید اضحی [illegible] بوده [illegible]
شما هم از احکام مذهبی خود خوب معلومات دارید باز هم اینقدر [illegible] میکنم [illegible] هر مسلمانیکه
(۷۰) روپیه اضافه تر از احتیاجات اصلیه خویش داشته باشد واجب است که یک
گوسفند قربانی نماید، با اینکه درین امر دینی ما بسیار منافع و اسرار دینی و دنیوی موجود است
چون هوا گرم و فرصت کم است اگر اندکی از آن بیان نمایم برای شما تکلیف میشود:

همه ما و شما میدانیم که قربانی کردن امر خدایی است اگر خداوند [illegible]
مال ما را، اولاد ما را، و هر چیزیکه داشته باشیم بخواهد، ما جهت تعمیل ارشاد شرع حاضریم!

چون قربانی عوض ذبح اولاد پنداشته میشود، پس اشخاصیکه مستعد القربانی باشند
باید به بسیار شوق و ذوق او را بدست خویش و یا بدست وکیل خود ذبح نمایند
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝

خطبه ثانی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ، نَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَنَشْهَدُ
اَنَّ سَيِّدَنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ
اَجْمَعِيْنَ، فَقَدْ قَالَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ
يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ
مَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَعَلَى الْخُلَفَآءِ الرَّاشِدِيْنَ حَضْرَتِ اَبِيْ بَكْرٍ وَحَضْرَتِ
عُمَرَ وَحَضْرَتِ عُثْمَانَ وَحَضْرَتِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُمْ اَجْمَعِيْنَ، وَعَلَى
السِّبْطَيْنِ الشَّهِيْدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلٰى اُمِّهِمَا سَيِّدَةِ النِّسَآءِ، وَعَلَى الْعَمَّيْنِ
الْمُعَظَّمَيْنِ بَيْنَ النَّاسِ حَمْزَةَ وَعَبَّاسٍ، وَعَلٰى بَقِيَّةِ الْمُهَاجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ
رِضْوَانُ اللّٰهِ تَعَالٰى عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ.

الهی العالمینا بحرمت قرآن پاک و بحرمت حضرت (رسول اکرم) مبارک،
بحرمت کسانیکه پیشتر تو عزت و آبرو دارند عالم اسلام را از نفاق [illegible] نگهداری
[illegible] بخصوص ملت افغان را که یک ملت شجاع، دلاور، فاتح، و مظفر است سرفراز
[illegible] دنیا داشته باشی، و من عاجز بیچاره خدمتگار عالم اسلام و قوم خود هم با توفیق
عطا کنی، تا خدمتی بکنم که در دنیا و عقبی سبب نجات شان بوده و در آخرت
به بهترین جنت ها باشند، و دولت علیه ترکیه، و دولت ایران [illegible]

مسلمانان هندوستانیان و برادرهای بخارائی و برادرهای چینی ما و تمام مسلمانهائیکه در هر نقطهٔ دنیا هستند بحفظ و حمایت خود نگهداری!

الٰه العالمینا هر چیزیکه میکنی خودت میکنی، بالای ما نظر لطف و مرحمت داشته باشی و بهمان راهی که نجات ما را میدانی ما را ببری، و از دربار خالق بینیاز خود عسکر افغانستان را بدین و دنیا کامیاب خواسته ام الٰهی در هیچ وقت سرشان پیش دشمن خم نباشد و همیشه بیدار و فعال باشند و تمام مأمورین و کسانیرا که از دل و جان برای افغانستان خدمت میکنند معزز دارین داشته باشی و اشخاصیکه تنبلی میکنند آنها را هدایت بکنی و در راه نیک بیاوری

عِبَادَ اللّٰهِ رَحِمَكُمُ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ .... (الآیه)

اللّٰه اکبر، اللّٰه اکبر، لا اله الا اللّٰه واللّٰه اکبر اللّٰه اکبر ولله الحمد.

[بعد از اختتام خطبه ذات شاهانه بر منبر ایستاده، اندکی بطرف قبله میلان کنان ادعیهٔ ذیل را در حالیکه دستهای نیازش را بدرگاه خالق بی نیاز بزاری و نیاز برافراشته بود قرائت نمودند]

خدایا هر ترقی و بختیاری را که تو میدانی نصیب عالم اسلام علی الخصوص افغانستان بگردانی! الٰهی مظفریت و نیکنامی دارین را از تو میخواهم! خدایا قوم مسلمانرا از مذلت مظلومیت نجات دهی! و آن بهبودیهائی را که تو میدانی و بهترین خیرخواهان ما نوئی برای ما عطا کنی! الٰه العالمینا مرا توفیق ارزانی نما تا اینطور خدمتها از دست من سر بزند که خیر دین و دنیای ملت من باشد! اللّٰهم ربنا.......الخ.

گذارشات حفلهٔ شریفهٔ لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

بعد از اینکه نماز عید اضحی بترتیب و تفصیلیکه در فوق مرقوم گشت اختتام یافت، عموم سادات، مشایخ، علما، فضلا، اعزه، خوانین، وکلا، وزرا، رؤسا، معین ها و دیگر اشخاص کشوری و قشونی که اطلاع نامه های رسمی دائرهٔ شاغاسی بشمولیت شانرا در حفلهٔ مبارکهٔ سلامخانه اجازه داده بود بیکصورت قابل دید، اعزام یافته، بعد از اینکه وزرا و وکلا و معین های وزارات، اراکین و امراء ضابطون نظامی بجانب یمین، و خاندان شاهی و علمای اعلام تمیز و صاحب رتب نمبر (۱)، (۲) و (۳) و مدیرها و مأمورین ملکی بطرف یسار، مدعوین موصوفهٔ لویه جرگه بمقابل تخت عالی تخت حسب المراتب اخذ مواقع نمودند رئیس صاحب عمومی شورای دولت اطلاع ورود مسعود ذات جهانبانی را داده حضرت عالی محمد یعقوب خان شاغاسی قوماندهٔ (ولار) را بعموم حضار داده ذات شاهانه بزیر علم مبارک (شبوتیه) دوباره انجلا افزای انظار ناظرین و فرحت بخشای قلوب مشتاقین گشته حاضرین که بوضعیت نهایت مؤدبانه قیام رسم تعظیم و سلام را ادا نموده یکبار دیگر غلغلهٔ ادعیهٔ شانرا بعیوق رسانیدند، ذات محیی ملت افغان بعد از امر جلوس بحضار بپا ایستاده نطق ذیل را ایراد فرمودند!:-

نطق اعلیحضرت غازی افغان بتقریب افتتاح لویه جرگه

بعد از نماز عید قربان در سلام خانه

اولاً بهمه شما برادران و مهمانان عزیز خویش تبریک عید را میگوئیم، و آرزومندم که خداوند بسیار عیدهای خوب و باشرف را نه تنها برای شما بلکه به تمام قوم افغان عطا و احسان فرماید، و اینطور کارهای خوب از دست شما سر بزند و چنان ترقیاتی را خداوند نصیبتان کند که هر روز برای شما عید باشد!

بعده برای شما مهمانهای عزیز خود خوش آمدید گفته میگوئیم که پایتخت افغانستان خانهٔ تمام ملت افغان است همه شما بخانهٔ خودتان خوش آمدید!

میخواهم در موضوع تشریف آوری شما مهمانهای عزیزم که درینجا حضور دارید چیزی عرض نمایم:

خدا را شاکرم که محض از کرم و الطاف خویش و برکت روحانیت (رسول الله) درین دورهٔ پنج ساله تا توانستیم شب و روز کوشش کردیم و در فراهم آوردن موجبات ترقی افغانستان کوتاهی ننموده ایم، چون غیر از محبت دین و خدمت وطن و حفظ ناموس و شرف افغانستان، دیگر مقصد و آرزوئی نداشتیم بهمه خیالات و مقاصد خویش کامیاب و بهر کاری که اقدام ورزیدیم بکمال درستی او را انجام داده ایم (الحمد لله) که تا این زمان ما ملت افغان در تمام مطالب و مقاصد خود بان بخوبی تمام فائز بوده درین عرصهٔ پنج سال کامیابانه کار کردیم!

[illegible] الحمد لله! شکر! شکر!

اکنون خواهشمندیم که یک دورهٔ جدید را شروع نمائیم که کارروائیها و اجراآت آن نسبت به پنجسال گذشته اسباب ترقی مملکت و وسیلهٔ آسایش و منفعت رعیت ما باشد، و در چیزهائیکه ذریعهٔ بهبودی و تعالی ملت پنداشته شوند کوشش کنیم اگرچه یکلحظه از خدمت شما قوم نجیب خویش باز نمانده ام وکفی بالله شهیدا بهر صورتیکه توانستیم سعی کردیم و عرق ریزی نمودیم که این ملت پس ماندهٔ خود را تا یکدرجهٔ علیا برسانیم، (الحمد لله) که از مراحم ایزدی به آرزوهائیکه نسبت بترقیات ملت و مملکت خود، بدل میپروراندیم، موفق گشتیم و امروز در تمام مقاصد و مطالب خویش کامیاب هستیم و بکمال افتخار میگوئیم که امروز ملت ما سرفرازترین ملتهای روی دنیا است! کف زدنهای شادمانی.

لهذا درین دورهٔ تازه خواستم تا از اتفاق آرا و افکار شما وکلا و علما و فضلا و اعزهٔ ام استمداد نموده اساس مجددهٔ حکومت را بفکرهای متین شما تأسیس کرده ترقیهای فوق العاده و بهبودیهای بی اندازه را برای ملت و مملکت خویش فراهم آوریم!

مقصدیرا که از شمولیت شما در (لویه جرگه) در نظر دارم، این است که شما نسبت باین خادم ملت و اعضای منتخبهٔ مجلس عمومی شورای دولت از عادات و اطوار و افکار و اجراآت و ضروریات و احتیاجات ملت چنان اطلاعات و معلوماتی را بدست دارید که ما و آنها نداریم، اگرچه ما هم تا یکدرجهٔ اجمالی از احوال ملت و مملکت واقفیم، اما بطوریکه شما واقفیت کلی و معلومات تفصیلی دارید ما نداریم، چنانچه یک تولیشر نسبت بحدکشمر معلومات

زیاد به تو ل خود دارد و همچنین کند کمشر تا درجهٔ معلومات از کندک خود دارد که غند مشر ندارد!

چیزیرا که درین روز افتتاح بشما معروض میدارم و شما را بطور یادداشت میگویم همین است آنچه بفکر شما برای بهبودی ملت و ترقی مملکت تان بهم رسد محضاً برای خدا بگوئید و بغیر از اظهار افکار حقیقی خویش لحاظ و خاطرداری هیچ یکی را نکنید، که فلانکس اینطور گفته من هم باید چنین گویم! نی! هر کدام تان خود ها را وکیل قوم و کفیل مهمات عموم پنداشته فقط رضای ایزدی و رفاه و آسایش عمومی را مد نظر گرفته آنچه بفکر تان برسد حقانه بگوئید زیرا که اگر قوم ما به آسایش باشد خود ما نیز آسوده حالیم، چنانچه افغانان در مثل میگویند [چه خانے په پہاړ افے] بلی! اگر خدا ناخواسته قوم ما غریب، بیکار، بیعلم، پریشان، ناتوان باشد ضرور ما هم پریشان هستیم، بنابرین محض استرضای خداوند آنچه دران فائدهٔ عموم باشد آزادانه در مجلس بیان نمائید!

این خادم ملت از اول جلوس بر تخت سلطنت تا حال خیر و بهبود عموم ملت افغانستان را یکسان زیر نظر گرفته هیچگاه بدون صلاح و مشوره کار را نمود و بشما را هم محض بدین مقصد خواسته ام که صرف جهة مزید منفعت و آسودگی عموم ملت افغانستان با شما مشوره کنم!

اقوام دانستهٔ ما خوب میدانند که این کار ها و خدمتهائی را که ما میکنیم تماماً برای منافع و رفاهیت عموم سکنهٔ افغانستان است لکن بعضے از اشخاص که تا حال فکر شان چندان بلند نشده نتایج و ثمرهٔ این افکار و خیالات ما دوستدار را بخوبی احساس و درک کرده نمیتوانند باز هم ما خودداری نموده فقط بغرض حصول رضای خدای خود و منفعت قوم و بهبود سرزمین

مملکت خویش کوششها میکنیم، مشوره ها مینمائیم تا ملت خود را بدرجه های بسیار عالی برسانیم!

بلی! یک مریض دوا نمیخورد اما بهر طوریکه ممکن باشد اورا دوا میخورانند! و یک پسر خورد برضای خویش هرگز بمکتب نمیرود مگر پدرش اورا برفتن مدرسه مجبور میسازد! اگرچه پسر در آوان نادانی ازین اوضاع پدر خود میرنجد، اما چون فائدهٔ او در آتیه بد و عائد است در حق پدر دعاگوئی میکند؛ باید علما، فضلا، سادات، مشایخ، رؤسا و دانشمندان، پادشاهان کسانیرا که از حقایق اطلاع ندارند و خیر و شر خود ها را بطوریکه لازم است بخوبی نمیدانند نصیحتاً بفهمانند، و در زیادت جذبات و زنده نمودن حسیات آنها کوشش ورزند اگرچه فی الحال بر ایشان در انجام این خدمت مقدس تکلیفے عائد خواهد شد لکن زمانیکه مردم بحقایق و مفاد خویش دانسته شدند خاکش را توتیای چشم خود مینمایند!

بااین سبب برای آسایش ملت خود هر چیزیرا که شما علما و دانشمندان بگوئید و هر خیر و منفعتے را که شما لازم میدانید بیان بکنید، تا من عاجز خدمتگار شما که بامر خداوند امروز پادشاه شما هستم بجا بیاورم تا درین دورهٔ جدید بهترین اصول و طرز یرا که برای خیر و آسایش عموم ملت باشد بسازیم، و بروی کار بیاوریم!

در خاتمه کافهٔ ملت افغانستان را مظفر و کامیاب و بهترین سکنهٔ تمام کرهٔ دنیا از خدای خود خواسته ام: خدای ما قادر است که ملت ما را بهترین و کامیاب ترین ملل روی دنیا بگرداند.

اگرچه این سخن را شنیده بعضی خواهند گفت چطور میتوانند شد که این ملت پس مانده افضل و اعلای تمام ملل دنیا شود لکن آنها علاقه مندی مرا با ملتم بطوریکه دارم نخواهند دانست

که از فرط عشق و محبت خود برای آنها تمام خوبیها و ترقیهائی را که در دنیاست خواهانم و عقیده دارم که خداوند مهربان است و ضرور این عرض و التجاے ما را قبول کردنی است !

عریضهٔ جوابیهٔ دعائیهٔ هیئت لویه جرگه بحضور شاهانه

ای سپهر معدلت ای مفخر اهل زمان　　آستانت هر مسلمان را شده دارالامان
صفحهٔ دوران ندارد گوهر دیگر بکف　　غیر ذاتت ایج شرع پیمبر این زمان

شاهان ټول لکه ستوري ته ئې لمر ئې　　چه تابع د شریعت د پیغمبر ئې
ته د ټولو د سر تاج د ټولو سر ئې　　شه سوار د کل دنیا د بحر و بر ئې

ولی نعمتا ! اولاً شکرانهٔ این نعمت عظمی را که حضرت حق سبحانه تعالی ما و شما را اصلاً بدین مبین حضرت سید المرسلین مشرف و ممتاز ساخته بهیچ زبان ادا و بجا نمیتوانیم، ثانیاً نعمت شرفیابی حضور مبارک پدر غمخوار مهربان خود را که امروز براے ما فدویان حاصل شده از عطایاے خداوندی میشماریم، ثالثاً تبریک عید سعید اضحیٰ را بکمال عجز و نیاز بحضور شاهانه تقدیم نموده، و از خداوند تبارک و تعالی همچنان عیدهای بسیار پر مسرت بحیات آن اولو الامر شریعت پرور خود ها و دوام دولت باشوکت افغانستان التجا میکنیم، حقیقتاً براے ما یان امروز دو عید است، اوّل شرفیابی حضور، دوّم عید سعید اضحیٰ، رابعاً عرض این است که تا این زمان هرچه در عصر فرخنده حصر امانیه براے ما ملّت افغانستان و رعیت صادق شهریار غازی موافق شریعت غرا تنظیم گردیده همه آنرا بنظر تحسین و تمجید دیده از حضور شاهانه

مشکور و ممنون میباشیم، و امیدواریم که بعد ازین هم اعلیحضرت پادشاه محترم ما برای بهبودی و آرامی رعایاے صادقهٔ شاهانهٔ شان و ترقی دین و دولت و ملک و ملت عزیز خویش سعی و کوشش خواهند نمود !

چون اعلیحضرت غازی فرمودند که پوره از جزئیات حالات تان مثل شما واقف نیستم (نعوذ بالله) از احوال ما آن غمخوار مهربان ما خود را پوره واقف ساخته بلکه از حین شهزادگی شان نگران و واقف حال ما بودند، لهذا او امریکه براے منفعت و آرامی ما ملّت بهر گوشه و کنار برای ما رسید گویا بر زخم ما مرهم گذاشته و مداوا کرده اند، و پوره اصلاحات حسب الخواهش ما گردیده، چون حضرت خالق این وجود مسعود را بر ما اولو الامر مقرّر داشته و ما دست بیعت بشما داده ایم، آنچه به پسندید همهٔ آن منظور است این همه از شیوهٔ نهایت شریعت خواهی و ملّت پرور یست که ما فدائیان صادق خود را شرفیاب حضور فرموده، مشوره میجویند، آنچه برای ورآینده بفکر ناقص ما برسد یادداشت عرضداشت و تقدیم حضور شاهانه مینمائیم، باقی سایه ات کم مباد از سر ما !

اعلیحضرت غازی :-

زیاده تر شما را تکلیف نمیدهم و نه امروز میتوانم که با همهٔ تان احوال پرسی و عید مبارکی نمایم زیرا الحمدلله بسیار هستید، و از خداوند شما را بسیار تر میخواهم پس فردا عموم شما را بترتیب ولایات و حکومتی ها شخصاً شخصاً میخواهم که ملاقات و معانقه و مصافحه کنم ! بعد از ان بیک تاریخ متبرک چیزیکه مقصد است شروع خواهد شد !

دعامیکنم کسانیکه برای عالم اسلام خدمت میکنند آنها را برفاهیت داشته باشی! آلهی دشمنان اسلام را بقهر و غضب خود گرفتار کنی! وبدست خود ما دشمنان و اعدای دین ها را هلاک بگردانی! واز خدای خود اینطور رجا دارم که این قسم کارها از دست من سر برند که دران خیر و خوبی تمام عالم اسلام خصوصًا از افغانستان باشد!

ورود لویه جرگه در صیفیهٔ پغمان

خطابهٔ غرای فوق همایونی مقارن بساعت (۱۱½) شرف اختتام را پذیرفته ذاتِ جهانبانی عازم پغمان گشته برای مهمانان کرام «لویه جرگه» بتوسطِ شاغاسی صاحب حضوری، علاوه برهدایتِ ذاتِ همایونی هدایت رفت که الیوم را نیز بترتیبیکه سابق برین دراصول بود و باش و صرفیاتِ اطعمهٔ شان بعمل آمده بود درخود کابل بسر برده سر از فردا که روز دوشنبه (۲۲) سرطان است عزیمت فرمای پغمان بشوند، چنانچه بفردای آنروز مدعوین کرام "لویه جرگه" فرقه فرقه وطائفه طائفه با یکعالم مسرت و یکجهان فرحت جاده پیمای صوب مقصد گردیده، بجاهای مزین وکوتیهای نهایت اعلی که پیش از تشریف آوریِ شان تخصیص و تعیین گردیده در مقابل هرکوتی لوحهٔ راکه از ان محل نشیمن و بود و باش هر جمعیت و اسامی مهماندارهای شان معلوم و مفهوم و مقام وکلای هرسمت تمیز میگردید نصب شده بود تا هرکدام از مدعوین محترم بی آنکه یک تفحص را بکار برند علی حسب مراتبهم بمقاماتِ معینهٔ خویش رجعت کنان اخذ مقام نمودند.

علاوه برآنمقامات که برای مدعوین متخصص گردیده بود برای ملازمان آنها نیز علیحده علیحده در قرب هرکوتی بعضی را خیمه و برخی را به بیت الخدماتِ آن جا یداده جهة اسپها و اشترهای شان که با خود آورده بودند نیز انتظاماتِ لازمهٔ جو وکاه و تیمارداری تعیین گردیده بود!

ترتیباتِ مهمانی لویه جرگه

چون نظر مرحمت اثرِ اعلیحضرتِ مان برین نکته بود که برای احدی از مدعوین و ملازمین شان تکلیفی عائد نشود واز هیچ طرف پریشانی بدوشان لاحق نگردد، چایدارخانها آبدارخانه ها، کارخانه های طباخی، میوه دارها، و دیگر لوازماتِ اکل و شرب را در قرب محل نشیمن هرکدام از آنها تخصیص و تعیین فرموده ازین رو از آغاز جرگه تا اتمام آن برای احدی ازمدعوین و ملازمین و تبعهٔ آنها تکلیف و زحمتی از هیچ رهگذر رونداده است، هرچیز یراکه این مهمانان عزیز خواهش کرده وفرمایش میدادند، علی الفور بامرِ شان ملازمین سرکاری که محض جهة خدمتگاری این ذوات معظم استخدام شده بود، اجرا میکردند، حتی برای تادیهٔ نماز مصلاهای رنگین را جهة آنها تهیه نموده در اوقاتِ صلوت بمقاماتِ مخصوصهٔ آن اوراق اشها میگسترانیدند و برای احوال پرسی و مداوات اشخاصیکه کمتر مرض و شکایت میداشتند داکترها، و مریض خانه ها که از هرگونه دواهای طبی و داکتری دران موجود بود ترتیب و تنظیم شده برای غسل اثواب گاذر، و برای اصلاح موی سر و ریش حجام، و برای تفریح

خصوصی آنها نوازنده ها و مطربین مخصوص مقرر و معین گردیده بود !

علاوه بران جهة اشخاصیکه خواهش رفتن را به تماشا گاهِ سینما مینمودند از طرفِ حکومت علی حسب المراتب تکت هائے مجکت لیترن مفت ورایگان نیز اعطا میشد چنانچه در هر شب دران نمایش یک عدهٔ بزرگ این مدعوین محترم که کمتر از هزار تن بنظر نمی آمدند احضار یافته ساعت تیری و صرفِ اوقات به تفریح مینمودند، برائے آن ذواتِ محترم که بعمل سگریت و چلم و تماکو مبتلا بودند با اینکه ذاتِ همایونی اشال این اعمال را بنظر نفرت و اکراه مینگرد محض تعظیم مهمانان و تعمیل بمضمون (اَكْرِمُوا الضَّيْفَ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا) لوازماتِ عملیهٔ شانرا تهیه نموده بود.

درهر وقت صرفِ طعام برائے این صنوفِ ذوی الاحترام طعامهائے گوناگون و مطبوخات وادامهائے ازحد افزون برطبقِ خواهشاتِ شان بهمراه فرنی و ماعوت و ترشی و مربا و دیگر لوازماتِ ماکولات و مشروباتِ بارده آماده و مهیا میبود، اضافه بران نان مکلف، میوه هائے تازه و شیرینیهائے هر رقم، و چائے، و کلچه، و پنیر و بسکوت نیز انتظار اوامر این مهمانان عزیز را میکشیدند.

ملاقاتِ خصوصی لویه جرگه بحضور شاهانه

بروز اول که هیئتِ محترمهٔ «لویه جرگه» تشریف فرمائے درهٔ باصفائے پغمان گردیدند از باعث ماندگی و تکلیف راه برای شان تا دو روز اجازهٔ سیر و تفریح و رفع کسالت داده شده

چنانچه هرکدام از آنها جوق جوق بیکوضعیت خیلی دلکش بکمال گرمجوشی بر هر طرف و کنار گشت و گذار نموده برخی با دوستان و دیگر همقطاران خویش مصروفِ مکالمات و مذاکرات دوستانه بوده عموماً در زمزمه خوانی صفات عجیب و خصال غریب اولوالامر غازی خویش صرف اوقات همی نمودند، وشب را با یک جهان شوق و ذوق گذرانیده، علی الصباح روز پنجشنبه (۲۵) سرطان قرار امر ملوکانه بذریعهٔ اطلاع نامه هائے رسمی دائرهٔ شاغاسی شاهانه بملاقاتِ خصوصی اعلیحضرت غازی عز افتخار نائل شدند، چنانچه عموم این مدعوین محترم باعتبار تقسیم نائب الحکومه گیها و حکومتیهائے اعلی مخصوصاً و علیحدهٔ بسواری موترها بشرف لقائے فرحت انتمائے ذاتِ همایونی در بالاباغ که محل سکونت و جای بود و باشِ شخصی اعلیحضرت بوده از وجه عین المال خویش آنرا تعمیر کرده اند بلباشد مشرف شده در میدان وسیعے که از هر طرف آب جاری و صدائے مرغان خوش الحان طاری بوده شرشر درختهای آن که از رشحهٔ آبش یک روح تازه در قالب هر شخص پیدا میشد و برای مدعوین محترم قبلاً چوکی و میز گذاشته شده بود و حضور موفور السرور میزبان مهربان اعلیحضرت «امیر امان الله خان» مانند یک شمس خاوری دران میان بر کرسی عالی نشسته انتظار ورود مهمانان عزیز خود را داشته بمجردیکه انظار سراپا انتظار این علما و مشایخ و سادات و وکلائے کبار که از روز عید الی الآن از دل و جان شوق مصافحه و معانقه و بغل کشی و شرفیابی ذاتِ همایونی را بدل میپرورانیدند بلقای فرحت انتمای اعلیحضرت محبوب القلوب شان برمیخورد او ضاع عجیب مؤدبانه و حالاتِ غریب محبت کارانه برآنها مستولی گشته مقابل مراحم و الطاف و اعطافِ ملوکانه نسبت بدوشان تماماً

دریکعالم استعجاب و حیرت رفته اوضاع و اطوار و رفتار این پادشاه دیندار را با اعمال و افعال دیگر سلاطین مقایسه و مقابله کنان هر کدام بزبان حال میگفتند ؎
اینکه می بینم به بیداریست یارب یا بخواب . اعلیحضرت غازی با هر تنے از او شان نوازشات خیلے محبّت کارانه و وضعیت های مهمان نوازانه را مبذول فرموده تنها تنها هر شخص را در آغوش محبت خود فشار داده از سر و روی شان بوسه گرفته بعد از انکه همهٔ شان بدست بوسی اعلیحضرت کامیاب و مظفر میگشتند ، حسب الامر همایونی برچوکیهاے موضوعه تماماً اخذ موقع نمودند ذات جهانبانی بیکوضعیت شفقت و محبّت کارانه مانند یک رفیق و یکدوست خلیق که کسے این خیال را هم بدل نمی پروراند که " این پادشاه است " با وشان مصاحبه و مکالمات دوستانه را انجام میدادند .

بعد از اینکه با همهٔ شان ملاقات و با هر فرد شان احوال پرسی و برسخے از کلمات سطحی را ایراد مینمودند بصرف چای و شیرینی اشغال ورزیده پس از اختتام ماکولات و مشروبات ، ذات همایونی با هر جمعیت میفرمودند که امروز ملاقات قومی همراه شما کردم سر از روز شنبه شروع حفلهٔ مبارکهٔ " لویه جرگه " را خواهم نمود ، بعد از استماع کلمات جواهر آیات اعلیحضرت همهٔ مهمانان با یک دل پر از فرحت و بیکوضعیت خیلے مسرّت به تذکر صفات و خصایل و نوازشات و مراحم همایونی پرداخته نطقهاے فصیح و بلیغے را نسبت بمساعی جمیلهٔ ملوکانه و افکار ترقی خواهانهٔ شاهانه ایراد داشته اکثرے از آنها لوایحے را که قبلاً ترتیب و تحریر نموده بودند بحضور همایونی قرائت میکردند و هر کدام شان در جواب خویش سخنان شیرین

و کلمات از حد متین شنیده بالآخر با دلهاے ناخواسته عزیمت فرمای مسکن و مأمن خود ها میگردیدند !

این ملاقاتِ ذاتِ شاهانه مخصوصاً با جمیع نمایندگان هر نائب الحکومگی و حکومتیهاے اعلی که عبارت از علما ، مشایخ ، سادات ، وکلا و اعزهٔ آنجا بود بهمین طوریکه مذکور گشت باهیئت هر ولایت و ایالت و حکومت مساویانه بذل مراحم و مکارم شاهانهٔ شان را فرموده بعد از صرف چاے و اعطاے شیرینی که در کاغذهاے رنگین ملفوف میبود مرخص میفرمودند !

تا اینکه این مجلس عالیه بساعت پنج اختتام یافته باز هر کدام از مهمانان محترم با چهره هاے فرحان و ناصیه هاے درخشان در باغ عمومی که حقیقتاً تعریفش از قوهٔ قلم بیرون است رفته در هر گوشه و کنار با دوستان و عزیزان خویش مصاحبه های محبانه و راز و نیازهاے مشفقانه نموده سرگرم حکایه رانی مهربانیهاے این میزبان مهربان مهمان نواز خود ها بودند !

اگرچه قلباً این راقم الحروف خواهشمند است که تمام اجراآت و منطوقات و عرائض و گذارشات « لویه جرگه » را که درین روز فیروز بترتیب فوق بحضور همایونی معروض و قرائت گردیده است یکان یکان درج نماید اما چون تمام آنها مشتمل بر تذکار و صفات و اخلاق و رفتار و کردار حسنهٔ ذاتِ شاهانه و ذکر ارتفاع مظالم و خرابیهاے از منهٔ سابقه بوده کارروائی و مساعی حاضرهٔ ملوکانه را تماماً بنظر استحسان نگریسته از تشکیل « لویه جرگه » و شمولیت خود ها بدان نعمت عظمیٰ اظهار شکران و امتنان نموده جمعاً متعهد شده اند ، که جانانه اظهار آرای شان را مینمایند ، بود ؛ لذا اندراج آنرا تماماً مناسب ندانسته ایم زیرا از انتقال آن بجز از اینکه در حجم کتاب بیفزائیم ، و از اوقات قیمتدار ناظرین خویش بکاهیم

دیگر فایده را عاید نخواهیم کرد ، امّا باید بدین لطافت و نزاکت توجّهات عالیاتِ ناظرین کرام را معطوف داریم که مقصد از ملاقات همایونی با این ذوات گرامی بدین ترتیبات که شمهٔ از آن مرقوم داشتیم ، باعتبار ولایات و ایالت و حکومتهای اعلی بجز از اینکه آنها را از اوضاع و اطوار و شفقت و مرحمتی که با عموم ملّت افغانستان بدل و جان دارند ، بدانانند دیگر چیزی نبود و آنها را بزبان حال و لسان قال مستحضر و حالی فرمودند که من از آن سلاطین و زمامداران نمیباشم که بطرفِ ملّت و رعیّت خویش بنظر تحقیر نگاه و بالفاظ زشت و نازیبا با آنها مخاطبه کنم ، و یا از مصاحبه و مجالسه و رد و بدلِ هر نوع مذاکرات با آنها محض تحفظ [رعب و دأب] پادشاهی تجنب ورزم ، نی بلکه من از آن خادمان اسلامیان و فدائیهای افغانستان میباشم ، که در راه ترقی و تعالی و رفاه و بهبودی سکنهٔ مملکتِ افغان از هیچ نوع مجهودات و مساعیات و تشبثاتِ خویش خودداری نیکنم ، و عموم ملّتِ خود را مانند پدر برادر ، فرزند قرة العین خود انگاشته ، مانند یک عاشق شیدا مال و جان و عیش و عشرت و هستی خود مرا فدای ترقیاتِ ملّتم که آنها را مثل یک معشوق رعنا می انگارم ، مینمایم ، و به آنها خوبتر فهمانید که بنزدِ من آن اشخاص مقبول و آن ذوات محبوب اند ، که آزادانه با من بر طبقِ مقرراتِ شریعت و انسانیت در بارهٔ تعالیات و رفاه و بهبود ملت و مملکت و دولت مثل مذاکرات سطحی و شخصی امروز ، هر روزه در محفل « لویه جرگه » نیز مذاکرات و مباحثات در مواد مبحوثه نموده از من و از وزرا و مامورین دولت ابدا مرعوب نشوند و در همه مذاکرات و اجراآت ، خداوند خود را حاضر و ناظر پنداشته مفاد ملت و مملکت و منافع دولت خود را

به پیش نظر گرفته باصول شریعت و انسانیت گفت و شنید نمائید !

امامت و خطبهٔ همایونی بروز جمعه (۲۶) سرطان در جامع امانیه پغمان

فردای آن که روز جمعه و یکروز مقدس اسلامی بود عموم علمای محترم و مشایخ مکرم ، و سادات و رؤسای معظم همه نقاط لازمهٔ افغانیه و باقی اهالی پغمان و نفری ملکی و نظامی و باقی نفری در جامع « امانیه » آمد آمد شان را از ساعت (۱۱ ½) آغاز نهاده حصهٔ تحتانی و فوقانی این مسجد عالی را با این طول و عرضی که دارد از نفری مملو گردیده حتی در میدان وسیعیکه در عقب و اطراف و جوانب مسجد میباشد نیز از اشخاص نماز گذاران پر گردیده بود و منتظر ادای صلوة جمعه بودند !

در ضمن این بناهای مینونشان پغمان و قصرهای فرحت توامان آن مخصوصاً جامع امانیهٔ پغمان بیشتر قابل تقدیر و خاصتاً مستحق تعریف و توصیف است ، اگر ما این مسجد صفا و معبد خالق ارض و سمای خود را در میان این قصور و عمارات مانند مهتاب در میان ستاره های درخشان و یا مثل آفتاب تابان در عالم امکان نمائیم ، همانا که نظر بحیثیات اسلامیت کارانهٔ خویش چندان مبالغه نکرده ایم ، هکذا اگر از روزهای تاریخی و یادگارهای شوکت انتمای او روز فیروز این جمعهٔ مبارکه را بگوئیم ، که در موقع « لویه جرگه » ذات ملوکانه بار امامت و وظیفهٔ خطابت را در آن بکمال طلاقت و سلاست ایفا فرموده اند ، همانا که اظهار حقیقت را نموده ایم ، و از حکایهٔ آن برای ملّت دور دست خویش بشارتی را

تحفه کرده ایم، که ذات محیی ملت افغان شهنشاه غازی عرفان پسند مان بحضور تمام مشایخ کرام، و علمای عظام، ووکلا و سادات و اغرهٔ ذوی الاحترام تمام خطهٔ علیهٔ افغانستان خطبهٔ غرائی را مخاطبه نموده اند، که مضمون هدایت مشحون آن در ذیل قلمبند میگردد، و از ان مبین و آشکار خواهد شد که طیارهٔ افکار اسلامیان را در فضای شریعت پروری و ترقی تشویق به پرواز میدهند، و اهل ایمان را بترغیب جدیت و فعالیت یک حیات باشرف تازه می بخشند !

خطبهٔ اولی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ ٥ نَشْهَدُ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَنَشْهَدُ اَنَّ سَیِّدَنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ ط صَلَّی اللّٰهُ تَعَالٰی عَلَیْهِ وَعَلٰی اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِیْنَ ٥

اَمّا بعد :- ای برادران و عزیزانم !

خدا را شکر گذاریم که ما را در دین اسلام حیات داشته و باز پیغمبر ما که پیغمبر آخر زمان و شفاعت گر همهٔ عاصیان است، میباشد !

اگر ما بخواهیم که در جنت برویم رفتن آن بدست خود ماست، زیرا که اگر ما افعال شایسته مطابق شریعت (احمدیه) نمودیم، در آخرت به بهترین جنت ها خواهیم بود جنت از ما مسلمانان است، کسی دیگر بغیر اسلام دران حق ندارد !

همهٔ تان میدانید که نماز از طرف خالق ما بالای ما فرض گردیده اگر ما این امر خدای خود را که اول ترین و اهم ترین فرایض شمرده میشود بجا بیاریم در آخرت و دنیا باعزت و باشرف خواهیم بود !

عرض میکنم بر نماز های خود قرار احکام خداوندی بکمال جدت و پافشاری تا بتوانید پابند باشید، چرا اول چیزیکه خداوند در روز آخرت از ما میپرسد نماز خواهد بود ـــ

روز محشر که جانگداز بود ❖ اولین پرسش از نماز بود

بنابرین سبب در نماز خود سست نباشید، امید میکنم که در تمام احکام خداوندی و ایجابات شریعت (احمدی) همهٔ شما فعال و بیدار و جدی باشید حتی اگر شما فقط بنماز خود پابند بوده او را همیشه در پنجوقت بخوانید نه در دنیا و نه در آخرت پیش کسی خجالت خواهید کشید !

اگر کسی تا حال بنماز خود پابندی نداشته باشد و یا بترتیب نخوانده امید میکنم، که از دربار خالق خود معافی گذشته را خواسته بصدق دل ازان تائب شود، چون خدا ما مهربان است امید که قرار آیهٔ (تُوْبُوْٓا اِلَی اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا) اگر از دل و جان صاحب حسرت و خجالت و امیدوار مغفرت خداوند باشیم بر گناهان ما قلم عفو کشیده میشود، و در آینده تا بتوانید در پابندی نماز خویش زیاده تر کوشش ورزید، اگر شما حقیقتاً خواهان ترقی و برتری باشید، پس در تعلیم و تعلم آموختن علوم و فنون زیاده بر زیاده بکوشید، امروز که ما و شما علما و فضلا را بنظر عزت و احترام مینگریم تماما از برکت علم است باید بیش از پیش در تحصیل آن بکوشید !

هر کسیکه خیال و آرزوی خوشنودی و رضای آلهی و شناسائی خداوندی را

داشته باشد بواسطهٔ علم بمقصد خود کامیاب نخواهد شد گویا نجات آخرت ما علم است .

آیا نمی بینید و خجالت نمیکشید ازان اشخاصیکه نسبت بما و شما عالم و صاحب کمال و عزت و اجلال هستند بر ما فخرها میکنند !

حقیقتاً برای شان نظر بدین ایجادات محیر العقول که به آسمان و زیر بحر میروند و مسافت بسیار بعید زمین را بکمال مسارعت طی میکنند ماشینها، توپها، تفنگها، صنعتها، حرفتها، وغیره اختراعات عجیب و غریب را در معرض اجرا می آورند، میزیبد که بر ما تفیلها فخر کنند، باین لحاظ باید تا جان داریم در پی بدست آوردن همچه یک نعمت عظمی که این ترقیات را موجب است از دل و جان کوشیده تا جائیکه میتوانیم علم بیاموزیم

علم است که خداوند را بما می شناساند !

علم است که ما را موفق بحفاظت اسلام و شریعت و وطن و مملکت میسازد !

علم است که نه تنها عزت و حرمت اسلامی ما را ادامه بلکه ما را برای مدافعهٔ دشمنان و تعرض بر اعدای مان مقتدر میدارد !

علم است که نسبت بدان، پیغمبر ما میفرماید، علم گم کردهٔ مسلمانان است، باید که در پی تحصیل آن بهر جائیکه باشد بکوشید !

دین ما گاهی بما اینچنین تعلیم نمیدهد که علاوه بر علوم اخروی در مفاد دنیوی خود نکوشیم !

دین ما ابداً اجازه نمیدهد که قوت و آلات قاتله بدست دشمنان ما بوده آنها را بر علیه ما استعمال کرده و ما ازان محروم باشیم !

شخصیکه علم ندارد گویا در دین و دنیا ذلیل و خوار خواهد بود، از برای خدا علم بیاموزید تا خدا را بخوبی بشناسید چراکه: (بیعلم نتوان خدا را شناخت) .

حکومت شما و من عاجز کوششها کردیم و مکتبها از برای تحصیل علم جهة اولادهای شما ملت تشکیل دادیم، پس چرا کاهلی مینمائید و در اخذ تعلیم تنبلی میورزید .

عناد و خصومتی را که دشمنهای شما در دلهای تان می اندازد که در مکاتب شما علم دنیا جاریست، کاملاً غلط است (الحمد لله) همهٔ شما عاقل و صاحب فهمید و خوب میدانید که فقط علم دنیا بمدارس ما جریان ندارد بلکه تعلیمات دینیه و مسائل اخرویه و عقاید اسلامیه در آنها بکمال خوبی و درستی تعلیم داده میشود، چنانچه حالا معلومات دینیهٔ عموم طلبهٔ صنف ابتدائیهٔ سائر مکاتب ما نسبت بطبقهٔ عامه بعضی علمای عصر حاضره کمتر نخواهد بود، و ما علوم اخرویه و فنون دنیویه را ازینجهة یکجا در مکاتب خویش جاری داشته ایم که ما در دین و دنیا کار داریم و دشمنهای ما فقط در دنیا، و از آخرت محروم و بی نصیب اند !

امروز دشمنهای ما به آسمان و بزیر زمین که فکر و خیال از دیدن و شنیدن آن مقصر است پرواز و رفتار دارند، بدا بر حال فلاکت مآل اسلام که در کنج گمنامی و بدنامی خزیده برخلاف فرمودهٔ خدا و پیغمبر خود که (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ ..... الآیه) دست دشمنهای خود را بر سر خود دراز مینمائیم !

محض جهة حفاظت دین مقدس اسلامی و ترویج شریعت غرای نبوی و اعلای کلمة الله بر همهٔ ما ضرور و لازم است که علوم دینیه را بیشتر خوانده علم دنیا را هم یاد داشته

باشیم، تا آنچیزیرا که بواسطه اش دشمن خود را مغلوب و مفتوح سازیم، نیز بچنگ آریم،
و آن چیست، توپ، تفنگ، کارطوس، باروت و دیگر آلات جارحه !

اگر خود ما چنین اشیای قاتله را نداشته باشیم و بر ساختن و پیدا نمودن آن مقتدر نباشیم آیا دشمن های ما برای ما، توپ اعلی کارطوس خوب را خواهند داد که بواسطهٔ آن خود شان از دست ما خراب و ابتر شوند! نی! گاهی بما نمیدهند بلکه خود ما را هدف اسلحهٔ آتشین خود نموده، هستی و زندگانی ما را بخاک برابر مینمایند، اگرچه حافظ دین اسلام خود خداوند است باز اگر ما و شما فعالیت و جدیت را بکار بریم خالی از فایده نیست، با اینهم خدا را شکر میگویم آن عالم اسلام را که همیشه کفّار خورده بودند، و خیال پریشانی و تباهی شانرا همواره بدل میپرورانیدند (الحمد لله) فی الحال بیدار شده متحداً بشاهراه ترقی خودها پویانند و دشمن و دوست خود را بخوبی می شناسند !

درحقیقت جمیع علوم و فنون که امروز بنظر ما میخورد، و دشمنان ما را بر ایجادات غریب و عجیب موفق ساخته همه از عالم اسلام بود، چه شد که اسلام بعیش و ساعت تیری و نفاق خانگی و استراحت و تنبلی گرفتار شده آن میراث خود را واگذار شدند، آن دشمنهای عالم اسلام که همیشه درصدد همین امر بودند تا به علیهٔ ما کامیاب گردند، از دست غفلت خود ما اسلامیان سلطه و اقتدار پیدا کردند !

خیر گذشته گذشت و آینده باید از مکر و خدعهٔ دشمن هوشیار باشیم، با اینکه حافظ و ناصر دین مقدس نبوی خود پروردگار است، تاهم باید ما و شما بیشتر بکوشیم

تا آن عزت و شوکتی را که خداوند بما مسلمانان وعده فرموده از دست ما و شما در معرض وجود آید تا مسلمانان آینده بگویند که ترقی اسلام و ترویج دین مبین سید الانام در عصر من عاجز باتفاق و اتحاد و جانفشانی علما و فضلا و رؤسای این زمان که شمائید در معرض وجود آمده است تا یک نام نیک و نشان خوبی ازین سلطنت و ملت حاضرهٔ ما در صفحهٔ روزگار بطور یادگار باقیماند، بنابرین من خادم اسلام شما وکلا و فضلای ملت را خواستم تا کوشش کنید، عموم افراد ملت را بطرف علوم و فنون میلان بدهید تا آنچیزهائی را که دشمنها از ما غصب کرده اند از وشان پس بگیریم، فعال و بیدار و شجاع و صاحب عقل و انصاف و مالک جاه و جلال از دست رفتهٔ خویش مجدداً بشویم !

یک شخص نمیتواند که همه علوم را برای یک فرزند خویش در خانه تعلیم دهد یا معلمی را مخصوصاً برای وی تخصیص کند، ازینرو حکومت شما برای تان مدارس متعددی طرح افگند و معلمین مزیدی را در آنها مستخدم نمود، و علوم دینیه و فنون دنیویه را دران جریان داده مصارفات و پول آنرا دولت متعهد گشته تا شما بکمال اطمینان فرزندان خود را دران تعلیم دهید، از برای خدا اولادهای خود را چرا در مکاتب داخل نمیکنید، و در مقابل اینهمه خدمات و دلسوزی حکومت خویش، شما چرا تنبلی و کاهلی نموده بر حیات و زندگانی آیندهٔ پسران خویش حسرت نمیخورید و دلسوزی نمیکنید، که بیعلم و جاهل و بیکمال همی مانند (والله) اگر شما بمکاتب نرفتید خود را بدست خود خراب مینمائید !

هر امریرا که خداوند ما بر ما میفرماید چه در تحصیل علوم و فنون و چه در امورات دینی و دنیوی

تماماً برای فائدهٔ خود ماست، خداوند تعالی بروزه و نماز ما احتیاج ندارد و نه عظمت و جبروت او از عصیان و نافرمانی ما کم میگردد، فقط هر چه میکنیم و هر اوامرش را که تعمیل مینمائیم برای خود میکنیم، اگر نماز میخوانیم و یا روزه میگیریم فائده اش برای خود ما و شما است، باید در ارشادات آلهی یک جدت و فعالیت فوق العاده را بکار برده گاهی از احکام خداوندی واز اوامر حضرت نبوی انحراف نورزیم، و دشمن خود را بر خود غالب و فاتح نگردانیم، لازم است که در راه ترقی اسلام کوشش کنیم و تا ریزانیدن قطرهٔ آخرین خون خود در راه عالم اسلام حاضر باشیم وروی خود را از دشمنان اسلام نگردانیم، و سر خود را پیش اعدای مسلمانان خم نکنیم، پیغمبر ما میتوانست که به بسیار سهولت و آسانی بیک اشاره تمام عالم کفر را مسلمان ساخته دین مبین خود را منور و روشن میساخت، چراغ بیفروغ کفر را خاموش میگردانید، اما باین لحاظ درین موضوع از روحانیت و عصمت و عظمت خود کار نگرفت و هر چه کرد بزور شمشیر و سعی و کوشش خود در ترویج دین اسلام کوشید، تا تعلیم جدت و فعالیت و مقاومت را بامت خویش آموختانده آنها را العیش پرستی و تنبلی تشویق ننمودند!

اگر چه امیدواریم، وعدهٔ که خالق بینیاز ما با ما کرده در آخرت در جنت خواهیم بود، و بقدر گناه و نافرمانی که از اوامرش کرده باشیم در دوزخ خواهیم سوخت، اما در خاتمه اطمینان داریم که در جنت میرویم، لاکن از لطف خداوندی آرزو داریم که در روز محشر بشفاعت پیغمبر خود از تمام گناهان مغفو و در بهترین جنت ها برویم!

غرض آخرین ام من چنین است، که ما و شما باید کوشش کنیم و جان خود را فدای دین بسازیم

خونهای خود را در راه او بریزانیم، تا آن چیزهائی را که دشمنان از ما سلب نموده اند بفدا کردن سر خود از وشان باز گیریم، مسلمانی که صادق و در اسلامیت خویش محکم و پابند باشد گاهی در راهِ خدمت اسلام تنبلی و کاهلی نمیکند، اگر چه بداند که درمیان باران گله هاے توپ و تفنگ باشد زیرا امید اند که بی اجل مرگ نیست (والله) اگر خودم درمیان آتش تفنگ باشم، گاهے خوف و هراس را بدل خود جا نمیدهم، میدانم تا زمانیکه اجلم نرسیده باشد یکقدرے برایم ضرر و نقصانی عاید نخواهد شد، زمانیکه اجلم رسید اگر در خانه هاے محکم باشم یکلحظه تغیر و تبدیل نخواهد شد، چنانچه آیهٔ شریفهٔ مبارکه است که (اِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ..... الخ).

ای برادران بیائید که کوشش کنیم و سعی نمائیم تا در مقاصد دینی و دنیوی خود ها کامیاب باشیم، ما مسلمانها هم برای آخرت خود کار میکنیم و هم براے دنیای خود، بغیر اسلام دیگران بکار دنیا مشغولیت داشته الله تعالی از آخرت بے نصیب شان کرده و هر ترقی و بهبودی که هست فقط در دنیا برای شان داده است!

والله جگرم کباب گردیده سینهٔ خود را چاک کرده میگویم، از براے خدای عالم اسلام چه شد شما را! که بخواب غفلت غنوده، و چه پیش آمد شما را! که بکنج کسالت خموده اید! آن عالم اسلام چه شد! که همیشه دشمن خود را مغلوب میساخت؟ آن عالم اسلام کجا شد! که ممالک اعدای خود را بزور سونه مفتوح میگردانید؟ که امروز نسبت بعالم اسلام یک بیوه زن شرف و عزت دارد؟ (درینموقع قطرات عبرات از چشم نرگس وش شاهانه ترشح نموده گل عارضش را آبیاری مینمود) از براے خدا و رسول خدا! دست اتفاق و اتحاد را بایکد بدهید،

که دشمنان تان درپی انهدام وخرابی شما همیشه جاهدانه میکوشند، بیائید تا به پیش خدای خود عرض بکنیم! ای خدا! تو دیده بودی آن اسلام را که در اوج ترقی و تعالی عروج داشت، ولوای زیبای اسلامیت را بر دوش همت خود بر روی عالم برافراشت، و دشمنان خود را از هیبت و سطوت اسلامی درلرزه می انداخت از برکت روح سنت حضرت (رسول) مقبولت مجدداً باز آن اتحاد و اتفاق و فعالیت و شجاعت و هیبت و سطوت را نصیب این بازماندگان بیچارهٔ اسلامی عطا و مرحمت و کرامت فرما، مخصوص قوم افغان را در دین و دنیا سرخرو و کامیاب گردان، اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً - (الآیه)

خطبهٔ ثانی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ نَشْهَدُ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَنَشْهَدُ اَنَّ سَيِّدَنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ ۝ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ اَجْمَعِيْنَ ۝ فَقَدْ قَالَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى: اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا ۝ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلٰنَا مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَاَصْحَابِهٖ وَعَلَى الْخُلَفَآءِ الرَّاشِدِيْنَ حَضْرَتِ اَبِيْ بَكْرٍ وَحَضْرَتِ عُمَرَ وَحَضْرَتِ عُثْمَانَ وَحَضْرَتِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُمْ اَجْمَعِيْنَ وَعَلَى السِّبْطَيْنِ الشَّهِيْدَيْنِ

اَلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلٰى اُمِّهِمَا سَيِّدَةِ النِّسَآءِ وَعَلَى الْعَمَّيْنِ الْمُعَظَّمَيْنِ بَيْنَ النَّاسِ حَمْزَةَ وَعَبَّاسٍ ؕ وَعَلٰى بَقِيَّةِ الْمُهَاجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ ؕ رِضْوَانُ اللّٰهِ تَعَالٰى عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ ۔

الٰه العالمینا برای عالم اسلام خصوصاً برای قوم افغان ترقیهائی را که تو میدانی نصیب بگردانی، بحضور برادران خود عرض میکنم که بیدار شوید اگرچه (الحمد لله) این جوش و خروش را که در بین عالم اسلام می بینم امیدوار میشوم که بیدار شده خواهند بود!

خدایا بدربار تو امیدواریم که کسی از بارگاهت بی نیاز بازگشته کسیکه بی نصیب از حضورت گردیده شیطان است، ما را در آخرت پیش خودت و پیش آنحضرت سرخرو و باعزت بداری دعا میکنم که برادرهای ترکی و دولت ایران و ترکستانیها و هندیها و مسلمانان چینائی و عموم ملت اسلامیه را که در هر نقطهٔ دنیا باشند در دین و دنیا باعزت و باشرف و نیکنام بداری! الٰهی بحرمت حضرت (رسولت) عالم اسلام را ازین حال فلاکت و پریشانی بکشی، علی الخصوص قوم افغان را، و من عاجز را که خدمتگار دین مبین سید المرسلین میباشم توفیق خدمت عطا کنی! تا در راه اسلام یک خدمت شایان تقدیر ابراز نمایم، و عسکر افغانستان را همیشه مظفر و کامیاب داشته باشی و سرش را پیش دشمن خم نگردانی! و همیشه نوک برچهٔ شان را بنوک چشم دشمنان لاله سان بداری! بَارَكَ اللّٰهُ لَنَا وَلَكُمْ الخ.

لایحهٔ نظامنامهٔ مجلس لویه جرگه

[همدرین روز جمعه بعد از فراغ نماز و صرف طعام لایحهٔ ذیل برای حضرات مدعوین لویه جرگه

از ریاستِ شورای بتوسط مهمانداران شان جهة تبصره و پیش بینی آنها فرستاده شده است] .

۱ :- در مجلس «لویه جرگه» اشخاصیکه برای مجلس «لویه جرگه» دعوت شده اند داخل میشوند.

۲ :- از مأمورین داخلیه الی سرکاتب ها و از صنف عسکری الی کندکمشران شامل مجلس شده میتوانند .

۳ :- اخبار نویسان که تکتِ اجازت داشته باشند تنها برای سمع شامل شده میتوانند و حق تکلم ندارند .

٤ :- در مجلس اخذ موقع مطابق ترتیب نقشه میشود .

نظام مباحثه

۵ :- در ابتدای هر مجلس رئیس به الفاظ (بنام خدا آغاز میکنم) افتتاح کلام مینماید ، بعد ازان باجازهٔ رئیس منشی مجلس لائحهٔ مبحوث عنها را قرائت میکند .

٦ :- در انتهای هر مجلس مواد مذاکره خواه مجلس فردا از طرفِ رئیس برای اعضای مجلس بذریعهٔ ورق علیحده توضیح میشود .

۷ :- بعد از انکه مسئله قرائت شد دو دقیقه سکوت محض بوده بعد هر کس توضیحات میطلبند ، یا از طرفِ رئیس و یا بنا بر امر رئیس از طرفِ همان وزیریکه لایحه اش زیر بحث است توضیحات داده میشود ، بعد آن هر کس اعتراضے داشته باشد و یا رائی بهتر برا گفتن بخواهد بعد از اجازهٔ رئیس ایستاده مدلل بیان میکند و الاّ سکوت میماند .

نظام رأی گرفتن

۸ :- در ابتدای مجلس ، دو دو دانه های مهرهٔ سفید و سیاه برای هر فرد اعضای مجلس تقسیم میشود ، حینیکه مسئله قرائت شد کسانیکه طرفدار عین همین مسئله که قرائت شد ، باشند دانهٔ سفید ، واگر بخلافش و یا در نفی آن باشند دانهٔ سیاه را در صندوقهائیکه بهدستِ نفری در مجلس گردش دارند انداخته میشود ، و مسئله از روی کثرت آرا فیصله میشود .

۹ :- مسائلیکه تصویب میشود بنا بر کثرتِ آرا قید و ضبط میشود ، و در مجلس بقدر لزوم کاتب و اسباب تحریریه موجود میباشد !

قواعد و ضوابط

۱۰ :- هیچکس غیر از کسانیکه در فصل اوّل نشانداده شده شامل مجلس شده نمیتواند در روزهائیکه ذاتِ اشرفِ اعلیحضرت شامل مجلس میشوند ، صدارت مجلس مفوّض بذات همایون است .

آداب

۱۱ :- در مجلس بدون آب چیزے خورده نمیشود .

۱۲ :- تا کسے بیاناتِ خود را تمام نکرده است از طرف دیگران تصویب و تردید نمیشود .

۱۳ :- هر کس رئیس را مخاطب ساخته کلام میکند اگرچه جواب دیگری را بگوید .

۱٤ :- غیر از مذاکراتیکه در مجلس میشود ، دیگر الفاظ رکیک و خارج بحث استعمال نمیشود .

طعن وشتم وخندهٔ نامناسب قطعاً ممنوع است، مرتکب چنین افعال ازطرف رئیس اخطار و اسکات میشود .

۱۵ :- دراثنائیکه مذاکرات شروع میشود اظهارات مسائل شخصی قطعاً موقوف ست .

کوائف روز نخستین

بروز شنبه (۲۸) سرطان که روز اول « لویه جرگه » وشروع این جلهٔ مبارکه بود سابقاً بطرف غرب کوتی سهیل یک بارگاه بزرگ ایستاده شده بود ودرمیان آن چوکیهاے مزیّن به ترتیب های بسیار درست گذارده ودور ادور آن باسقف بارگاه بگلهای مصنوعی ملون واقسام تزئینات وآرایشات آراسته شده تمام مدعوین « لویه جرگه » ووزرا ومدیران و مأمورین دولتی درین بارگاه عالیه شرف حضور بهم رسانیده بترتیبات آتی اخذ مواقع نموده انتظار ورود مسعود همایونی رابدل میپرورانیدند !

مقامیکه برای ذات ستوده صفات شهریار غازی درین بارگاه عالی پایگاه تخصیص شده بود ودر نقشهٔ آتیه بعنوان « تخت همایونی » نشانداده شده است درچنین موقع درمیانی ومرتفع بود که گذارشات « لویه جرگه » را کاملاً میشنیدند، وهم فرمایشات شهریاری راعلی العموم بخوبی شنیده میتوانستند .

نقشهٔ که درصفحهٔ مقابل نشویه شده عیناً مطابق است بدان لایحهٔ که قبلاً برای شرکای « لویه جرگه » توزیع شده بود تاکه برطبق آن اخذ موقع مینمودند .

نقشهٔ مجلس لویه جرگه واصول اخذ مواضع آن

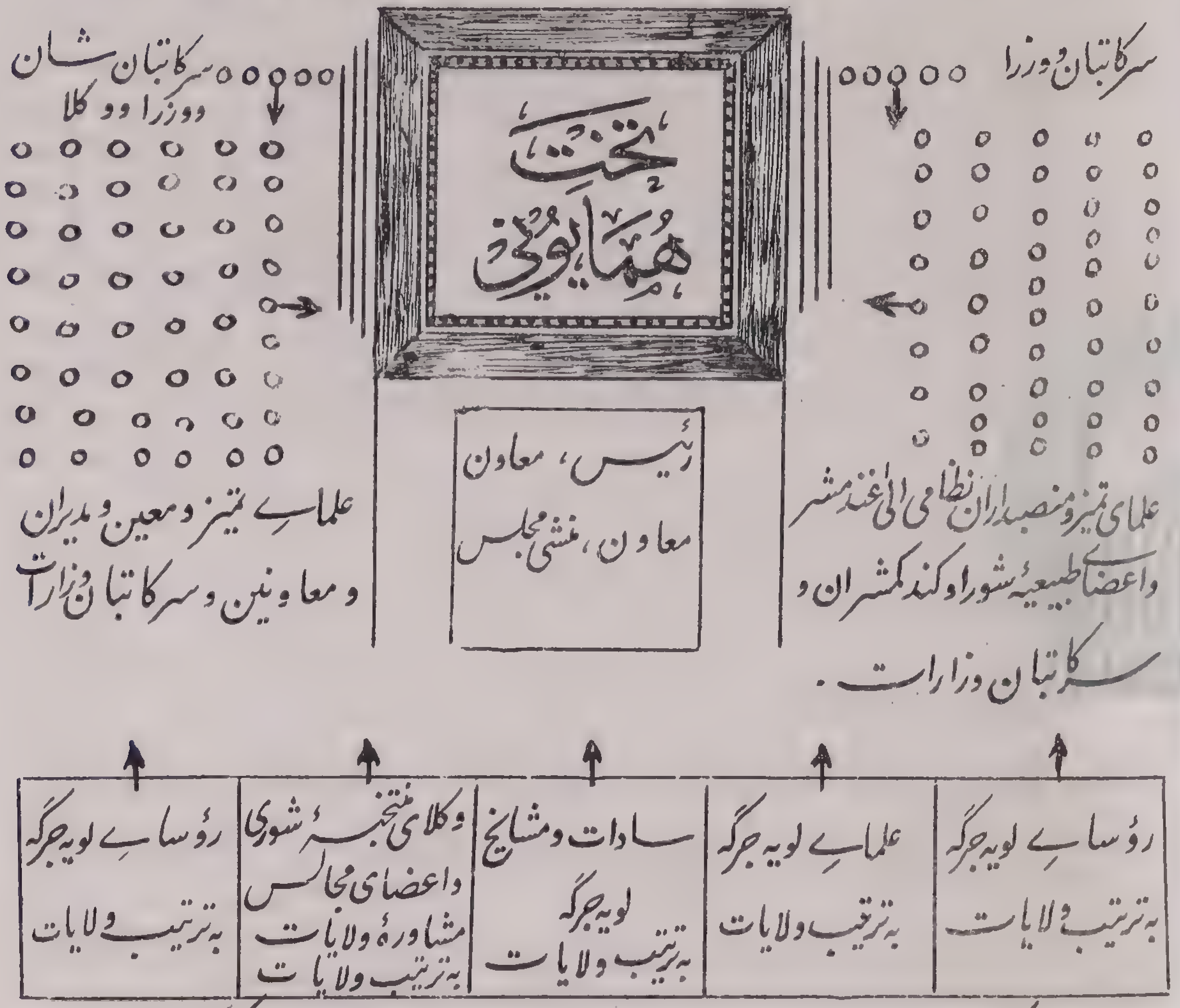

تا اینکه ذات جهانبانی پوره بساعت (۸) رونق افزای این محفل مبارکه گردیده مراسم تعظیم وتکریم شان ازطرف عموم حضار چنانچه لازم است بجاآورده شد درینجا چنانچه معمول است، باطراف وجوانب ذات شاهانه ازطرف منصبدار شاهی دراطراف تخت عالیبخت وجوانب آن بارگاه عدهٔ از رساله های شاهی بطور پهره دار ومحافظ مقرر شده بود، ازهمه پیشتر چیزیکه جلب توجه

اعلیحضرت را نمود همانا همین نفری عسکری که بچهار اطراف تخت ایستاده بودند، بود؛ علی الفور اوشان را از بارگاه، حکم خارج شدن را فرمودند [درین مسئله یک نزاکتیست که توضیح آن برای قارئین لزومی ندارد] بعد از وقفهٔ دو دقیقه ذات جهانبانی برپا ایستاده نطق ذیل را ایراد نمودند:-

نطق اعلیحضرت غازی قبل از آغاز لویه جرگه بروز شنبه (۲۸) سرطان ۱۳۰۳

بسم الله الرحمن الرحیم، بنام خدای خود این مجلس عالی را آغاز میکنم، پیشتر از همه چیز مکرّراً شما را در پایتخت مملکت عزیز تان خوش آمدید تقدیم مینمایم!

در مباحث این مجلس همه شما حقوق دارید، و هرچه که بفکر شما درست و سودمند و مفید پنداشته شود، آنرا بی کم وکاست آزادانه بگوئید، و در اظهار رای حقانهٔ خویش هیچ کوتاهی ننمائید: اگر رائی شما خوب و افکار تان معقول باشد همانا که مقبول میگردد، واگر یک رائی خراب و مسئلهٔ ناصواب باشد؛ در اظهار آن شما مسئول نخواهید بود فقط منظور نخواهد گشت.

اشخاص فهمیده و دانستهٔ ما بخوبی میدانند که بدین جرگه در ترقیات مادی و معنوی و مسائل داخلی و خارجی و اقتصادی افغانستان ابحاثی که مفید حال ملت و مملکت و دولت باشد بعمل می آید، وبعضی از ذوات محترم چنان خیال دارند که مقصد از اجتماع اینقدر اشخاص معزز و جماعتهای بزرگ از اطراف و ولایات وحکومتیهای پایتخت افغانستان از چیست؟ آیا کدام مشکل عظیمی بحکومت ما لاحق شده که دران مورد ازین حضرات مدعوین امداد میخواهد و یا با اوشان

دران موضوع مذاکره مینماید!

عرض مینمایم که لله الحمد امروز تمام کارهای شما بکام شماست وهیچگونه پریشانی وآنچه که مردم بخیال دارند موجب انعقاد این مجلس نگردیده است!

فقط امروز این خادم دین و ملت محض برای بهبودی مملکت و رفاه ملت وصلاح دولت بهمراه شما مشوره مینماید چراکه؛ حیات شما، عزت شما، شرف شما درین مملکت است، چیزیکه درین موضوع بفکرهای تان برسد اظهارات اورا آزادانه نمائید؛ زیرا در نیکنامی و بدنامی و عزت و ذلت افغانستان همه ما و شما باهم شرکت داریم.

اگرچه از اول جلوس خویش این خادم اسلامیان الی الآن هیچ کار و امری را بدون مشورهٔ شما در معرض اجرا نگذارده ام و با وکلا و اعضا و رئیس شورای دولت و هیئت وزرا در اجرآت و احکامات خویش استشاره وصوابدید خواسته ام و از افکار عالی آنها به بسیار از ترقیات و مقاصد خویش نائل گردیده ایم، باز هم چون در افغانستان اساس وکالت نمایندگی تا بدین درجه مستحکم و مضبوط نگردیده است که وکلای محترم آن افکار و بهبودیهائی را که برای حکومت از طرف ملت خود مشوره میدهند فوراً آنرا بملت و قوم خویش معلومات و اطلاعات بدهند.

بنابرین خواستم که از علمای مکرم و سادات معظم و مشائخ کرام و فضلای عظام و خوانین واعزه و اشراف تمام ولایات وحکومتیهای اطراف افغانستان بعد از اجتماع شان بمرکز حکومت افکار و آرائی را نسبت بدین مقاصد عالیه اخذ نمائیم.

بازمیگویم که از لطف خداوندی و روحانیت ذات رسالت پناهی این دوره

پنجسالهٔ ابتدائی ممالک افغانی بکمال خوبی و کامیابی انجام یافته در آینده نیز امید میپرورانیم، که از حسن افکار و آراء شما ملت بترقیات فوق العادهٔ دیگر نائل گردیم.

اگر شما هیئت «لویه جرگه» درین مسائل مبحوثه آزادانه رأی ندهید، و در مفاد ملت و دولت بذل مقدرت ننمائید همانا که بنزد خدا و رسول و من عاجز که اولوالامر شما و عموم ملت، که شما نمایندگان حقیقی آنها میباشید، مسئول و جوابده خواهید بود.

از برای خدا بکوشید و بیدار باشید و دقیقهٔ از دقایق خیر خواهی و خیر اندیشی ملت و مملکت و حکومت متبوعهٔ تانرا فروگذار نشوید که بدنام دنیا و آخرت خواهید بود، باید که محض بلی بلی! نگوئید، و نه فقط بکلمات نافیه طرفداری کنید بلکه هر آن چیزیرا که نسبت بترقیات ملت و مملکت خویش بفکر دارید آزادانه و حقانه باواز صاف و بلند بیان نمائید.

اگرچه خوبتر میدانم و کاملاً یقین دارم که احدی از شما وکلا و حضار مجلس باندازهٔ من خیرخواه و خیر اندیش ملت من نخواهید بود چرا که من طرفدار آسایش عموم ملت هستم و برای برتری و تعالی عموم ملت و تبعهٔ افغانستان، بذل مساعی میورزم و خواهان ترقیات و آسوده حالی شخصی خود ابداً نمیباشم، اگر بلے بلے! شنیدن میخواستم و طرفدار ترقیات شخصی میبودم (نعوذ بالله) خودسرانه، جابرانه، کار میکردم!

نی! میخواهم هر کاریرا که بکنم بمشورهٔ ملت باشد و خواهش ندارم که هیچ اساسے برخلاف شریعت غرای (احمدی) در ممالک افغانی رایج باشد، بلکه همواره نقطهٔ نظرم اینست که برطبق شریعت و فرمایشات اصول اسلامیت کار نمایم!

امّا اینقدر عرض میکنم باندازهٔ که شریعت اختیار را به پادشاه داده من هم خود را تا بهمان اندازه صاحب اختیار می انگارم نه علما را چنانچه دیروز (در مسجد جامع امانیهٔ پغمان در ضمن موعظه) یک ملّا صاحب گفت البته درینجا هم حاضر خواهد بود و خود را میشناسد که شریعت بعلما سپرده شده است و بملاها کاملاً تعلق دارد، سنی! شریعت مال خدا است (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) البته علما بیان کننده و روشنی دهندهٔ آن است.

چون امروز اولین روز بود اینقدر توضیحات دادم، تا بدانید اساسے را که ما میگذاریم کاملاً باید مطابق شریعت اسلامی باشد، آینده در آغاز مجلس فقط بگفتن «بنام خدا آغاز میکنم» اکتفا خواهم کرد! بعده هر مسئله که باشد بران بحث رانده خواهد شد، الیوم فقط بر مسائل خارجیهٔ خویش بحث مینمائیم، بعده بمذاکرات و مباحثات داخلیّه خواهیم پرداخت، چرا میدانید اوّل باید مناسبات خارج ما مضبوط و خوب باشد داخله بدست خود ما است هر قسم که بکنیم میتوانیم کرد! [ذات ستوده صفات اعلیحضرت غازی ما چنانچه در اوائل جلوس خویش استحصال استقلال و ارتباط مناسبات خارجیه را اوّلاً در زیر نظر گرفته و بشرط حصول آن تاج سلطنت را بر سر سعادت افسر خویش گذاشته بودند، همچنان درین ابتدا دورهٔ دوّمین نیز از همان نقطهٔ نظر اولین تصفیهٔ مسائل خارجیه را تحت مذاکرات آورده اند].

بعد از منطوقهٔ ذات همایونی رئیس صاحب شورای دولت برپا ایستاده خطابهٔ ذیل را ایراد نمودند!

نطق رئیس صاحب شورای دولت

حضرات محترم و حضار مکرم !

بهمهٔ شما یان معلوم است که الحمد لله و المنه دین مبین ما دین اکمل و اتمیست جامع احکامیکه تنها سعادت اخرویهٔ ما را، نه بلکه سعادت دنیویهٔ ما را نیز تامین میکند، چنانچه حضرت واجب الوجود جلت حکمته در کلام معجز نظام خود میفرماید: (اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِیْ) در دائرهٔ احکام دین منیفه که موجب سعادت دارین است در امور دینیه و دنیویه امارت یعنی وظیفهٔ ادارهٔ مملکت و حکومت شرعاً به اولوالامر عاید و مسلمانان نیز درینباب به اطاعت اولوالامر مکلف هستند، کما قال الله تبارک و تعالی:- (اَطِیْعُوا اللهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ).

از دیگر طرف بموجب امر جلیل فرقانی (وَشَاوِرْهُمْ فِی الْاَمْرِ) مشورت نیز یک امر شرعی است، حضرات خلفای راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین، در زمان خلافت خود شان امور ملت را با اصحاب شورای مذاکره و استشاره میفرمودند.

گویا اساس مشوره در اسلام یک قاعدهٔ بزرگترین دینی بود، پادشاه ذیشان ما [اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان] که نخبهٔ آمال ملوکانهٔ شان بتأمین خیر و سعادت ملت و مملکت معطوف و از روز جلوس همایون شان تا امروز همه مساعی و اقدامات شان باین امر خیر مصروف میباشد.

بنابرین اساس دینی و بنابر اینکه ذات ملوکانهٔ شان هم حکمدار افغانستان و هم پدر عائلهٔ یک وجود قوم نجیب افغان هستند تبعاً باثر خلفای راشدین، در امر حکومت طریق شورت را قبول و ترجیح باین مقصد برای اینکه از رأی و مشورت شان استفاده شود، در مرکز سلطنت خود شان شورای دولت را و تا علاقه داریها در همه ولایات و حکومات، مجالس مشاوره تأسیس و تشکیل کردند، بواسطهٔ که خط حرکت ما از طرف دین مبین ما تعین شده، و رهبر حرکات ما شرع شریف است، و علم فقه یک دریای بیپایان است، مسائل شرعیه را از کتب فقه پیدا کردن و تطبیق دادن خاصهٔ علما است، و درین زمان اشخاص عالم بقدر لزوم وجود ندارد، و علاوه بران در طبقات مختلفه مجتهدین حنفی اختلاف زیاد آمده، در مسائل اجتهادات کثیره حاصل شده است، درین اقوال مختلفه که بهر مسئله تعلق دارد و قول صحیح را تمیز و معاملات را بآن تطبیق کردن مشکل است!

در مسائل مجتهد فیها نیز بر موجب مسئلهٔ شرعیه نظر بایجاب حال و زمان در خصوص ترجیح یکی از اقوال مختلفه که هر دو صورت مساوی را دارا باشند، اولوالامر حق و اختیار دارد در مسائلیکه تعلق بشرع شریف دارند، استفتا از علمای محکمهٔ تمیز که شامل این مجلس محترم هستند کرده شده و حضرات موصوف مصدق مسائل مذکوره میباشند.

در خصوصیات طرز اجرا دوائر دولتی از هیئت وزرا که حاضر مجلس و قوهٔ اجرائیه هستند استمداد کرده شد، هر وزارت نظر باحتیاجات خود شان لوایح ترتیب و در مجلس شورای دولت تقدیم نمودند، اعضای طبیعیه شامل مجلس محترم که اشخاص نجیب و اعضای منتخبه که

وکلای ملت هستند از صورت عرف و عادات اهالی واقف اند، بعد از تصویب این مجلس که مرکب از اعضای طبیعیه و منتخبهٔ وکلای شمایان است درمعرض تنظیم رسیده است!

حضرات محترم! این است که پنجسال از تنظیم و تطبیق این نظامات درگذشت، امروز اختتام دورهٔ اول و افتتاح دورهٔ ثانی است، امروز که تمام علمای کرام، و سادات و مشایخ و روسای عظام که درین مجلس تشریف دارند بکمال امتنان بیان میشود که آنچه درین دورهٔ پنجسال بتصویب علما، و وزرا، و وکلا منتظم شده است، برای دورهٔ ثانی ترتیبات را دولت مد نظر گرفته پیش نهاد میشود، و مسئولیت این امر در دنیا و عقبی برعهدهٔ ما و شماست، دربارهٔ مسائل شرع شریف از روی مسائل مفتی بهای مذهب حنفی برعهدهٔ علمای کرام و در معاملات مملکتی و سیاسی، وزرا و کلای عظام مسئول اند.

لطف فرموده بکمال آزادی و اطمینان هرکدام شمایان رأی داشته باشید آزادانه بفرمائید بنهایت خوشحالی و ممنونیت استماع میشود، اما عرض عاجزانهٔ این حقیر بحضور حضار محترم اینست که قبل از رأی دادن تعمق و تفکر زیاد کرده شود و هرکس از واقفیت خود اظهار رای بکند، مثلاً عالم از مسائل شرع، و وکلا از عادات محلی؛ چه درچنین یک مجلس بزرگ بحضور اینچنین ذوات محترم، سوال نامشروع و نامعقول کردن صرف اوقات خواهد بود از حضرت خداوند متعال نیاز میکنم که افتتاح و اختتام این مجلس مکرم (لویه جرگه) بترقی عالم اسلام و باتفاق افغانستان اختتام پذیرد، (ومن الله التوفیق).

بعد از نطق فوق رئیس صاحب مکرراً باز وکیل صاحب خارجیه برپا خاسته

خطابهٔ ذیل را ایراد نموده اند:—

نطق وکیل صاحب خارجیه

بحضور حضرات معظم ذوات مکرم و سادات و مشایخ عظام و علما و روسای کرام مملکت مقدسهٔ افغانستان واضح و روشن است، که دین مبین متبرک اسلام برای اصلاح و فلاح امورات و مهمات دنیوی و اخروی در عالم کائنات شرف نزول فرموده و عالم اسلام بتائید دین مبین و وسیلهٔ تحصیل علوم و فنون درعرصهٔ قلیلی بنور علم و عرفان عالم دنیا را منور ساخته و بکامیابی محیر العقولی نائل و اکثر قطعات آسیا و اروپا را متصرف شدند، این بود نتیجهٔ تحصیل علوم و فنون و مکارم اخلاق و تربیت عالی که از تعلیم حق برای ملت نجیب اسلام حاصل آمده و ضیای حقیقت انتمای آن تعلیم و تربیت اصلاح تازه بعالم و عالمیان بخشید، فی الحقیقت علم اعظم آیات و اشرف علامات انسان است.

علم است که انسان را از رتبهٔ سفلای حیوانیت بمدارج علیای ملکیت میرساند!

علم است که انسان را از حضیض خاک باوج افلاک درطیران آورده امور معادیه و معاشیه نوع بشر را بوجه احسن مهیا میسازد!

آن ترقی و تعالی که عالم اسلام داشت نتیجهٔ کسب علوم دینی و دنیوی و فعالیت و جدیت اوشان بوده و تا وقتیکه باین شاهراه سعادت روان بودند در فضیلت و کمال و ترقی و اقبال بر عالم تفوق و تفاخر داشتند، زمانیکه بدبختانه تنبلی و کهالت را شعار خود ساخته

بعیش وعشرت وراحت واستراحت گرفتار آمده از تحصیل علوم وفنون بی بهره ماندند، رو به تنزل وانحطاط گذاشته، وبالمقابل دیگران بکمال فعالیت شب وروز در حصول علوم وفنون صرف مساعی نموده از حضیض ذلت وبال، باوج عزّت وجلال صعود نموده از قید عسرت و فقر ومسکنت وفشار اسارت وذلت براحت واستراحت وترقیات فوق العاده رسیدهٔ مالک قطعات برّیه وبحریهٔ زرخیز دنیا ودارای طیارات هواپیما وجهازات تحت البحر وتوپهای دورزن وسائر آلات وادوات حربی وفابریکها، وثروتها وتجارتها، وزراعتها، وصناعتها شدند، وما مسلمانها در نتیجهٔ آن کهالت وغفلت آن همه سیادت وسعادت خود را از دست داده، اینست که دوچار بحران پریشانی ها وپراگنده گی ها وبی اتفاقیهائیکه فی الحقیقت احوال ما رقت آور وقابل ترحم است گردیدیم !

درهمین زمان خدای متعال را شکر گذاریم که ما ملت افغان را مظهر الطاف خود ساخته یک پادشاهٔ خیرخواه با دیانت اعنی اعلیحضرت «امیر امان الله خان غازی» را برای احیای ما ملت افغان ومملکت افغانستان عطا نمود که ذات مقدس شان درد والم عالم اسلام را بر عیش و راحت واستراحت خویش مقدم دانسته حیات عزیز خود را صرف ترقیات ملک وملت افغانستان واتحاد واتفاق عالم اسلام فرمودند، چون ترقی وتعالی مملکت عزیز شان منوط به تحصیل استقلال وآزادی تامهٔ آن از حمایت واسارت خارجه بوده این است که در بدو جلوس شاهانهٔ خویش اولین اقدامے که فرمودند بدست آوردن گوهر استقلال بود که بتائید حضرت باری وروحانیت حضرت نبوی صلی الله علیه وسلم بهمت والانهمت

ذات شاهانه شان ما ملت افغان بآن نائل وکامیاب گردیدیم !

پس از تحصیل استقلال که شوارع عالم بروے ما مفتوح گردید برای تحصیل رسیدن بسعادت وترقیات امروزهٔ عالم دنیا که پایهٔ علویت وافتخار آنها گردیده، اعلیحضرت پادشاهٔ غازی معظم ما همت گماشته، اینست که مراودات ومناسبات خود را با ممالک عالم قایم کرده درصدد تحصیل وتکمیل علوم وفنون ملت وترقی مملکت خویش اند، چنانچه مناسبات سیاسیه واقتصادیهٔ ما با عالم دنیا برقرار گردیده سفرا ونمایندگان ما در پایتخت های ممالک متمدنه ونماینده های او شان بدربار شاهی افغانستان قایم شده است، ومحصّلین افغانی در خارج بکمال اعزاز پذیرفته شده معلمین ومستخدمین خارجیه برای تعلیمات وهمه گونه خدمات افغانستان درینجا حاضرند که ما تفصیلات یکان یکان آنها را برای استحضار حاضرین کرام ذیلاً خاطرنشان مینمائیم !

عهدنامهٔ افغانیه با روسیه

بعد از انجام منطوقات فوق ذات ملوکانه فرمودند معاهداتے را که تا اکنون دولت متبوعهٔ تان با دول خارجیه منعقد نموده سراپا برای شما خوانده میشود تا بر هر ماده وهر فقرهٔ آن تنقیدات واعتراضاتے داشته باشید ظاهر کنید وهم اگر تعدیل وتزئید وتقصیرے را در آن لازم انگارید حقانه اظهار کنید، ترتیب قرائت عهدنامه ها از روی تاریخ است یعنی هر معاهده که نسبت بمعاهدهٔ دیگر مقدم باشد اوّلاً آن، ومتعاقباً دیگرش خوانده میشود، بنا برین اولین معاهدهٔ افغانیه وروسیه است

اینک وکیل صاحب وزارت خارجیّه اوراپ تان میخوانند بشنوید !

آقای شیر احمد خان عهدنامهٔ روسیه را بکمال فصاحت و ترتیل از اول الی آخر قرائت کرد، و هرچند مواد آن از طرف اعضای لویه جرگه توضیحات خواسته شد بعد از اینکه از حقایق مطلع شدند بر بعضی مسائل اعتراضاتیکه بجا گفته میشود بعمل آمده گفت و شنید مزیدی در ان موضوع تقریباً تا یکزمانی رد و بدل شده بالآخر رأی آخری و فیصلهٔ قطعی خود ها را نسبت به ایفا و عمل درآمد بعضی مواد عهدنامهٔ مزبور بتوسط وزارت خارجیهٔ افغانیه بدولت روسیه ابلاغ داشته جواب آخری فوری را دران مورد از وشان خواستار شده اند .

معاهدهٔ ایطالیا

بعد از اختتام آرا نسبت بمعاهدهٔ روسیّه و امضا شدن آن فرمودند، که سفیر فوق العادهٔ سیّار ما آقای محمّد ولیخان حال وزیر حربیّه بعد از انعقاد این معاهده با دولت ایطالیا در رومة الکبریٰ یک معاهدهٔ سیاسی دیگر را منعقد نموده است ، اگرچه اوّلاً بعد از ارتباط مناسبات ما با روسیّه آغاز مذاکرات را با آلمان نموده اند لکن بنا بر بعضی وجوهات عقد معاهدهٔ او قدری ملتوی شده نمایندهای حکومت متبوعهٔ ما نزا اولین دولتی که از دول متحدهٔ (آن تان) درحالیکه ما با حلیف او انگلیس مناسبات تیره و تاریک داشتیم، پذیرائی قابل تقدیر نموده است و استقلال ما را پذیرفته دولت ایطالیاست و بعد از عقد معاهده هم از هیچگونه احترام و منفعت خواهی افغانستان کوتاهی ننموده است ، چنانچه تا حال اسلحه و دیگر اشیای ضروریه را بقیمت بسیار ارزان بر افغانستان فروخته است و ماهرین

فنون متعدده را جهت خدمات مهمهٔ افغانیان مستخدم فرستاده اند ، نسبت بدیگر دول متمدنه پیشتر تبادلهٔ سفرای ایطالیا و افغانیه بعمل آمده و اولین سفیر یکه از ما به اروپا رفته آقای شیر احمد خان رئیس عمومی شورای دولت است .

بعده وکیل امور خارجیه آقای شیر احمد خان بخواندن عهدنامهٔ ایطالیا آغاز نمود .

قراءت معاهدهٔ ایطالیا و افغان

درطی خواندن بعد از ختام هر مادهٔ آن، ذات همایونی برای ذهن نشین شدن مطلب بخاطر حضار، تشریحات و توضیحاتی را فرموده مطالب آنرا خوبتر ذهن نشین مینمودند .

وکیل سمت مشرقی بعد از اختتام معاهده یک وکیل مشرقی از مجلس برپا خواسته گفت، اعلیحضرتا ، این یک معاهده ایست سیاسی و حسیّات دادهٔ ایطالیا نسبت بما معلوم شد که تا حال خوبتر است و نه یکی از دول همجوار ماست که ما گفته بتوانیم که این احترامات ما را برای منافع استیلاجویانهٔ خویش بعمل می آورد و یا در آتیه ضرری را بما تولید خواهد کرد، بخیال من باید لویه جرگه این معاهده را بنظر تحسین نگریسته نسبت بدین اقدام مخلصانهٔ ایطالیا که پیشتر از همه به دوستی و تشیید مناسبات ما کوشیده است . نظر بدیگر خلفای اروپائی خود مقدماً باستقلال ما اعتراف نموده است ، ما وزارهٔ خارجیهٔ خود را توصیه میکنیم که در مزید دوستی و تشیید مراتب سیاسی ما با دولت

ایطالیا کوشش نماید !

لعل محمد خان وکیل لویه جرگه برین حسیاتِ محبت کارانهٔ دولت ایطالیا که نسبت بحکومتِ افغانیه در ان فرصتِ نازک کرده اظهار خرمی نموده ابراز تشکر میکند و بدوستی همچه یکدولتِ حق شناس حقِ سرور را دارد تا زمانیکه ایطالیا همچنین بنظر احترام بسوی ما بنگرد، ملت افغانستان نیز محبت و دوستی او را بنظر استحسان تلقی میکند !

تماماً تائید قول لعل محمد خان را نموده بکف زدنهای شادمانی لائحه که مبنی بر معانی فوق بود نسبت بمعاهدهٔ اتلی و افغان ارقام و به پیشگاه حضار قرائت گردید متفقاً امضا یافت .

عهدنامهٔ افغانیه با انگلیس

سپس از قلمبند شدن نظریات لویه جرگه نسبت بعهدنامهٔ افغانیه و ایطالیا وزارهٔ خارجیه یک تبصرهٔ مختصره را بر موجبات محاربهٔ افغانستان و انگلستان و حصولِ استقلال ایراد کنان گفتند چون اعلیحضرتِ همایونی تاج سلطنت را بدین شرط بنابر تکلیف ملت قبول دار شده بودند که استقلال و آزادیِ ورا کاملاً حاصل نمایم و دولتِ انگلیس جواب آن فرمانی را که در موقع جلوس همایونی برادر نگ پادشاهی (بشرط حصول استقلال و آزادی افغانستان) در اول جلوس برای کارکنان انگلستان ارسال شده بود بیک سکوت قطعی طولانی گفتند، علاوه بران

در موقعیکه عساکر ما جهت تأمینات سرحدیه و حفاظت ثغور اسلامیهٔ خود رفته بودند بر آنها در موضع دکه بدون اطلاع و پیش بین ساختن حکومت افغانی ایروپلانهای مسلح انگریزی را در پرواز انداخت، چون منصبدار نظامی ما او را مانع از طیران شدند طیارهٔ انگلیز آغاز به بمباردمان کرد، و از ین رو جنگ آغاز یافت تا اینکه دولت انگلیز بتوسط سفیر ما آقای عبدالرحمن خان اطلاع فرستاد که اگر محاربهٔ افغانستان با انگلستان بغرض حصول استقلالش باشد ما ابداً سد راه آزادی و استقلال او نمیباشیم، و اگر محاربهٔ او بدیگر کدام مسئله باشد، صراحتاً بگویند که در تحت مذاکرات آورده شود چون افغانستان بعد از زد و خورد قلیلی استقلال خود را بزور شمشیر از انگلیز گرفت متعاقباً جهة ارتباط مناسبات سائره سلسلهٔ مذاکرات افغانستان و انگلستان اولاً در راولپندی، متعاقباً در منصوری و بالآخر در دار السلطنهٔ افغانی جریان یافت تا اینکه بعد از گفت و شنید یکسال و چند ماه عهدنامهٔ راکه اکنون برای شما خوانده میشود، وزارتِ خارجیهٔ افغانستان با دولت انگلستان انعقاد داد گویا بعد از عهدنامهٔ ایطالیا من حیث التاریخ معاهدهٔ بریطانیاست که تا حال کاملاً مامورین دولتین متعاهدین بر تمام مواد و مندرجات او پابند بوده نگذاشته اند که حرفی ازان در معرض اجرا نیامده باشد .

قرائت معاهدهٔ انگلستان و افغانستان

در بین خواندن این معاهده نیز ذاتِ شاهانه تفصیلات و تشریحات مفیده و گذارشات سابقه و حالات لاحقه و اثرات منتجهٔ آنرا محض جهة مزید تفهیم اهالی بیان و ارشاد مینمود و بعد از اتمام معاهده بر بعضے مواد آن که لویه جرگه اعتراض داشت و آنرا در طی خواندن بیرون نویس کرده

بودند مباحث مزیدی بعمل آمده بالآخر باتفاق آرا لائحهٔ را نسبت بمعاهدهٔ مزبور تحریر و متحداً آن را امضا کنان بوزارت خارجیهٔ خویش بغرض رسانیدن بوزارت خارجهٔ انگلستان تقدیم نمودند، بعد از قراءت این هر سه معاهده وگفت و شنید نمودن بران ساعت (۱۲) بود اعلیحضرت همایونی جرگه را اجازت بصرف طعام و ادای صلوة الی ساعت (۲) داده علی العموم درینجا برپا خواسته یک لائحهٔ دعائیه را یک تنی از وشان قراءت و حضار در ادعیه بدو متابعت ورزیده مجلس صباحیهٔ یوم شنبه (۲۸) سرطان را خاتمه داده بمقامات خویش رجعت نمودند .

کوایف لویه جرگه در ظهر شنبه ۲۸ سرطان

بعد از صرف طعام و ادای صلوة و اجرای برخی از امورات ضروری و عادی، ذات جهانبانی چند دقیقه پیشتر از ساعت (۲) بمجلس احضار یافتند، و یکچندی از شرکای «لویه جرگه» بواسطهٔ روز اول بودن و درست معلومات نداشتن بوقت، و زیاده تضییع اوقات نمودن چند دقیقه از وقت موعود پستر رسیدند، لهذا اعلیحضرت غازی درینجا فرصت را غنیمت پنداشته محض بغرض مزید دانانیدن قدر و قیمت وقت تعریضاً الفاظ ذیل را ایراد فرمودند .

اعلیحضرت :- بنام خدا آغاز میکنم ! انسانها از ساعتها، از دقیقه ها، از ثانیه ها کار میگیرند و فوائد بر میدارند، امروز دشمنهای ما فقط در امورات دنیائی خود مانند برق کار میکنند و اظهار فعالیت میورزند، و عالم اسلام در اموریکه نه تنها در دنیا بلکه بعقبی آنها نیز فوائد یرا عائد میسازد سستی میکنند و تنبلی را نشان میدهند، قبل از اختتام مجلس در عمل توپ هم بشما گفته شده بود که مجلس باز پوره بساعت (۲) آغاز میشود، هنوز که چند دقیقه از وقت گذشته می بینم که چند تنی از شما الکنون حاضر میشوند، چون غرض ازین انعقاد این مجلس رفاه و آسایش دینی و دنیوی خود شما ست پس هر قدریکه قدردانی اوقات این محفل را بنمائید، بهمان اندازه گویا که شما در رفاه و آرامی خود کوشیده اید، و چندانکه وقت و فرصت این حفله را از دست دهید بهمان مراتب گویا برخلاف آسایش و رفاهیت خویش کار کرده اید، سر از فردا باید باوقات معینه در مجلس حاضر باشید ـ

من نمیگویم زیان کن یا بفکر سود باش ✤ ای ز فرصت بیخبر در هرچه هستی زود باش

معاهدهٔ افغانیه باترکیه

[بیجا نیست که ما صورت مذاکرات لویه جرگه را که در عهدنامهٔ ترکیه نموده اند نیز مانند دیگر مذاکراتیکه در معاهدات دیگر بعمل آمده است نمی نوشتیم، اما از آنجا که بیشتر درین معاهده مورد مباحثه و مذاکره مسئلهٔ خلافت و ادامهٔ روابط و عدم قیام مناسبات ترکیه و افغانیه بوده است که باهیچ مسائل تمام عالم اسلام علاقه مندی دارند، ازینجهة ما بتذکر تمام گذارشات و مباحثات آن بذل مقدرت مینمائیم، ب، د] .

ذات جهانبانی نسبت بدین معاهده فرمودند که سفارت سیار ما بعد از عقد معاهدهٔ انگلستان و افغانستان بانعقاد عهدنامهٔ متحدانه با دولت عثمانیه موفقیت حاصل نموده است این معاهده نظر بتمام معاهدات افغانستان یک معاهدهٔ باشان و شرف بوده دو کتلهٔ عظیم الشان اسلامیان از روی آن باهم در غم و شادی متفق و متحد شده بودند .

لعل محمد خان وکیل: بتردید مولوی فضل ربی برخواسته بدلائل توضیح نمود که موجب پریشانی عالم اسلام و بربادی ترکیه تنها عذر و خیانت «شریف حسین» در موقع محاربهٔ عمومیه بوده است و نباید شریفی را که دست نگر اشارات و کنایات حکومت انگلیسی بوده ماهواره معاش خود را از بودجهٔ وزارت خارجهٔ انگلستان تحصیل میدارد، خلیفه گفت؛ این مسئله ایست که بدون از اتفاق جمهور اسلام انحلال آن خالی از اشکال نیست.

مولوی محمد بشیر: همچنانکه اهمیت قیام مناسبات افغانستان را با ترکیه بحیثیت یکدولت شرقی نشانداده بهمان اندازه تصفیهٔ مسئلهٔ خلافت را بصورت فوری بذریعهٔ یک مجلس عمومی علمای اسلامی بیان و اشته ذات همایونی را بالفاظ مؤدبانه باداٰمهٔ روابط ترکیه و عطف توجه نمودن شان بمسئلهٔ خلافت توجه داد.

اعلیحضرت: اولاً باید که جمعیة علمای اسلامیه بیشتر از دیگر مذاکرات این مسئله را بسنجند که آیا نفس خلافت درین عصر حاضره مفید است؟ یا نه؟ و آیا خلیفه که معین میشود میتواند که تمام مسلمانان روی جهان را اداره کند؟ یا نه؟ و آیا این مسئله قابل یقین است که با اوامر یک خلیفهٔ ترکی، مسلمانان هند که زیر فشار حکومت انگریزی و مردم مصر که طبعاً طرفدار حکومت محلی و مردم عرب که ذاتاً میلان بسوی شریف مکه واهالی مراکش که ظاهراً بسوی امیر شان تمیل دارند، اجراآت و رفتار خواهند کرد؟ یا نه؟ بعد از فیصله شدن این مسئله و حتمی بودن خلافت باز متفقاً تعیین موضع

خلافت را نموده فیصله نمایند که چقدر قوای مادی و معنوی در خلافت ضروریست اگرچه بخیالم که علمای هر موضع مساعی جمیلهٔ شان را نسبت بامراو رؤسای وطن خود این مسئله را لایق و انسب خواهند شمرد و مسائل و دلائل را اقامه کرده بجای منافع یک گونه نفاق و تفرقه را در بین اهالی تولید خواهند نمود.

ملای ترکستانی: در مفاد خلافت و خدمات و اهمیت آن بیان مختصره را ایراد کنان در خاتمه گفت که علمای اسلام از هر نوع و هر حیثیت ذات همایونی را مستحق و قابل خلافت می انگارند و باید شما هم این منصب رفیع را قبول نمائید.

اعلیحضرت: من بقول شما و دیگران این بار گران را که ظاهراً در راه او اشکالات بیپایانی را مینگرم قبولدار شده نمیتوانم و بنفاق عالم اسلام رضامند نیستم، اولاً چنانچه معروض داشتم باید در نواقص و فواید و وجود و عدم وجود «خلافت» بحث گردد سپس از ان تعیین موضع آن، کار علمای عالم است و بس!

یکدیگر عالم ترکستانی: چیزیراکه مکرراً اعلیحضرت در مسئلهٔ خلافت میفرمایند سراسر درست و قرین صواب است، فعلاً باید ما در ترقیات داخلیه و ارتباط مناسبات خارجیهٔ خودمان بحث نمائیم و درین مجلس بر موضوع مسئلهٔ خلافت که تصفیهٔ آن کار علمای جهان است قبل از وقت تضییع اوقات خود را ننمائیم.

اعلیحضرت: حضرت ملا صاحب درست میفرمائید، باید «لویه جرگه» خلاصتاً جواب بگوید که آیا معاهدهٔ موجودهٔ ترک ها باقی ماند و یا تجدید گردد و یا تعدیل کرده شود؟

لهذا از اول تا آخر وکیل صاحبِ خارجیّه عهدنامهٔ مذکور را قرائت میکند، اگر تنقیدات و اعتراضاتی را بر موادِ آن ملاحظه نمودید همانا اظهار خواهید نمود، در نتیجه بر طبق آرا و افکار شما حکومت تان کار خواهد کرد، بعدهٔ آقای شیر احمد خان عهدنامهٔ ترکیه را از اول تا آخر خواند بعد از اتمام هر فقرهٔ آن تشریحات و توضیحاتی لطیف و معانی شریفه آویزهٔ گوشِ صداقت نیوشِ حضار میگشت و بر هر مادهٔ آن تفسیراتی ایراد شد که تحریر آن بطوالت می انجامد، بهر تقدیر بعد از قرائت معاهده مطالب عمدهٔ اسوله و اجوبه و گفت و شنیدی که درین موضوع از طرف "لویه جرگه" بعمل آمده است، قرار آتی است :-

مولوی صاحب کامه بعد از اختتام عهدنامه و تشریحات مکتوب آقای فخری پاشاه سفیر ترکیه در افغانستان، جناب مولوی صاحب کامه برپا خواسته عرض نمود که این معاهده نهایت باشرف و سراپا در ان مراعاتِ اصول مقدّسهٔ اسلامیه و مقررات اخوت مرعی میباشد تنها "مسئلهٔ خلافت" که خود ترکیه موجبِ الغای آن گردیده است، درین معاهده امریست اهم و مسئله ایست قابل بحث ولی تنها این مسئلهٔ مهتمم الشان را که تمام عالم اسلام در ان حق اظهار آرا و افکار شان را دارند، تنها افغانستان حل و فصل نموده نمیتواند، باید برای تصفیهٔ مسئلهٔ "خلافت" از هند و سند، و مصر، و الجزائر، و تونس، و مراکش، و عرب، و شامات، و عراق، و دیگر نقاط لازمهٔ اسلامیه، نیز علمای جیّد بافغانستان مدعو شوند، و با علمای افغانستان بهر موضعیکه علمای جهان آنرا تخصیص فرمایند رفته تا به آرای متفقه این مسئلهٔ مهمه را فیصله نمایند!

اعلیحضرت ازین مکفورهٔ مولوی صاحب اظهار بشاشت و خرمی کنان فرمودند :- باندازهٔ افکار من و حضرتِ مولنٰنا اتّحاد دارد، که اگر من خیالاتم را در خاتمهٔ مبحث درین مسئله بیان نمایم همانا سامعین وهم خواهند کرد که ضرور من با این ملّا صاحب قبلاً درین امر مذاکرات و سرگوشی نموده باشم!

لعل محمّد خان وکیل نیز برپا خواسته در آغاز بتائید مولانا در مسئلهٔ "خلافت" کلماتی را ایراد نموده در خاتمه ضرورت این امر را بیان نمود که ازین وضعیت مصطفی کمال پاشا نباید با وی هیچ یک معاهدهٔ متّحدانه را دوام داشت اوّلاً باید معاهدهٔ حاضره فسخ گردد، باز اگر حکومتِ ترکی خواهانِ تجدید عهدنامه بود، همانا که عهدنامهٔ مساویانه را وزارت خارجیهٔ ما با وی انعقاد خواهد داد و الّا خیر!

مولوی فضل ربّی در مفاد خلافت و تاریخ مختصر و خدمات مهِ قرآن بیان داده ضمناً این مسئله را حتمی نشانداد که به بسیار زودی و سرعت فیصلهٔ خلافت را باید نمود. و نباید گذاشت بهمین یک تفرقهٔ معمولی که از طرف برخی از ارباب غرض در ان بوقوع پیوسته است کاملاً خلیفه و خلافت لغو گردد، و عالم اسلام موجب مضحکه و شماتتِ اعدا گردند، در خاتمه از روی برخی از دلائل نقلی حق خلافت را برای اعراب ثابت کنان تلمیحاً چنان از بیانش مفهوم می شد که باید خلافت از عرب بیرون نشود،

جمهور بماند! مناسبات ما با ترکیه قطع نشود، ضرور بماند!

وزیر داخلیهٔ سابق خودم نمیتوانم که طرفدار حرکات موجودهٔ ترکیه باشم و معلومات شخصی خودم را نسبت بعملیات جگرخراش شان اظهار نمایم، ترکیه اساس حکومت اسلامیه را برهم زده سلطنت خود را برخلاف مقررات اسلامی جمهوری قرار داده است، مدارس و ترویج عقاید دینیه و مسائل شرعیه را از مملکت خود موقوف نموده و خلافت را نیز لغو و منسوخ کرده خلیفة المسلمین را بحالت رقت آور در ظرف چند ساعت از اسلامبول اخراج نمود آیا درینصورت جذبات اسلامیهٔ افغانیهٔ ما روادار این مسئله خواهد بود؟ که ما با ترکیه مناسبات خود را مزید برین قایم داشته باشیم.

لعل محمد وکیل تائید قول وزیر موصوف را نموده در خاتمه نظریهٔ خودش را بر قطع مناسبات با ترکیه خاتمه داد.

شیر احمد خان وکیل وزارت خارجیه معاهدهٔ حاضرهٔ ما با ترکیه که فعلاً قرائت گردید، سراپا درست و باشرف است، صرف لفظ «مقتدا بها» غلط است باید اصلاح کرده شود، امّا قیام مناسبات ما با ترکیه ضروری و برای آتیهٔ شرق نهایت حتمی است، و در مسئلهٔ خلافت نیز باید مکرراً ترکیه را دعوت قبول دهند والّا باتفاق جمعیة علمای اسلامیه و نمایندگان ترکیه در مجلس جمعیة العلما فیصلهٔ آن کرده شود!

وزیر مالیه من نمیدانم که مقصد از خلافت چیست؟ و خلفای اسلامیه درینقدر مدت مدید کدام فائده را بعالم اسلام عائد نموده اند صفحات تاریخ شاهد حال و مؤید این مقال است که خلفای اسلامیه بعد از قرون اولی بجز از عیاشی و تن پروری کاری نکرده اند و کوشش باجتماع مسلمانان و در اتحاد و افکار و آراء اسلام عملیاتی ننموده اند، همواره در مصائب با آنها معاونت را دریغ داشته و در پریشانی اطلاعات از احوال آنها اکتساب نکرده است از طرف دیگر مسلمانان عالم نیز در مواقع عسرت و مغلوبیت بداد و فریاد خلفای اسلامی گوش ننهاده اند و در مهمات ضروریه با وی دستیاری و پشتیبانی را حیف دانسته اند اینک در حرب عمومی پشت ترکیه از دست همین مسلمانان هندوستان که امروز سنگ خلافت را بسینه میکوبند شکست و از مظالم اعراب خراب شد و از مصریان تائیدی ندید، و از مراکش آوازی نشنید، و مسلمانان دیگر نقاط هم مانند افغانستان با مرکز خلافت اسلامیان اظهار صمیمیت و رو ابط شانرا ننمودند، آیا بدین اجمالی که گفتم از بودن خلافت کدام فائده مرتب میشود و برای عالم اسلام کدام مفاد [illegible] وجود می آورد بعد از اینکه علمای ما فوائد خلافت و ضرورت مقرری خلیفه را بدلائل اثبات نمودند ما کوشش انعقاد مجلس علمای جهان و مذاکرات ما نرا درینموضوع ضروری خواهیم پنداشت والّا از هیچ کلمات غیر مفید بجز از تضییع اوقات دیگر ثمرهٔ نخواهید چید!

اعلیحضرت وزیر صاحب من درین نظریه با شما متفق نمیباشم و گاهی طرفدار این مسئله خود را نمی پندارم که خلافت عظمی برای اسلام در ازمنهٔ سابق کاری ننموده است و مسلمانان جهان در مواقع لاحق با ترکیه حق همدردی را ایفا نکرده اند آیا به لک ها روپیه اعانه که از افغانستان و هندوستان و دیگر حصص جهان در مواقع مداخلهٔ ترکیه در محاربهٔ عمومیّه ارسال گشت از کدام رهگذر بود؟ و جزع و فزع و واویلا و احتجاجاتیکه بر علیه متحدین از هر گوشه و کنار ممالک اسلامیه برداشته شد علتش چه بود؟ مخصوصاً در موقعیکه یک رقم کشیده گی بعد از ناکامیابی مجلس نخستین لوزان در بین اتّحادیون و کمالیون بوقوع پیوست افغانستان حق اسلامیت و اخوت را باندازهٔ با ترکیه بجا آورده است که اگر انگریز حسب خواهش ترکیه بر طبق آمال عموم طبقات اسلامیه دوباره سلسلهٔ جنبان مصالحه با ترکیه نمیگشت و میدان مجادله را با ترکیه ترتیب میداد، علی الفور افغانستان نیز با انگریز در سرتاسر سرحدات خویش که بیشتر از (۲۰۰) میل است دست بگریبان میشد، بهر تقدیر خدمتی را که ما با برادران اسلامی ترکیهٔ خود کرده ایم ما بر آنها احسان نمیگذاریم زیرا مقررات دینیهٔ خویش را تعمیل نموده ایم!

وکیل..... اعلیحضرتا معاهدهٔ ما با ترکیه ضرور باید که باشد، و اگر بعضی فقرات او را قابل اصلاح می پندارید در تجدید وی بکوشید، اما اینجا بسیار تأسف خواهد بود که ما با دول اروپائی و ملل غربی و دشمنان دینی خود یکرقم مناسبات را دارا باشیم و با هیچ یک ملت شجاع و غیور شرقی اسلامی مانند ترکیه بر طبق خواهش بعضی افراد کوتاه نظر قطع

مناسبات نمائیم، البته از نقطهٔ نظر اسلامیت و جذبات شریعت ملت افغانستان این مسئله نهایت زیبا و موزون خواهد بود که وفد «خلافت» از تمام عالم اسلامیّت در پایتخت این مملکت مدعو شوند و هم درین مملکت اسلامی افغانی ما مسئلهٔ مهمهٔ خلافت اسلامیه حل و فصل گردد!

اعلیحضرت درین فرصت ساعت (۵) تکمیل یافت ذات همایونی مذاکرات معاهدهٔ ترکیه و افغانیه را بفردا ملتوی داشته فرمودند، اگرچه نظر بعدم پابندی تان بوقت و اضاعهٔ چند دقیقه از طرف چند نفر محفل چنان بهتر میبود که شما را محض انتباه الی ساعت (۶) نگهداشته مجلس را اطاله میدادم، اما چون روز اول بود و شما هم کاملاً از ترتیبات مجلس کسب اطلاع نداشتید با اینکه شما نا وقت آمده اید ازینجا بوقت مرخص میشوید، سر از فردا از طرف صبح پوره بساعت (۸) و از جانب ظهر فقط بساعت (۲) احضار شوید امشب در مسئلهٔ ترکیه خوبتر غور فرموده فردا مجدّداً در همین مبحث داخل مذاکرات خواهیم شد.

یکنفر وکیل قندهاری لایحهٔ دعائیّه را قرائت نموده مجلس را خاتمه داد.

یوم یکشنبه (۲۹) سرطان روز دوم لویه جرگه ۱۳۰۳

درین روز عموم اعضای «لویه جرگه» بنا بر تعریض دیروزهٔ ذات ملوکانه قبل از ساعت (۸) کاملاً اجتماع ورزیده در مواقع خود شان اخذ موقع داشتند، ذات جهت صفات

همایونی نیم بعد پوره بساعت (۸) رونق افزاے محفل گشته محلّ صدارت را اشغال داشته بعد از وقفهٔ قلیلی فرمودند :

اعلیٰحضرت بنام خدا آغاز میکنم. دیروز مذاکرات ما در مسئلهٔ ترکیّه نتیجهٔ آخری خود را نشان نداده وقت پوره شده مذاکرات را بامروزه ملتوی نموده بودیم البته که شما هم درین موضوع دیشب فکر درستے را سنجیده خواهید بود، اینک باز همان سؤال دیروزه را مکرّر میدارم که آیا معاهدهٔ حاضرهٔ ما را با ترکیّه چطور میدانید ؟

محمّد اسحق خان مستشار فقرهٔ اساسی در معاهدهٔ ترکیّه "خلافت" است درصورتیکه خلافت لغو شد ضرور باید اصلاح این فقره بعمل آید، معلوم است که در صورتِ اصلاح معاهدهٔ هذا تجدید میگردد و یک معاهدهٔ مساویانه منعقد خواهد گشت !

وزیر صاحب معارف یک نطق طولانی را درظرف بیست دقیقه ایراد کنان دران یک تبصرهٔ مختصرهٔ خود را بر "خلافت" و خلفاے آن نموده ذکر دلبندی و همدردی را که از مدّتهای متمادی ممالک اسلامی با دولت عثمانی داشت نمود که روح نطق و خلاصهٔ آن را ما در الفاظ اجمالیهٔ آتیه قلمبند مینمائیم :- "خلافت" و "خلیفه" در عصر (۱۸) معانی حقیقی خویش را مالک نبود و با وجود حسن ارادات و عقیدت عالم اسلامی بمقام "خلافت" خلفای آن اعصار در ایفای وظائف مفوضه و خدمات اسلامیّه بسیار تغافل و تکاسل را بکار برده اند و گاہے بدرد عالم اسلام متألّم و به شادمانی شان مسروریت خود را نشان نداده اند، بعد ازینکه دولتِ عثمانی در محاربهٔ عمومیّه

بدون صلاح و صوابدید عالم اسلام خود را داخل ساخت ممالک اسلامی را بفحوای "مشتے که بعد از جنگ بیاد آید به کلّهٔ خود باید زد" چنانکه کار از کار رفته بود اطلاع داد با اینکه قبل ازین اطلاع مسلمانان هیچگونه ارتباط و مناسبات تحریری و تقریری بمقام خلافت فائز نبودند باز هم در امداد مالی و جانی و دیگر همدردی ترکیّه کوتاهی ننمودند، بعد ازینکه قواے عثمانیه کاملاً محو و زائل و چندتنے از سربازان ترکیه در انقره داخل مانده آن رقبهٔ وسیعهٔ ممالک ترکیّه بهمان قصبهٔ کوچک که اطراف و جوانبش را دشمنان تحدید نموده بودند محدود گشت ! مجدّداً از احتجاجاتِ مسلمانان تمام نقاط دنیا امداد و معاونت مالی و جانی عالم اسلامی ترکیّه قوّتِ از دست باختهٔ خویش را مالک گشت چنانچه مصطفی کمال پاشا و طرفدارانش در محاربهٔ اخیرهٔ یونانیه حق سربازی و فداکاری را بجا نمودند همچنان مسلمانان عالم حق معاونت و داد خدمت را ایفا کرده در نتیجه نه تنها خطّ حکومت ترکیه را توسیع و تمدید، بلکه آوازهٔ رعب و وقار و شخصیّت مصطفی کمال پاشا را در سرتاسر جهان بنزد دوستان و دشمنان اعلان نمودند ! درین ضمن خدماتے را که افغانستان و مسلمانان هندوستان با ترکیّه از زمان (۱۲۹۸) الی الآن نموده اند مخصوصاً قابل تمجید و تقدیر اند، چنانچه اروپا هم از جذبات مسلمانان و همدردیِ آنها با ترکیه تحت تاثیر آمده فرانسه اوّلاً بطرفداری ترکیّه [که درحقیقت این مناسبات وی با ترکیّه مخالفت علنی با انگلیسها بود] پرداخت، طوریکه سربازی و شجاعت و فداکاری ترکیّه قابل تذکر است بهمان اندازه مساعی و همدردی عالم اسلام مخصوصاً از افغانستان و هندوستان لایق فراموشی نیست، بلکه درین نیکنامی عموم اسلام با ترک شرکت دارد، در اوائل از کارستانیهای مصطفی کمال پاشا عالم اسلام تماماً خود را عقیدتاً و وجداناً با مقام "خلافت" مربوط و مسلک

می پنداشتند، وعموماً همه تن چشم وگوش گشته باستماع همه گونه اوامر واکتساب اطلاعات ترکیه انتظار میکشیدند و دقیقهٔ ازدقایق اخلاص وعقیدت کیشی شانرا با ترکیه فروگذار نشدند، امّا بمجرّدیکه مصطفی کمال پاشا بعقد معاهدهٔ لوزان موفق گشت، از حرکاتِ ناصواب غرض آلود و تشخّص پسندیِ خود دفعتاً دل عالم اسلام را مجروح وآمال وامانی شانرا مطرود کرد و آن سیاستِ متحدهٔ اسلامیّه را که نسبت بترکیّه قولاً وعملاً اقامه داده شوقِ ازدیاد و ادامهٔ آنرا بدل میپروراندند فوراً بخاک برابر ساخت، خاصتاً شیشهٔ امید افغانستانرا بسنگِ حرمان انداخت اگرچه کاملاً ازین رویهٔ حکومتِ جمهوریهٔ ترکیه خیلے متاثر و مایوسیم باز هم نا امید نمیباشیم زیرا تا هنوز هم در عالم اسلام اینجور اشخاصیکه محضاً برای ترقی وتعالیات اسلام سربازی مینمایند واز آنها بسا فوائد وعوائد برای اسلامیان مانند اعلیحضرتِ غازی تمنّا داریم بروی دنیا موجود است مارا نباید بدین معاهده که خود ترکیّه دران مداخله کرده و«خلافت عظمیٰ» را ازان لغو نموده است، پابند باشیم، زیرا معاهده و خلافت چیز واحد هست و آنرا ازدوش ساختن کاملاً مغالطه است (لویه جرگه) را لازم که یک خطاب پر عتابے را بترکیّه بنویسند، و دران مصطفی کمال را برین حرکات و اطوار او ملامت نموده بدانها حالی نمایند که ترکیه مستحق خلافت است، باید مجدّداً ملّتِ ترکیه بار خلافت را متحمل گردد و یقیناً که عموم ملّت شجاع وغیور ترکیّه بگذاردن والغای خلافت رضامند نمیباشند، نباید عموم ملّت ترکیّه را بر چند تن مغرضِ شخصیّت خواه آن قیاس کرده عموم آنها را مطعون کرد! باید وفد خلافت از علمای جهان اولاً نزد ترکان (اگر مجدّداً خلافت را قبولدار شوند) فرستاده شود تا این معاهدات قلبی و وجدانی و عقیدتمندی را که عالم اسلام از مدّتهای مزیدے با مقام «خلافت» و ترکیه مربوط داشت بطلان نپذیرد و نباید از

"خلافت" چنانچه بعضے از حضرات میفرمایند، صرفِ نظر بنمایم چه خلافت است، سلّم ترقی ونردبان تعالی عالم اسلامی !

مولوی محمّد بشیر

درظاهر مشهور است، که این معاهده مبنی بر دوشق عمده است اوّل مسئلهٔ "خلافت"، دوّم ارتباطِ مناسباتِ اسلامی و دولتی دو ملّت شرقی، مارا است که اندکے درین مسئله دقّت بریم که آیا این معاهده برایما موجب منفعت است؟ ویا سبب مضرّت؟ وآیا پلّهٔ سیاست مارا قوی میسازد؟ ویا از بودنِ آن بما ضعف بهم میرسد؟ فقرهٔ "خلافت" که موجب زمزمه آرائیهای این مجلس گردیده این ابحاث دران گنجایش ندارد، زیرکه فقرهٔ خلافت را خود ترکیّه لغو نموده است، پس درینباب مزید مذاکرات راچه سود؟ وحاجت ابطال چه دارد؟ بخیال عاجزانه ام باید که درینموقع نازک ضرور افغانستان با ترکیّه داخل هیچ یک معاهدهٔ باشرف متحدانه باشد زیرا خیال آزادی بعضی برادران همسایهٔ مظلوم و تکمیل موادّ معاهدهٔ خودرا نیز داریم، آرزومندیم که وفد "خلافت" وجمعیة العلمای روی جهان جهت مذاکرات با افغانستان مدعو شوند، و باید نه تنها افغانستان بلکه تمام مسلمانان روی جهان همه تن جان شده در احیا و ادامهٔ "خلافت" بکوشند که درینفرصت "خلافت" بسیار مفاد را حائز است، خلافت نقطهٔ اوامر و نواهی اجتماعی ملّت اسلامی است، خلافت حکومت دائمی اسلامی است، خلافت است که در همه مواقع تحفظ آن فرض ذمّت عالم اسلام بود بنگرید که در طرفداری و تقویهٔ «خلافت» تا زمانیکه در عرب بود وباز

در بغداد آمد و سپس از آن به ترکیه انتقال یافت مسلمانان چه مساعی جمیلهٔ شان است که در راه آن بصرف نرسانیده اند، و چه جانبازی و فداکاری است که در اطراف آن بعمل نیاورده اند اکنون اگر از اوامر و نواهی «خلافت» و حفاظت و طرفداری آن، این طبقهٔ حاضرهٔ اسلام چشم پوشی ورزند گناه ما است، نه از خلافت؛ خلص که فقرهٔ «مقتدابه» و «مسئلهٔ خلافت» که در میان عهدنامهٔ ترکیه و افغانیه است، از طرف خود اتراک الغا یافت، و باقی مواد آن که روابط سیاسی و اقتصادی ما را با ترکیه ایجاد کرده کاملاً باقی است، لازم که این معاهده فعلاً برقرار بوده بدشمنان و بدخواهان عالم اسلام چنان موقع و فرصتی را بدست ندهند که از آن استفاده نمایند، ازین تفرقه و جدائی ما که یگانه مقصد ملل غربی است بر ما ریشخند نمایند، از برای خدا این عمارت موجودهٔ عالم اسلام را که مشابهت بخانهٔ دارد که بالاخانه و سقف او غلطیده و دروازه‌های وی شکسته است از این تفرقهٔ مجدده چهار دیوار باقیماندهٔ او را نه غلطانیم.

یک ملا صاحب

این از بدیهیات است که ما ضرور با دولت اسلامیهٔ شرقیهٔ ترکیه خویش مناسبات دوستانه را قایم داشته با وی در همه گونه عملیات و اقدامات متحد و متعاهد باشیم و ارتباط تعلقات خود ما را با ترکیه بیشتر از مناسباتیکه با دول غربیه و ملل کفره داریم، تشیید و مستحکم نمائیم، جای بسیار افسوس خواهد بود که ما با کفار دوست و از مسلمانان غیور ترکیه اجتناب ورزیم.

پادشاه گلجان

اعلیحضرتا! تغیرات موجودهٔ حکومت ترکیه موجب تأسف و حسرت ما را نباید برین رویهٔ موجودهٔ ترکیه تنها بیک افسوس اکتفا نموده از اقدامات فداکارانه خودداری ورزیم، بلکه درین فرصت نازک بر دوش عالم اسلام یکبار بزرگ افتاده که تحفظ و برداشت آن طاقت فرسا است، حکومت اسلامیهٔ افغانیه مخصوصاً درین مورد نظر بجذبات اسلامیت کارانه و رویهٔ شریعت پرورانهٔ خویش بیشتر زیر بار مسئولیت است و باید که باشد زیرا دست شکسته در همه وقت بار گردن است، رأی عاجزانه‌ام چنان تجویز را تصویب میکند که افغانستان حتماً بایستی با ترکیه قطع مناسباتش را وادار نگردد و نه در تجدید معاهدهٔ حاضره مساعیش را مبذول نماید، فقرهٔ «مقتدابها و خلافت» چنانچه مولینا گفت خود بخود از طرف حکومت ترکیه خط بطلان را بر سر کشید، پس در آن، ما چرا دل زنی و زمزمه سرائی ورزیم، مواد بقیهٔ معاهده که سراسر شرف و عزت و مفخرت جانبین را اقتضا دارد کاملاً درست است و در آتیه نیز باید قابل تعمیل پنداشته شود و الا اگر در تغیر و تبدیل آن معاهدهٔ افغانستان اقداماتی را بعمل آوریم همانا که دست اذیت دشمنان را بر خود دراز خواهیم کرد و یکبار دیگر برای کفا موقع نفاق افگنی و تفرق و تشتت پسندی عالم اسلامی را اعطا خواهیم کرد.

مولوی محمد حسین خان

بنده نیز در مقولهٔ مولویصاحب محمد بشیر خان و در نظریهٔ آقای پادشاه گل خان متفقم، باید معاهدهٔ ترکیه

برحال بوده موجب مزید اختلافات نگردیم ! و وفد «خلافت» را جهة حل و فصل مسئلهٔ "خلافت" ترتیب دهیم، خیال عاجزانه ام چنان است که باید در مسائل آتیهٔ خلافت مذاکرات مؤتمر اسلامی اجتماع نماید لکن اشکالیکه درین مؤتمر بخاطر میرسد این است که موضع انعقادش بکدام مملکت باشد، زیرا در عروق و شرائین تمام علما و رؤسای نقاط اسلامیه اثرات ممالک غیر اسلامی اندرون بوده خدا نخواسته این مجلس را هم بر علیه عالم اسلام بر مفاد خود شان خاتمه خواهند داد، مثلاً در حجاز، و عراق، و مصر، و هند اثراتِ انگریز و در مراکش اثر فرانس، و در طرابلس از ایطالیا؛ و ترکیه از "خلافت" بیزار، و ایران بخلافت کار ندارد، باید ضرور حل و فصل این مسئلهٔ مهمهٔ اسلامی در مملکتِ مستقلهٔ اسلامیهٔ افغانیه بعمل آید، حاضراً الغای خلافت را اگر بنظر غائر بنگریم موجب منفعتِ عالم اسلام گشته، زیرا که آنها دفعتاً از ملاحظهٔ این مصیبتِ کبری از خواب غفلت برخواسته در صدد فیصله نمودن حیات و مماتِ خویش گردیده اند، ما از مصطفی کمال مسرور و متشکریم که آن خلافتیکه بجز از مفاد ترکیه بدرد دیگر ملل اسلامیه نمیرداخت و نه مسلمانان دیگر نقاط اسلامیه بامتثال اوامر خلیفه گوش میدادند، مرفوع القلم گردید.

اگر خواست خدا باشد خلافتی قائم خواهد گشت که نظیر «خلافت» حقیقیهٔ قرون اولیهٔ اسلام را خواهد داشت و مساواتِ حقیقی را در بین مسلمانان جهان حکمفرما خواهد نمود !

اعلیحضرت

تا حال حسیّاتِ خودم را نسبت بخلافتِ عظمیٰ و ترکیه ضبط نمودم الکنون خواهشمندم که محض جهة استحضار تان حقایق را

بی پرده برای شما بگویم، خلافتی را که تا هنوز ملت در دست ما تعریف میکردند حقیقتی ندارد، در واقع خلافت برای منفعت اسلام تا هنوز کاری ننموده است فقط خلافت درین قرون اخیره آلهٔ دست خلفا بوده است و بس، یک عدهٔ از ملت و اعضای دولت ما (چنانچه همه تان مسبوقید) خلیفه عبدالحمید خان مرحوم را چنان میشناختند که تمام روز دها امورات دولت و مهمات شریعت و کارهای سلطنت بذل مقدرت نموده شبانگاه از بوریا بافی قوت و معاش خود را استحصال میداشت و او را از افراد نهایت موثق و مقدس عبده داشته افعال و اعمال او را مساوی بصحابهٔ کرام می انگاشتند، از جملهٔ قصص مشهوره که نسبت بسلطان عبدالحمید خان مرحوم در افغانستان سرائیده میشد، حکایهٔ بنای مسجدیست که برای نهادن سنگ تهداب آن شخصی را خواهش نمود که در تمام عمر از وی نماز تهجد فوت نشده باشد، هر چند تجسس بکار رفت سودی نه بخشید بالآخر خود سلطان وضع بنیاد آن مسجد را گذاشته تشکر کرد که از من تا حال تهجد فوت نشده است، حالانکه مسلمانان ترکیه و عموم ارباب خرد عالم اسلام سلطان موصوف را شخصی می پنداشتند، عیاش که در استبداد مرتبهٔ اولی را اشغال داشت و پانصد زن را نگهداشت مینمود و هزارها نفر را قتل میکرد ! و در ایام سلطنت خود چیزهائی را نموده که ذکر آن جگر را میخراشد، شما را بخاطر خواهد بود که ما و شما این مصطفی کمال را در خشک سالی (۱۳۰۰) چقدر یکمرد مقدس تصور داشتیم حتی در حین اداء صلوة استسقا شمشیر بران او را بحضرت کبریا شفیع بردیم، حالانکه این جناب چون بمقصدش کامیاب و معاهدهٔ لوزان را منعقد ساخت علی الفور باخراج خلیفه و خاندان آل عثمان پرداخت و او را بطوری

از مملکت آبائی وی بیرون کشید که موجب افسوس و حسرت عالم اسلام گشته مورد مسخریه
و استهزاء دشمنان گشتیم امروز با اینکه خلیفهٔ اسلام بکمال عسرت و افلاس
وبحالم غربت در سوئزرلینڈ اقامه دارد باز هم حکومت مقامی آنجا ویرا محض بدین جرم
که صاحب دو عیال است حکم اخراج را ازان مملکت میدهد از طرف دیگر در عموم
اماکن خود اعلان کردند که جمیع ادیان آزاد است! ستر را از میان برداشتند و بسوی
مکاتب دینی و اسلامی توجهی نمی گمارند، در صحنهٔ تمثیل و تیاتر زنها و مردها پهلو به پهلو مجالست
میورزند؟ هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست؛ من به آواز بلند میگویم که "خلافت"
بطرز و صورتیکه بود و سوا از مفاد رقبهٔ حکمرانی خویش نقطهٔ نظری بخود نداشت و بدرد و مصائب عالم اسلام
نمیپرداخت (چنانچه در مواقع سه گانه تغلب انگلیسان بر افغانستان هیچ صدا و ندائی نداد)
و باجتماع عالم اسلام کوششی را بعمل نیاورد، هیچ بدرد نمیخورد و بکار نمی افتد و باید هم که خلیفه
در امورات دنیوی مسلمانانیکه در تحت حکومتش نباشند طبعاً و عقلاً مداخله نورزد داگر بنماید آیا
ایران، هند، مصر، مراکش، تونس، الجزائر، افغانستان، چین، وغیره مسلمانان
عالم بلا عذر و ضرر و تکلیف بامتثال اوامرش پرداخته میتوانند؟ نی ابداً! بخیال عاجزانهٔ ام
که درین دوره خلافت بدرد نمیخورد و خلیفه بجز از اینکه خودش و مملکتش را دو چار مصائب کبری
و هدف اسهام اعدا بگرداند دیگر فائدهٔ را باسلام عاید نخواهد کرد (چنانچه اگر فعلاً از ترکیه
موجب الغای خلافت استفسار شود علی الفور بجواب همین کلمه را خواهد گفت) تاهم باید که ما و شما
درین مبحث قبل از وقت مذاکرات ننمائیم و اوقات خود را دران ضایع نکنیم این کار کار علمای است

باید جمعیة العلمای متخصصین و طائف "خلافت"، و متعاقباً فوائدش را باسلام و تکالیفی را که
خلیفه بر مسلمانان عائد کند و حقوقی را که مسلمانان بر خلیفه دارند، توضیح دهند، پس از ان موضع
و شخص او را طور تعیین دارند که موجب نفاق و تفرقهٔ اسلام نشود و جهة حل و فصل آن علمای
اعلام عالم اسلام باید باب مذاکرات را مفتوح سازند و چنانچه قبلاً چندی از حضرات بدین
مسئله اظهار افکار نمودند باید این وفد از طرف علمای افغانستان و جمعیة "لویه جرگه" با فغانستان
مبعوث شوند، و درین مراتبه آخرین یکمرتبهٔ دیگر داد اسلامیت حق شرعیت را ایفا نمایند! باقیماند
مسائل سیاسیهٔ ما و ترکیه با اینکه فعلاً ترکیه خودش، خود را از ما دور کرده میروند و مناسبات
درمیانی خود را با ما یکرقم درست نشان نمیدهند باز هم باید ما این کشیدگی جزوی را عاید بملت
غیور ترکیه ننمائیم و آنرا بطرف اشخاصیکه فعلاً زمام کار بدست شان است عائد کنیم، زیرا که از
غرابی یک دیا دو نفر نباید عموم ملت ترکیه را (چنانچه وزیر معارف گفت) مذمت کنیم (ملاحظه
شود اطوار و کردار حضرت نبوی و اعراب حجازی و اعمال و رفتار ابوجهل و ابولهب)
ما را نباید بمقابلهٔ بدی آنها با وشان بدی کنیم بلکه از حوصله و استقامت کار گرفته مانند
سابق مناسبات خود ما را با وشان قایم داریم و امیدوار باشیم که عنقریب بیش از پیش
براه صلاح و سداد رفتار خواهند کرد و ما را از رفتار حسنه و مناسبات اسلامیت کارانهٔ خویش
مسرور خواهند داشت، لهذا بخیالم اینست که "لویه جرگه" بتوسط وزارت خارجیه حکومت
ترکیه را مطلع سازند که فقرهٔ "مقتدابها و خلافت" را خود شما چون لغو نموده اید ما هم از ان شمارا
سبکدوش می پنداریم مواد بقیهٔ معاهدهٔ ما با شما الی دو سال و چند ماه دیگر نیز قابل

تعمیل است، بعد از دو سال وزارت خارجیه مجدّداً دروازهٔ مذاکرات و تجدید معاهده را با ترکیه بکشاید، در باب مسئلهٔ خلافت همان است که ما و شما آنرا فیصله کرده نمیتوانیم، بلکه آن کار، کار علمای جهان است، هر شخص را که آنها بخواهند بعد از تعیین وظائف و تکالیفش معین خواهند کرد!

مولوی فضل ربی اعلیحضرتا! "خلافت" ابداً حق سلطنتی نیست، بلکه از روی شرع شریف، هر اولوالامری که پابند امورات شرعیه باشد حق "خلافت" را دارد، علت الغای "خلافت" ترکیه علاوه بر اسبابیکه مذکور گشت، یک سبب دیگری نیز دارد و آن اینست که جمهوریت خلاف اساس اسلامیت است درحینیکه اولوالامر دارای صفات اولوالامری نباشد چطور میتواند شد که او خلیفه بشود و عالم اسلام "خلافت" او را قبول کرده خواهند توانست امروز اگر بچهار دانگ عالم بنظر غائر دیده شود قبای زیبای "خلافت" بغیر از وجود مبارک شما که کاملاً پابندی شریعت را برخود متحتّم داشته اید بر دیگری زیبا نیست، در مسئلهٔ مناسبات ما و ترکیه همان مناسبات سابق درست است، البته علمای افغانستان همچنان که وفد خلافت را بافغانستان دعوت میدهند بهمین طور ترکیه را نیز ازین خطا و لغزشی که در الغای "خلافت" و اساس نهادن سلطنتش را بر اصول جمهوریت کرده متنبه فرمایند!

شیر جان صاحبزاده اولاً "خلافت" عظمای اسلامی حق موروثی هیچ دولت گفته نمیشود، چراکه مقصود یگانه از "خلافت" و سلطنت اسلامی همانا پابندی اوامر و نواهی خداوندی جلت عظمته، و اتباع سنن حضرت رسالتپناهی علیه افضل الصّلوة و اکمل التّحیّات بوده و بس، هر صاحب دولتی را که حق سبحانه و تعالی برین نعمت عظمی و موهبت کبری موفق گرداند بخ بخ زهی سعادت و زهی افتخار (بایقین استحقاق "خلافت" اسلامی را نائل و سزاوار میشود) نه آنکه دولت ترکیهٔ جمهوریه بهمه حال خلیفة المسلمین شناخته شود باز ازین نعمت عظمی و موهبت کبری صرف نظر کرده اند و اساس دولت خود را به جمهور گذاشته اند، که خلاف قواعد سلطنت اسلامی گفته میشود، یعنی اولوالامر هم گفته نمیشود چه جای خلیفة المسلمین! البته استحقاق "خلافت" اسلامی بذات همایونی منوط و مربوط است که اساس قواعد سلطنت سنیهٔ خود را موافق بشریعت غرای (محمدی) گذاشته اند و پابندی اوامر و نواهی شرع مبین اسلامی را بر ذمهٔ خود حتمی شمرده اند چون اتفاق همه ملل اسلامی بقبول امر و نهی خلافت بر ذمه و رقبهٔ خودشان لازمی دیده میشود، اگر بفضل و عنایات خداوندی میسر آید زهی سعادت و افتخار والا صورت موجودهٔ دولت جمهوریهٔ ترکیه استحقاق خلافت را برخود باقی نگذاشته است.

ملا .... حدیث حضرت نبوی را که در موضوع خلافت و حکومت و امارت و سلطه و اقتدار سلاطین بود قرائت کنان از ترجمهٔ آن لزوم نصب امیر عادل را

توضیح نموده گفت که "خلافت" حقِ آن شخصے است که کاملاً پیرو قرآن و تابع شریعت باشد، در اخیر لزوم دعوت جمعیت علماے اسلامی را در پایتختِ مملکتِ اسلامی حتمی نشان داد!

وزیر صاحب مالیه ما نمیتوانیم که خود بخود علماے عالم را با فغانستان دعوت نمائیم تا زمانیکه علما ضرورت و فوائد "خلافت" را خاطر نشان ما نکنند و یا خود علماے عالم خواهش آمدن شان را بمملکت ما جهتِ فیصلهٔ مسئلهٔ "خلافت" ننمایند!

اعلیحضرت بدون از اینکه ما علماے جهان را دعوت دهیم و از عموم شان لزوم و عدم لزوم "خلافت" را استفسار نمائیم چطور بر طبق افکار یکعده از علماے افغانستان فیصلهٔ این امر بزرگ را نموده خواهیم توانست، چیزیکه حضرات علمای ما نسبت بدعوت نمودن علمای جهان با فغانستان بخاطر دارند کاملاً درست است باید علمای ما وقتی "خلافت" را چنانچه اظهار کردند دعوت دهند و از تکالیف میزبانی و قدردانی آنها مطمئن باشند که حکومتِ شان همه گونه تسهیلات و تکلیفاتِ آنها را محض خاطر داری علماے افغانستان و عزت و توقیر "خلافت عظمی" متعهد میشود [درینجا ذاتِ همایونی با علما مخاطبه کنان الفاظ مزاح آمیزے را بیان داشته گفتند :- چقدر نیکبخت و محبوب القلوب هستید شما علما که خرج همقطاران و مهمانان شما را نیز

اخلاص مندانِ تان متحمل میشود ـــ

خرج اگر از کیسهٔ مهمان بود ✤ حاتم طائی شدن آسان بود ب، د]

شیر احمد خان وکیل صاحب خارجیه چیز سخن از موضوع مجلس خارج شد و مبحث را گذارده بدیگر اطراف افکار محفل انعطاف ورزید ما مقصد از معلوم نمودن دو حرف است که آیا معاهدهٔ ما با ترکیه برحال بماند و یا تجدید شود؟

مستوفی اعلیحضرتا! بهر نوعے که باشد ضرورت ادامهٔ مناسبات و اقامهٔ دوستی ما با دولت اسلامیهٔ شرقیهٔ ترکیه لازمی است، خلافتی را که خود شان از گردن خود ساقط نموده اند موجب تنقیص و تزئید معاهدهٔ ما پنداشته نمیشود ما را نباید بر اجراآتِ داخلیهٔ ترکیه اعتراض نمائیم چه تا زمانیکه آنها وجود "خلافت" را بخود مناسب می پنداشتند در توکید و تشییدش مضایقه ننمودند، اکنون که در وجود آن برای دولت و سیاست خویش مضرت را ملاحظه نمودند لغوش داشتند، چیزیرا که خود آنها کشیدند حاجت باخراج ما نماند، ما راست که از ان مادهٔ خلافت صرف نظر نموده مواد بقیهٔ آن را الآن کما کان قابل التعمیل پنداریم، کسانیکه وجود خلیفه را برای عالم اسلام مفید نمی پندارند باید آنها بسوے داد و فغان اسلامیان عموماً، و ناله و غوغای چندین کرور نفوس اسلامی هندوستان مخصوصاً،

عطف توجّه نمایند که آنها بعد از الغای «خلافت» بچه مصائب خود را مبتلا و از کدام تشبثات درینموضوع خودداری نموده اند، آنانیکه منکر معاونت و استمداد عالم اسلام بامقام خلافتِ عظمیٰ میباشند، درین مسئله چه میگویند که به ملیونها پول اعانه در هر موقع مصیبت از طرفِ عالم اسلام عموماً و از طرفِ مسلمانان هندوستان خصوصاً به ترکیّه علاوه بر طرفداری ترکیه و برآوردن صداهاے احتجاج خویش را برعلیه دشمنان خلافتِ عالیه محض اظهار عقیدت و همنوائی با ترکان ارسال شده است!

اعلیحضرت من هم طرفدار مستوفی صاحبم! بلے اگر واقعی مسلمانان عالم چنان گفته میشود، محض باسم خلیفه را مقرر میداشتند و از معاونت و طرفداری او غفلت میکردند، پس این ملت مظلوم اسیر هندوستان چرا باین اندازه پول ها بترکیه میفرستادند و در همه گونه معاونت و طرفداریِ او میکوشند؟ و چرا همین اعانه و همراهات را با دولت همسایهٔ اسلامیّهٔ خود مملکتِ افغانستان نمی نمودند؟ و چرا وفدے را که جمعیّتِ هلالِ احمرِ ترکیّه جهة جمع آوریِ اعانهٔ اطفال یتیم و بیوه زنان و بازماندگان شهداے محاربه سمرنا فرستاده بود بمحض استماع الغاے «خلافت»، ناکامیاب فرستادند؟ و ملّت افغان از کدام رهگذر اعانه میداد و جشن سرور و محافل دعائیهٔ فتح ترکیّه و مجالس تعزیه داری سلاطین معظمهٔ مرحومهٔ ترکیّه را قایم میکرد؟ خلص اینکه

معاونت و همراهی عالم اسلام بمقام "خلافت" تا جائیکه امکان پذیر است در همه وقت ظاهر و باهر و قابل تقدیر است و وجودِ "خلافت" در همه حالت از عدمش اولی است و در شرافت نجابت و فداکاری ملّت ترکیّه جای شبهه نیست افغانستان ضرور این معاهده اش را که با ترک دارد تا زمانیکه خود ترکیه خواهش تبدیل و تغیر او را نکند، برحال خودش بگذارد و در مسئلهٔ خلافت نیز تا بتواند فداکاری و جذباتِ اسلامی خود را اظهار دارد و همین وفد خلافت را حتماً در افغانستان دعوت دهند که آنها در تعیین حقوق واردات و مخارجات و وظائف خلیفه بحث و مذاکره نموده باتفاق عموم اسلام شخصے را که علما قابل "خلافت" بدانند مشخص دارند و الّا اگر ما بر طبق مقولهٔ بعض علماے خود تنِ تنها بدون صلاح و صوابدید علما احدے را خلیفه مقرر داریم، مانند شریف مکّه خلیفهٔ معیّنهٔ ما هم بیک سر و دو گوش در میدان خواهد ماند.

یک وکیل خودم طرفدار افکار قیمتدار همایونی میباشم و میگویم که این معاهدهٔ ما فعلاً برحال و بعد از دو سال اگر لازم دیده شد تغیر پذیرد، مسئلهٔ "خلافت" را بافکار عمومی علماے ممالکِ اسلامی واگذار شویم! و آنها را ضرور بافغانستان دعوت نمائیم.

وزیر صاحبِ مالیه بلے! اگر خود علماے اسلامی خواهشِ آمدنِ شان را بافغانستان بنمایند ما آن را بسر و چشم قبول داریم و الّا

خودم طرفدار مدعونمودن شان بافغانستان نمیباشم.

اعلیحضرت نی! ما فقط بغرض اظهار خلوصیت و عقیدت خود مان بمقام "خلافت" و عزت و توقیر علمای اسلامی وفد "خلافت" را در مملکت مستقلهٔ اسلامیهٔ افغانی خویش دعوت میدهیم اگر اوشان دعوت ما را نشنیدند و موضع مذاکرات را بدیگر نقاط اسلامی معین داشتند البته که هیئت علمای ما بسر و چشم بغرض شمولیت آن مجلس مبارک اعزام خواهند یافت !

مولوی محمد حسین خان نیز تائید قول همایونی را نموده بحوالهٔ یکی از جرائد عربی اسلامی بیان نمودند که جهت مذاکرات وفد خلافت بهترین نقاطیکه از اثر اغیار خالی میباشد افغانستان است، لهذا ضرور مؤتمر اسلامی را علمای ما چنانچه خواهش نموده اند مدعو نمایند !

مولوی سیف الرحمن یک بیانیهٔ طویلے را در ظرف (۳۰) دقیقه ایراد نمود چون تماماً خارج از مبحث بود ما به ایراد آن صرف اوقات ناظرین را روادار نمیشویم، تنها الفاظے راکه در ان ضمن قابل ذکر است خلاصتاً قلمبند مینمائیم :-

قرائت و ترجمهٔ طولانی آیهٔ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیْعًا وَّلَا تَفَرَّقُوا بامفاد و ماله و ما علیه آن، تاریخ مختصرهٔ خلافت اسلامیه، مساعی جمیلهٔ خلفاے راشده، زمان خلافت عباسی، تن پروری خلفای ما بعد صفات

عمر بن العزیز، غمخواری برخے از خلفاے اسلامی باعموم مسلمانان شرقی و غربی عدم انقیاد حقیقی هند و افغان و ایران و چین و اعراب و اتراک بمقام خلافت از شومی اعمال شان است، باید ضرور منقاد شوند و همه اوامرش را تعمیل نمایند، اجتماع ۱۳ صد سالهٔ علمای اسلامیه بر دوام "خلافت" دلیل بزرگ است براینکه باید ضرور خلیفه در اسلام معین باشد، اگرچه آن خلیفه خلیفهٔ حقیقی نباشد باز هم مسلمانان باید تعمیل اوامرش را نمایند و در قیام آن بکوشند !

وکیل صاحب خارجیه هرچند بحضار تاکید میشود که خارج از مبحث مذاکرات ننمایند و برطبق لایحهٔ لویه جرگه که بنزد هرکدام تان است گفت و شنید دارند باز هم بعضے از حضرات مسئلهٔ زیر بحث را گذارده بدیگر اطراف سخن میرانند و موجب طوالت مجلس و تضییع اوقات میشوند غرض ما صرف همین کلمه بود که معاهدهٔ حاضرهٔ ما با ترکیه برحال باشد و یا تجدید شود اینک هر شخصے طرفدار تجدید معاهده باشد برپا بایستد و هرکدامیکه خواهشمند برحال بودنش باشد نشسته بماند، تا با اشخاصیکه مخالف همدیگران باشند در همین موضوع بحث کرده شود !

جمهور نشسته ماندند واحدی قیام نورزید بعد از وقفهٔ دو دقیقهٔ ذات جهانبانی فرمود !

اعلیحضرت معلوم شد که عموماً شما طرفدار برحال ماندن معاهدهٔ موجودهٔ افغانیه و ترکیه اید و درخواستن وفد خلافت بافغانستان کاملاً

متفقید و اشخاصیکه مخالف بودند در بحث قانع شدند !

جمهور — بلی ! همه ما بر طبق منکورهٔ همایونی بوده مانند سابق مناسبات خود را با ترکیه خواهان و دعوت دادن وفد "خلافت" را بافغانستان بنظر استحسان مینگریم. (کف زدنهاے شادمانی) !

اعلیحضرت — رئیس شوراے دولت را امر بقلمبند نمودن نظریهٔ جرگه نموده بعد از تحریر بحضور عموم خوانده شد و بکمال شادمانی و بشاشت اوّلاً بامضاے همایونی و متعاقباً بدستخط و مواهیر عمومی مزیّن گشت !

معاهدهٔ ایران با افغانستان

بعد از اختتام معاهدهٔ ترکیه و استقرار رأے عمومی بر ادامهٔ موقتیِ آن عهدنامه و مدعو داشتن مؤتمر اسلامیه بافغانستان نوبت بقرائت معاهدهٔ ایران و افغانستان رسید، درین معاهده نیز ذاتِ همایونی سپس از آنکه آقاے وکیل خارجیه هر مادهٔ آنرا باخیر میرسانید، تشریحاتِ عام فهم و توضیحات خوبے را بحاضرین میداد.

بعد از اختتام این معاهده برخے از سوالات و جوابات نسبت به بعضے از مواد آن از طرفِ لویه جرگه بعمل آمده عدهٔ توضیحاتے را در بعض فقرات آن از

وکیل صاحب خارجیه خواستار شده در نتیجه عموم حضار برین معاهدهٔ دوستانهٔ اسلامیت کارانه اظهار مسرّت و رضامندی خود شان نموده یکی از ان در آخر مبحث برخواسته بعرض رسانید !

وکیل ..... بخیال عاجزانه ام باید لویه جرگه این معاهده را هم بنظر تقدیر و استحسان نگریسته وزارتِ خارجیه را توصیه و تاکید نمایند که در مزید مقدمات محبّت و یگرنگی و اتّحاد و اتّفاق و همدستی با دولت ایران بکوشد !

جمهور ... بسیار خوب همه رضامندیم که مناسباتِ دوستانه و حسّیات محبّت کارانهٔ ما زیاده بر زیاده با دولت همکیش و همزبانِ ما ایران بحُسن مساعی وزارتِ خارجیهٔ مان بعمل آید !

[سپس از ان رأے عمومی لویه جرگه نسبت بحسنِ مناسباتِ ایران و افغانیه اوّلاً قلمبند و متعاقباً به پیشگاه حضار قرائت گردید، در نتیجه تمام نفری اورا با مضاے خویش سپس از امضاے ذات ملوکانه موشّح نمودند ب، د.]

* *

*

معاهدهٔ
افغانی و فرانسوی

[بعد از اتمام نظریاتِ لویه جرگه نسبت بمعاهدهٔ ایران وافغانستان نوبت بقرائت معاهدهٔ افغانیه و فرانسه رسیده آقای رئیس شورای دولت معاهده را قرائت ینمود ذاتِ اشرفِ ملوکانه چنانچه گفتیم در توضیحات و تشریحاتِ آن میپرداختند ب ، د] .

مستوفیِ کابل چنیکه معاهده ختام یافت میرزا غلام مجتبی خان مستوفی اظهار داشت این معاهده را باید لویه جرگه برطبق معاهدهٔ ایطالیا تصدیق نموده وزارتِ خارجیّه را بمزید تشیید روابط سیاسی و دوستی با دولت فرانسوی مأمور فرمایند !

وکیل قندهار از طرفِ جمهور برپا خواسته معروض داشت که ما از همدستیهای دوستانه و معاونتهای انسانیت کارانهٔ دولت فرانسه که در راه تعلیم اطفال ما نموده و مینمایند اظهار سرور و تشکر میداریم و از تسهیلاتیکه برای وزارت حربیّهٔ ما در ابتیاع اسلحه نموده است نیز ممنونیم و متفقاً

وزارتِ خارجیهٔ خویش را بمزید استحکام مراتب محبّت و سیاست با دولت مشارالیه توصیه مینمائیم !

جمهور درست است همهٔ ما بمناسبات دوستانهٔ افغانستان با فرانسه مسرور و در الفاظیکه وکیل صاحب فرمودند متّفقیم !

[بعدهٔ منشی مجلس لایحهٔ را که مبنی بر احساساتِ لویه جرگه نسبت بدولتِ فرانسه بود تحریر و به پیشگاه حضار تقریر نمود در آخر از طرفِ عموم بعد از امضاءِ بیضاءِ همایونی تصدیق گشت ب ، د] .

موافقهٔ
افغانستان باالمان

[بعد از اتمام معاهدهٔ فرانسه و قلمبند شدنِ رأیِ عمومی نسبت بدان معاهدهٔ المان وافغان قرائت گردیده دران نیز ذاتِ ستوده صفات ملوکانه تشریحات میفرمودند ب ، د] .

مستوفیِ کابل برپا خواسته گفت که این معاهده وامثال آن معاهدات سیاسی است و در معاهداتِ سیاسیّه حق هیچگونه

مذاکره ومباحثه نمیباشد حالانکه در تمام این معاهدهٔ سیاسی نیز منفعت وشرف افغانستان مرکوز است، لهذا درین معاهده ودر اشباه آن مانند نظریه وآرائی که در معاهدهٔ ایطالیه وفرانسه مرقوم گشته رأی لویه جرگه قلمبند گردد!

جمهور... تائید قول استوفی صاحب را نموده منشی مجلس را بقلمبند نمودن رأی مجلس برطبق که بفرانسه وایطالیا نوشته شده بود در حق جرمن نیز امر دادند!

[چنانچه رای عمومی علی الفور تحریر وبنزد عموم قرائت ودر آخر ذات ملوکانه اوّلاً اورا امضا ومتعاقباً از طرف جمهور تصدیق وامضا گشت ب، د.]

معاهدهٔ افغانستان بالجیک

وکیل خارجیه سپس ازان نوبت بقرائت نمودن معاهدهٔ بلجیک رسید آقای شیر احمد خان در تشریحات آنهم بذل مقدرت کنان در خاتمهٔ آن فرمودند که این معاهده بدین نزدیکها شرف انعقاد را پذیرفته وتا هنوز برطبق مندرجات آن اجراآت بعمل نیامده است!

جمهور بسیار خوب است از طرف ما نیز وزارت خارجیه تصدیق این معاهده را تقدیم نموده واز قوه بفعل آوردن آن مساعی جمیلهٔ خودرا مبذول دارد!

در اثر آن رأی عمومی علی الفور نوشته شده وبه پیش جمهور خوانده شده

در خاتمهٔ آن حضور شاهانه ابتداءً اورا دستخط کرده پس ازان بامضای دیگران نیز تزئین یافت!

اعلیحضرت بعد از اختتام معاهده های فوق فرمودند که این مساعیات وکارستانیهای وزارت خارجیهٔ ماست که درین عرصهٔ بحساب بشرف وعزت ومنفعت افغانستان بعمل آورده است، این معاهدات را اینطور که شنیدید تصور نکنید که خود بخود ترتیب وامضا وقبول گردیده است، بلکه در هر ماده وهر فقرهٔ آن الفاظ های بسیار ومذاکرات بیشمار وعلیات وتشبثات در معرض اجرا آمده وعلاوه برین بساجزویات وکلیات وفروعی جهة آن ترتیب وتعمیل شده است که اگر بمذاکرات وبیان همهٔ آن بپردازیم مدت طویلی را بکار میبرد، وازین بعد هم خودم ووزارت خارجیه ام تا بتوانیم در تشیید روابط افغانستان باروی جهان در عزت وشرف ومنفعت افغانستان از دل وجان خواهیم کوشید!

خواهشِ قیامِ مناسباتِ افغان با جاپان

عمایدِ لویه جرگه بعد از ختامِ منطوقهٔ همایونی عمایدِ لویه جرگه از ذاتِ همایونی التجا کردند که باید ضرور عقدِ مناسباتِ مان با دولت شرقیهٔ جاپان نیز بعمل آید و نظر بهمه دول روابطِ ما با جاپان از حد زیبا و نهایت خوب پنداشته میشود، آیا وزارتِ خارجیهٔ مان درین مسئله اقداماتے نموده است یا نه ؟ اگر نموده باشد ضرور باید که بنمایند !

اعلیحضرت مدتیست که مذاکراتِ ما با دولتِ جاپان جاری است و در نتیجه دولتِ مزبور سفارت ما را قبول و عنقریب سفارت ما بدانطرف اعزام شدنیست، بشما معلوم است که قبولیت سفارت بدو نوع است، (اوّل) قبول نفس سفارت (دوّم) قبول شخصی سفیر، قبول نفس سفارت از مدّتے بعمل آمده است، اکنون انتظار قبولیت وزیر مختار ماست که ما بدولت جاپان اطلاع داده ایم که جناب علی احمد خان ایشیک آقاسی اسبق و وزیر داخلیهٔ سابق افغانستان بسفارت افغانی در جاپان مقرّر شده است، اینک

بهمین زودیها جوابِ آن خواهد رسید و سفارتِ ما بدان صوب حرکت خواهد کرد امثال این اعمال را هیئتِ فعال وزارت خارجیه زیاده تر نموده اند امّا چون تاحال در معرض عمل و اجرا نیامده است، لهذا تذکراشیائے را که تا هنوز بمیدان یقین نبرامده و جامهٔ عمل را در بر نکشیده است براے تان کردن و خواندن مناسب نیست !

ایشان اعظم خواجه نطقے را در موضوع استقلال افغانستان و مساعی جمیلهٔ اعلیحضرتِ غازی و خدمات قابل تقدیر وزارتِ خارجیّه ایراد کنان خاتمهٔ مقاله اش را بدین مسئله نمود، سابق برین اگر ما فرامین و رقعهاے گوناگون را بدست داشته بخارج میرفتیم و بهر طریقه و انواع خود را معرفی مینمودیم احدے ما را نمی شناخت و بما اهمیّت و قیمتے نمیداد امّا هنوز اگر ما یک پساپورت قوماندانی افغانستان را بدست داشته بهر دولت و بنزد هر ملّتے که برویم و با هر کسیکه برخوریم اعزاز مینگریم و اکرام می بینیم (کف زدنهاے شادمانی).

محمّد اسحٰق خان نیز بهمین منوال نطقے را ایراد و در خاتمه از مساعیاتِ جهاندجاتِ محیی ملت افغان اظهار امتنان و برای وزارتِ خارجیهٔ افغانستان عرض تشکر نمود کلماتش بکف زدنهاے شادمانی مظهر قبول جمهور گشت .

رئیسِ عمومیِ شورایِ دولت وکلایِ محترم ! و مشایخ و علمایِ معظم و سادات و رؤساے مکرّم کل نقطهٔ افغانستان

بتقریب انعقاد لویه جرگه من بحضور شما عرض کرده نمیتوانم که بزیر این خیمه و بارگاه چه هزار یا دو هزار نفر از افغانستان حاضرند، بلکه عرض میدارم که جمیع ملت امروز بحضور اعلیحضرت شرف حضور دارند و به پیشگاه شما ذوات محترم یک حصه از خدمتهای دولت متبوعهٔ تان که بتوجه و همت و تدبیر اعلیحضرت غازی در وزارت خارجیهٔ تان برای افغانستان شده است توضیح و تشریح یافت، میخواهم واضحتر عرض کنم یکوقت همین افغانستان بود که سوداگرهای آن از هندوستان تا کلکته میرفت و خود را از سیاحین بزرگ میشمرد و کس نمیدانست که بآخرین نقطهٔ هندوستان کلکته سواحل و بندرگاه دیگری هم هست؟ یا نیست؟ همین افغانستان بود که از عماید و امرای دولت انگلیس لات و پرنس را می پنداشتند و بس، اما نمیدانستند که لات کیست؟ و پرنس چه منصب دارد؟ بلی! افغانستان از مدتی خیال داشت که خود را با دول عالم بشناساند و نام خود را بروی دنیا نشر نماید، چنانچه سلاطین ماضی مملکت افغانی درین راه کوششها کردند و تشبثاتی را بکار بردند، اما متأسفانه که بر عزم خود کامیاب نشدند (لله الحمد) که در عصر سعادت حصر اعلیحضرت غازی بمقاصد خویش نائل و شرف عزت خود را حاصل کرد چنانچه عموم سفرا و نمایندگان او در روی جهان قبول و پرچمهای اسلامی افغانی ما در فضای عالم بتموج است ملت افغانستان امروز که نامه بتمام کرهٔ دنیا رفته میتواند، و همه کس بنظر عزت بطرف شان مینگرد خود من که یکی از خدمتگاران

ملت خود میباشم چندی پیشتر ازین در ضمن ایفای مأموریتم با کثری از حصص دنیا سیاحت کردم و بهر مجلس که میرفتم مورد عزت داری زیاد میگردیدم و چنان پذیرائیها میشدم که در داخل مملکت خودم آنقدر عزت ندیده ام بلحاظ اینکه نام افغانستان بسر من بود [عموم زنده باد اعلیحضرت پادشاه ترقیخواه ما] !

امروز شما خیال نکنید که تنها شما وزارت خارجیه پیدا کرده اید سنی ! بلکه افغانستان دارای وزارات و ریاسات و مدیریتها و مأموریتها و حکومتیها و دیگر تشکیلات مفید و ترقیهای مزید گردیده دارای عزت و شرف و مفخرتیکه شایان اوست میباشد امروز افغانستان بوجود این پادشاه ترقیخواه و شریعت پرور خود افتخار میکند که بنظر دول معظم دنیا بتوجهات این شهنشاه خویش خود را معرفی کرده است [زنده باد شهریار ترقیخواه شریعت پرور ما] .

امروز جای بسیار مسرت و شکران است که افغانستان یک پادشاه باغیرتی پیدا کرده که زندگی، راحت، عیش خود را فدای آبادی ملک و ملت و وطن مینماید، امروز افغانستان نه تنها با دول خارجیهٔ بزرگ دنیا نوشت و خوان بر کاغذ دارد بلکه (الحمدلله) امروز افغانستان بسیار فایده ها از دول اجانب گرفته است، شما به بینید فائده هائیکه امروز از دول اروپا گرفته ایم یکی اسلحهٔ موجوده است که بیک تعداد مکفی داخل مملکت ما شده و میشود و دیگر اسلحه جات طیاره ها و فابریکها و ضروریات نیز برای افغانستان آماده و موجود بوده صرف بامر وزارت حربیه و حکومت

معطل است اگر وزارت حربیهٔ ما امر نمایند در مدت قلیل بسیار اسلحه علی الفور برای ما بهم میرسد، امروز دولت روس، جرمنی، دولت فرانس، دولت ایطالیه دولت انگلیس، هر کدامش علیحده علیحده خواهش دارد که اسلحه از ما بخرید و ما بشما اسلحه میدهیم یکی میگوید طیاره میدهیم، یکی میگوید توپ میدهیم دیگرے میگوید فابریک میفرستیم، دیگری خواهش ارسال مستخدمین مینماید، مطلب هر کدامی ازین دولتها خواهش دوستی افغانستان را که یک قوم شجاع دلاور میباشد دارند (کف زدنهای شادمانی).

کدام دولت است که اسلحه و قوت خود را کم کردن میخواهد، اما ازینکه با اسلحه میدهند محض جهة دوستی با افغانستان است والا بروپیهٔ افغانستان محتاج نخواهند بود، فقط امروز دولتهاے معظمهٔ دنیا آرزو دارند که با دولت افغانستان دوستی و مناسبات داشته باشند و این دوستی شان ضرور برای یکروز ما مفید خواهد بود، همین افغانان است که از لاهور پیشتر را نمیدانست همین افغانستان در نقشه جات زمان سابق یکحصهٔ از ملحقات هندوستان پنداشته میشد و انگلیسان او را زیر اسارت خود میدانستند همین افغانستان که در دنیا نام و نشان نداشت همین افغانستان که عموماً القمهٔ نیم خوائیده و یک مملکتی زیر حمایهٔ انگلیس شمرده میشد، از توجهات جهاندرجات پادشاه رفیع پایگاه خویش خود را در جهان معرفی کرد و بجمیع دول خود را نشا نداد

گفت هر کس دوستی افغانستان را آرزو داشته باشد افغانستان حاضر است و هر که دشمن او باشد افغانستان نیز مردانه وار بمقابلهٔ او حاضر است که مشت در دهن شان زده خار گلوئی شان بشود (کف زدنهاے شادمانی).

ما را باید که شکرانه بدرگاه خالق یگانه نمائیم که امروز ما دورهٔ پنج سالهٔ ابتدائیهٔ خود را بزیر سایهٔ اولوالامر مجاهد خویش بسیار کامیابی طی کردیم وزارت خارجیه خدمت پنج سالهٔ خود را بحضور شما عرض کرد، برین خوشنودی و تشکرات و حوصله افزائیهای پیهم شما فخر میکند و امیدواریم که در آینده نیز به عنایت خداوندی و توجه اعلیحضرت غازی دورهٔ ثانیهٔ خود را نیز به بسیار کوشش و سعی و کار بانجام برساند، تا در لویه جرگهٔ آینده خدمات ناچیزانهٔ خود را بحضور شما عرض کرده بتواند (کف زدنهاے شادمانی).

مولوی محمد بشیر کلماتی را در موضوع صفات و مزایاے همایونی و خدمات قابل تقدیر وزارت خارجیه ایراد کنان در خاتمه معروضه داشت، که باید از طرف لویه جرگه تشکرنامه هاے متعددے بدان ملل و دولیکه در موقع کشیدگی افغانستان و انگلستان اظهار همدردی نموده اند و با افغانستان همراهی و همنوائی فرموده اند فرستاده شود!

وکیل صاحب خارجیه احساسات متشکرانهٔ افاغنه و اظهار امتنان از طرف حکومت افغانستان قبلبرین برای آن حرکت متهمانهٔ

که دران موقع با افغانستان همراهی و همنوائی کرده اند بطور درست فرستاده شده است باز هم ما از خیالات شما مشکوریم !

مولوی صاحب کامه — نیز تشکر از مساعیات جمیلهٔ ذاتِ شاهانه که در امورات خارجیه درین عرصه وجیزه بعمل آمده است بیان داشته در آخر متأسفانه اظهار داشتند ای کاش ما هم یک بندرگاه بحریه را مالک میبودیم و در خاتمهٔ مقال خویش ضرورتِ طیران طیاره را در افغانستان حتمی نشانداده عطفِ توجه ارباب حکومت را بسوی آن خواستار گردید !

اعلیحضرت — نطق مفصلی را در جواب مولویصاحب بیان داشته ضمنًا فرمودند که کنایتًا از کلام شما چنان فهمیدم که نسبت باخوان اسلامیهٔ مقیمهٔ سواحل جنوبی افغانستان حکومتِ تانرا توصیه میکنید حکومتِ شما آنهارا مانندِ قطعهٔ جگرِ خویش می انگارد شما مطمئن باشید، در مسئلهٔ طیاره با اینکه باید وزارت حربیه جواب تانرا بگوید باز هم اینقدر بشارات تسلیت میدهم که افغانستان در سرانجام نمودن مسئلهٔ طیاره جهة قوای حربیهٔ خود نیز غافل نمانده و ممکن است که عنقریب بمقصد خویش کامیاب آید !

جمهور ... ما شکر کاری لویه جرگه از اقداماتِ شرافت کارانه و شاهکاریهای مفخرانهٔ همایونی در معاملاتِ خارجیه کاملًا اظهار سرور و خرمی مینمائیم و کاملًا اظهار تشکر و اطمینان خود را از معاملات خارجیهٔ خویش داشته دعای مزید کامیابی

و موفقیتِ حکومتِ خویش را خواهانیم !

اعلیحضرت — مقصد اینکه معاملاتِ خارجیهٔ ما که تا حال نموده بودیم بحضور شما خوانده شد و از ملاحظهٔ شما کاملًا گذشت و از افکار آرای تان فواید گرفتیم اینقدر قطعی بحضورتان عرض کرده میتوانم که مناسباتِ خارجیهٔ ما بفضل خداوند خوب است اگرچه نسبت بآرزو و خواهشاتِ خودم نهایت کم است از خداوند بیش از بیش خواهانم، من مستحق اینقدر تعریف و توصیف و الفاظ و عباراتی که نسبت بمن گفته میشود نمیباشم [ما آن تعریف و توصیف های ملوکانه را محض از خوفِ تطویل در مقامات آن درج ننموده ایم ب، د] ۰

البته اینقدر معروض میدارم که این عاجز مقصدی بجز از خدمت اسلام و ملت و وطن در نظر ندارم تا خدا از من رضا شود !

بهر تقدیر معاملات خارجیه حسب مطلوب بطریقهٔ از حد مرغوب که حاجت بمذاکره و مباحثهٔ مزید نیفتاد و مهره های سیاه و سفید ما بکار نیامد زیرا که فکر ملت و دولت یکسان بود، خاتمه پذیرفت و هم ساعت پوره شده فی الحال شما تشریف برده بصرفِ طعام و ادای صلوٰة پرداخته پس از ساعت (۴) معاملات داخلیهٔ ما آغاز میشود هر بحث را از اتفاق آرای شما حتمًا فیصله خواهیم نمود که در آتیه کدامین طرز عمل را اختیار داریم و چطور اسباب آسایش و رفاه ملت و مملکتِ خود را پیش بینی نمائیم، مسائل مهمهٔ ما که مناسبات خارجیه بود (لله الحمد) بخوبی

صورت انجام را پذیرفت، در مسائل داخلیه اختیار بدست خود ماست هر امر را که عموم منظور و پسند نمایند واساسی برای خویش اتخاذ ورزند همانا که در اجرا و قبولیت آن مضایقه نخواهد شد، واگر اعتراضاتی نمایند شنیده میشود واشکالاتی را که در راه ترقیات خویش بنگرید آزادانه بگوئید که من برای استماع آن حاضرم!

نظریات و مشاورات لویه جرگه در مسائل داخلیه

روز یکشنبه (۲۹) سرطان بعد از ظهر

[چون از طرف صبح این روز در مسائل خارجیه و مناسبات برونی افغانستان مذاکرات جریان داشت، قبل از توپ چاشت امورات خارجیه بر طبق آمال ملت و منافع مملکت و عزت و شرف دولت بنظر اعضای داخلیه و خارجیه بکمال کامیابی اختتام پذیرفت، ذات جهانبانی بتقریب اختتام آن جلسهٔ مبارکه در ظهر این روز وعده بمذاکرات در امورات اندرونی مملکت نموده بودند، لهذا جمهور شرکای لویه جرگه

پیش از اینکه ساعت وقت (۲) را نشان میداد بیک شوق و شغف فوق العاده اجتماع ورزیده تماماً بمقامات معینهٔ خویش اخذ موقع نموده انتظار ورود مسعود شهریار محبوب القلوب شان را داشتند تا اینکه ذات شهریاری بوقت موعوده رونق افزای محفل صدارت و روشنی بخشای دیدهٔ منتظرین گشته نطق مفصل و دلچسپی را ایراد فرمودند که مطالب عمدهٔ آن حسب ذیل است، ب، د]

اعلیحضرت بنام خداوند خویش آغاز میکنم:- خدا را شکرگذارم که درین عرصهٔ یکنیم روز معاملات خارجیهٔ ما بکمال خوبی حسب خاطرخواه عمومی شرف اختتام را پذیرفت، اکنون نوبت بمذاکرات در امورات داخلهٔ مملکتی رسیده درین ضمن ابتدائاً بطور یادداشت عرض میدارم که شمایان در کدام یک مسائل خواهش مذاکره و مباحثه را دارید؟ از حکومت چه خواهش و مطالبه مینمائید؟ سیاست داخلیهٔ ما تماماً بر طبق اوامر خداوندی و سنت حضرت رسالت پناهی و شریعت غرای احمدی و همه اجراآت و عملیات کار روائی این مملکت اسلامی افغانی ما بر همین اصول مقدسهٔ اسلامیه مرعی و معمول بوده و میباشد! و ابداً خواهش نداریم که درین سرزمین شرافت قرین بجز ازین اساس متین دیگر اساس و قانونی را حکمفرما نمائیم! نظر بهمین عقیده و مفکورهٔ خویش تمام نظامات و قوانین و کارهای عصریانهٔ مملکت عزیزم را در مدت پنج سال بر همین اساس بنا نهاده ام، اکنون از شما ذوات محترم

معلومات میخواهم که شما در کدام مسئله وکدام اساس معلومات را خواهان و طالب مذاکره دران میباشید، تا همان اساس و همان فقرات به پیشگاه تان قرائت ومطرح مذاکرات گردد. والّا اگر شما بخواهید که تمام نظامات واساس های اداری حکومت خود را ملاحظه وتطبیق دهید پس لطفاً کم از کم تا پنجسال رخت اقامت خود را دینجا بیفگنید تا بر تمام جزئیات وفرعیات حکومتی خویش که بهزار خون جگر در مدت مدید تدوین وتنظیم یافته است اطلاعات بهم رسانید هر اساسی وکاریرا که شما قابل بحث می انگارید بیان نمائید تا در همان موضوع جهة تنویر افکار حضار گفت وشنید بعمل آمده در نتیجه تعدیلات وتغیرات وتبدیلات در اساس وشالودهٔ حکومت کرده شود، اگرچه بخیال خودم موضوعیکه دران مباحثه لازم میباشد حاضر است امّا اوّلاً از شما استفسار واستخبار را خواهانم فکر خودم را در آخر معروض خواهم داشت، بعضے امورات ومقرّرات حکومتی از قبیل مالیات وخدمت عسکری ومحصول مواشی وامثال آن آنچنان اساس هاے لاتغیر حکومت است، که هیچ سلطنت بدون از تقرّر واتخاذ آن جریان پذیر نیست!

اگر شما خواهان تبدل وتغیر درین اصولات باشید پس لطفاً در تنخواه مامورین وتعداد عساکر ودیگر تکالیف واخراجات حکومت نیز تخفیفاتے را روادار شوید تا من نیز در دخل تقلیل نمایم، باقیماند امورات سیاستی عدهٔ انوانرا خود شارع مقرر ومعین داشته است که هیچ مسلمان وصاحب وجدان دران مداخله

کم وزیاد را روادار شده نمیتواند ومجبور است که برطبق اوامر خداوندی وفرمایشات پیغمبر حضرت نبوی رفتار نماید، برخے ازان که تعزیرات است دران تنها حق مداخله را اولوالامر دارد مثلاً از (۳) دره الی (۳۹) دره را من عاجز اختیار دارم که براشخاص جانی اجرا نمایم که آنهم در حقیقت تعمیل امر شارع است که بر حسب عادت واطوار قوم واقتضاے زمان وروش دوران در معرض اجرا آورده شود، اشیائیکه از طرف شریعت تحدید شده چنانچه گفتم احدے دران حق مداخله ندارد، اگر شما بگوئید دران مسائل بدست دیگرے هم اختیار است اینک نسبت بمن علما بیشتر میدانند وبراے مباحثه حاضرند ودر امورات تعزیری تصویباتے را که حکومت شما بلحاظ زمان وعادت ورفتار اهالی افغانستان وضع کرده هیئت عالیهٔ تمیز وخودم حاضرم که آزادانه با شما مباحثه نمائیم مقصد اینست که شما اوّلاً موضوع مذاکرات خود را تخصیص دهید که در کدام یک اساس ونظام خواهش دارید که بحث کنید؟

مولوی صاحب کامه

تنقیداتے را که بنده بخیال دارم ونظریاتے را که خواهش رسانیدن آنرا بگوش حق نیوش ملوکانه دارم حسب ذیل است:- (۱) نظامنامهٔ جزا در مجلس لویه جرگه سراپا ملحوظ گردد تا مسائل آن برطبق مذهب مفتی به حنفیه ترتیب وتدوین وتعدیل گردد (۲) مسئلهٔ نفوس است که ما آن خدمت با مشرف جهاد را بسر وچشم قبول داریم لکن

دران خواهان بعضے تعدیلات میباشیم (۳) اگر اجازهٔ همایونی باشد بوجهٔ عمومی مملکتی خویش را ملاحظه میداریم (۴) در معارف افغانستان بعضے نظریات خود ها را بعرض همیرسانیم (۵) در اجرآآتِ وزارتِ تجارت عرائض خود ها را تقدیم مینمائیم (۶) در شوراے دولت نظریاتِ خیر اندیشانهٔ خود را تحفهٔ حضور میداریم .

اعلیحضرت ازین یادداشت هاے اجمالی مولوی محمد ابراهیم خان مزبور اظهار خرمی نموده بیک لهجهٔ محبت وشفقت فرمودند که شما فعلاً درین نظریات خویش کدامش را اوّلاً خواهش دارید که تحت مذاکره آورده شود ؟

جمهوره بیکوضعیّت مؤدّبانه تمامًا برپا خواسته بعرض رسانیدند که اعلیحضرت بیشتر ازهمه التجاداریم که نظامنامهٔ جزاے عمومی تحتِ تدقیق وملاحظهٔ هیئت علماے لویه جرگه درآورده شود تا مسائل ضعیفه وروایات مرجوحهٔ آن بطبق مذهب مفتیٰ به حنفیّه بشکل یک فتاوای اسلامیّه تدوین وترتیب گردد برآن مؤلفهٔ معظمه نام "فتاوای امانیّه" گذارده شود !

[بعد ازاینکه معانی فوق بحضور موفور السّرور شاهانه معروض گشت، هنائیده آن اندوهین سخنی واز هر چمن سمنے عرض وجود میکرد وهریک ازشرکاے لویه جرگه در تعدیل وترتیب مواد جزائیه بطریق موصوفهٔ مذکورهٔ فوق اظهار را

میکردند، واعلیحضرت محیِ ملت افغان بکمال مسرّت وخندهٔ پیشانی تمام گذارشات ومنطوقات حضار را سراپا گوش گذار میفرمودند وهرکدامے ازمقرّرین را حسب نوبت برطبق مقررات جرگه وقت وموقع بیان وگذارش را عطا وکرامت میفرمودند، برخے ازان مطالب مهم که درین فرصت بحضور لامع النّور اعلیحضرت ازطرف علما وعمایدملّت معروض آمده است، اجمالاً در ذیل مرقوم میگردد . ب ، د]

پادشاه گلجان چند اشعار افغانی را در صفاتِ حمیده وخصال عجیبهٔ همایونی وتعریف وتقدیر خدمات فوق العادهٔ اعلیحضرت غازی گفته ضمناً دعاے مزید کامیابی وموفقیت شانرا در راه ترقیاتِ ملک وملّت بیان داشته در خاتمه بشدت درخواستِ این امر را کردند که باید، تمام امورات برطبق مقررات مفتیٰ به مذهب حنفیّه در ممالکِ افغانیه مانندِ سابق در ازمنهٔ لاحق نیز حل وفصل گردد !

ملّا ...... بعضے از متمدنین دنیا درعصر حاضره چنان توهّم میکنند که امورات دینوی ومسائل سیاسی در قرآن الٰهی نیست وآنها برهمین مفکورهٔ خطاے خویش ضرورت ایجاد قانون جدید وآئین تازهٔ را دعوٰی میکنند، حال آنکه تمام امورات جزوی وکلّی در قرآن پاک مندرج است :

جمیع العلم فی القرآن لکن — تقاصر عنه افهام الرّجال

ملاّ ...... بعضی مسائل در نظامنامه از عدم احتیاط علمای تمیز که درینجا حاضرند بر اقوال ضعیفه اندراج دارد باید از حضور شریعت پروتان برای علمای حاضره امر داده شود که آنها در اصلاح آن بکوشند!

رئیس شوری ملاّ صاحب شما نظیر این مسائل را بگوئید که در کدام ماده و کدام فقرهٔ هیچ یک مسئلهٔ ضعیفه داخل است!

ملاّ ...... حضرت رئیس امثال این ابحاث مبنی بر لطافتهای علمی و نزاکت های روایتی میباشند ما نمیتوانیم که فی الحال آن ابحاث را که در حقیقت یکی از وظایف علمای مدقق است درینجا بنمائیم بهر تقدیر آرزومندیم که بما اجازهٔ اصلاحات و تعدیلات در نظامنامه جز اعطا شود!

ملاّی قندهاری الملخص با مقصد ما صرف بودن اجراآت بر طبق مذهب مفتی به است عام از اینکه بصورت نظامنامه باشد و یا فتاوی و یا ترجمهٔ کنز و هدایه در مختار و غیره کتب فقهیّه!

مولوی فضل ربی ما خوب گمان داریم و کاملاً معتقدیم که ذات همایونی کاملاً پیرو قرآن و یک فدائی دین مبین سید الانس والجان میباشند و همه اجراآت و عملیات اعلیحضرت تالی احکامات خداوندی و مفسر فرمایشات شریعت غرای احمدی است، لکن بنابر تحریک بعضی از دشمنان داخلی و خارجی بهدستی و پشتی بانی علمای سوء بار بعضی از مندرجات

قوانین امانی عصر حاضرهٔ ما تنقید میکنند و بر بعضی روایات ضعیفه که از عدم تمیز هیئت تمیز ما دران مشمول است، نکته چینی میکنند، لهذا ما از کمال دلسوزی و علاقه مندی که بمساعیات جمیلهٔ همایونی در خاطر داریم چنان امیدبل میپروانیم که اعلیحضرت همایونی مزید بر مزید عزت و احترام شریعت و مقررات اسلامیت را مرکوز نظر کیمیا اثر خویش داشته بقدر یک سر موی از اوامر قرانی و شریعت احمدی در قوانین و نظامات عصر ترقی حصر امانی خویش تجاوز را نگذارند که احدی بنماید و در همه دعاوی و فیصله جات مرجع محاکم قضاة خویش را بسوی مسائل مفتی به مذهب مهذّب حنفی کوفی رحمة الله علیه مقرر دارند تا دست منافقت پرست اغیار در میان حکومت و ملّت تفرقه انداز نشود، استغفرالله من ابداً نمیگویم که نظامنامه های شهریار شریعت پرور عدالت گستر ما بر خلاف شرع است بلکه مطلب یگانهٔ ما دفع شقاق و نفاق و موقع یابی و کامیابی دشمنان ملّت و اسلامیت است و بس.

اعلیحضرت بعد از اینکه تمام این عرائض و مباحثات را که بیشتر از یکساعت دوام داشت بنظر تدقیق استماع ورزیده در خاتمهٔ آن فرمودند، قانون و نظامنامهٔ که علاوه بر قرآن پاک باشد نداریم و هرگز خواهشمند نمیباشیم که بالای ملّت اسلامیه

افغانستان احکامے که ماسوای قرآن مجید باشد نافذ و حکمفرما گردد ،
البته در برخے از امورات سیاستی و تعزیری که آنهم بحکم و اجازهٔ
شرع شریف میباشد باتفاق هیئت عالیهٔ تمیز من عاجز که اولوالامر
شما میباشم احکامات و تحدیداتے را امر و اراده نموده ایم ، افواهے
که نسبت به نظاماتِ این دوره طنین انداز است تماماً از طرفِ اعدای
ملّت و مملکت افغانیهٔ ماست که آنهـا ابداً افغانستان را دیده ندارند
که بدین مراتب عالیه و درین شاهراه تهذیب و مدنیت و ارتقا گامزن بنگرند
تاهم محض انسداد هفوات و هزیانات دشمنان رئیس صاحب عمومی
شوراے دولت به پیشگاه تان تمام قوانین و نظاماتے که وکلا و رؤسا
و وزراے شما باتفاق هیئتِ عالیهٔ تمیز تا حال تدوین و ترتیب داده اند
و در مهمات مملکتی تمسّک و دلیل انگاشته میشوند نام میبرد و از خلص مندرجات
و احکاماتِ آن خودم بشما معلومات میدهم بهر کدامی از آنهـا که شما
شبهه باشید و یا بدانید که دران کدام ماده و قانونے بر روایاتِ
ضعیفهٔ شرعیه مندرج است ، همانا او را بیرون نویس کرده متعاقباً
بران نظریات و اصلاحات و تعدیلاتِ خودها را اظهار و بیان دارید
تا حکومت باتفاق آراے شما هیئتِ عالیهٔ لویه جرگه در اصلاح آن
بپردازد !

رئیس شورای دولت تمام نظامات را که در یک ورقه اسمای آنها مسطور
بود میخواند و ذاتِ جهانبانی از مندرجات و فوائد و
عوائد آن باخبرایی هائے که در حین عدم انطباع و جریان آن موجود بود
جهة مزید دانش حضار بیان میداشت تا اینکه تمام نظامنامه ها و قوانین و
لوایحے که درین عصر امانیه ترتیب و تدوین یافته بود خوانده شد و علماے
لویه جرگه دران ضمن تنها شنیدن و استماع نمودن و مباحثه کردن را
در نظامنامهٔ جزاے عمومی و جزاے عسکری و نظامنامهٔ نکاح و عروسی
و ختنه سوری ؛ و مراسم تعزیه داری ، و نظامنامهٔ محکمهٔ شرعیه در باب معاملات
تجارتی و نظامنامهٔ تذکرهٔ نفوس و قانون تابعیّت ، تصویب نمودند در مابقی آن
چنان اظهار رأی و عقیده نمودند که دیگر نظامات متعلق به اموراتِ سلطنتی و ایجابات
سیاسی و ترتیبات اداری و لوازم مملکتی است ، ما هرگز دران امور مداخله کردن را
زیبا و درست نمی پنداریم !

اعلیحضرت من هم بسیار آرزومند و میلان دارم که شما این نظاماتے را
که بیرون نویس کردید سراپا از نظر بگذرانید و دران مراعات و
اصلاحاتے که حکومتِ شما برای اصلاح حال و مآل تان بخاطر گرفته و زیر نظر
آورده است یکه یکه بخوانید و در بعضے موادے اگر از علماے تمیز سهو
و خطاهائے سرزده باشد آنرا درست دارید و نظریات و اصلاحات

وایزاد استی راکه آتیاً در نظر داشته باشید بحکومت حالی نمائید تا آنهم دران اندراج یابد !

ملّا صاحب چکنور اعلیحضرتا ! قبل از دیدن وبزیر تدقیق آوردن نظامنامه ها این معروضه ام را بحضورت تقدیم مینمایم درکتب اسلامیّه مسطور است که اگر احدی تحقیر مسائل شرعیهٔ فقهیّه را بنماید گنهگار میشود ، حالانکه اعلیحضرت میفرمایند که نظامنامه های عصر حاضره ملخص از مسائل فقهیّه است وعموم کارپردازان مملکتی ، و اشخاص رعیّتی نظامنامه های عصر امانی را محض فارسی دانسته در عزّت واحترام آنها نمیکوشند ودر هرجا دیده شده که نظامات را مردم روی دست وبر زمین وبر محلات خوب وخراب استعمال نموده تحقیر مینمایند اگر محض احترام مسائل فقهیّه نظاماتی که تعلق بشرع شریف دارد بزبان عربی تحریر گردد چقدر خوب خواهد شد !

جمهور علما وبعضی از اعاید لویه جرگه بتائید این قول برخاسته وگفتند باید مسائل شرعیّه بزبان عربیّه مرقوم آید بصورت « فتاوای قاضیخان » و دیگر کتب معظمهٔ فقهیّه که در اعصار سلاطین اسلامیهٔ ماضیّه حلیهٔ تدوین را دربرکشیده اند باید درین عصر امانیّه نیز کتابیکه دارای همه گونه محاسن باشد در حیز تألیف آید !

اعلیحضرت حکومت شما که نظامات وقوانین ضروریه را از کتب شرعیّه بزبان ساده وسلیس فارسی بصورت موجوده رواج داده برخلاف زعم دشمنان دران فقط مقصد از مطلع نمودن وآگاه ساختن عموم است بر وظائف وخدمات مامورین ومکافات ومجازات دادن خائنین وبس ، زیرا از زبان عربی عموم سکنهٔ مملکت نمیدانند واشخاصیکه مانند شما حضرات ازان معلومات دارند بهر جا میسّر نمیشوند بلکه عدهٔ از آنها باوجود داشتن معلومات مکفی اقتدار اظهار افکار وآرای خودها را نیز داشته نمیباشند ، چنانچه یک قاضی القضاة هنگامیکه نکاح هشتمین را می بست ودر خطبهٔ نکاح او آیهٔ شریفهٔ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً را میخواند وبرخلاف امر ایزدی که درصورت عدم عدالت ومساوات تجاوز از یک منکوحه نارواست نکاح (۸) را دیده ودانسته کورکورانه می بست ونمیتوانست که اظهار رأی وبیان مسئلهٔ شرعیهٔ اسلامیّه را نمود امروز میبایست که شما این مساعیات عاجزانهٔ این خادم اسلام را که عموماً شما را حق اظهار رأی داده تمام تان را از حقوق تان دانا نموده وتکالیف و مظالم بی پایان ظلام ومستبدین را از شما مرفوع ساختم اظهار خرمی میکردید ، امروز کسیکه بیرق اسلام را بر دوش خود برداشته وآنرا بانظار مسلمین بجلوه درآورده (امان الله است) چندی پیشتر ازین

هم همین مملکت بود همین شمالت و همین علما و همین فضلا و همین مشایخ و همین رعیت بودید و انواع فجایع و مظالم و بیداد و بدعات را برأی العین خود میدیدید و مبهوت و متحیر و متفکر در اطراف و جوانب آن نگاه میکردید اعتراض و تنقیدات برکنار ابدًا حق تکلم را در اجرآآت و عملیات حکومت نمیداشتید! و در همه گونه اقدامات رد و ناروا بجز از سر تسلیم را بزیر افگندن و امنّا و صدقنا گفتن چاره نداشتید! اگر من شمهٔ ازان گذارشات و کاررو ائیهائی که در بین شما از طرف حکام و مأمورین ظالم در معرض اجرا سے آمد بیان نمایم یقین دارم که فی الحال خوف و هراس و دهشت آن ستم کاریها که کاملاً بخاطر شماست، لرزه را بر اندام شما خواهد انداخت و هوش و حواس را از سر تان خواهد باخت لکن این عاجز محض عزت و احترام گذشتگان را نموده ابدًا در صدد مذمت و مظالم سابق نمیبرایم امّا اینقدر بشما یادآوری میکنم که دران وقت چرا کام و زبان شما بسته بود؟ و چرا حقایق را ذهن نشین آنها نمیکردید؟ و از کدام رهگذر امر بالمعروف و نهی عن المنکر را در طاق نسیان گذارده بودید؟ و اکنون چرا دست و زبان شما بالای من دراز گردیده است؟ باید خداوند خود را بیشتر شاکر و از من خادم اسلام ممنون باشید که شما را بحقوق تان آشنا و امتیازات و مراتب عالیه را برای تان اعطا کردم، اگر من این

شیوهٔ انسانیت و حقانیت و رفتار اسلامیت را بشما نمی آموزانیدم کدام شخص شما را تا بروز حشر ازین مسائل اطلاع میداد امروز که من شما را حق مذاکره و حصهٔ مباحثه را میدهم و برای اظهار افکار و آرای تان در مفاد ملت و مملکت و دولت مجلس لویه جرگه را تشکیل داده ام شما را هم لازم است که مسائل شخصی و اغراض پرستی و نفاق آفرینی را برکنار گذارده چشمهای بینای خود را باز کنید و اطراف و جوانب حقایق و مسائل را بکمال غور و خوض ملاحظه کرده چنان توضیحات و نظریات را بحکومت خویش تقدیم نمائید که یک پدر به پسر و یا برادر به برادر خویش از روی شفقت و نصیحت میگوید، شما را نباید که مانند ازمنهٔ سابق بالکل از اظهار حقایق خاموش باشید و هرچه که بر شما کرده شود بمحض سکوت و تحیر او را تلقی کنید و نه اینطور کنید که بمجرد افواه دشمنان و اغوای بدخواهان تمام مساعیات و جگر خونیهای حکومت خود را فقط مخالف گفته از حکومت شکایت نمائید، والله جگرم کباب و چشمهایم پر آب میگردد، چون آن ستم و مظالمی را که بر جان و مال و ناموس شما ملّت خویش که سابق برین دیده بودم بیاد می آوردم شخصیکه براه میرفت و رسم تعظیم یکنفر مستخدم دولتی را ادا نمیکرد علی الفور محکوم به حبس میگشت و تا آنزمان از محبس رها نمی شد

که یا بمیرد و یا بدان و پایهایش در زیر زنجیر و زولانه خشک و ضعیف و نحیف
میگشت، بندیخانه ها طوری بود که خواه مخواه برای محبوسین امراض گوناگون
و مصیبت ها و رنجهای بوقلمون را تولید میکرد، امروز منصف شوید و بنگرید که انتظام
و صفائی و زیبائیش بندیخانه های ما کمتر از خانه ها و سرایهای معتبرین
نیست و برای محبوسین ما سوا از تکمیل ایام حبس و اصلاح اخلاق و اطوار آنها
دیگر هیچ یکرقم مشقت و تکلیفی نیست حتّی برای مرتکبین قباحت بجز
از توقیف و برای مجرمین جنجه زولانهٔ یک لنگه و برای جنایت کاران
دولنگ زولانه که سابق برین مخصوص اشخاص معزز بوده تخصیص شده است،
میدانید که درینصورت برای محافظین و پولیس ما در حفاظت بندیها
چقدر زحمت بهم میرسد باز هم از شفقت و محبّتی که با ملت خویش دارم
همهٔ این تکالیف را متحمل گشته نمیگذارم که برای محبوسین زحمت و اذیّتی
برسد، در ابتدا برای اشخاص جنایت کار نیز زولانهٔ یک لنگه را
تخصیص داده بودم امّا بی انصافی و دست درازیهای خود آنها موجب
این امر گشت که باید آنها هم زولانهٔ دولنگه انداخته شوند، خلص اینکه حکومت
موجودهٔ شما در همه اقدامات و نظریات خویش آسوده حالی و رفاه
حال و اصلاح مآل شما ملت را مدنظر گرفته قدمی برنمیدارد که دران ترقی و
و تعالی شما را از بر نظر نداشته باشد و کاری نمیکنند که دران

برای شما تکلیف و زحمتی بهم برسد، خدا شاهد است که شخص خودم نظر بدین و کلاء
هیئت وزرا و شورای دولت بیشتر آرامی و خرمی شما را خواهشمندم و در
بسا مسائل محض خیر و بهبود شما بمقابل این همه وکلاء و وزرا برآمده ام و در همه امورات
بجز از منفعت شما و دولت تان دیگر امری را نقطهٔ نظر قرار نداده عیش و
عشرت خودم را همیشه قربان و فدای آرامی تان نموده ام، گمان نکنید
که شما وکلا بمنافع ملت کلهٔ جنبانی میکنید، زیرا که حسّیات و عشق
و محبّت خودم را نسبت به رعایای صادقهٔ خویش بیشتر از جذبات
هزار ستنی از شما وکلای پندارم و من بیشتر از شما در تحفظ مراتب شرعیه و قواعد
اسلامیّه و اساس مدنیه بذل مساعی میورزم زیرا که نام شما را احدی
بعد از مرگ بزبان نخواهد آورد، و نام من در صفحات تاریخ با عملیات و اجراآت
خوب و زشت من قید و ضبط شدنی است، شما بیشتر از یک خانه و چند
قطعه زمین ندارید اینقدر در امورات جزوی و مسائل شخصی خویش قیام و
اظهار جدت و فعالیّت مینمائید محض تحفظ خانه و زمین خود برای همه گونه
فداکاری در راه مدافعه و تعرض آن پافشاری میکنید من چطور در مقابل
شرف و عزت و ناموس کل ممالک محروسهٔ افغانیه از شما در عقب خواهم ماند
چون من محض برای رفاه ملت و سرسبزی مملکت و منافع دولت خود کار
میکنم و از خود غرض نفسی و مقصد شخصی ندارم (والله) معتقدم که بمقصد

خویش کامیاب هستیم و هیچ عائقه و مانعی از مقاصدم مرا باز داشته
نمیتواند و ضرور معاونت خداوندی و روحانیت ذاتِ رسالت‌پناهی[۴]
رفیق طریق من است البته که مشتِ من برابر توپ کار خواهد داد و طوریکه
شما جهت نیل بمقصدتان از هرگونه فداکاری و تحمّل هرنوع خساره و خرابی خانه
و بربادی زمین نمی اندیشید همچنین من هم در تکمیل مقاصد اسلامیهٔ خویش
فدا نمودن مال و جان و هستی و حکومت و مملکت خود مضایقه نمی نمایم، پس
منصف شوید که حسیّاتِ من نسبت بشما و کلا بیشتر است و یا نی ؟ با وجود این مقصد
و نیت و عشق و محبتی که در راه ترقی مملکت و ملت خودم دارم از نظریات و افکار
وکلای شما که در شورای دولت اثباتِ وجود دارند و از نظریاتِ علمای
اعلام تمیز و هیئتِ وزرا خودداری ننموده ام و در همه امور بصلاح
و مشوره و صوابدید ایشان چنانچه مکرراً گفته ام اقدامات و کارروائی
نموده ام علاوه برانجهة مزید تدقیق و تحقیق از نظریاتِ مفید و مشوره های
شما هیئت لویه جرگه نیز استمداد مینمایم تا اگر در قوانین و نظامات
و اساس موجودهٔ خویش اصلاحات و تعدیلاتی را لازم انگارید حقانه
بحکومت حالی نمائید که اصلاح شود، اینک نظامنامه هائی را که شما بیرون
نویس کرده نام برده اید برای شما داده میشود تا هر فقره و هر مادهٔ آنرا هر کدام
تان بجایهای خویش از نظر گذرانیده نظریاتِ خود را در آنباب برای لویه جرگه

بگوئید اگر قابل قبول پنداشته شد از قبولیتِ آن خودداری نخواهد شد، فی الحال
چون وقت کم است لازم است که یکمراتبه نظامنامهٔ اساسی را سراپا بتدقیق بشنوید
زیرا که شالوده و اساس مملکتِ عزیز ما همین است وقتیکه اساس باتفاق
آراء (چنانچه در لویه جرگهٔ سمتِ مشرقی متفقاً تصویب و منظور گردیده است)
تأسیس و طرح افگنده شود همانا باقی لوازم و فرعیاتِ آن بالطبع
درست و خوب و باسلوب مرغوب خواهد بود !

جمهور: چیزیرا که اعزه و مشایخ و علما و وکلای سمتِ مشرقی و وکلای منتخبهٔ
تمام افغانستان در لویه جرگهٔ جلال آباد بنظر استحسان نگریسته اند
ما هم تماماً آنرا قبول داریم و مکرراً خواندن آنرا تضییع اوقات می پنداریم
باید دیگر کدام نظامنامهٔ خورد که تا بخاتمهٔ مجلس خاتمه یابد خوانده شود، و
نظریاتی را که ذات ملوکانه بجهة مفاد و آسوده حالی ملت و مملکت خود در نظر دارند
و در اجراآت و قوانین و تسهیلاتی که تا هنوز درین مورد از قوه بفعل آورده اند
کاملاً ظاهر و هویدا است حاجت بیان را ندارد عموم ملت ازین مساعیات
جمیلهٔ همایونی اظهار سرور و امتنان دارند و خدماتِ برجستهٔ شاهانه را
از حد زیاده تقدیر و تحسین مینمایند !

[درینجا در تمام حضار یک دلوله عظیم و یک غلغله بر پا شده
هرکدام بطور جداگانه در صفات عجیبه و خصال حمیده و الطاف و نوازشات

ملوکانه بیانات مینمودند و حالاتِ سابقه را با مراحات و عطایایِ حالیه تطبیق داده اظهار دعاگوئیها و شادمانی میکردند این هنگامه و غلغله باندازهٔ بلند شد که ذات شاهانه زنگ سرمیزیِ خود را مکرّراً نواخته حاضرین را بسکوت امر میفرمودند لکن این نطق مهیج فوق ملوکانه باندازهٔ حضار را بشورش آورده بود که خود بخود هر کدام شان در حوصله افزائی و دعاگوئی همایونی و مزید موفقیتِ شان درراه خدمات ملک و ملتِ افغانی نطقها و مقاله ها را ایراد مینمودند تا اینکه بعد از اصرار مزید درسرتاسر لویه جرگه سکوت حکم فرما گشت . ب ، د]

اعلیحضرت — از امثال این کلمات دعائیه و مدح خوانیها باید ما و شما درین مجلس محترز باشیم و دقیقهٔ را نگذاریم که در مسائل سطحیّه مصروف شود من هرچه کرده ام برایِ شما نکرده ام فقط خودم وظیفهٔ خودم را ادا کرده و مکافاتِ آنرا از خداوند خویش تمنّا دارم نه بمدح شما مسرور و نه بقبح کسے از کار باز میمانم در آتیه با شان این مقال احدے اقدام نکند، بحثِ ما همین است که باید ضرور نظامنامهٔ اساسی را یکبار دیگر هم بخوانید که خالی از فائده نخواهد بود !

* *

*

قرائتِ
نظامنامهٔ اساسی

[بعد از قرار گرفتن آراء عمومی برخواندن مکرّر نظامنامهٔ اساسی مملکت افغانی منشی مجلس نظامنامهٔ مزبور را بآواز بلند خواندن آغاز نهاد و ذاتِ خسروانه در تحت هر فقره و هر مادهٔ آن توضیحات و تشریحاتِ عام فهمی را برایِ حضار ایراد مینمود و بر فقره هائے که بعضے اشخاص ، متعرض میشدند و یا دران موضوع چیزے گفتن را خواهش مینمودند همهٔ آنرا بیرون نویس کرده یادداشت میگرفتند و بیک لهجهٔ شفقت کارانه آنها را امر میدادند که منتظر تمام شدن تمام مواد نظامنامه بوده در خاتمه مکرّراً همین فقرات خوانده میشود باز نظریاتِ خودها را دران موضوع گوشش گذار لویه جرگه نمائید چنانچه بعد از اختتام آن بر چند فقرات گفت و شنید بعمل آمد که راقم الحروف در ذیل فقراتے را که بران تنقید و بحث بعمل آمده با آن مواد یکه دران ذات همایونی تشریحات قابل تحریر را ایراد داشته اند قلمبند میدارد - ب ، د]

مولوی عبدالواسع — برمادهٔ (۲) اعتراض نمود که این نظامنامه درغیاب من ترتیب شده و بعض مسائل

ضعیفهٔ شرعیه دران داخل است اکنون باید اصلاح شود درین ماده بعد از
لفظ آداب عمومی علامات فارقهٔ شرعی نیز ایزاد گردد، تا درین اهل هنود و
مسلمانان مانند سابق فرق و امتیازیکه از ان ظاهراً شناخته شوند باشد!

فیض محمد وکیل مراعات و نوازشاتیکه اعلیحضرت غازی بهندوهای
ممالک افغانی عطا و مرحمت فرموده اند بهمهٔ شما معلوم است
که نه تنها در مملکت همسایهٔ مان هندوستان بلکه در انظار جمیع اهل هنود
روی جهان قدر و قیمت و عزت و شرف افغانستان را دوچندان
نموده است، اکنون اگر ما آن مراعات را که وجود آن در امورات
مذهبی و اصول مقدس دینی ما هیچیک نوع خرابی و ضرری را عائد نمیکند
از سر آنها برداریم، معلوم است که اهل هنود افغانستان درینباب
هیچ داد و فریادی نخواهند برداشت، لکن اثرات این مشکورهٔ ما در
هندوستان و بنظر دیگر اهل هنود جهان بسیار خراب آمده بجای منافع
در سیاست برای ما مضراتی را تولید خواهند کرد!

اعلیحضرت نیز بتائید فیض محمد خان پرداخته یک بیانیهٔ مطولی را
در اتحاد هندو و مسلم هندوستان و فوائد آن و ذکر همدردی
اهل هنود را با مسلمانان در موقع جنگ عمومی و در مسائل ترکیه
و تحریک خلافت و در حصول استقلال هند و افغانستان

ایراد کنان فرمودند اگر ما تکلیفی را که از آنها مرفوع و مراعاتی را که بد انها
داده ایم دوباره مانند سابق اجرا نمائیم معلوم است که دران چیزی
فائده بمایان عائد نمیشود و بر عکس آن خدا نخواسته افغانستان
موجب نفاق و شقاق اتحاد و همدردی موجودهٔ هندو و مسلم هندوستان
خواهد شد و دشمنان درینموقع دست یافته باندازهٔ این دو کتلهٔ
عظیم الشان نوع بشر را از هم دور و با همدیگر خواهند انداخت
که یکی بخوردن خون دیگر آماده خواهند شد، پس لازم اینست
که ما و شما بر طبق مقررات دینی خود با آنها معامله نمائیم
و مراعاتی را که به آنها داده ایم باید از آنها برنداریم و ما آنها را جهة اتفاق
هندو و مسلمان امر تاکیدی قشقه زدن را بنمائیم و محض جهة مراعات
جذبات شما علمای اعلام آنها را از بستن دستار سفید نیز مانع خواهیم شد
تصور نکنید که ازین مراعات هندوهای افغانستان از ملت و یا
حکومت سرکشی خواهند نمود و یا قوتی را اکتساب خواهند کرد و در روزی
آنرا بر خلاف مسلمانان استعمال خواهند نمود، زیرا هنود
افغانستان مانند دیگر سکنهٔ افغانستان کاملاً حب وطن و تحفظ
نام و ناموس و شرافت افغانی را حمایه و حفاظت میکنند، چنانچه
در موقع جهاد همین هندوها بهمراه غزاة و عساکر ما بمقابلهٔ انگلیس رفته بودند

و در همه گونه خدمات و بر داشت تکالیف یک گام پیشتر از تبعهٔ افغانستان همیگذارند !

مولوی فضل ربی آیهٔ شریفهٔ (لَمْ يَنْهَاكُمُ اللهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُونَكُمْ) را قرائت و به تفسیر آن پرداخته گفت در صورتیکه آنها با ما دست اتحاد میدهند و در همه گونه مصائب و آلام با ما اظهار همدردی مینمایند ما را هم لازم است که بر طبق مقررات مذهبی خویش از مراعات و بعضے تسهیلات با آنها خودداری نکنیم و پاس خاطر یکعدهٔ بزرگ مظلوم آن مسلمانانرا که بزیر حکومت اغیار و با اهل هنود سر و کار دارند بنمائیم !

میرزا غلام مجتبی خان مستوفی هم یک تقریر مفصلے را در فوائد اتحاد هندو و مسلم و همدستی هاے هنود هندوستان با مسلمانان بیان داشته بطرف ضرر و خرابیهائے که از انقطاع این مراعات عائد شدنی است نیز توضیحات داده گفت که هنود افغانستان هم علامات فارقه دارند هم تکالیفے راکه حکومت به آنها میگذارد بخوبی در معرض اجرا میگذارند اگر با وجود آن باز از تعصب و تنگ حوصلگی کار گرفته شود معلوم است که ملت و حکومت ما خوب مقتدر است که هنود موجودهٔ افغانستان را تماماً ته تیغ نماید واز نبودن آنها هیچگونه ضرر

و مصیبتی نه بملت و نه بحکومت عائد گردد، لکن دقت باید کرد و از عقل و خرد کار باید گرفت که امثال این تعصب خواهی و نفاق پسندی ما در هندوستان چه اثرات را تولید خواهد نمود و هنود هند با مسلمانان مظلوم آن، چه معاملات را برپا خواهند کرد !

[درینجا یک میدان معارضه و یک عالم گفت و شنید و قرائت آیات قرآنی و احادیث نبوی و فرمایشات پیشوایان دینی در بین علما و فضلاے لویه جرگه قایم گشته هر کدام در بین خود ها گفت و شنید و جواب و سوال را در اعطاے مراعات و عدم آن برپا داشته ذات ملوکانه سراپا گوش شده بیکوضعیت بشاشت آورے بسوے عرائض و گذارشات هر کدام حسب نوبت عطف توجه میفرمود بالآخر بعد از رد و بدل اسوله و اجوبهٔ بسیار، رأے عموم برین قرار گرفت چیزیراکه اعلیحضرت غازی نسبت بگذاردن قشقه و نه بستن دستار سفید و مراعات نمودن جذبات مسلمانان براے اهل هنود افغانستان فرموده اند درست است، ما تماماً بران متفقیم صرف در نظامنامهٔ اساسی لفظ علامات فارقه ایزاد گردد ذات جهانبانی بکمال شادمانی و خرمی و سرور این رأی عمومی را قبول کرده این مبحث بزدن کف هاے شادمانی خاتمه پذیرگشت ، ب ، د]

میرزا غلام مجتبی خان مستوفی بر مادهٔ که منطوی بر نقل حکومت افغانستان به اولاد ارشد اعلیحضرت «امیر امان الله خان» است قیام ورزیده ذکر خدمات پرحسنه و مساعی جمیلهٔ شاهانه را بتفصیل نهایت خوب و الفاظ از حد مرغوب برای حضار بیان داشته در خاتمه گفت که ما شرکای لویه جرگه تماماً از صدق دل و خلوص نیت حق حکومت خود ها را الی ماشاء الله به اولادهٔ این پادشاه دیانت آگاه رعیتخواه ملت دوست خویش چنانچه مرقوم است میدهیم !

لویه جرگه تماماً تائید قول مزبور را بکمال گرمجوشی نموده این مبحث نیز بکمال گرمجوشی خاتمه یافت !

اعلیحضرت بعد از قرائت مادهٔ که در آن بار حکومت و مسئولیت بردوش وزرا بوده ذات ملوکانه غیر مسئول قرار داده شده است فرمودند که این لفظ غیر مسئولیت را مجلس شورا و وزرا برخلاف خواهش و میل من ایزاد نموده اند حالانکه من خودم را ایماناً و وجداناً و عقیدتاً غیر مسئول در اجراآت سلطنت و مملکت نمی انگارم و انصافاً میگویم درصورتیکه عزل و نصب و تنزیل و ترفیع وزرا و مأمورین را خودم مینمایم باید ضرور در بدنامی و نیکنامی آنها نیز خود را بدرجهٔ اول مسئول بانگارم خدای خود را شاکرم که مرا یک پادشاه عیش پرست

تنبل و کاهل نیافریده است تا خودم در خانه نشسته مشغول لهو و لعب و ساعت تیری بوده متسلی باشم که کارهای مملکتم را وزرا میکنند، نی خداوند شاهد است (وکفی بالله شهیدا) خودم بنفس خود در هر وزارت طوری کار میکنم که یک وزیر بسیار جدی فعال کار کند ازین رو این لفظ غیر مسئولیت درینجا بیمعنی است و من خودم را بهمین یک لفظ ازین بار گران امانت خالق منان سبکدوش و غیر مسئول گفته نمیتوانم زیرا که مردن دارم و خداوند از من بروز حشر خواهد پرسید !

غلام محمد خان وزیر داخلیه یک نطق مطولی را در عرق ریزیها و زحمت کشیهای همایونی که بالذات در کار و اجراآت هر وزارت میفرمایند، ایراد نموده امثال و نظائر خورده گیریها و کارروائیهای غیر واحد همایونی را در هر وزارت بلب و لهجه و بیان و زبان بی ساخته که دارند بیان داشته حاضرین را حالت رقت و سرور آوردند، این مبحث نیز بیک عالم دعاگوئی و شادمانی و کف زدنهای خرمی اختتام یافت !

مولوی عبدالواسع بهمین تقریب برپا خواسته گفت این فقرهٔ نظامنامه ها بسیار درست و متین است باید وزرا درهمه اجراآت و عملیات و خوبی و خرابی و عزت و ذلت

مملکت مسئول باشند، ذات شاهانه را نباید در مقام مسئولیت بار زحمت آنها را بر دوش همت خویش بردارند، بگذارند که خود آنها در مسائل اعتراضیه واجراآت و کارروائی خود جواب بگویند، اگر ذات همایونی اینطور شیوهٔ شفقت و مرحمت را با وزرا مرعی دارند که در حین استنطاق و بازپرس هم آنها را آسایش گذاشته از طرف آنها مدافعه نمایند معلوم است که آنها بیشتر ازین غافل شده وقتی بکار و وظیفهٔ خود نخواهند داد و بجز از فوائد شخصی خود باصلاحات مملکتی توجه نخواهند کرد اگر واقعاً ذات اشرف ملوکانه چنانچه اظهار میفرمایند کار تمام وزارتها را خودشان انجام میدهند و از طرف آنها جواب و سوال هم میکنند، پس بودن آنها برای نام چه بکار است؟ و اگر آنها از خود وظیفه دارند پس چرا بار آنها را بذمهٔ خود می بردارند؟ نقص کلّی از همین امر است که وزرا خودشان را مسئول نمی انگارند که انواع خرابی در هر طرف در کارهای وزرا هویدا است مثل وزیر صاحب داخلیهٔ ما که در مقرّری و انتخاب مأمورین زیر دست خود دقّت را بکار نمیبرد و تشخیص مرض و تطبیق علاج را چنانچه لازم است در معرض اجراء نیاورد، و مانند وزیر صاحب معارف که تمام امورات معارف را در تعویق افگنده است و احدی از ایشان ذمه واری این مسائل را برخود نمی پندارند!

فیض محمد خان وزیر معارف مولینا آنچه شما میفرمائید یک دعوی است بلا دلیل که مانند شما افراد جلیل باید باشال این قال و قیل صرف اوقات ننمایند باز هم وزارت معارف حاضر است که جواب مقنعهٔ همه گونه اعتراضات و تنقیدات شما را بحضورتان تقدیم کند، بسم الله در پیشگاه عموم آمده سوال کنید و جواب بشنوید و مساهله و تعویقی را که وزارت معارف در امورات عرفانیهٔ افغانستان نموده باشد بنمائید!

اعلیحضرت مولوی عبد الواسع را مخاطب کنان فرمودند: اعتراض شما بیجاست و کارهای عموم وزارات ما تا جائیکه قوهٔ بشریه متحمل آن شده میتواند خوب است و درست، تنقیدی را که در سوء انتخاب وزارت داخلیه مینمائید و عدم تطبیق مرض و معالجه را بیان داشتید جدّاً قابل اعتراض است زیرا انتخاب مأمورین تنها تعلّق بوزیر داخلیه ندارد بلکه مجلس مأمورین آنرا انتخاب و وزیر تصویب میکند و در هنگام انتخاب و منظوری هیچ یک از مأمورین بصفات خصائلیکه بعد از گذارهٔ یکسال بعضی از آنها بدان مشتهر میشوند، دیده نشده است، در صورتیکه یک حاکم و مأمور که در حین مقرّری، شخص درست متدیّن ذی اخلاق بنظر می آید بعده کار را خراب بکند آیا ذمّه واری آن عاید بحکومت است

درصورتیکه تنها وزیر داخلیه اورا بدون تصویب مجلس مقرر کند و یا آن مأمور ظاهراً
خراب گفته شود و یا بعد از شکایت وخرابی آن اورا زیر محاکمه و استنطاق
نیاورده باشد و یا بعد از اثبات جرم اورا محکوم بجزا ننموده باشد معلوم است
که وزیر داخلیه مسئول است والّا اگر قاعدتاً یک شخص درست ثقه را
بتصویب عموم بکارے برگمارد وے بمحل مأموریت خود رفته بر خلاف
توقّع یک کار خراب بکند آیا مسئول آن حکومت است ؟ پس چرا
اولیاء الله واشخاص صاحب دیانت و باصفا باوجود ریاضت کثیر و عبادت
بسیار دفعتاً در آخر عمرها در وقت نزع گمراه و پیرو شیاطین میشوند ـ

ای بسا ابلیس آدم روکه هست * پس بهر دستی نباید داد دست

آنچه نسبت بمعارف گفتید بخیالم بجز اینکه وزیر معارف شما را از شعبهٔ کار خود موقوف
نموده و شما شکایت شخصی خود را بصورت تنقید بر وے عاید میکنید
دیگر امرے نخواهد بود ع دشمن طاؤس آمد پر او ، زیرا تا حال امورات
معارف بسیار خوب و کارروائی او تماماً قابل تقدیر است ، سلّمنا
اگر یکی از وزرا مرتکب جنحه وجنایت و یا بزیر دیگر مسئولیت بیاید مرجع
ومحلّ بازپرس آنها مجلس دیوان عالی است نه شما ، پس از کدام
رهگذر شما میخواهید که وزرائم بزیر استنطاق بیاورید و تنقید بر آنها
میکنید ، مقصد اینکه اعتراض ملّا عبدالواسع خارج از مبحث است

و تنقیدیرا که نموده کاملاً خبط وخطا نموده است ، در مواد مجلس بحث کنید !

یک وکیل

یک نطق دعائیه را در حسن انتخاب مأمورین و انتظام مهام و درستی
و باقاعده بودن جمیع امورات ملکتی ایراد کنان ملامتی را بر مولوی صاحب
عائد داشته گفت هر شخصیکه از وے بهتر دیگر بنظر نیاید چون بکارے رسید
ضرور مردم از وی شاکی میشوند حتّی اگر خودِ مولوی صاحب بکدام مقام حاکم
باشد گمان میکنم که نیکنام نخواهد ماند !

اعلیحضرت

در ذیل آن مادّه که دران ذکر صدر اعظم بود فرمود ، بعضی از حضرات
خواهند گفت که درین نظامنامه نام صدر اعظم است و نشانی
ازان بنظر نمے آید ، لهذا معروض میدارم چون خودم یک مرد جوان
وشوق ومحبّت فوق العاده را نسبت بخدمات ملّت و مملکت خود دارم
وهم رجال دانشمندیرا که متحمّل هیچه یکبار گران مملکت شده بتواند
سراغ ندارم وهم خواهشمند نیستم که مابین من وملّت من یک سد
و حائلے درمیان باشد ازینرو فعلاً تا وقتیکه میتوانم این کار را
هم علاوتاً برایفاے وظائف امارت بر دوش خود گرفته ام
چنانچه فعلاً این کاریرا که "لویه جرگه" با شما مینمایم حیثیّت صدارت
عظمیٰ را دارد ، و اموراتیکه بعد از فراغ مجلس در شب وصبح وعصر
اجرا میکنم از وظائف پادشاهی است ومن شاکرم که اگر بعضے از مأمورین ما

بهمین خیال ومسلک من رفتار داشته شوق مزیدے در انجام مهام مملکت خویش دارند، چنانچه رئیس صاحب عمومی شوراے دولت هم کارهای وزارهٔ خارجیّه را بصورت وکالت مینماید وهم امورات شورائیّه را بقسم اصالت ایفا مینمایند!

لویه جرگه برین مساعیات وخدمات وجانفشانیهاے همایونی عموماً یک غلغلهٔ دعاگوئی ویک آوازهٔ شادمانی را بلند نموده دعاے مزید موفقیت وتوفیق خدمت وشوق تحفظ شریعت واحکام اسلامیّت را بحضور اعلیحضرت تحفه نمودند!

مولوی کامه در ذیل مادهٔ که دران ذکر آزادی عامه هست معروض داشت، که مقصد از لفظ آزادی درینجا فقط آزادی شخصی وذاتی عموم افراد افغانستان برطبق شریعت وفرمایش حکومت هست، لکن در عوام چنان افواه هست که مطلب از آزادی آزادیِ ادیان وافعال غیر مشروع ورقص وسرود وملاعب ونواهی واعمال ناروا هست!

اعلیحضرت درینجا یک بیانیهٔ تأسّف آورے از حد طویلے را بیک جدّت فوق العاده ایراد فرموده گفت که مقصد ازین آزادی آزادیست که برطبق مقررات شریعت غرّاے احمدی وهدایات حکومتی هر شخص از مظالم ودست اندازیهاے غیر مشروع دیگر افراد آزاد وکاملاً

حرّیت شخصی خود را مالک باشد تا آن خرابیها وبدکاریها ودست درازیهائیکه سابق برین برمال وجان وناموس وشرف ذاتی اشخاص رعیتی هر روزه از طرف مأمورین دولت واشخاص صاحب رسوخ واعزهٔ ملّت در معرض اجرا می آمد مرفوع ومدفوع گردد بعده عطف کلامش را بسوی سازها وسرودها ومطربه ها وبازیگرانیکه در اعصار سابق کسب شدت وکثرت نموده ذکر لواطت ورقاصی ها ودیوانه بچه هاے بخارا را که یگانه موجب تباهی وخرابیِ آن مملکت از همان اعمال است فرموده گفت آیا در دورهٔ حکومتم بازیگر را احدے بجائے مے بیند؟ وآیا در نظامنامهٔ جزای عمومی براے انسداد امثال این اعمال نامشروع مجازات مکفّی معیّن نگشته است؟ وآیا طلّاب وعدهٔ از علماے نادان دران آوان در مساجد وبساتین، حتّے در کوچه ها وبازارها نمی رقصیدند؟ ورقصهاے فاحشهٔ را برروے کار نمے آوردند؟ شما راست که بسوی معانی حقیقی مواد نظامنامه متوجّه شوید والّا اگر تاویلات بنمائید پس از امثال این تاویلات کلام پاکِ خالق کائنات خلاص نشده مردمان منافق وخودغرض آیات بیناتِ اورا از خود ترجمه وتاویل نموده براے افعال نامشروع خود تمسّک میگیرند پس احکام من عاجز را چطور تعبیرات غلط نخواهند کرد؟ وبهمین واسطه تفرقه وتشتّت را درمیان ما وشما نخواهند انداخت؟ یکی از ثمرات لذیذهٔ آزادی همینست که شما علما وفضلا ومشایخ

و وکلا و اعزهٔ ملت امروز بحضورم حاضر و آزادانه اظهار افکار و آراء خود ها رامیدارید اگر شما بدین آزادی که برطبق اوامر شرعی است رضامند نباشید بسیار خوب اینک مرا اجازه بدهید که مجلس را فسخ کنم و بقصر خود رفته هرچه خواهش داشته باشم کار کنم، اگر احدے به پیشگاهم بیاید و چیزے برخلاف خواهش و رضایم بعرض رساند علی الفور مانند زمانه ها سابق دهانش تا گوشهایش پاره کرده شود، هر روز و هر شب بصدها نفر را بانواع انواع و اقسام اقسام بقتل برسانم و تمام اجراآت و خواهشاتم را بچنان قطعیت در معرض اجرا گذارم که احدے را طاقت چون و چرا نباشد نه تنها از افغانستان بلکه از کرهٔ ارض هیچ خوف و هراسے ندارم، نے استغفر الله ابداً من ازین لفظ آزادی آن معانی را که دشمنان ما انتشار داده اند بخیال ندارم و یکسر موے از احکام شرعیه تخلف و تجاوز را روادار نیستم (والله) که ایمان و اسلام و عقیدهٔ خود را پاکتر و بالاتر از عموم شما میدانم، و بر ان مسلمان و حاکم و پادشاه اسلام هزار هزار بار لعنت میگویم که برخلاف شرع انور کار نماید و یا رفتاریرا اختیار کند، و باید این سخن راهم بشما بدانانم که من بهمراه شما ملت خود سیاست و انتریک نمینمایم، بخدا چیزیکه بدل دارم همهٔ آنرا بزبان آورده بگوشهاے تان میرسانم و باز اگر خودم برکدام یک فکر و رأیے که مفید اسلام و دین و ملت من باشد

قایم گردم اگر عالم برخلاف من شود و یک جهان عایقه و موانع به پیشگاهم حاضر شود و بالاے من بارانهاے گلهٔ توپ و تفنگ باشد (والله) که ازان فکر خویش نخواهم گشت و نه از اقرار آن انکار خواهم کرد، پس بدانید و خوب بفهمید کلمات و اتهاماتے را که بدخواهان افغانستان درمیان ملت و حکومت تان افگنده سراپا بغرض جدائی و خرابی ما و شما است اکنون که شما از خیالات من مطلع و حسیاتم را درک کردید ضرور عموم ملتم را نیز از حقایق اطلاع داده عموم را بیک راه و یک فکر و یک خیال متحد و متفق خواهید کرد؛

لویه جرگه بعد از اختتام این کلام ملوکانه باز غلغله و ولوله و آشوب در سر تا سر لویه جرگه حکمفرما گشته از هر گوشه و کنار تذکر صفات و خصال و اعمال شایسته و افعال پاکیزهٔ همایونی و بیان ترقیخواهی و ملت پروری و پیروی شریعت و منفعت خواهی مملکت و دولت اعلیحضرت غازی را مینمودند و میگفتند الحق که اعلیحضرت را بلندتر از آنکه تصور داشتیم یک ذات ستوده صفات و یک شخص رعیت دوست و ترقیخواه درک کردیم و از کلمات جواهر آیاتش چندان محظوظ و مشکور شدیم که الی مادام الحیات حق خدمت و مطاوعت او را چنانچه شاید و باید ادا کرده نخواهیم توانست و خوبتر دانستیم افواهات و هزلیاتے را که بدخواهان ما در سر تا سر افغانستان نسبت باجراآت و عملیات این محیی ملت افغان

طنین انداز نموده بودند کاملاً افترا و بهتان است ماتا جان در بدن و روح در تن داشته باشیم، انشآءالله که در انتشار خیالاتِ عالیات و افکار جواهر آیات همایونی در تمام نقاط ممالک افغانی بذل مساعی خواهیم ورزید.

[خلص اینکه ازین قبیل کلماتِ از حد زیاد از هر طرف وارد گشته که ما از ان جمله صِرف به نقل نمودن چند منطوقاتیکه بعد از اختتام آنها مجلس این روز خاتمه یافته است و حضار از شنیدن آن خیلے محظوظ و مسرور شده بعد از ختام هر جملهٔ آن او را بکف های شادمانی تلقی نموده اند اکتفا میکنم. ب، د]

ملک نور محمّد هزاره حضرت شهریار عدالت شعار شریعت رفتار پدر کردار ارواحنا فداك وادام الله علیٰ رؤسنا بقائك!

زہی شہریار تاجدار ذی وقار عدالت آثار مرحمت شعار عرفان مدار حریّت اطوار که شهرت شهریاری او نام افغان را قاف تا قاف چون روز هویدا، و قدر صولتِ دولتِ مازادر دول دنیا پیدا، عدلش ذرهٔ ناچیز را جلوهٔ خورشیدی و گدا اے محتاج را رتبهٔ جمشیدی، نملهٔ ضعیف را شوکت سلیمانی و قطرهٔ دریا را اندازهٔ عمّانی بخشید، باز با کبوتر ابواب وداد را باز، و گرگ و غنم آبشخور در تگ و تاز؛ عرفانش درین زمان سعادت اقتران در روزگار، متاع علم و عرفان را باعلیٰ مرتبه از توجّه شهریار، جهانے خریدار و هر زار و نزار از زاویهٔ افتقار باین طریقه

اینقه بدرجهٔ اعتبار و اقتدار بمضمون اَلَّذِینَ اُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰتٍ وبفحوای شَرَافَةُ الْاِنْسَانِ بِالْعِلْمِ وَالْاَدَبِ لَا بِالْمَالِ وَالنَّسَبِ رسیده از انجا که بیعلمان اعمیٰ و صاحب عرفان بینا است مَنْ كَانَ فِي هٰذِهٖٓ اَعْمٰى فَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ اَعْمٰى عالم خوابیده را بیدار و جهان لایعقل را هوشیار ساخت، آزادیش ملّت افغان را عموماً از قید بیگانه آزادی، خصوصاً هزارهٔ بیچاره را ازین غم قرین شادی نمود ؎

دخترک امّت خیر الوریٰ ؛ همچو کنیزان شدی بیع و شریٰ
از تو چنین شیوهٔ انجار بد ؛ گشت بخوبی بدل اینکار بد } ۱ه

چون ادای نعمت و مرحمت هر ذوی الحقوق و ولینعمت را خداوند بارے بجز از شکر گذاری نفرموده، اگر تمام بدن ما یان زبان و جملهٔ صغیر و کبیر مان بیان شود ادای شکر این نعمت بے احصار یکی از هزار و اندکے از بسیار و مشتے از خروار و عشرے از اعشار نمیتوانیم، آرے بجز از دعا چه ممکن فقرا میشود، بمؤداے (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَاَزِيْدَنَّكُمْ) ابن نیاز نامه بزبان قلم و خامه از زبان خاص و عامهٔ هزاره بذل پیشگاه سلیمان جاه وندر بارگاه کیوان نما نموده دعاے (اَللّٰهُمَّ متّع المسلمین بطول حیٰوته واحفظ المؤمنین ببقائه وثباته وانصر اولیآئه واخذل اعدآئه بحق محمّد وّ آله الاتقیآء) میدارند.

محمد حکیم سمت شمالی اظهار میدارد و با خلاص بدون ریا، سجایا ورضایای این پادشاه گردون پایگاه رامیشمارد که چشم روزگار، اینچنین تاجدار باوقار را ندیده و گوش لیل ونهار همچنین شهریار عدالت شعار مرحمت آثار نشنیده ؛ اگر جانها را در راه رضای او فدا کنیم روا، و اگر روانها را ایثار در بارت بداریم بجاست ؎

ازدست و زبان ما نیاید ✤ کز شکر واداى او براید

لاچار لسان اعتذار بدعاى برقرارى حضرت شهریار کشوده، دعاى دوام دولت و درخواست سلامتی اعلیحضرت را از خداوند میخواهیم ؎

شهریارا سرت بگردون باد ✤ بخت و دولت ترا زبیچون باد
بطفیل محمد عربی ✤ دشمنان تو چشم پرخون باد

توشهریار عزیزی وشاه محترمی
بهرچه حکم کنی بر وجود ما حکمی

غلام حیدر هزارهٔ دایزنگی چون در زمان سابق الی ده هزار نفوس اناث وذکور از مردمان اسلامیه از طائفهٔ هزاره وجدیدی وشغنانی وبدخشی وچهارصده وغیره بلفظ کنیزی وغلامی بخانه های دیگر برادران ملت، مقید بودند ؛ ما مردم اگر بهزار زبان تشکر کنیم اداى این مرحمت و نوازش اعلیحضرت غازی را نمیتوانیم که در ابتداى

جلوس میمنت مانوس خود اینچنین نفری اناث وذکور ملت را اول از حضور خود واز حرم محترم خود ودوم از خانهاى دیگر برادران ملت کلیه آزاد فرمودند که یعنی هیچ فردی از افراد ملت نجیبهٔ اسلامیه بلفظ کنیز و غلام مقید نباشد، واملاک این مردمان سی ساله چهل ساله که ضبط بود براى صاحبانش عنایت فرمود که همهٔ شان صاحب ملک وصاحب هستی وصاحب ثروت وسامان گردیدند اینقدر مرحمت والطاف که از حضور الطاف ظهور خسروانهٔ این پادشاه محبوب القلوب غازی دربارهٔ عموم رعایای ملت ملاحظه میشود از هیچ سلاطین سلف دیده نشده ونخواهد شد، زیاده زبانی نیست که اداى این شکر را نمائیم !

مولوی محمد بشیر اگر ما در تواریخ وسرگذشت سیزده صد سالهٔ اسلامی مذاکره وبراحوال امروزهٔ عالم اسلامی موازنه ومقایسه کنیم هیچگونه حال را باماضی نسبت داده نمیتوانیم !

زیرا از یکطرف خواهیم دید که بزمانهٔ گذشته در معمورهٔ عالم هیچ یک ملک نمانده بود که بیرق وپرچم اسلامی بران بصد عز وشان برافراشته نشده باشد وهمچنین درحالت موجوده نیز خواهیم دید که بجز از چند قطعات معدودی باقی تاحال رایات نصرت علامات اسلامی جلوه افروز انظار است اندیگد آویز قطعی وحجت حقیقی شجاعت کارانهٔ اسلاف کرام ومجاهدین ذوی الاحترام

ماست که بکمال سربازی و جانفشانی گوشت و پوست خود ها را ریزه و استخوانهای خود را برای حفظ و صیانت آن مقامات مانند سرمه ساخته اند که درینده م کحل البصر یگانهٔ ما ملت اسلام شمرده میشود !

درینموقع خود حاضرین یک کمی از وقت کار گرفته ملاحظه و معاینه فرمایند که آیا ما اولادهای همان پدرهای با سعادت نمیباشیم و یا خدا ناخواسته در دعوی مسلمانی ما از آنها یک فرق و امتیاز مخصوصی را حاوی شده ایم ؛ نی ؟ هرگز نی ؟

پس اینقدر تفاوت در وضعیت موجودهٔ اساسی ما و آنها چیست نه تنها این سوال عاجزانهٔ من است بلکه این خیال بدماغ هر صاحب هوش و فکر لا محاله خواهد پیچید ! امّا چون بدقت تام و باریکی مقصد انصرامی درین فقره تعمّق و تفکری کنیم خواهیم گفت که علاوه بر دیگر علل و اسبابیکه یگانه باعث پسپائی ما شده یکی ازان اینست که ما قوم مسلمان آنطرز حکومتی را که قوانین معظم اسلامی بما نشا نداده و بعرق ریزیهای گوهر یکتای کائنات حضرت (محمّد) عربی علیه الف الصّلواة والتحیّات صورت پذیر بود در ازمنهٔ وسطی یکقلم از ما نیست و نابود گردید ، اکنون ازان اسلوب سراسر مرغوب برای نام هم اثری باقی نمانده است !

ای معشر المسلمین ! و ای علمای دیانت قرین ! شما خوبتر و بهتر میدانید که اساس و بنیاد حکومت اسلامیّه بر شوری و مشوره نهاده شده است زیرا که حکومت بر کوایف و حقایق و شکایات و ضروریات هر طایفه و عایلهٔ ملت آگاه و با خبر بوده ، هیچ یک کاری نخواهد کرد که موجب تغایر و تنافر حاکم و محکوم گردد چنانچه محدّث مشهور ، امام حاکم در کتاب "مستدرک" برین مقصد یک حدیث شریف را آورده و مصنّف معروف کتاب "زاد المعاد" آنرا نقل کرده است !

یعنی حضرت ابا هریره رضی الله عنه فرموده که هیچکس را نسبت به رسول اکرم ص ندیده ام که زیاده تر مشوره کند چنانچه آنحضرت ص از اصحاب رض طلب رأی میفرمودند !

در زمانهٔ خلفای راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین همین خصوصیت و نوعیت را نیز درخشانتر و نمایان می بینیم ! امّا چون بر احوال سلاطین و خلفای ازمنهٔ وسطی نظر کرده شود سلطان و خلیفه را در حلقه و دائرهٔ یک جماعت و گروه مخصوص و معدودی خواهیم یافت که آنجماعه و مصاحبان شاهانه بر حواس خمسه مانند خونیکه در عروق و شرائین مستولیست غالب گردیده در نتیجه سلطان و اولو الامر را از داد رسی و احوال پرسی مظلومان بیچاره و ستم رسیده گان جگر پاره بیخبر گردانیده علاوه بران از تلاسیفی و

تدارک نقصانات و منفعت ها را بالضیعهٔ هم نمیدادند!

درینموقع دشمنان داخلی و خارجی از هیچه یک انفکاک و افتراق که درین دولت و ملت هنگامه انداز شده بود مستفید الوقت گردیده عَلَم انتفاع و کامیابی خود را برسر افراشتند و یوماً فیوماً یکی را بدیگرے انداخته روزبروز ذلیل و پریشان مینمودند بالآخر یکی را خورده و هضم کرده بخوردن دیگرے شروع و آغاز مینمودند!

لکن درین عصر فرخندگی حصر، بدیع کائنات حضرت مجیب الدعوات برقوم مسلمان یک مرحمت بس گرانے فرموده اند که مانند شما اعلیحضرت والا صفات ظل سبحانی را که درهمه امور موفقیات و کامیابی تانرا بیش از مقصد خواهانیم، برحکومت و سروری هیچه یک خطهٔ اسلامیت وسیله گماشته است و شمائید که رسوخات محمدیه را مجدداً مانند آفتاب که یک مدتت مدیدے در نقاب ابرهاے تیره و تارے محجوب و پوشیده باشد برکشیدید که از آنجمله حاضراً انعقاد اینچنین مجلس عظیم (لویه جرگه) است! و عموم تصدیق میکنند که سنت احمدی بعد از اندراس و انعدام بعصر بهیهٔ امانیه زنده و تازه گردیده و از خیالات خیراندیشانهٔ پادشاه کارانه ات امروزه روز عموم ملت بواسطهٔ این نمایندگان و وکلاے پرشوکت شان مطلع و خبردار میگردند و درین دم رجا و تمنا هریک از افراد رعیت شانرا

مانند یک پدر مشفق مهربان بگوش حق نیوش خود شنیده و تلقی میفرمایند و بتلقینات مربیانه و ارشادات راه نمایانه و هدایات معلمانه و نوازشات شاهانه آنها را بر جمیع حقایق و دقایق داخلی و خارجی مملکت کاملاً آگاهی و انتباه بخشیده و از هرطرف و هرسر باخبرشان نموده هر پیر و جوانرا خوشنود و مطمئن میسازید!

چون بنزد خداے اجل احیای سنن نبویه و اقامهٔ اوامر شرعیهٔ محمدیه مستوجب اعلی و اقدم ترین مدارج مقبولیت و محبوبیت است بناءً علیه امید قوی داریم که بمصداق حدیث منیف حضرت رسالتپناهی (من احیاء ملتی عند فساد امتی فله اجر مأته شهید) یعنی هرکسیکه راه و رسم و طریقه و دستور العمل مرا بوقت فساد و خرابی امت من زنده کند پس براے او اجر صد شهید است!

همه میدانید که یک شهید ما چه درجهٔ اجر جمیل را حائز و دارا است، هزار افتخار برآن «غازی» پر فیض که بهمین اقبال بلند و طالع ارجمند خویش اجر صد "شهید" را پیدا کرده باشد پس آیا بموجود بودن هیچه یک مقام منیع و مرتبهٔ رفیع که براے ریزانیدن قطرهٔ آخرین خود یکطرف جوانان پر تدبیر اوامر اعلیحضرت آماده و ایستاده اند، دیگر جانب فرزندان جوانهمت و جمله علماے کرام و مشایخ و سادات عظام بغرض اداے خدمت داخلی و خارجی براے اندفاع هر مصادمه و پیش آمد بکمال فداکاری و سربازی کمر بسته و تیار میباشند، و علاوه برآن

هر طرف که بنگرید خواه از اشخاص ملکی باشند یا نظامی کشوری باشند یا قشونی منتظر اشارهٔ اولوالامر اعلیحضرت اند، آیا درهیچه فرصتے که خدائے مهربان بخطهٔ معظمهٔ افغانستان (صانه الله عن شرّ آفات الزّمان) بنظر رأفت ومرحمت شهنشاه جوان الغازی امیر امان الله خان یک قوهٔ مکلفهٔ مکمله اعطاء وعنایت گردانیده کدام دشمن وبدخواه میتواند که یعنی این دولت قوی‌شوکت را بنظر خفت ببیند ویا یک خیال دور از غفلت نماید، یا ممکن است که آن خیالات برگزیده وثمرات حسنه که در مد نظر گرفته شده حاصل نشود!

[درخاتمهٔ مجلس هر روز امثال این کلمات مدحیه وگذارشات دعائیه قراءت میشد که از خوف تطویل، سابق ازین هم ازان صرف نظر کرده ایم ودر آتیه نیز آنرا قلم انداز خواهیم کرد، د، ب، د] .

* *

*

مذاکرات روز دوشنبه (۳۰) سرطان

درین روز نیز آمد آمد اعضاے محترم لویه جرگه پیشتر از ساعت موعود آغاز وتماماً در تحت خیمهٔ مزبوره مجموع واخذ موقع نموده بودند، ذات جهانبانی نیز پوره بوقت موعوده حاضر شده بعد از وقفهٔ دو دقیقه فرمودند:

بنام خدا آغاز میکنم! دیروز مذاکرات ما در مواد بیرون نویس شدهٔ نظامنامهٔ اساسی بود که بر اکثرے از آنها بحث بعمل آمد آیا علاوه بر یادداشت وابحاث دیروزه دیگر کدام فقره را هم بیرون نویس کرده اید وبر کدام قاعده مذاکرات کردن را خواستارید؟ یا نے؟

فیض محمد وکیل اعلیحضرتا! باید جهة اخراج آن مذاهبے که بعقیدهٔ خویش خود را مسلم پنداشته درحقیقت موجب نفاق اسلامیه گشته از بین امت ناجیهٔ (محمدیؐ) میشوند، بمادهٔ (۱) در اخیر فقرهٔ "دین افغانستان دین اسلامی است" مانند ایرانیها که در دستور اساسی خویش لفظ «شیعه» را افزوده اند، چیزے ایزاد کرده شود، بخیال من بهتر است.

ملای ترکستانی یک حدیثے را از کتاب الفتن مشکوة شریف که دران ذکر فرقه بندیها در اهل اسلام ورود

ادیان باطله و مسلک های نامشروع درمیان امت احمدیه و ظهور فتنه در بین مسلمانان و عدم اطاعت اولوالامر بود قرائت و ترجمه کنان در اخیر اظهار داشت که باید ضرور برای تحدید مذهب حقهٔ اسلام و عدم رواج دیگر مذاهب و ادیان تصریحے کرده شود .

مولوی فضل ربی یک بیانیهٔ مطولے را ایراد کنان دران بطالت و خرافات تمام مذاهب جدیده مخصوصاً قادیانی ذکر نموده در آخر ختم کلام خود را برین مسئله نمود که کتب اسلام قادیانی و امثال آن دیگر مذاهبے را که مجدداً بغرض مزید تفرقه و جدائی عالم اسلام بمنصهٔ شهود آمده اند مسلمان نمی انگارد حتی علمای اسلام ما چنین فیصله نموده اند قادیانی را که منکر ختم نبوت است هرکس که مسلمان بگوید آنشخص نیز کافر است ، لهذا حاجت قید و ایزاد دیگر الفاظ برای اخراج مذهب جدید الظهور که کافر ند لزومی ندارد !

وکیل ضرور باید تعیین مذهب شود که مذهب افغانستان مذهب حنفی که یک مذهب باشرف اسلامی است ، میباشد !

محمد بشیر اعلیحضرتا ! اگر در نظامنامهٔ اساسی جهة تشریح مذهب عمومی لفظ سنت والجماعة تحریر شود خوبتر و واضحتر خواهد بود !

اعلیحضرت اگر ما در دستور اساسی خویش لفظ سنت والجماعة را تحریر کنیم آیا اینقدر شیعهٔ را که بدولت ما میباشند چه خواهیم گفت و بدانها کدام شیوه و معاملهٔ برادرانه را مرعی و معمول خواهیم داشت ضرور یک نفاق مابین خود ما تولید خواهد شد از طرف دیگر شما با دولت ایران معاهدهٔ دوستانه و برادرانه کرده روابط محبت و وداد را مستحکم نموده اید و از جانب دیگر جهة اخراج آنها همچه الفاظ را تحریر مینمائید !

یک ملا اگر در حاشیهٔ آن تشریحات مذاهب کرده شود که مقصد از مذهب مذکورهٔ متن حنفی است خوب خواهد بود تا رفع اشتباهات کرده شود !

اعلیحضرت ما در عموم نظامات خویش تشریحات و توضیحات را در حواشی منع داشته ایم زیرا اگر حکومت بر هر ماده تشریحاتے را در حاشیه بنویسد ، پس این طریقه کسب عمومیت کرده عموم بهر لفظ و هر فقره توضیحات را از خیال خود خواهد نوشت !

یک ملای سرحدی اعلیحضرتا ! تفریق مذهب افغانستان در دستور اساسی از حد ضروری است و مخصوصاً درین موقع که بنابر تحریک دشمنان افغانستان عدهٔ از قادیانی ها بطور افترا و بهتان حامی مسلک خویش مردم افغانستان را مشتهر نموده اند ضرور باید جهة انسداد دیگر مذاهب باطله لفظ اهل سنت والجماعه مرقوم و مضبوط گردد !

اعلیحضرت بخیال خودم باید چنین لفظے درینجا تحریر شود که مذاهب قدیمه که در افغانستان موجود اند مانند شیعه ها آنها نیز تحت تأمین بیایند و دیگر مذاهب جدید الخروج نیز از میان برداشته شود و تبلیغ و اشاعت آن در مملکت مان مسدود باشد !

ملا عبد الواسع بر پا خواسته یک بیانیهٔ مطولے را در اختلافات غیر مهم فروعات که همواره در بین عوام موجب گفت و شنید تمام است ایراد کنان در نتیجه گفت باید همه اسلام بکوشند تا در اصول باهم متفق باشند در مسائل فرعیه هیچ لازم نیست که باهم به پیچند، برای تائید این دلیل آن قصهٔ حضرت عمر رضی الله عنه را که بر قرائت یک آیتے که مردے بیک لهجهٔ دیگر میخواند، بر آشفته بود حضرت عمر رض و القاری این مسئله را بحضور حضرت نبوی صلعم مرافعه کردند و هر دوی شان در نتیجه حق بجانب بر آمده آنحضرت صلعم انزلت القرآن علی سبعة احرف را ایراد داشته تخاصم و مشاجره را از میان برداشت، بعده در (۷۲) فرقهٔ اسلامیه یک بحث طولانی را ایراد داشته موجبات وضع چهار مذهب حقه را در سنهٔ ۴ هـ بیان کرده گفت کسیکه مذهب پنجمی را در اسلام بنا گذارد لعنت خدا بر و باد، در آخر گفت علمائی را که اعلیحضرت در لویه جرگه جهة تدقیق و تحقیق نظامات

خواسته اند بدینغرض است که باید نظامات طورے جامع و مانع باشند که عموم مذاهب اسلامیه را در بر بگیرد و دیگر مذاهب باطله از میان برداشته شود خیال شخصی خودم نیز همین است که باید بقرار گفتهٔ عموم علمای مذهب حنفیه که پاکترین و بهترترین مذاهب اسلامیه است در تشریح دین اسلام افغانستان ایزاد کرده شود !

پادشاه گلجان عرضیکه بحضور حاضرین دارم اینست که باید ابحاث را اینقدر طولانی نفرمایند و از موضوع خارج نشوند و الا مذاکرات ما به بسیار طوالت می انجامد بحث اینقدر است که الفاظ موجوده درست است و یا چیزے را بر آن ازدیاد کردن میخواهید، اگر چیزے را میافزائید پس کدام لفظ بهتر است !

اعلیحضرت خودم علی العموم احساسات جرگه را مطلع شده از طرف عموم وکالتاً عرض میدارم اگر پسند خاطر تان افتد فنعم المطلوب و الا باز میدان مباحثه و مذاکره برای تان حاضر است در نظامنامهٔ اساسی اینطور بنویسید که "دین افغانستان" دین اسلام و مذهب رسمی آن مذهب حنفی است، و در نظامنامهٔ جزای عمومی برای ادیان باطله که نو ظهور کنند و در افغانستان خیال تبلیغ و اشاعت مسلک خود را بنماید مجازاتے را بر طبق شریعت مقرر

ومعیّن دارید !

لویه جرگه علی العموم ازین فیصلهٔ اسلامیّت کارانهٔ ذات شاهانه چندان اظهار خرمی و شادمانی نمودند که در تمام شان یک غلغله و ولوله دعاگوئی اعلیحضرت غازی وتحسین وآفرین برپا شده بآوازهای تکبیر و تهلیل این مبحث رانیز خاتمه دادند، وعموم برین نظریات همایونی اظهار بشاشت کرده گفتند که همچنین در نظامنامهٔ اساسی وجزای عمومی ایزاداتی بعمل آید !

یک ملای قندهاری بران مادهٔ که در موضوع آزادی تدریس است اعتراض کرد که خواندن تفسیر وحدیث وغیر علوم دینیه گفته میشود که ممنوع است !

اعلیحضرت بکیفیت استعجاب واستنکار بطرف ملا صاحب توجّه کنان فرمودند که کجا ؟ وکی ؟ من ابداً اینچنین نگفته‌ام ونه در نظامات دولتی برین موضوع چیزی تحریر شده است .

لویه جرگه تماماً اظهارِ خوشی کردند وگفتند که ابداً اینچنین حکم از طرف زعمای مملکت برای عموم نرسیده است چنانچه الآن کما کان در تمام نقاط افغانیه سلسلهٔ درس وتدریس فقهیّه وحدیث وتفسیر ودیگر علوم دینیّه جاری است ، اینهم از پروپاغند وتبلیغات دشمنان

افغانستان است که میخواهند در بین ملت ومملکت جدائی بیفگنند !

ملای هراتی در مادهٔ که ذکر مجازات است گفت باید مجازات برطبق مقررات شرعی باشد واین لفظ را ضرور درینجا ایزاد نمائید !

اعلیحضرت درست گفتید باید درینجا همچنین نوشته شود که برای احدی اینچنین جزا داده نمیشود که برخلاف مقررات شریعت که ضمناً در نظامنامهٔ جزای عمومی وجزای عسکری مسطور است ، باشد !

مولوی محمّد حسین [بر مادهٔ که دران ذکر موقوفی شکنجه وانواع تعذیبات است بعرض رسانیدند] بعد از خلافت راشده خلیج مفارقت در بین سلاطین وعلمای کرام ازینجهة حائل ونائل شده رفت که بر اعلام کلمهٔ حق بدون تحقیق شرعی وبمحض افترای مغرضان ، بلا تثبیت قانونی اولیای عظام مأخوذ ومحبوس کرده میشدند ! چون در حضور وغیاب شاهان کلمات طیّبهٔ صدق وتلطیف خلق گفته نمیتوانستند ، لاجرم افراد راسخ الاعتقاد امت از امور سلطنت کناره کشیده بغض وعداوت پادشاهان را در دل میپرورانیدند اینچنین امثله بسیار است که علما وفضلا خدمت شاهان را حتّی نانِ شان را حرام پنداشته در عزلت ماندند واکثر شان در گوشهٔ سجن افتادند بعد از تقریب سیزده صد سال آن حقوق ملّت را که سلاطینِ مستبد ، اختیارات خاصهٔ خود میشمردند اعلیحضرت غازی برضا ورغبت خود بلا جبر واکراه

واپس عطا فرمودند سه

حقوق رعایا به احسان ادا کرد * وگرنه بهر حال با اختیارات

یعنی در نظامنامهٔ اساسی اعلان نمودند که هیچکس بدون تحقیق شرعی خلاف نظامات مقننهٔ دولت توقیف و محبوس نمیشود!

از تاریخ مقدس اسلامی برگشته یک نظر سوی یورپ بیندازید چه می بینید؟ یکطرف پادشاهان اشخاص مخالف را ولو خیرخواه دولت باشند بزعم خود مخاصم انگاشته بندی کرده میرفتند؟ و دیگر جانب ذوات حُر، آزادی طلبیده جمعیت ها تشکیل کرده میرفتند که باعث کشت و خون ملّت بتعداد ملیونها نفوس میگردد، در ملک انگلیسها بکنار دریای تیمز سرداران قوم بحضور پادشاه خود عریضهٔ پیش میکنند که دران همین فقره مندرج بود که هیچکس بدون تحقیق قانونی توقیف شده نمیتواند، پادشاه تاج خود را در پای شان می افگند که این نزد من باقیمانده بود این را هم بگیرید، الغرض تا دیگر لکها نفر مظلوم و مقتول نمیگردند، پادشاهان ازین اختیار و استبداد خود نمیگذرند، چقدر جای شکر و امتنان است که اعلیحضرت غازی همان اختیارات را که شاهان بجان نگاه داشتند مفت و رایگان عنایت فرمودند و همان حقوقی را که از طرف شریعت با ولی الامر حاصل بود کافی و مقنع دانستند!

پابندی و پاس شریعت که اعلیحضرت میفرمایند از یک دو واقعهٔ دیگر ثابت میشود که آنرا بسبب اطلاع حضّار بطور مثال بیان میکنم در افغانستان پنجایت ها از وقت های قدیم مروّج بوده همه دعاوی را فیصله میکردند، و معامله و منازعه بمحکمهٔ شرعی رجوع کرده نمیشد، سود اگر در وهی خود هر چیزیکه مینوشت اگرچه رقم بهزارها بالغ میبود نزد پنچایت مقبول بود و هیچ شاهد و سند دیگر خواسته نمیشد یعنی بلاتشبیه وهی نبود، وحی بود که متّصف بکذب شده نمیتوانست، اگر یکی از فریقین مسلمان بود باز هم از محکمهٔ پنچایت بشریعت رخ نمی آوردند، با وجود مصارف لکها روپیه که بر پنچایت خانه ها خرج میشد، اینها عَلَی الرّغم شریعت محمّدی قایم بودند تا اعلیحضرت غازی بیهودگی و لغویّت این موسسه ها را محسوس کرده یکقلم از قلمرو خود الغا فرمودند و حسب امر الٰهی (شهیدین من رجالکم را اقسط عندالله) دانسته ترمیم در اندراجات وهی نمودند.

دیگر مثال این است که از صدها سال در قرآن مجید تلاوت میشد (اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ) و ذهن کسی منتقل نشد که از اصلاحات انفرادی گذشته از روی قوانین حکومت در میان مردم مصالحه کرده شود در ممالک اسلامی بعضی مسلمانان مصلح بودند که فرداً فرداً از مساعی خود در بین مسلمانان اتّفاق و اتّحاد انداختند، و از نفاق

وعناد بازشان داشتند امّا از جانب حکومت تشبثی نشد که فیما بین افراد رعایا دشمنی واکراه را دورکرده وداد والفت جاگزین نموده شود، این دماغ عالی وطبع سلیم اعلیحضرت غازی بود که برای ملّت سراسر رفاهیت شد مراد از محکمه هاے اصلاحیه است که از نیت خیرخواهانهٔ شاهانه در افغانستان فقط در عهد اعلیحضرت غازی تأسیس یافته موجب آن مصالحت گشته است که باعث ترقی میباشد ودافع آن مخاصمت شده است که منجر تباهی ملّت میگردد، دیگر مثالهاے امتثال شریعت غرا مثل مجالس مشوره، بسیار است، امّا باز رجوع میکنم بمادهٔ قانون اساسی که ازروے آن احدے بدون تحقیق شرعی بندی نمیشود، مقایسهٔ زمان سابق بنمائید، باوجود امر ایزدی که (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ) محمّد ایوب خان رئیس محکمهٔ اصلاحیهٔ جبل السّراج باین سبب بندی میشود که برادرش باتهام گناهے بندی شده بود، من هم دران بهتان محبوس بودم:

(اگر قانون اساسی میبود، من و پنج برادرش یازده سال در قبر احیائی نماندیم) زیر بارگران زنجیرها بے محابا ازخواب برخواسته برخواند ؎

بندی رابس بود زولانهٔ ٭ این همه زنجیر در زنجیر چیست

جوابش چه شیرین خواندگی کرد که در عهد معدلت ورأفت مهد اعلیحضرت غازی نه زولانه فقط در یکپاے انداخته میشود.

پادشاه گلجان برمادهٔ که دران ذکر شوراے دولت ومجلس وزرا است اعتراض کنان گفت که باید درین مجلس علما نیز حاضر باشند تاپاس ومراعات مسائل اسلامی ومقررات کتب دینیّه را ملاحظه کنان چیزهائے راکه برای مسلمانان موجب ترقیست زیرنظر گرفته بحث نمایند!

اعلیحضرت آقا اینطور نیست که وزراے ما جاهل اند ویا از احکام دینیهٔ خویش غافل البته هر وزیر وهر عضو مجلس مشوره تایکدرجه عالم است که برخلاف مقررات شرعی کار نکند وعلاوه بران جناب حضرات صاحبان شور بازار کابل نیز یکی از اعضاے مجلس عالی وزرا میباشند، این سوالیست که باید شما از آنها بکنید که چرا اوشان منتظماً در مجلس عالی وزرا حاضر نمیشوند وحصّه نمیگیرند!

مولوی کامه اعلیحضرتا! طوریکه دیگر مأمورین در صلهٔ حسن خدمات وکاروائیهاے درست ترقی وترفیع می یابند چرا وکلاے مجالس مشورهٔ علاقه داریها وحکومتیهاے سه گانه وحکومتیهاے کلان واعلیٰ ونائب الحکومگیها درصورتیکه در حسن خدمات خویش نام نیک را حاصل کنند علیٰ حسب المراتب بمقامات عالیه حسب الترتیب ترقی نمیکنند، بایستی قانونیکه درصورت حسن خدمت وابراز لیاقت وفعالیت وکلا یک وکیل از یک علاقه داری تا مجلس عمومی شوراے دولت ترقی کرده میتواند وضع شود

ونیز در مجالس مشوره تا جنیکه علما و فضلا دستیاب شود دیگری را وکیل منتخب نمایند !

اعلیحضرت ملا صاحب ! انتخاب وکلا کار ملت است، ملت اختیار دارد که ملا باشد یا فقیر، یا یک شخص عامی بالآخر هر شخصی را که ملت بران مطمئن باشد و بداند که بدون از خیر یا دیگر چیز برانمی سنجد وکیل مقرر کند حکومت را در مسئلهٔ انتخاب هیچ حق مداخله نیست بلکه هر فردیرا که ملت منتخب کند عام از اینکه سید باشد یا ملا، دلاک باشد یا جولا؛ حکومت بنظر احترام بسوی او نگریسته او را حق شمولیت مجلس و اعطای رأی را عطا میفرماید واین را هم باید ضمناً بگویم که در سید، ملا، فاضل، عالم، سردار، خوانین وغیره، ضرور بدکردار و بدهنجار و بدسلوک پیدا میشود، لاکن وکلا که یک جم غفیری از ملت تصدیق راستی و خوبی و صفائی او را میکنند واو را بمقدرات آتیهٔ خویش وکیل و در پیش آمدهای مهمهٔ خود کفیل مقرر میدارند، گاهی بد شده نمیتوانند واینکه فرمودید باید وکلا بواسطهٔ حکومت ترقی بکند بالکل غلط است زیرا وکیلیکه به ترقی تا مجلس شورای عمومی نظر خود را دوخته باشد حتمی و ضروریست که بدون از اشارات و هدایات علاقه داریها و حکام که آنها را ذریعهٔ ترقی خود میداند کاری نمیکند و مفاد ملت را بزیر پای انداخته فائدهٔ خود را زیر نظر میگیرد و بمقابل همه گونه فرمایشات جائز و ناجائز زمامداران

اگرچه بضرر ملت باشد سر تسلیم را خم میکند که در نتیجه حق تلفی ملت من شود ومن ابداً نمیخواهم که حقوق یکی از تبعهٔ افغانی بنابر اغراض شخصی سلب ونابود گردد و خدا نخواسته خواری برای ملتم عائد آید آیا وکیلیکه بحکام امیدی داشته باشد و به ایما واشارهٔ شان کار کند باز حق خواهد گفت وحق ملت را نخواهد ماند که تلف شود ؟ فقط ترقی یک وکیل وابسته بحسن خدمات و منفعت جوئی اوست برای ملت، که ملت او را مکرراً باز وکیل انتخاب کرده حتی اگر فائدهٔ بسیاری دیدند شک نیست که بدون سلسلهٔ مراتب دفعتاً او را به عضویت شورای دولت ارسال دارند.

واین را هم باید ناگفته نگذاریم که در میان ملت هم حق انتخاب را بیشتر از دیگران کسی دارد که برای دولت محصول ویا مالیه ویا حق گمرکی ویا محصول مواشی را میدهد ویا شخصاً بحکومت خدمات مینمایند زیرا که آنها در منفعت و مضرت حکومت خود را شریک میدانند !

لویه جرگه بکمال سرور و شادمانی این نظریهٔ قیمتدار شهریاری را قبول کنان این مبحث بکمال مسرت وکف زدنهای خرمی خاتمه یافت !

اعلیحضرت در مادهٔ بودجه فرمودند :- بودجه را آیا میدانید که چیست؟ بودجه یعنی تعیین دخل وخرج یک مملکت است که بدانیم چقدر دخل داریم وبکدام اندازه مخارج، این یکی از ضروریات دولت است

چرا تا حکومت دخل خود را نداند خرج از کدام رهگذر کرده میتواند در افغانستان در زمان اعلیحضرت امیر شیرعلیخان سنجیدند تا معلوم کنند که خرج ما از دخل اضافه نباشد موفق نشدند و هم در وقت ضیاء الملة والدین مرحوم بسیار کوششها کردند تا حکومت دخل و خرج خود را بداند به بسیار زحمات و تکالیف یکطرزی را اختراع کردند که آنرا (خلاصه نویسی) میگفتند با اینقدر کوششها و سعی های شان چون در همه ولایات اوراق آنرا روانه نمودند تنها از یک (هرات) دخل و خرجش رسید باقی جایها نتوانستند که خلاصه را بیساختند، من عاجز کوشش ها کردم شب ها و روزها کار کردم تا این بودجه را ترتیب دادم والحمدلله که بمقصد خود کامیاب گردیده فخرانه حال ازان به بسیار سهولت و آسانی کار میگیریم، فائده اش اینست که در سابق هرکس در خانهٔ خود نشسته و یا در دیگر کارات مشغولیت میداشت و از دولت مفت و رایگان بهزارها روپیه در سال بخانه اش میرفت که یک پیسهٔ آنرا ملت بیچاره به بسیار زحمات و بعرق ریزی پیشانی خود جمع میکردند و بدولت تحویل مینمودند، هزار افسوس که آن ظالم خودش نمیگفت که آیا چه خدمت بدولت مینمایم که این پیسه را در مقابل آن حق الزحمهٔ خود میگیرم، حال بودجه اجازه نمیدهد که با حدے یک پیسه را بی آنکه یک خدمت برای دولت و ملت کند داده شود اگر کسے حال در باب بودجه گفت و گوی داشته باشد چنانچه قبلاً یکی از شما

گفته بود درینفرصت بخیالم موزون نخواهد بود چرا ما بودجه را از سر سال ابتدای ماه حمل (۱۳۰۲) ترتیب داده ایم و در ان زمان همین وکلای شما وزرا حاضر بوده بعد از تصویب آنها امضا نمودم و حال میانهٔ سال است هر چیزیکه دران کرده ایم تبدیل و تغیر نمیشود، با اینهم اگر کسے درینموضوع خواهش مباحثه را داشته باشد بعد از اینکه معلومات کافی را دران موضوع بدست بیاورد، در ابتدای سال آینده حاضر هستم که با و مباحثه نموده شبههٔ شان را رفع نمایم!

لویه جرگه

اعلیحضرتا! چیزهائیکه از زمان سلطنت شما برای ما ملت رسیده همهٔ آن باعث آسایش و بهبودی ما رعایا میباشد خصوصاً بودجه که یک کار بسیار عالی و یک تدبیر خیلے گرامی میباشد، آنرا ما رعایا بنظر تقدیر دیده شکرانهٔ خداوندی و امتنان ذات جهانبانی را ادا میسازیم [بعد از ختم مذاکرات اساسی فرمودند. ب، د].

اعلیحضرت

خدایرا شکر میگوییم که قواعد و اساس هائے را که درین مدت پنجسال به بسیار زحمت و عرق ریزی ترتیب نموده بودیم تا یکدرجه بفکر شما ملت رسید اگر قدرے بنظر انصاف ببینید حکومت شما در هیچ امرے بمضرات شما و خلاف شرع شریف رفتار نکرده هست و بعد ازین هم نخواهد کرد و بعضے از راه دین اسلام بهیچ یکراه نرفته و نخواهد رفت، خدا شاهد است که همیشه حکومت شما و من عاجز پابندی دین مبین اسلام را داشته آرزومندم که آخرین قطرات خون خود را در راه اعلای کلمة الله و خدمت اسلام بریزانم!

ملّا صاحب بولان ذکر آن مجلس علما را که در زمان سلطان محمود از طرف حکومت منعقد شده بود ایراد داشته این رأی و مشوره خواهی اعلیحضرت غازی را از علمای ممالک افغانی مطابق بشریعت غرای احمدی گفته در خاتمه توجّه مزید علما را بسوی حق گوئی و حق بینی و تقدیر خدمات فوق العادهٔ اعلیحضرت غازی نموده بدعای طوالت عمر و مزید موفقیت همایونی در خدمات افغانی ختم مقالش را نمود !

مولوی محمّد حسین خان رئیس نطق مفصّلی را بتائید ملّا صاحب بولان ایراد نموده اند که مطالب اجمالی آن اینست :

این زمان زمانیست که روشن کنندهٔ دین مبین اسلام است، اینوقت وقتیست که اعلیحضرت ما احیای سنّت نبویه و احکامات و اوامرات حضرت پیغمبر ما را نموده اند اگر در تاریخ اسلام نظر کرده شود، اوّلین پادشاهیکه بمنظور ترویج دین اسلام را نموده، اعلیحضرت غازی ماست !

اعلیحضرت پادشاه مهربان ماست که قرار آیهٔ شریفهٔ مبارکهٔ (فلولا نفر من کلّ فرقة الآیه) عمل کرده عموم ملّت خود را دریکجا جهة اخذ معلومات و استماع نصایح و گذارشات خواسته اند و آنها را بخوبی از حقایق دانا نموده واپس برای هدایت و رهنمائی و تنویر افکار عموم ارسال میفرمایند تا آنها در آنجا رفته بعضی چیزهای خوب مفید را بصورت اصلی مابین ملّت،

تفصیل و ترویج بدهند !

ذات شاهانه همیشه ما ملّت را براه راست اسلام معرفی کرده از راه غلط منع میکنند !

اعلیحضرت لطف خداست که از یک پایهٔ اساسی خلاص شدیم و باز بدربار خالق بینیاز خود هزارها شکرانه میگوئیم که همهٔ ما بیک خیال و بیک فکر بوده مابین هیچکدام یک مخالفتی پیدا نشد و درین دو نیم روز هر کارها به بسیار خوشی و خوشوقتی انجام یافت این مجلس که در افغانستان امروز منعقد گردیده بخیالم به این اسلوب خوب و طریق مرغوب هیچ یک دول عالم انعقاد نیافته که همهٔ شان بیک فکر و بیک رأی بوده کار را از اتفاق بگیرند بسیار جای شکر است حال بدیگر کارهای خود شروع نمائیم چرا هر قدر زودتر تمام شود فائده اش بیشتر است !

نظامنامهٔ تشکیلات اساسی و ملکی بخیالم چندان اشکال ندارد که درین مجلس خوانده شود :- چرا در آن توضیح یافته که افغانستان چقدر وزیر و وزارت دارد و دوایر وزارات چند است و کدام کار بکدام مأموریت تعلّق دارد و فلانجا بکدام نائب الحکومه گی مربوط است، اگر خوانده شود روزها خواهد گذشت و از مقصد خیلی دور خواهیم ماند بنابرین سبب اگر خواهش دارید یک یک جلد برای هر کدام شما داده میشود که در خانه های

خود ملاحظه نمائید تا از تشکیلات حکومتی خود مطلع گردیده هر کدام بدانید که قریهٔ من مربوط بکدام حکومتی میباشد، بخیالم اینطور بهتر است از آنکه روز های خود را دران صرف کنیم !

عموم
بلی ! بلی ! این خیال اعلیحضرت ما نهایت خوب و بسیار درست است حقیقتاً اگر درین مجلس خوانده شود روز های بسیار قرار فرمودهٔ اعلیحضرت بغیر حق خواهد گذشت !

اعلیحضرت
باقی میماند نظامنامهٔ «جزای عمومی» و «جزاے عسکری» این مسئله ایست که دران علما بحث و مذاکره کنند چرا بغیر از علماے ما فکر دیگران در مسائل نمیرسد، حالا اگر فقره بفقره خوانده شود و در مجلس بحث و مذاکره شود باید شما کم از کم ششماه در کابل معطل بمانید تا این مسایل تمام شود، در آخر مجلس نظامات مبحوث فیه براے شما داده میشود که در جایها خود رفته آنها را مطالعه کنید و در هر فقره که بحث داشته باشید فردا یا پس فردا مذاکره کنید !

باقیماند معاملات عروسی و مراسم تعزیه داری که هر دوے آن هم تعلق بشریعت دارد و هم بسیاست، بایستی در هر ماده اش بحث و مذاکره نموده شود تا آنچه خیر و بهبودی ملت و امر و راه شریعت باشد گفته شود اگرچه خداوند واحد و شاهد است که در هر نظامنامه این خادم ملت

و علماے اعلام و وزراے ما خون جگرها خورده ایم و شبها بیدار خوابی کشیده ایم و زحمات را بر خود گرفته ایم و آنچیزهائی را که آسایش و آسودگی ملت دران بوده است فراهم آورده ایم، تا رسیدن دیگر نظامات دولت شروع و بحث در نظامنامهٔ نکاح میکنیم !

قرائت

نظامنامهٔ نکاح و عروسی و ختنه سوری

[درینجا ذات خسروانه یک بیانهٔ مطوّلی را آویزهٔ گوش صداقت نیوش حضار فرمودند و مفاد نکاح واحد را با مضار نکاح زیاده از ان را خوب شرح و بسط دادند که این مرتب از آنمیان چیزی را که بخاطر گرفته توانسته است، اجمالاً در ذیل بتحریر آن میپردازد. ب، د] .

اعلیحضرت
ایزد پاک همچنانکه در قرآن مجید بمسلمانان اجازهٔ نکاح را تا بچهار زن عطا و کرامت فرموده است همچنان بلکه بیشتر از ان بر بندگان خود تاکید عدالت و مساوات را در میان ازواج شان نموده است، و اسفا درین زمان اکثرے از مسلمانان این حصهٔ کلام رب العالمین را که (فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ) است تنها بنظر

قبول می بینیم! وازان جملهٔ مهمه آن که (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً) کاملاً صرف نظر نموده‌ایم! این عاجز از وضع این نظامنامه بجز از تعمیل وتنویر احکام رب قدیر ومتوجه نمودن مسلمانان را بسوی این خطاب فاحش شان وآنهارا موافق داشتن ومکلف نمودن بدین حکم پروردگار، دیگر چیزی را در نظر نداشتم!

بلے مقصدم از وضع این نظامنامه آن است که من عاجز از زمان شهزادگی خویش الی الآن بغیر از نفاق ملت افغانیه وقتل وقتال درخصوص زن گرفتن ودختر دادن دیگر چیزی را ندیده ام ونمی بینم آرزو دارم که بیک طریق خوب ویک روش مرغوب که خوشی جانبین را حائز باشد مراسم ازدواج را بنمائید تا حیات و گذاره وصورت معیشت تان باتفاق وخوشی ویکرنگی بگذرد، والله دیده ام که باین دو برادر درخصوص یکزن اینطور عداوت وعناد پیدا شده که اگر در راه، آن برادر دیگر برادر خود را ببیند بجز آنکه سرش را قطع کند دلش سرد نمیشود همچنین نکاح صغارت نیز موجب مشاجرات ومناقشات دیده وشنیده شده چنانچه یکی برخواسته میگوید که این دختر را پدرش در وقت صغارت برای من نامزد کرده است درینصورت هم در خانهٔ داماد یک نزاع پیدا میشد وهم در خانهٔ عروس منافرت بوجود می آمد، درخصوص شخصیکه یکزن داشت وخواهش نکاح ثانی را مینمود چنین کردیم که در نکاح دوم دو نفر شاهد بیاورد که شخص عادل وبا انصاف است، چرا آن زن اوّل بیچاره درصورتیکه بروی دیگر زن بیاید معلوم است

که بایک عالم زحمات دچار میگردد لکن از خوف مظالم شوهر صدائی نمیکشد وآواز شش بجائی نمیرسد هر قدر ظلم وتعدّی که مینمود بیچارهٔ فلک زده تحمّل میکرد وبا این بعضے زنها در محکمه‌ها بی پرده میرفت وشوهرشش که بیرون بایک وضعیت خیلے قشنگ می برآمد بواسطهٔ که زنش او را در محکمه آورده هزار لعن وطعن می شنید فقط اندفاع این مظالم وقائم شدن عدالتیکه خداوند تاکید آنرا در ازدواج فرموده چه کردیم گفتیم یک شاهد ویک تصدیق نامهٔ آنمرد یکه میل به نکاح ثانی دارد قبل از عروسی بدهد که زن اوّل وثانی را بیک نظر دیده عدالت مینمایم، درین نکته من خیر ملت خود را میدانم مثل امروز زکوة را مردم بسیار کم میدهند مالیه را بخوبی میرسانند، چیست که در حصول زکوة محصّل مقرّر نیست وبر مالیه محصّل موجود است گویا مصدق محصّل عدالت و مساوات گفته میشود، هزار افسوس بر ناخوانی وجهالت که نظامنامه را نخوانده وندیده چنان کردند که حکومت امر کرده «تا رضای زن اوّل نباشد احدے دیگر زن گرفته نمیتواند» سنی! آغا! مساوات بکن، عدالت بکن چهار زن بگیر، لکن ازان چهار زن که همیشه دربین شان جنگ وجدال وقتل وقتال باشد بخیالم یکزن بهتر است حکومت شما گاهے نگفته که در گرفتن زن ثانی رضای زن اوّل بکار است، کدام زن است که بگرفتن یکزن دیگر شوهر خود را امر کند ورضا باشد حتّی اگر یکزن لنگ

وکورهم باشد گاهی باین امر خوش نیست که شوهرش زن دیگر بگیرد !

امّا در وقتیکه یک مرد عدالت و مساوات نداشته باشد گاهی راضی نیستم که زن دیگر بگیرد و باز هر دوی شان در محکمه جات حاضر شوند هر کس که بحث و مذاکره و تنقید برین نظامنامه داشته باشد اینک نظامنامه برای تان سراپا خوانده میشود بشنوید و فقرات بحث طلب را بیرون نویس کنید که در خاتمه بران گفت و شنید نمائیم من حاضرم که همراه تان درا نموضوع گفت و گو کنم !

[بعده منشی مجلس نظامنامهٔ مزبور را با آواز بلند خواندن آغاز کرد بعد از خواندن نظامنامهٔ نکاح و عروسی فقراتیکه بران اعتراضات و گفت و شنید بعمل آمده مجملاً حسب ذیل است ، ب ، د]

وکیل قندهار اعلیحضرتا ! ما مقصریم ازینکه یک فکر و رأیی بدهیم چیزیکه شرع شریف و احادیث منیف فرموده و علمای ما ازان معلومات دارند بگویند تا عمل کنیم ما همهٔ اوامر شریعت را امنّا و صدّقنا گفته بسر و چشم قبول داریم !

وکیل سمت مشرقی بر مادهٔ که دران ذکر گرفتن بیشتر از یکزن است در صورت عدم عدالت و مساوات اعتراض کنان گفت که درینجا حکم بدست مردان است که خواه یکزن میکنند یا چهار زن ، حکومت حق ندارد که منع کند چراکه در شریعت موقوف نشده

در صورت عدم عدالت و مساوات ، زن مختار است که خودش در محکمه میرود و یا وکیل میگیرد تا او همراه شوهرش مباحثه کند ! و حقوق حقهٔ آن زن را بدستش بدهد !

اعلیحضرت کسی شما را از گرفتن چهار زن منع نکرده است و گاهی قانون دولت بشما نشان نمیدهد که بغیر از یکزن بگرفتن دیگر عیال ماذون نمیباشید ! این افواه که زبانزد عوام گردیده از تبلیغات اعدا و از بیخبری خود شما است که از یکطرف بقول دشمنان خود گوش داده اید و از جانب دیگر بطرف نظامات دولت التفات نمیکنید و دقت را بکار نمی برید که آیا این حکم در کدام ماده و در کدام صحیفهٔ نظامنامه مندرج است ، ابداً حکومت شما تعدد ازواج را مانع نشده است ، البته یگانه خواهش حکومت آنست که برطبق فرمایش ایزد پاک عدالت و مساوات حقیقی درین طبقهٔ ذکور و اناثی مرعی و معمول باشد و این از بدیهیات است اشخاصیکه بیشتر از یک زن را در حبالهٔ نکاح میگیرند ابداً مراعات عدل و انصاف را نمیکنند و اولادهٔ یکزن اطفال دیگر زن شوهر خود را که در حقیقت برادر اند با اقارب و طرفین او بنظر بغض و حسد نگریسته رفته رفته از همین تعدد ازواج چنان یک نفاق و بیگانگی در بین اقارب نزدیک بوجود می آید و برضد اوامریکه ایزد پاک بار بار ما را باتّحاد و اتفاق دعوت کرده است عملیات

نا گوار سے بعمل می آید ازین رو حکومت تان نه حکم امتناع تعدد ازدواج کرده و نه آنها را یکسر اجازه داده است که با وجود مظالم و بی انصافی و اعتساف پیشگی چند زن بنمایند که بدون مصدق و علامات و شواهد عدالت بیشتر از یکزن را گرفته بتوانند البته اگر کسی تصدیق انصاف و مساوات و عدالت ناکح را بکند گاهی حکومت او را از تعدد منکوحات مانع نمیشود !

مولوی فضل ربی عرض کرد که ایزد پاک اجازهٔ گرفتن چهار زن را داده در صورت عدم عدالت البته بیشتر از یکزن را جائز نفرموده است مگر شرط و لفظ مصدق نه در قرآن و نه در حدیث و نه در کتب فقهیه برای نکاح ثانی موجود است، بلے در صورتیکه مرد حق یکی از زنان خود را تلف کند آن زن مظلومه حق تلف شدهٔ خود را که شریعت بدو اجازه داده است و استغاثهٔ مظالم و حق تلفی شوهر خود را شخصاً خودش و یا وکالتاً یکی از اقاربش در محاکم شرعیه بنماید علاوه بران خطاب عدالت از طرف رب العزت برای شوهر آن است نه برای اولی الامر، لهذا پادشاه هیچ حق مداخلت را در تعدد نکاح بتقرر مصدق و شرط عدالت نخواهد داشت و این هم بدیهی است باوجودیکه یک مرد در موقع نکاح خویش تصدیق عدالت خود را بنماید چون قبل از وقت است بعد از نکاح اگر عدالت نکند از عقل بعید نیست پس عقلاً و نقلاً وجود و شرط مصدق در تعدد ازدواج بی سود است !

لویه جرگه درینجا یک غلغله برخلاف تقرر مصدق برپا شده هرکسی از علما و وکلا و سادات برپا خواسته نظریات مطوله و مختصر خویش را بر عدم تقرر مصدق خاتمه میداد و هم ضمناً از محصولیکه بر نکاح ثانی و ثالث و رابع حسب المراتب مقرر بود زمزمه سرائی کرده متفقاً اظهار داشتند که مصدق و محصول هردو باید الغا یابد و ذات همایونی بکمال بشاشت و خندهٔ پیشانی حسب النوبه بسخن هرکدامی گوش میداد !

حضرت صاحب شور بازار بالآخر جناب فضایل مآب حضرت صاحب شور بازار نتیجهٔ تمام این مذاکرات را چنین بخدمت شهریار خویش رسانید که در بارهٔ مصدق شخص خودم هیچ گفته نمیتوانم که باشد یا نه لکن آرزومندم محصولیکه بر شوهران بنکاح دوم، سوم، چهارم درین سال مجدداً مقرر شده است معاف گردد !

اعلیحضرت درینجا یک بیانیه را در حقوقیکه نسوان بالای مردان دارد عقلاً و نقلاً ثابت کنان و از مظالم که بران بیچارگان بواسطهٔ همین تعداد ازدواج وارد می آید و عدهٔ از اهالی آنها را که بمیل خاطرشان نباشند میفروشند و بحیوانات مبادله مینمایند و بحالت زار نگهداشت مینمایند بیک الفاظ نهایت رقت آور بیان داشته در خاتمه فرمودند که ما و شما تا

ازطبقهٔ اناثیه که بجز از چشم ونگاه ما دیگر را نمی شناسند واسباب مسرت وغمگینی شان خندهٔ پیشانی وچین جبین با مردان است، مسئولیم مخصوصاً شخص خودم که بالطاف خداوندی پادشاه شمایم چنانچه که از رفاه وآرامی شما مردان مسئولم بیشتر تر از ان رعایای اناثیهٔ خود نیز شرعاً وعقلاً و نقلاً مسئولم بخدا که دل وجان ووجدان من گاهے بدین امر روادار نیست که محض بواسطهٔ خواهش نفسانی یک عدهٔ از مردان بهیمه صفت این همه پریشانیها وذلت را بریکدسته از رعایای مظلومهٔ بی زبان ملتم که طبقهٔ مستوراتست روادار شوم واین را نا گفته نمیگذارم که شما علما وفضلا همچنان که من درین مسئولیت داخلم زیاده تر از ان زیر بار این مسئولیت خواهید بود ازبرای خدا کسانیکه ترتیب معیشت ونگرانی آنها را خداوند بر ذمهٔ شما گذاشته است آن حق را رعایت کنید وعینک بهیمه صفاتی را از خود دور کرده بچشم حق بین در اصل مسئله دقت را بکار برید زندگانی مردیکه یکزن داشته باشد نسبت باشخاصیکه زنهاے مختلفة السیرت متعدد یرا داشته باشد چقدر متفاوت است !!

مولوی محمّد حسینخان در تعداد ازدواج عرض میکنم که از آیهٔ شریفه است (وَلَن تَسْتَطِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ) استنباط میشود که شما در میان زنهاے

متعدد هرگز عدل کرده نمیتوانید بیشتر بیان شده بود (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ) اگر خوف کنید که عدل کرده نخواهید توانیست پس یکزوجه بس است با کنیزهاے تان، بهرکیف چون بنا بر بعضے اسباب ضروری ولابدی چهار زن جائز شد، شرط عدل هم لازم آمد واگر عدل نشود لاجرم درمیان شوهر وزن نفاق وشقاق روے نهد، در دیگر آیت وارد است، (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا) اگر شما از شقاق وعداوت همدیگر بترسید پس یک حکم از طرف شوهر ودیگر از جانب زن مقرر کنید. لهذا درصورتیکه مرد بعد از ازدواج واحده خیال دیگر زن را داشته باشد چون عدل محال است واز عدم عدل آن اندیشهٔ شقاق لاحق میشود پس هنگام ازدواج مزید یکنفر از طرف مرد ودیگر از اهل زن پیشتر مقرر باشد تا اصلاح شان را بعمل آرد واین دو نفر دائماً ضامن ومراقب منفعت احوال هردو طرف باشند، این یک تجویزیست که بخاطر قاصر من گذشته البته علما تطبیق یا تردید آنرا کرده میتوانند.

[در اثر این گذارش مولویصاحب عدهٔ از علما برعلیه شان برخواستند باانیکه در اوضاع خود مولویصاحب نیز استعداد کافی جوابدیهے موجود بود باآنهم حضرت مولوی محمّد بشیرخان برخواسته حضار را خطابه کنان فرمودند که ازطرف مولوی صاحب محمّد حسین خان وکالتاً

و از طرف خویش اصالتاً توضیح این مطلب را ذهن نشین سامعین مینمایم. ب، د]

مولوی محمد بشیر بتائید اعلیحضرت غازی آیهٔ شریفهٔ (محصنین غیر مسافحین) و دیگر آیاتے را که در مورد شفقت و نظر مرحمت داشتن بر طبقهٔ اناثیه بود با احادیث شریف و روایات منیف خوانده و بترجمهٔ عام فهم آن بیک جوش و خروش فوق العاده پرداخته مخصوصاً آن حدیثے را که حضرت رسول اکرم در موقع حجة الوداع نسبت بمراعات نسوان و عطف توجه نمودن مردان بدین اجسام لطیفه فرموده اند بانبذی ازین مظالم و بیدادیهائے را که رجال موجوده بر ازواج متعددهٔ خویش فی الحال روا دار میشود بالفاظ نهایت پرشور ایراد داشته فلسفهٔ تعدد ازواج را در زمانهٔ صحابه محض بر اسپرستی بیوگانیکه در جهاد شوهران شان وفات میکردند و بتعداد بسیار از خودها بیوه میگذاشتند، بیان کرده گفت نه اینکه مقصد از چهار زن گرفتن میل نفسانی را پوره کردن مقصود شان بود در خاتمه درین قید و بستے که ذات خسروانه بر تعدد ازواج فرموده اند حضور ملوکانه را حق بجانب گفته علما را بلفظ مؤدبانه بدین امر توجه دادند که باید در هر حال مراعات نسوان بعمل آید!

یک ملا برپا خواسته بتائید مولوی محمد بشیر خان و اعلیحضرت غازی عموم کلمات از حد مفیدیرا ایراد کنان بعرض رسانید که شریعت محض بغرض اقامه عدالت برایے زنانیکه در نفقه و کسوت و غیره لوازماتش از طرف شوهر نقص و قصورے

واقع شود، حکم و اجازه داده است که بحکومت استغاثه کند اگر بجایے مصدق درنظامنامه چنان تصریح شود "زنان مظلوم که حقوق شان را مردان تلف کنند حق دارند بهر ذریعهٔ که میتوانند این مسئله را بمحکمه مرافعه کنند و حکومت راست که علاوه بر توصیهٔ عدالت و مساوات آنمرد ظالم را مجازات کند"!

لویه جرگه تماماً تائیدکنان این نظریه را تصویب نموده ارزوے منظوری آنرا از حضرت پادشاهی التجا کردند!

[چون یگانه نقطهٔ نظر اعلیحضرت پابندی شریعت غرایے احمدی و عدالت گستری و رعیت پروری است درینجا چنان یک نظریه را که موجب اتفاق عموم و برطبق شریعت بود ایراد فرموده گفتند. ب، د].

اعلیحضرت امسال درحین ترتیب بودجه وزارت مالیه چیزے مبلغ را از عائدات کمتر و مصارف را بیشتر نشان داد مجلس وزرا برایے تعمیل آن مخارج هرچند سنجیدند ممر را نیافتند اگر بر مالیه و یا گمرک و بر دیگر محصولات دولتی سے افزودند ظاهراً ظلم و بار اندازی گفته میشد بالآخر چنان سنجیدیم که آن مبلغ بر دو شعبه ایزاد گردد، اولاً بر عرائض که مردم بنزد مأمورین دولتی حق و ناحق نموده موجب سرگردانی ناحق اهالی و تضییع اوقات مأمورین دولتی میشوند افزودیم تا مردم بواسطهٔ گرانی عریضه در صورتیکه مقصد شان مظلوم آزاری و سرگردانی باشد

عریضه پرداز نشوند ، دوّم براے نکاح ثانی و ثالث و رابع چون عموماً بغرض میل نفسانی و عیاشی میباشد و ظاهراً کسیکه نکاح متعدد میکند حتماً پول زیاد هم داشته میباشد افزودیم و برای اشخاصیکه بنابر بعضے مجبوریت هاے خانگی نکاح ثانی میکند این محصول را معاف داشتیم و هم از مصدّق مقصد ما رفع مظالم و ادامهٔ عدالت و مساوات از اول مرحله بود چنانچه براے حفاظت خزانه و مقامات لازمه از ابتدا پهره دار مقرر میشود تا دزد دران اطراف و اکناف تردد نکند ، اکنون که شما علماے اعلام ، خواستار معافی محصول میباشید و هم براے دوام عدالت و مساوات درباب زن حق شکایت نمودن را بمحاکم عدلیّه دادید و هم حکومت را بمجازات شخصیکه بر ازواج خویش مراعات عدالت را نمیکند اختیار دادید هر دو یک مطلب است گویا من از اول پهره دار مقرّر کرده بودم که دزدی نشود و دزد بنظر نیاید و شما میگوئید که حاجت ندارد ، اگر دزدی شد و مال غائب گشت باز از روے تفتیش و دلائل و امارات هم مال را پیدا میکنم و هم دزد را مجازات میدهم این خادم شرع شریف نیز برین نظریهٔ شما مسرور و ازین حق پسندی شما که همواره براے نسوان مظلوم حق استغاثه را از دست شوهران ظالم ایشان دادید تشکّر میکنم براے حکومت قید اولیّه که در نظامنامه بود و این قید را که شما بجهة همیشه فی الحال رأئی دادید فرق

نمیکند بلکه نسبت به پیشتر زیاده تر حکومت ترقب عدالت را مینماید !

یک وکیل اعلیحضرتا ! اگر براے اشخاصیکه زنان خود را از رفتن محکمه باز میدارند هم مجازاتے مقرّر شود ، براے ادامهٔ عدالت و مساوات چقدر موزون خواهد بود !

لویه جرگه - بلے ! بلے ! ضرور باید هم بر شوهر انیکه زنان مظلوم خود را از استغاثه بمحکمهٔ شرعیّه مانع میشوند مجازات مقرر گردد و هم بر مردے که با وجود تنبیه حکومت مکرّراً باز بیمروتی و مظالم پیشگی را واگذار نشود و باز استغاثه از دست وی بحکومت برسد باید قدرے مجازات وی در مرتبهٔ ۲ و ۳ حسب المراتب کسب زیادت و شدت نماید !

اعلیحضرت ذات همایونی با یک عالم شادمانی این نظریهٔ لویه جرگه را بنظر قبول منظور فرموده منشی مجلس را امر بقلمبند نمودن او کرد و این مبحث بکمال شادمانی خاتمه یافت !

وکیل قندهاری یکنفر مرد قندهاری با اینکه این مبحث باتفاق آراے عمومی خاتمه یافت برپا خواسته بیان داشت چنانچه مردان درصورت عدم عدالت و مساوات به نزد حکومت مسئولند بایستی حکومت ما براے زنانیکه ناحق بمحکمه از طرف مرد شکایت کنند و پیش شوهران خود را بدست قاضی و محتسب بلاسبب بدهند نیز مجازاتے مقرر نمایند !

لویه جرگه بااینکه ذاتِ همایونی از نکته سنجی و باریک بینی که دارند از آغاز کلام بمقصد این مرد رسیده بود و میخواستند بمجرد سکوتش جوابی برایش بگویند، امّا اعضاءِ لویه جرگه سبقت جسته جوابهاے بسیار معقولے براے وے گفتند که اوّل زنانرا اینقدر جرئت نیست که ناحق وبلاسبب عریضه پرداز شوند و باز شریعت بدون گواه و دلیل سخن هیچ کسے را نمیشنود :- مقصد اینکه سخن آقا پوچ رفت و مکرّراً همان نظریهٔ ابتدائیهٔ خود را لویه جرگه درین مورد درست گفتند، ومنشی مجلس آنرا تحریر کنان بعد از امضاے همایونی بامضاے عمومی لویه جرگه تزئین یافت !

[درینجا ساعتِ (۱۲) را نشان داد و اعلیحضرتِ محیی ملّتِ افغان عموم حضار را مرخص فرموده و مزید مباحثهٔ نظامنامهٔ نکاح وعروسی را بظهرِ وعده دادند - ب ، د] .

ظهر دوشنبه (۳۰) سرطان

[بوقت پیشین نیز عموم حضار و اعلیحضرت دیندار ما پوره بوقت موعوده حاضر شده بعد از وقفهٔ قلیل بکار آغاز نمودند - ب ، د] .

اعلیحضرت بنام خداوند مهربان آغاز میکنم :- بحثِ ما در تعدد ازواج بود که قرار

رأیِ عمومی فی مسائل مفتی به حنفیه فیصله شد، حالا بفرمائید دیگر در کدام یک مادهٔ آن بحث دارید ؟ تا بران گفت وشنید بعمل آید !

یکنفر ملّا بکمالِ ادب برخواسته بعرض رسانید فوائد و عوائدے را که ذاتِ معالی صفاتِ پادشاهی در توقیف نکاح صغاره سنجیده اند، بر همگان ظاهر است ونمایان، فامّا بعضے از مردمان منافقت پیشه و دشمنانِ افغانستان برین حکم همایونی تنقید مینمایند و درحقیقت در تنقیدِ خویش حق بجانب نیز شمرده میشوند، آرزومندیم که نکاح صغیره ممنوع قرار داده نشود !

اعلیحضرت این خادم ملّت همواره آرامی وآسوده بودن شمارا در زیر نظر دارم واز خداوند همیشه خواستارم که در بین عموم ملّت افغانستان یک اتّحاد و وفاق کلّی حکمفرما بوده خداوند نفاق و دوئی و خرابیها را از عموم سکنهٔ افغانستان دور داشته باشد، معلوم است که یگانه موجب بغض وعداوت و فرقه بندی درین سرزمین افغانی اکثریه از نکاح صغیره است که بعمل می آید، دونفر بالای یک دختر که آن بیچاره قلباً یکے از وشان را خواستار نیست دعوی میکنند و هرکدام وسائل جائز وناجائز را براے بدست آوردن مدعاے خود بکار میبرد، امّا چون آن دخترکِ مظلومه در صغارت بصورت مشروع ویا غیر مشروع بیکی ازاین دونفر از طرفِ اولیاے نکاح داده شده است ویا ابداً باحدے ازین دو مدعی

داده نشده لکن این مرد ناحق بران مظلومه دعوی را اقامه داده بعد تضییع اوقات ومصارف بسیار ومشاجرات ومناقشات زیاد آن دختر که یکی ازآنها بهر ذریعهٔ ممکنه که باشد درحبالهٔ نکاح خود می آورد واثرات آن، حریف مقابل اوراکه زنرا باخته است برین امر وادار میکند که برضرر مالی وجانی این مرد میکوشد، واین مسئله رفته رفته کسب وخامت میکند .

ازطرف دیگر، آن منکوحهٔ مظلومه که جبراً از زور پول وشاهد وگواه وحکمنامه های حکومتی ومحکمه، عیال برای آنمرد قرار داده شده است چون طبعاً وقلباً این مرد را بنظر اکراه مینگرد ومحبّت او را بدل نمی پروراند از ینرو همواره عیش وحیات هردوی شان منغص میباشد، نه درمال ونه در اولاد شان برکت ومنفعتی چنانچه شاید وباید بعمل می آید !

اکثریه بعد از ایجاب وقبول زمان صغارت یکی از طرفین عوارض جسمانی ومادی بهم رسیده درزمان بلوغ مرد زنرا وزن مردرا بواسطهٔ داغهای چیچک که بر رخسارهای شان عاید میشود یا بواسطهٔ سوختگی ویا از بام افتادگی ویا بواسطهٔ افلاس ویا دیگر اسبابیکه حتماً درین قدر مدت که طرفین بسنّ بلوغ میرسند واقع شدنی است بنظر نفرت نگریسته یگانه مقصد محبت وائتلافی که از ازدواج است دران فوت میگردد بلکه بجای دوستی ومحبّت هر روزه بمنافرت ومشاجرت بسر دانوند !

بسیار دیده شده است با اینکه صغیره را اولیای او در طفلی بنکاح داده است، اما در کلانی این صغیر وصغیره بهزار حیله وبهانه خود ها را از همدیگر جدا کرده اند ودر بسا اوقات ولی بعد اعطای صغیرهٔ خود بیک نفر، وفات میکند ودیگری ازین موقع استفاده کنان بران دختر دعوی مینماید چون درقید حیات نیست که قول یکی ازین دونفر را تصدیق کند ازین رو مسئله بمنازعه می انجامد واکثریه برخی از مردمان دنیا دوست با اینکه صغیرهٔ خود را بیک نفر نامزد میکنند اما چون از افلاس وبعض اعمال او مطلع میشود علی الفور ازوی دلسرد شده بهزار حیله وبهانه آن صغیرهٔ خود را ازوی خلاص کرده بدیگری که صاحب ثروت ومال وهستی میباشد او را میدهد ازین رویهٔ نامرضیّه، خود را باصغیره ماخوذ عندالله مینماید !

بنابرین فقرات واسبابیکه شمهٔ ازان تلمیح رفت این خیرخواه و منفعت پسند ملّت خویش امر نمود که دعاوی مناکحات صغاریکه ما قبل ازین شده اند تا به سه سال باید خاتمه داده شود ودر محاکم عدلیه رفته اگر دعوی داشته باشند فیصله نمایند ومابعد ازسه سال دعاوی آنها که عموماً ناحق وبجز از تضییع اوقات ودیگر ثمرهٔ نمیدهد شنیده نمیشود ودر آتیه باید بنکاح صغیره اقدام ننمایند .

حضرت صاحب چیزیرا که اعلیحضرت غازی فرمودند از نقطهٔ نظر شفقت و

عاقبت اندیشی خیلے درست است ، فامّا نکاح صغیره یکی از مهمّات بزرگ مسائل فقهیّه است و دران ابحاث مطوّلے درمعرکهٔ الآرائی درکتب فقهیّه مرقوم آمده است حتّی عدهٔ از مرتاضین، نکاح صغیره را بنا بر اینکه حضرت رسالتپناه صلعم امّ المؤمنین حضرت عایشهٔ صدّیقه رض را درصغارت نکاح کرده اند مسنون نیز شمرده اند لذا رجا میشود که نکاح صغیره جائز و عادیِ آن درمحکمه مسموع گردد !

مولوی عبدالواسع درجواب حضرت صاحب گفت حکمے که در انسداد نکاح صغیره شده است درست است و امر اولوالامر در امثال این مسائل حکم وجوب را دربر میگیرد ، زیرا این مسئلهٔ مسلمهٔ اصول است که قول ضعیف ولفظ قلیل را امر اولوالامر بمرتبهٔ وجوب میرسانذ حالانکه نکاح صغیره مباح است ، چون باین فعل مباح امر اولوالامر انضمام یافت ظاهرًا حکم وجوب را دریافت ازینرو با اینکه نکاح صغیره درکتب فقهیّه صرف جواز داشت چون برخلافِ آن حکم همایونی صادر شد ظاهرًا و شرعًا ممنوع گردید !

ملّا...... چیزیراکه شما و امثال شما درنظامات کورکورانه از مسائل ضعیفه و خیالات سخیفهٔ خود داخل کرده اید حقیقتًا ملامتی بر ذاتِ ستوده صفات امیر معظم غازی ما نیست تنها مظلمه وگناهِ آن برشما و امثال تان است ! آیا شما نمیدید !

و از زبان حضرت صاحب نشنیدید که حضرت ختمی مرتبت ، سیّدتنا عایشه را درآوان صغارت نکاح کرده است و عدهٔ از اهل سلف و خلف براین امر دوام ورزیده اند و این نکاح صغیره نیز از امور مسنونه شمرده میشود پس چگونه سنّت بقول اولوالامر نه تنها از مرتبهٔ مسنونیت اسقاط، بلکه برخلافِ آن حکمے اصدار میگردد !

مولوی عبدالواسع ملّا صاحب ! شما در تعریف سنّت سهو کردید و بمغالطه نکاح صغیره را مسنون قرار دادید زیرا که آن از سنن عادی و طبیعی است چنانچه حضرت رسول اکرم صلعم طعام تناول فرموده و خفته اند و تفریح مزاج وغیره اموراتیکه طبعًا با یک انسان ملزوم است کرده اند، ضمنًا صغیره را نیز نکاح فرموده اند، پس ازان عادت و طبیعت بنابر سیستم یک امر مسنونے را استخراج کرد .

قاضی عبدالرشید که یکی از اعضای تمیز است برعلیه مولوی صاحب برپا خواسته بیانیهٔ طولانی را درعدم جواز امتناع نکاح صغیره و سهو و مغالطهٔ مولوی عبدالواسع ایراد نمود که روح کلام او این الفاظ است، که بنکاح دادن صغیر و صغیره یکی از حقوق ولایت پدر و پدر کلان است که بدانها شارع این حق و امتیاز را محض بدینواسطه که آنها کمال شفقت و مرحمت را نسبت به پسر و نواسهٔ خود مرعی میدارند ، ارزانی نموده است

پس اولوالامر و یا دیگری را چه حق است که این حقوق حقه را که تمام کتب فقهیه
به اب وجد داده ساقط کند، وعدم جواز نکاح صغیر را اعلان کند امثال ما را
نباید محض بغرض رسوخ واعتبار وتشخیص خود مسائل کج وروایات معوّج
برای ما فوق خود که ما را وکیل وکفیل در امور شرعیه مقرّر داشته است
تقدیم نموده بنزد عموم خود را مسئول نمائیم !

[گویا قاضی عبدالرّشید توهم داشت بعض خطا ویا سهواتیکه از هیئت تمیز
سابق در بعض نظامات بوقوع پیوسته است ذمه واری آنهمه تنها بر
مولوی عبدالواسع است که خود را با مثال این اقوال بنظر حضار با اینکه یکی
از اعضای مهم همان هیئت تمیز بود برعلیه دیگر اعضای خویش که
تماماً باستثنای مولوی عبدالواسع مهر سکوت را بر دهان مبهوت خود
گذارده بودند نشان داده صفائی ودانائی خود را بحضار حالی مینمود بلکه بزبان حال
تقاضای این امر را شاید مینمود که در آتیه ریاست هیئت تمیز را
نظر بدین معلوماتیکه دارم وحقایقی که میسرایم تنها خود من مستحقم ازین رو در
جواب او گفته شد، ب، د].

اعلیحضرت قاضی صاحب ازین بیانیهٔ شما علی العموم چنان مفهوم میشود
که این نظامنامه را تنها مولوی عبدالواسع برطبق شریعت
گفته وتصویب نموده امر بانطباع آن داده است شما و باقی اعضای شما

در ملاحظه وتصویب وتدقیق آن هیچ مداخله ننموده اید حالانکه تمام نظامات
بعد ازینکه از ملاحظهٔ شما گذارش می یابد بامضا ودستخط های شما مطابق
شرع شریف انگاشته میشود پس از آن در محل اجرا گذارده میشود متأسفانه
درین نظامنامه نمیدانم که بکدام واسطه مهر وامضای شما نیست خیر، در دیگر
نظاماتیکه مهر جنابعالی است خدا کند که کدام لفظ ویا عبارت ویا مضمونی
مورد تنقید وتردید "لویه جرگه" گردد تا منهم طوریکه خود تان اظهار کردی
شما را هم تحت استنطاق آورده مجازاتی را که در خور باشی بالایت
اجرا گردد !

باز عطف توجه شاهانهٔ شان ازانطرف "لویه جرگه" نموده فرمودند که
امورات شرعیه درین نظامنامه ودر سائر نظامات محوّل بدین علمای تمیز
بوده است که به پیشگاه شما حاضرند ویگانه نصیحت واحکام وسفارش من نیز
به این علما همین بود که باید هیچ یک اساس وشالودهٔ را که برخلاف شریعت
محمدی باشد در نظامات نگذارند که داخل باشد، اکنون که آنها
از امثال این روایات ضعیفه وقیاسهای سخیفه که به پیشگاه ما وشما
بحث میکنند، کار گرفته اند با اینکه من عالم وقاضی ومدرس نمیباشم تنها
خود را یک خادم ومحافظ وسرباز شما میدانم، خوبتر دانستم وفهمیدم که اینها از
امانت ودیانت ونصیحتیکه من بدانها بار بار توصیه نموده ام کار نگرفته اند وببانگ

دهل ظاهر و علانیه و پیشرو‌های شان میگویم که بار مسئولیت آن بر ذمّه و رقبهٔ خود آنهاست، این بحثی را که سابق برین خودم در مفاد نکاح کبارت و مضار مواصلت زمان صغارت نمودم از روی علمیّت و شرعیت نبود، تنها از تجربه‌های شخصی خودم که از مدّت درازی از زمان شهزادگی خویش الی الآن بخدمات شما ملّت مشاغلت دارم، بحصول آمده است، از روی دلائل عقلی و مسموعی و دیدگی و تصوّر شخصی من بود که رفته رفته از تائید و تصدیق همین علما که به نزد شما حاضر نشسته اند جامهٔ تصدیق و صورت یقین را در بر کشید!

البته این مسئله یکی از عقاید لا تغیر من است که دین اسلام و شریعت حضرت سیّد الانام یک دین بسیار مقدس و یک طریقهٔ از حد مکمّلیست که نه در سابق و نه در ازمنهٔ لاحق نظیر و مثیل آن در جائی شده و یا خواهد شد (الیومَ اکملتُ لکم دینکم واتممتُ علیکم نعمتی ورضیتُ لکمُ الاسلامَ دیناً) هر نقص و خرابی که در امورات ما بنظر می آیند در حقیقت تماماً نقص و خرابی خود ما و از اشخاص ماست ؎

اسلام بذات خود ندارد خللی ٭ هر عیب که هست در مسلمانی ماست

چنانچه از تصفیهٔ این چند مبحث خودغرضی و حقیقت پوشی ملا صاحب‌های تمیز ظاهر شد که........ خوب است چون شریعت نکاح صغیره را

مانع نشده من نیز در انسداد آن رضامند نیستم و سر از حال حکم جوازش را نافذ میکنم لکن نظر بدعاوی و مشاجراتیکه در مواصلت‌های صغارت بوقوع انجامیده نکاح صغیره موجب گفت و شنید و مخاصمات متمادی ست اندکی قیود شرعی را بر آن گذارید، چون مرا پدر معنوی و خیرخواه حقیقی عموم ملت افغانی میدانید و این یکی از وظائف پدر به پسر و مهتر بکهتر است که از مضار و معائب و نقصانات او را پیش بینی نموده اطلاعات بدهد از بیرو عرض میدارم که شما حضار و کالتاً این درخواست مرا بعموم ملّت من ابلاغ نمائید با اینکه شرعاً نکاح صغارت جائز است، فامّا چون نتیجهٔ آن بدعاوی و مشاجرات و مناقشات و منافرت طرفین می انجامد حتّی الوسع باید از مواصلت صغارت بپرهیزند!

لویه جرگه ازین شریعت پروری و عدالت گستری و شفقت و عنایت اعلیحضرت غازی که نسبت بعموم ملت افغانی خویش همواره منظور نظر عاطفت اثر داشته و میدارند یک غلغلهٔ دعاگوئی و یک ولولهٔ فرحی را بر پا کنان از هر طرف در صفات و خصال همایونی گفت و شنید برپا و در فرست و مخالفت علمای تمیز سابق سرگوشیها عکس‌ها بوده در نتیجه باتفاق آرا چنان تصویب شد که نفس نکاح صغیره جائز و دعاوی آنها باید بدون از مرکز دار السلطنه در وزارت عدلیّه بدیگر محاکم شرعیّه شنیده نشود و در تحت همین فقره

نصیحت وشفقت همایونی تحریر گردد تا اهالی حتّی الامکان بدان اقدام نورزند بالآخر فقرهٔ که همین مضمون را تقریباً داشت تحریر واز طرف عموم مورد قبول وامضا بعد از دستخط شاهانه گردید !

اعلیحضرت بازذات شاهانه قطع کلماتے راکه درمدح وصفتِ شان ازهرگوشه و کنار درگفتار بود نموده فرمودند که محض جهة اینکه علماے ما بر مسائل ضعیفه وروایات مرجوحه کارنکنند وامثال آن کلمات را دراساس نظامات ما درآتیه نگذارند ، از لویه جرگه در انسداد آن نیز رأے میخواهم زیراکه خودم و امثال من درظاهر هیچ فرق مابین یکی ازشمانمی انگارم بلکه عموم شمارا ازحسن ظنّے که خاصهٔ هرفرد مسلمان است درباطن هرکدام تانرا صادق مسلمان ومتدیّن صاحب وجدان و خادم شریعت وملّت واسلامیّت ومملکتِ تان مے انگارم ودرظاهر نیز ماشاءالله عمامه وجبه وقبهٔ هرکدام مخصوصاً از علماے تمیز ما [درینجا تبسّم فرمودند ، ب ، د] جالب توجّه وموجب حیرت ودقت است تا درآتیه هرکس بنابراغراض نفسی وتشخیص پسندیِ خود این مسائل ضعیفه را درقوانین اسلامیّه داخل نکنند وهم ارباب غرض ومعاندین را جاے اعتراض وسخن ونکته گیری بدست نیفتد واشخاصیکه قصدًا بگفتار امثال این اقوال اقدام کنند مجازات بنگرند !

لویه جرگه تماماً بتائید این قول همایونی ایستاده گفتند ضرورکسیکه درمسائل شرعی مداخله کند ویا دربارهٔ قوانین اسلامیهٔ افغانیه بهتان وافترا نماید تحت مجازات گرفته شوند !

یکی ازعلما برپاخواسته امثال این رجال بداعمال را درتحت مفسدین آورده این آیهٔ شریفه راکه (ولاتفسدوا فی الارض بعد اصلاحها) خوانده وبترجمهٔ آن پرداخته درنتیجه قتل آنزدسے راکه دربین مسلمانان فساد پیشه گی مینماید حتمی نشانداد .

بتائید او تمام علما کلمات پیهم واحادیث حضرتِ رسول اکرم ص را خوانده گویا اعلیحضرت غازی رایکسر تشویق بقتل امثال این اشخاص معاند و بدخواه وشقاق افگن میدادند وآرزو داشتند که اینچنین کدام یکفقره را درنظامات تعزیری ایزاد نمایند" اشخاصیکه نسبت بحکومت وملّت ونظامات دولت بغرض منافقت وشیطنت تبلیغات وپروپاگند نمایند جزاے شان قتل است" .

اعلیحضرت فرمود ، نے ! براے اصلاح هرقدرکه دربارهٔ اوضاع حکومت و قوانین اسلامیهٔ دولت تان مساعی جمیله بکاربرده شود موجب ممنونیت است وشوراے دولت حاضر است براى استماع همه گونه نظریات واصلاحاتے که شما ویادیگرے آنرا پسندد وبذریعهٔ وکلاے خودها

که در شورای موجوده نذ بفرستند . لاکن بغرض افساد بخیالم که قتل نی بلکه از ضرب وحبس گرفته الی آخر قتل مقرر گردد !

لویه جرگه باز برین نظریهٔ انصاف کارانهٔ اصلاح پسندانهٔ شاهانه یکعالم خرمی وشادمانی را اظهار کنان باتفاق آرا مادهٔ که این مضمون را حاوی بود تحریر گردیده درنتیجه بامضاء همایونی وعموم لویه جرگه مزین گشت !

مولوی عبدالحی صاحب بعد از اختتام این مبحث برپا خواسته یک اعتراض را که بیرون نویس کرده بود برخوانده گفت درین نظامنامه کسی که بالجبر کسی را بنکاح بگیرد جرم مقرر است حالانکه تعزیر بالمال را بجز از روایات ضعیفه واقوال مرجوحهٔ کتب فقهیه مسائل مفتی به ناجائز مقرر داشته است ، آرزومندم که نه تنها درین مقام بلکه در تمام نظامات ها تعزیر بالمال موقوف گردد !

مولوی عبدالواسع باز برپا خواسته قصهٔ کدام حکمرانی را که در زمان فاروقی شخصی را ناحق از خود رنجانیده و چند طپانچه بروی او زده بود و وی این مسئله را بحضور آن امام اعدل شکایةً برد امیرالمؤمنین حاکم و عارض را روبرو کرده درنتیجه حاکم ملامت شد ازین رو بران حاکم احکام شد که وی رفته عارض را خوشنود کند حاکم بعد از عذر و معذرت بچند درهم و دینار عارض را از خود خوشنود کرد، ازینجاست که تعزیر بالمال را علمای ما جائز گفته اند !

اعلیحضرت مولویصاحب اگر شما تعزیر بالمال را بنا بر همین حکایه که بیان نمودید در نظامات داخل کرده باشید ، معلوم است که سهو نموده اید، اگرچه من ملا و عالم نیستم و بر دقائق و رموز مسائل چنانچه شاید و باید نمیدانم لکن اینقدر گفته میتوانم که ازین حکایه فقط مصالحه مستنبط میشود و نه اینکه تعزیر بالمال جائز شمرده میشود !

[درینجا اعلیحضرت غازی عطف توجه خود را بطرف جرگه نموده فرمودند]
که خودم نیز طبعاً طرفدار تعزیر بالمال نمیباشم زیراکه در تعزیر بالمال متمولین و ارباب ثروت بر ارتکاب جرائم و منهیات به تکیهٔ استعدادیکه دارند بیشتر میلان نموده رفته رفته چشم سفید میشوند چنانچه در یکی از مواد همین نظامنامهٔ نکاح که از نظامات اولین این دوره است برین امر تصریح نیز کرده شده است !

ملا محمد صدیق سرکانی برین فکر رسا وافکار عالی پادشاهی اظهار مسرت وتحسین نموده بعرض رسانید :- اعلیحضرتا بلی ! اگر مولویصاحب بنا بهمین حکایه جواز تعزیر بالمال را عقیده داشته در سهو وغلطی آن جای شبهه نیست چه جواز تعزیر بالمال فقط در یکی از روایات مرجوحهٔ امام ابویوسف رحمة الله علیه ، در صفحهٔ (۱۹۴) رد محتار معروف بشامی مرقوم است وآنهم چنین است که آنجرم را بایستی بعد از مدتی واپس

بجرم تحویل نمایند زیرا بلا سبب مشروعه اخذ مال مسلم جائز نیست و در قول قوی خود «امام همام اعظم کوفی رح» بالتصریح عدم جوازش را مسطور نموده است!

لویه جرگه درینجا باز از هر طرف بر ضعف این مسئله و مرجوح بودن روایهٔ تعزیر بالمال گفت و شنید آغاز شد و هر کدام برخلاف تعزیر بالمال بوده خواهشمند شدند که بایستی تعزیر بالمال حسب قول امام اعظم کوفی رح موقوف باشد و اگر در برخ از جزویات مقرر هم باشد لازم که پول جرم واپس بجرم اعطا شود!

رئیس صاحب شورای دولت فرمودند که این مسئله یکی از مسائل اساس نظامنامه است این مبحث را بعد از اینکه خوب تدقیق و تحقیق را هر کدام تان مخصوصاً در مقامات خویش بخرج برید و متفقاً در نتیجه واصل شدید همانا معروض نمائید تا برطبق مقولهٔ شما که مقتبس از کتب شرعیه باشد نه تنها درین نظامنامه بلکه در تمام نظامات معمول گردد، اکنون وقت کم و کار بسیار است، لطفاً بگوئید که در نظامنامهٔ عروسی دیگر اعتراض هم دارید و یا خیر؟

لویه جرگه دیگر تمام مندرجات آن صحیح و مطابق شریعت است ایزد پاک سایهٔ این شاه جوان جوانبخت صاحب

دیانت را از سر ما کم و کوتاه نکند!

اعلیحضرت بشما گفته شده که سخن های خارج از مطلب وقت را ضایع میکند حاجت بدعاگوئی نیست خوب شد که نظامنامهٔ عروسی و نکاح از نظر تان گذشته مورد قبول شد چیزیرا که من درین نظامنامه بشدت گرفته بودم و خواهش داشتم که اگر تمام لویه جرگه دران برخلافم شوند چون او را من برخلاف مفاد ملتم می پندارم من آنرا قبول نخواهم کرد دو مسئله بود (۱) عدم تقید مسئلهٔ مهر (۲) سر از نو باز ترویج بدی.

ضربهٔ مدهشی که برای اقتصادیات ملت مظلوم وارد آورده الی مادام الحیات مثل زهر قاتل بود همانا دو بازی و اضافه و زیاده ستانی مهرهای عروسها بود که ماقبل از اینکه مرد مظلوم از عیش و راحت دنیا تمتع و استفاده نماید نه تنها مرد بلکه همخوابهٔ او نیز از بیرحمی و عدم عدالت و ناروائی و بالآخر بواسطهٔ پابندی والدین دختر برسوم و رواج قدیم نامشروع دچار ورطهٔ فلاکت و ادبار و افلاس و ضیق معیشت گردیده با یک مردیکه وی تمام هستی و ثروت خود را بران برباد کرده است دچار شده امرار حیات سراپا عسرت رامینمودند، همهٔ تان بخاطر دارید که چه مجالس ها؟ و چه تضییع اوقاتها؟ و چه گفت و شنید ها؟ و چه سخت گیریها؟ در مهرها قبل ازین احکام تحدید مهر بعمل می آمد، حتی از ضرب المثل هائی که دران اوقات

در موقع کثرت و زیادت «حق و مهر» زبانزد «پدر وکیلها» و خسرخیلها بود چند مثلِ مشهور آنرا خودم نیز بخاطر دارم در مجلسها ئیکه مباحثات طویل و مذاکرات مدید، تکثر مهر از طرف خسرخیل و خواهش تقلیل آن از جانب داماد خیل بعمل می آمد، بعد گفت و شنید و عذر و معذرت بسیار «پدر وکیل» و یا خسرخیل علت خواستن آنمبلغ هنگفت و وجه بسیار معیّنهٔ مهر را میگفت که یگانه مقصد ازین ازدیاد فوق العادهٔ مهر آن است که دختر ما بالاے داماد صاحب عزت و مرتبت باشد و میگفتند ازین خواهشات زاید خود خواهشمندیم که این عروس را بنظر داماد خیل خود «میخ زرین و صد گز بزمین وانمائیم»! و اکثریّه بغرض رضامندی داماد خیل بهمه گونه مطالبات خسرخیل در معاملهٔ نکاح از طرفِ دختر بالاے شوهر «صد خروار استخوان پشّه» در مهر خواسته میشد که آنها بعد از شفیع آوردنِ خدا و رسول و اولیاء الله خسرخیل را از ان مطالبهٔ او باز داشته بعوض آن یک مبلغ گزافے را قبولدار میشدند؟

(۲) بدی است که درین نظامنامه ممنوع قرار داده شده است و ما قبل از اشتهار آن در تمام افغانستان این فعل خجالت آور در بین دو قوم و دو عشیره و دو خاندان بنا به ادنیٰ حرکت و به ادنیٰ یک سخن باندازهٔ مرعی و معمول بود که همواره موجب تضییع اوقاتِ مأمورین دولتی و عماید ملکی و اعزه بود و کلان شوند ها به تصفیه نمودن همین مسئلهٔ بدی گرفتن و بدی دادن بود

[مخصوصًا در اقوام افغانی خاصتًا در اقوام کوه نشین] حتّی بخاطر دارم که در یکی از وقایع یک قوم بالاے دیگر قوم هفتاد هزار دختر دوشیزه را بطور بدی گذارده بود!!

اینقوم که محکوم به اعطاے هفتاد هزار دختر شده بودند، بخانهٔ چندین سیّد و ملّا و ریش سفید بقسم عذر و معذرت رفته از آنها استدعا نموده او شانرا تکلیف میکردند تا به نزد قوم بد طلب رفته چیزے تخفیف در تعداد بدی براے ما بگیرند تا آنکه پس از عذر و معذرتخواهی غیر متناهی و شفیع آوردنِ خدا و رسول ص از هفتاد هزار دوشیزه به هفت دختر فیصله کرده این امر موجب مسرّت و فرحت قومی که باعطاے بدی مجبور بودند گردید، البته اکثرے از حضرات این معامله را بیاد هم خواهند داشت؟ و هم ازین مسئله مسبوق خواهید بود که در بدی اکثریّه زنان بیوه و دختران شیرخواره نیز گرفته میشد!

* *

*

قرائت
نظامنامهٔ تعزیه داری

بعد از اختتام مباحثات لویه جرگه بر نظامنامهٔ نکاح و عروسی و ختنه سوری و قلمبند شدن نظریات و تعدیلات و تصویبات آنها قرار فوق نوبت بقرائت دیگر نظامنامه رسید !

رئیس صاحب شورای بخیالم در عقب این نظامنامهٔ تعزیه داری را که آنهم بعموم اهالی تعلق دارد سراپا بشنوید و دران نیز نظریات خود را اگر داشته باشید بفرمائید بهتر خواهد شد !

لویه جرگه بسیار خوب است بخوانید ! ما سراپا گوش شده برای استماع و تصویباتیکه دران بنظر آید حاضریم !

رئیس صاحب شورای نظامنامهٔ تعزیه داری را بدست گرفته حضار را مخاطب کرد، اعتراضات و تنقیدات و تصویبات خود را در موقعی که من نظامنامه را میخوانم مانند سابق بیرون نویس کنید تا در آخر بران مباحثه بعمل آید، در عقب شروع بخواندن کردند و نظامنامهٔ تعزیه داری را خاتمه دادند !

لویه جرگه این نظامنامه را سراپا درست گفته و وی را لب لباب و حاصل ما فی الباب کتب معتبرهٔ شرعیه گفته تنها در یکی از مواد آن تشریح و توضیحا تراً ایراد نمودند و بس، البته چندی از علما برین فقره که اسقاط برای اشخاص غیر مستحق سالم الاعضا داده نشود خواهشمند شدند که این قید باید زائل گردد، امّا چون خواهش شان مبنی بر اغراض شخصی و فوائد ذاتی بود علی الفور از طرف دیگر علما تردید شده این قید نظامنامه را کاملاً بر طبق احکام خداوندی و شریعت غرّای نبوی نشان دادند !

مولوی محمّد بشیر بدان تردید عمومی علما اکتفا ننموده مانند شیر شرزه برپا خواسته مضمون آن حدیثی را بیان نمود که یکمرد سالم الاعضا سوال میکرد و خود را محلّ اعطای صدقه نشان میداد او را حضرت رسول اکرم ص نگریسته بدو گفت بعد ازین سوال مکن و صدقات مردم را مستان ! وی بعرض رسانید که چکنم چیزی ندارم آنحضرت ص بدو هدایت کرد این شالکی را که در بر داری در بازار برده بفروشش که بیشتر از سه روپیه قیمت دارد بیک درهم آن ریسمان بگیر و بدیگرش تیشه بخر و مابقی آنرا صرف معاشش حالیهٔ خود کرده سر از صباح بجنگل رفته هیزم بیار و بفروش و بدان امرار حیات خود بنما !

وکلای هرات درینمورد برخواسته بعرض رسانیدند که اگر از پول اسقاط

و دیگر صدقات اعلیحضرتِ معظّمِ غازی یک تجویز درستے فرموده خیریه های متعدّدی را جهة معیشت و آرامی کور و لنگ و شل و دیگر معذورین و ایتام و مساکین تشکیل فرمایند چقدر خوب و بهتر خواهد شد، اگر حضور شاهانه این عریضهٔ ما را بپذیرند ما علاوه بران خیریهٔ که بدار النصرت هرات حسب تلقین آقاےِ شجاع الدّوله او را دائر کرده ایم حاضریم که دیگر خیر هاےِ متعدد را نیز بروی کار آورده یکقلم مساکین و سائلین و معذورین را بدین حالت کس مپرسی روےِ کوچه ها و راهها و گذرها نگذاریم !

لویه جرگه نیز عموماً بتائید این مسئلهٔ سراپا حسنهٔ خیریّه برپا خواسته گفتند که این یک اقدامی است از حد شایان و تمام مایان بکمال خوشی و رضا براےِ تعمیل و بجا آوردن و دوائر نمودن خیریّه ها حاضریم !

اعلیحضرت ازین احساسات انسانیت کارانه و رویهٔ اسلامیانهٔ لویه جرگه اظهار تشکر و مسرّت کرده فرمودند من نیز قلباً مائلم که در ملّتم امثال این افکار رو بتزائد آورد [این تحریک با اینکه به بسیار گرمجوشی از طرف تمام اعضاےِ لویه جرگه بعمل آمده است امّا نمیدانیم که تا حال چرا نتیجهٔ آن را عقیم مانده اند، ب، د] .

رئیس صاحب شوری بعد از اینکه نظریات موفقهٔ علماےِ اعلام و دیگر اعضاےِ قوم لویه جرگه را نسبت بنظامنامهٔ تعزیه داری برای خود حاصل کرد

وا ز وشان هیچیک تنقید و اعتراضے قرار فوق دران مواد بعمل نیامد، آغاز نمودند بخواندن نظامنامهٔ تجاریّه !

نظامنامهٔ

تجاریّه

اعلیحضرت ماقبل از آغاز آن یک بیانیهٔ نافعه را در مفاد و وجه وضع آن ایراد کنان فرمودند که سابق برین مخصوصاً براےِ انحلال دعاوی تجار و فیصلهٔ دعاوی اهل کار محاکمے بنام «پنچایت» و «پنچایت خانه» در افغانستان موجود بود که سراسر دران برخلاف مقررات شرعیّه اجراآت بعمل می آمد و هر امر را بعد از تصویب و اعطاےِ رأےِ دو سه نفر تاجر در معرض اجرا آورده، یکمادهٔ از مواد اساسی آن پنچایتی ها این بود که وهی هندو و تجار را بلاتشبیه بمنزلهٔ وحی آسمانی پنداشته شده یک سر مو از مندرجات وهی که اکثریه نویسنده هاےِ آن هندوان و خود مدّعی و ارباب غرض میباشند تخالف نمیکردند، این خادم اسلام که یگانه در حمایت شریعت میکوشم و معتقدم که تمام جزویات و کلیّات را شریعت «محمّدی» حاوی است، نخواستم که در دورهٔ خود نیز همان خرافات

وواهیات راکه سراسر برخلاف مقرّرات اسلامیّت است بالاے مُلّتم رائج داشته باشم ازینرو علماے اعلام راامر فرمودم که مسائل تجاریه رابطوریکه مکتوبات وتحریرات ودیگر مصطلحاتِ مخصوصهٔ تجارنیز ازان بے اثر وغیر مفید نماند، ازکتب معتبرهٔ شرعیّه درحیز تحریر آورده اورا بصورتِ یک نظامنامهٔ عام فهم شایع نموده پنچات رالغو واموراتِ آنرا بمحاکم عدلیّه محوّل نمایند، چنانچه بعدازتحقیق وتدقیق مزید این نظامنامه ساخته شده است که براےِ شما خوانده میشود !

رئیس صاحب شوری حضار رابیادداشت نویسی آن مسائل که بران تنقید یا اعتراض ویا توضیحات راخواهان باشند نموده نظامنامهٔ تجاریّه را ازسر تا آخر خواندند بااینکه درخاتمه آنوقت مجلس قریب باختتام بود بازهم بران گذارشاتیکه بعمل آمده حسب ذیل است !

مولوی عبدالحی درین نظامنامه براعطاے دین واخذ قرض چنان قیود وشرائط وضع شده که تقریبًا درتمام جزئیّات وکلیّات اخذدین ممنوع قرارداده شده حتّی اینکه گفته میتوانیم که کاملًا بیع وشرا ومعاملات دین که تمام کتب ازفروع واصول آن مملوست حکمًا موقوف قرارداده شده حالانکه شرعًا معاملهٔ بالمداینه جائز است وحکومت رانباید که درا نسداد دین که بیشتر فقرا وضعفا بدان محتاج اند احکامے را جاری نماید !

مولوی محمّد بشیر بتائید مندرجات نظامنامهٔ تجاریّه بعرض رسانید که درین نظامنامه قطعًا قرض گرفتن مسدود نشده واگر کاملًا ممنوع قرار داده میشد هم بخیال عاجزانه ام موزون میبود زیرا براے عموم علماے اعلام وفضلاے کرام واضح وروشن است که دراحادیثِ شریف نبوی بسیار بشدّت ازاخذ قرض امتناع آمده است حتّی ازاحادیث معروفیکه درین مورد زبانزد خاص وعام میباشد این حدیث است : (نعوذ بالله من الدّین) [این کلام بسیار بطوالت انجامیده دلائل وروایات درمفاد عدم اخذقرض بسیار ازطرفِ وی گفته شد، ب، د] .

اعلیحضرت مطلقا اخذ قرض ممنوع نیست البته شخصیکه حجّت بدهد وسندِ او شرعًا وقاعدتًا درست باشد حکومت هیچگاه این دائن راازاخذ دیّن مانع نشده است، البته آنمردیکه از تجار قرض جنسی بدون شاهد وسند ستانیده درآخر موجباتِ پریشانحالی وسراسیمه گی تجاررا تولید نموده ازیکطرف دائن بغرض حصول قرض خود سرگردان وپریشان واز دیگرطرف دراموراتِ دینوی خود بیکار مانده درعقب او سراسیمه میگردد واز جانب دیگر محاکم عدلیه ومأمورین دولتی راازاستماع امثال این دعاوی بجان میرسانند باخذ قرض مجاز نیست واحیانًا اگر هیچیکم دهنده باوجود امتناع حکومت باخذ قرض از تاجریکه وے بدادن قرض رضامند نیست

پرداخت ویا دیگرے بدو بدون سند وحجت وتمسک قرض داد دعاوی این اشخاص سیاستاً شنیده نمیشود !

مولوی عبدالحی اعلیحضرتا : اقوال شما سراپا بجاست لکن از روے مسائل فقهیه بایستی که دعاوی امثال این رجال را نیز حکومت بشنود ، لهذا عریضه پردازم که ذات همایونی درین مواد چنان قیدیرا عائد فرمایند که دعاوی اینچنین دیون را بجز از ذات شاهانه و وزارت عدلیه دیگر محاکم نشنود تا آن افرادیکه از گرسنه گی و برهنه گی بجان رسیده هیچیک مخلص و چارهٔ براے آنها بجز از اخذ قرض نمیباشد ازین وسیلهٔ جارهٔ محروم نمانند و هم آنمردمے که از گرفتن دین بجز از عائد نمودن پریشانی دیگر مقصدے ندارند از وضع این قید باخذ قرض جرأت ننمایند !

اعلیحضرت حکومت تان ابداً قرض گرفتن آنچنان اشیاے را که ذخیره شده نمیتواند و بخوردن و آشامیدن و امثال آن بدیگر ضروریات کثیر الوقوع بکار می آید منع نموده است ، علاوه بران این قید یرا که شما بیان داشتید اگر دیگر علما نیز بهمراه تان متفق باشند من نیز از قبولیت آن انکار ندارم !

اکنون ساعت بما و شما پوره شدن وقت مجلس را نشان میدهد ، از بیانات بعضے از علماے حاضرهٔ شما چنان مستنبط شد که براے آنها

نظامنامهٔ جزای عمومی و جزاے عسکری و دیگر نظامات را که شما اسمای آنهارا بیرون نویس کرده اید داده شود تا که هرکدام آنها بر هر ماده و فقره و مسئلهٔ آن علم آوری کرده و تمام مندرجات آنرا با مسائل مفتی به قویهٔ کتب فقهیه مخصوصاً بمذهب امام همام ابوحنیفهٔ کوفی رح تطبیق داده در خاتمه خلاصهٔ نظریات خود تانرا بدون جواب و سوال و گفت و شنید مزید به لویه جرگه تقدیم نمائید تا برطبق آن اصلاحات بعمل آید ، لهذا نه تنها براے هر واحد شما نظامات مطلوبه بتعداد مکفیه بهمراه کتب و فتاواے معتبرهٔ حنفیه برای یکشب داده میشود بلکه فردا نیز محض بغرض همین مقابله تدقیق و تحقیق شما انعقاد لویه جرگه بدین ترتیب ملتوی است ، تا شما علماے اعلام ، علماے جید و متدین و متقی و دانسته را از میان خویش انتخاب کرده در مندرجات نظامات غور و خوض را بکار برید ، اعتراضات و اصلاحات و تنقیدات و توضیحات خود تانرا متعاقباً بدون از طوالت مجلس و گفت و شنید غیر مفید بالاختصار براے حضار لویه جرگه اظهار دارید تا بالاتفاق برطبق آن تعمیل کرده شود !

لویه جرگه برین نظریهٔ انصاف کارانه و افکار عادلانه و شریعت پروری و مخلص نوازی اعلیحضرت غازی یک عالم دعاگوئی و یک غلغلهٔ شادیانه را برپا داشته مخصوصاً طبقهٔ علما بیشتر مسرور و مبتهج و خرم بوده

زیاده تر درادعیه واظهار رضامندی از اعلیحضرت غازی بیانات داده معروض داشتند که الحق اگر تحقیق وتدقیق درنظامات بهمین اصولیکه درین دوروز بعمل آمده در دیگر نظامنامه هاے بحث طلب نیز مرعی ومعمول آید وبرهر مسئله وهرمادهٔ آن ازهردهن سخنے برامده گفت وشنید بران کرده شود نه تنها ایّام لویه جرگهٔ ما که میعاد آن (۲۰) روز بوده مفت ورایگان دران بسر میرود بلکه یک مدّت متمادی دیگر نیز بران رایگان میرود، اکنون که ذات ستوده صفات همایونی غور وخوض نظاماتے راکه متعلّق بمسائل شرعی است براى علما مخصوصًا واگذارشده خلاصهٔ نظریات آنها را خواستارشدند امیدکه به بسیار زودی ما علما دران تحقیق وتدقیق نموده هرفقره وهر مادهٔ آن را با مسائل فقهیهٔ حنفی تطبیق داده نظریاتِ خودها را معروضمیداریم وهمچنین عریضه پردازیم آن نظاماتیکه متعلّق باموره سیاستی وامنیّت وانضباط ملکی است ونسبت بطبقهٔ علما افکار وآراے وکلاے ملّت بیشتر دران مفید وکارگر پنداشته میشود براے وکلا نیز عطا ومرحمت گردد تا آنها نیز مانندِ ما درین وقفهٔ دوشب ویکروز دران فکر ونظریاتِ خودشانرا صرف کرده بروز چهارشنبه متّفقًا نظریات علما ووکلا درین نظاماتِ بحث طلب بحضور اعلیحضرتِ غازی ودیگر اربابِ رتق وفتق مملکتِ افغانی بعرض رسانیده شود، درنتیجه اگر بحثے دران لازم بود کرده خواهد شد والّا متّفقًا همان اصلاحات وتعدیلاتے راکه علما ووکلا بعرض رسانند قبول گشته درنظامات داخل خواهند شد !

اعلیحضرت این خادم اسلام وملت افغانستان درین نظریّه باشما متّفقم، اینک رئیس صاحب عمومی شوراے دولت را امر میکنم که نظاماتِ مطلوب وکتب فقهیّه را باندازهٔ که شما خواهش کنید براے شما تهیّه کند خودم ودیگر وزرا ومأمورین علی الصّباح باموراتِ مفوضهٔ خویش که درین چند روز تمامًا معطّل وو در تمام کارهاے مملکتِ تان یک سکته بواسطهٔ شمولیّت ومصروفیّت مأمورین درجرگه واقع بود، مشاغلت میورزیم سراز روز چهارشنبه باز مجلس آغاز شده خلاصهٔ نظریات علماے معظّم ووکلاے محترم درنظامات مطرح مذاکرات شده متّفقًا بهرطرفیکه احکام مفتی به وآراء عمومی میلان داشت منظور وتصویب میشود .

[بعد از رد وبدل کلمات فوق وقرار گرفتن آراء عمومی جهة مذاکرات خصوصی وتطبیقاتِ نظامات دولتی باکتب فقهی مذاکرات امروز نیز بکمال شادمانی خاتمه یافت ، ب . د] .

* *

*

کوائف روز

سه شنبه (۳۰) برج سرطان

درین روز عموم وزارات و مأموریتها مانند ذاتِ همایونی بوظائف و امورات محولهٔ خودشان مشاغلت داشته علمای معظم و وکلای ملّت به تحقیق و تدقیق و تطبیق نظاماتِ دولتی مصروفیت داشته برای عموم شان قرار خواهش آنها نظاماتِ مطلوبه و کتب ضروریهٔ فقهیّه از طرف رئیس صاحب عمومی شورای دولت تهیّه و آماده گشته و داده شده بود .

چنانچه درهمین دو شب و یکروز تمام مواد و مندرجات نظاماتے را که بامور شرعیه و بعموم ملت متعلّق بود علما و وکلا سراپا از نظر گذرانیده در بعض مسائل اساسی و قواعد کلّی آن نظریاتِ مفیدهٔ شانرا متّفقاً بصورت تحریری بیرون نویس کرده درایام مابعد به لویه جرگه مباحث جزوی دران مواد طوریکه در ذیل نظامنامهٔ اساسی و نکاح و عروسی، و تعزیه داری و تجّاریّه مسطور گشت بعمل آمده ، ذات شاهانه بدون هیچیک تعرض و مکالمه تمام نظریات شانرا قبول فرموده امر دادند که نظریاتِ ایشانرا منشی مجلس تحریر نموده از عموم ایشان بعد از امضای بیضای شاهانه

دستخط و مواهیر تصدیقهٔ آنها اخذ نمایند . [این مرتب چنان در نظر دارد که از مزید گفت و شنید و مباحث مفید علمای اعلام من بعد ازین محض خوف طوالت و قلّت محلّ اندراج صرف نظر نماید زیراکه ناظرین محترم نمونه و صورتِ مذاکرات آزادانهٔ علمای اعلام را از چند مباحث فوق بخوبی درک و استنباط کرده میتوانند که تماماً آزادانه و حقانه بوده سخنان ایشان بکمال شادمانی و مسروریت از طرفِ اعلیحضرتِ همایونی و رئیس عمومی شورای دولت و اراکین معظمهٔ حکومت، استماع شده بعد از اتفاق آراء عموم لویه جرگه بر افکار و آراء ، و تعدیلات آنها اصلاحات و تعدیلات بعمل آمده است ، هنوز خواهشمندم که شمهٔ از مذاکرات وکلا و نبذے از گفت و شنید رعایا را که در برخ از نظامات سیاستی و قواعدیکه متعلّق با فرادِ عمومی ملت افغانی دارد تحریر نموده در خاتمه خلاصهٔ نظریات و اصلاحات لویه جرگه را با مذاکراتِ آنها عیناً مرقوم و اندکے از آن بغرض اختصار واگذار شده قلمبند نمودیم . ب ، د] .

*　*

*

روز چهارشنبه

اوّل اسد

درین روز نیز عموم اعضاے لویه جرگه نظریات و اصلاحات و تعدیلات و تنقیدات خود شانرا که بشب و روز سه شنبه و شب چهار شنبه بیرون نویس کرده یا یادداشت گرفته بودند با خود گرفته در وقت معیّنه تماماً تحت بارگاه لویه جرگه حاضر شده انتظار حضور اعلیحضرت معظم غازی خود ها را داشتند تا اینکه ذاتِ همایونی پوره بساعت (۸) رونق افزای محل صدارت و روشنی افزاے دیدهٔ منتظرین لویه جرگه گردیده بعد از وقفهٔ اندک فرمودند !

اعلیحضرت بنام خداے خود این مجلس عالی را آغاز میکنم :- پریروز مبحث ما و شما دران مواد و قواعد نظامیه که متعلّق بامور شرعیّه است بود ، بر بعضے مسائل ضعیفه که از عدم احتیاط علمای تمیز که بحضور همهٔ تان حاضر نشسته اند ترتیب یافته بود گفت و شنید ما و شما تقریباً تمام شده علما کاملاً از خیالات این خادم اسلام دانسته شدند که مقصدے بجز از پیروی شریعت نبوی صلعم و تقویت دین ندارم و خوب فهمیدید که

این مسائل را علماے تمیز از روایاتِ ضعیفهٔ کتب فقهیّه و مسائل مختلفٌ فیه شرعیّه داخل نظاماتِ دولتی کرده اند من نیز ازین حقائق سرائی و دلسوزی شما علماے اعلام و فضلاے کرام اظهار سرور و تشکّر میکنم و از شما آرزومندم همچنانچه در مسئلهٔ تعزیر بالمال و تألیف فتاواے امانیه اظهار آرای خود ها را نموده اید مزید برین هم در نظاماتِ دولتی تدقیق را بخرج داده در مسائل اصولی و مواد اساسی آن اگر اصلاحات و تعدیلاتے باشد آنرا نیز بیان نمائید در مسائل فروع و جزئیات بخیال عاجزانه ام اگر بخواهید که آنرا سراپا ملاحظه کنید البته براے آن کم از کم پنجسال دیگر بکار است ، براے آن لازم است که شما علماے اعلام لویه جرگه از روے دیانت بکمال دقت چند نفر عالم هاے جیّد و دانسته و فهمیده را که بتمام صفات و کمالات محلّی و آراسته باشند ، از میان خود منتخب و معیّن نمائید تا در محکمهٔ عالیهٔ تمیز مقرّر شده وجه معاش خود را از دولت بگیرند و در تدقیق و تطبیق تمام فروع نظامیّه بذل مساعی ورزند و متعاقباً بتألیف و ترتیب فتاواے امانیه بزبان فارسی و عربی و افغانی چنانچه گفتید و آرزو نمودید صرف مقدرت ورزند ، در مسئلهٔ تعزیر بالمال تشکّر میکنم که نظریهٔ اصلی خودم با نظریهٔ شما موافق است ، زیرا در تعزیر بالمال تکیه بثروت و پول میشود و ارباب ثروت بواسطهٔ استعداد یکه دارند از ارتکاب جرائم باز نمانده تکیه بسرمایهٔ خود مینمایند از تعزیر بالمال مساوات

حقیقی وسدّ باب جرائم که منشاء اصلی تعزیرات است بطرز مطلوب حاصل نمیشود خودم از ابتدا برخلاف تعزیر بالمال هستم چنانچه دریکی از مواد نظامنامهٔ نکاح وعروسی برین مطلب تصریح موجود است. که شما آنرا قبلاً خواندید وشنیدید، فامّا چون علماے حاضرهٔ تمیز که حاضر نشسته اند تعزیر بالمال را جائز شمرده اند، درنظامات داخل شد، اکنون که شما جرائم مالی را از روایات ضعیف ومسائل مرجوحه بیان داشته میگوئید که از روے مسائل قویّه تعزیر بالمال نباشد وتمام تعزیرات بالبدن مقرر گردد واحیاناً اگر دربعض مواقع اولوالامر تعزیر بالمال را تصمیم نماید پس بایستی که آنمال بعدازز مانے واپس بمجرم داده شود، خوب است ما درآتیه تعزیر بالمال را عموماً موقوف قرارداده صرف دربعض مسائل جزوی [مثلاً گادی بی چراغ نباشد، درین راه عبور منع است، وامثال این دیگر اصلاحات وقیودات بلدیّه] .

اگر مجبوراً براحدے حکم با عطاے جرم صادر شود البته که آن پول ماخوذهٔ جریمه بعدازز مانے مسترد میشود.

در دیگر مسائل اساسی واصولی نظامیه که مثل تعزیر بالمال باشد نیز مخصوصاً شما علما توجّه مخصوصهٔ خودها را درمجالس خصوصی خویش مانند دیروز ودیشب برگمارید ودرآخر نتایج مطالعه وخلاصهٔ نظریهٔ خودها را اظهار دارید تا برطبق آن رفتار شود سراز امروز محض بدینواسطه که ایّام

لویه جرگه قریب باختتام است واکثرے ازین مهمانان عزیز ما بمملکت وخانه ومسکن خویش علاقه مندی مزید داشته آرزوے رفتن را بعداز تکمیل میعاد لویه جرگه بوطن مألوف خودها داشته خواهند بود، در دیگر مسائل عمومی وامورات سیاسی که بملّت متعلّق است مذاکرات لویه جرگه آغاز میشود [مانند مال مواشی، نفوس، مالیّه وغیره] درین مذاکرات مخصوصاً از وکلاے محترم زیاده تر توجّه وتعمّق را خواستارم تا تمام مذاکرات ما برطبق امید وآرزو وخواهش ملّت ودولت ومملکت تصفیه وفیصله گردد والّا گر همچنین که تا امروز وکلاے محترم درلویه جرگه زیاده تر کار از شنیدن مباحث گرفته مداخلهٔ بسیار درمذاکره ومباحثهٔ لازمه درمواد قانونیه چنانچه لازم بود مانند علماے محترم نفرمودند، معلوم است که حق وکالت را ادا ننموده اند وبرطبق امیدواری وآمال واماني عموم ملّت افغانی که شما را وکیل وکفیل مهمات خود قرارداده اند، کارے ننموده اید !

وکیل قندهاری ما نمیتوانستیم که درمسائل شرعیّه ومقرّرات اسلامیّه مداخله کنیم، مداخله کردن ومباحثه نمودن دران امور کار علما است ازینرو ما دران ابحاث محض سکوت واستماع را وظیفهٔ اسلامی ووجدانی خویش دانسته مداخله نکردیم وهم میدیدیم که اعلیحضرت حق ریاست وانصاف را کماحقه ایفا نموده حاجت بگفت وشنید بیجاے ما نبود،

حالانکه تدقیق و تحقیق آن مواد نظامیه را از روی اسلامیت و حقایق پسندی به علما واگذار شده بود و بنابرآن امر دادید که مسائل اساسی و فقرات کلّی آنرا عموم علمای لویه جرگه تحت تدقیق و تطبیق با مذهب مهذب امام اعظم کوفی رح بنمایند و جهت باز دید امورات جزوی و فروعی ارشاد فرمودید که لویه جرگه از بین خود علمای جیّد فهمیده و دانسته را انتخاب نمایند تا در مجلس عالیهٔ تمیز دار السلطنهٔ کابل شامل شده از دولت معاش گرفته موظف باشند درین نظریهٔ همایونی همهٔ ما کاملاً متّفق و اوّلین کاریکه بعد از امروز لویه جرگه مینماید انتخاب همین علما است در مسائل سیاستی و اموراتیکه تعلّق بعموم ملّت دارد، البته حق مذاکره از خود ماست و ما دران مذاکرات علما را بیشتر از یکنفر نمایندهٔ ملّت حق نمیدهیم هر بحث که در امورات سیاستی و مدنی افغانستان سر امروز در بین این مجلس عالی کرده شود البته که دران کاملاً حصهٔ همین وکلا است که مقدّرات ملّت را بدست گرفته شرفیاب حضورند و ما هیچ نمیخواهیم که در امورات امنیّت و انضباط بر طبق نظریهٔ علمای خود کار کنیم، زیرا ملّا صاحبان میگویند که دزد را بدون شاهد و گواه مجازات داده نشود حالانکه دزد در موقعیکه شاهد باشد چطور میتوانند که دزدی بکند زیرا مسئلهٔ دزد و شاهد مانند آفتاب و سایه از هم علیحده است!

لویه جرگه در سرتاسر لویه جرگه به محض استماع این کلمه یک غلغله برپا شده تماماً

بعرض رسانیدند که اعلیحضرتا بغرض امنیّت و ادامهٔ انضباط مملکت از حد ضرورست که برای سارقین و دهاره بازان و اشخاصیکه مخل امنیت میگردند سیاستاً مجازات شدیدی مقرر شود و اگر همچنین که علمای ما میفرمایند که دزد بدون شاهد و گواه مجازات در کنار تحت استنطاق هم آورده نشود بخدا که ما ملّت تباه میشویم و هستی و زندگانی ما بر باد فنا میرود و از دست ظلام و دشمنان و خائنین داخلی و خارجی خود بسیار پریشان و سراسیمه میگردیم، از برای خدا چرا مانند زمانهٔ اعلیحضرت ضیاء الملة والدّین بر یک سرقهٔ معمولی چندین نفر مشتبه تحت بازپرس و استنطاق نمی آیند! و چرا میدان مسابقهٔ دزدی و دهاره بازی و اختلال امنیت برای اشخاص بد طینت خالی و فراخ گذاشته شده است، اعلیحضرتا مثل مشهور است ؎

ترحّم بر پلنگ تیز دندان ❊ ستمگاری بود بر گوسفندان

اعلیحضرت این بحث شما قبل از وقت است، وقتیکه ما بران فقرهٔ که دران بر دزدان حکم شاهد کرده شده است رسیدیم باید بحث میکردیم باز هم چون شما این مسئله را یاددهانی نمودید من هم طرفدار شما هستم و از علمای محترم رجا میکنم که ضرور برای سدباب این مظالم و اختلال امنیت اینچنین قیود و شروط و تشدّدی را برابر با جنایت از مسائل مهمهٔ شریعت که حاوی همه گونه احکام و اوامر است

اتخاذ و اقتباس نمائید تا این شکایت عمومی از سر تا سر ممالک افغانی مدفوع و مرفوع گردد !

علمای لویه جرگه اعلیحضرتا ! این قصور هم از طرفِ علماءِ سابق است، شریعت برای اولوالامر از روی سیاست همه گونه اوامر و احکام را جهة سدّ باب این خرابیها و جنایتها سیاستاً اجازه داده است، اینک همهٔ ما متّفقاً بعرض میرسانیم که سارق بتکرار سرقه حتماً و لزوماً و سیاستاً از طرف حکومت بقتل برسد !

لویه جرگه برین نظریهٔ علما اظهار شادمانی و خرمی نموده و با لفاظ مسرّت آمیز علما التجا کردند تا میتوانید ای ملّاصاحبان برای قلع و قمع دزدان و خائنان مسائل تشدّد آمیز و مجازات تألّم انگیز را اتّخاذ نمائید !

وکیل قندهار مؤدّبانه برپا خواسته بحضور همایونی بعرض رسانید که :- اعلیحضرتا ! با اینکه مزاح و کلماتِ خنده آور برطبق لایحهٔ لویه جرگه درین مجلس عالی ممنوع قرار داده شده است تا هم از حضور همایونی اجازه میخواهم که درین موقع یک لطیفهٔ را بعرض رسانم [اعلیحضرت بنگاه محبّت آمیز بطرفِ او نگریسته زبان حال شان اجازهٔ گفتن آن لطیفه را بران وکیل قندهاری گویا نشانداد درین بین آن پیره مرد بعد سکوت قلیل گفت . ب ، د] .

به بینید که ملّاصاحبانِ ما را هم بعضی دزدان خانگی بعذاب رسانیده اند و ممکن است که عمامه و جبه و بعضی ثروت ایشانرا هم خائنین بغارت برده باشند و یا تصوّر میکنند که در آتیه اگر ما همچنین یک اجازه را بغرض اندفاعِ این معامله بحکومت ندهیم هستی ما را دزدان خواهند برد بچه فراخ دلی و سخاوت پیشگی احکام قتل دزدانرا میفرمایند، ایکاش اگر ملا صاحبان با تمام لذّاتِ دنیوی و ضروریاتِ مدنی و لوازماتِ انسانی و همچشمی دشمنان دینی و ترقیاتِ عصر کنونی اطلاع میداشتند و به نزاکت و لطافت دنیای موجوده حظ و پی برده میتوانستند تا در همه اوامر و نواهی برای ما از اساس متین شریعت حضرت سیّد المرسلین همین دریا دلی و خندهٔ پیشانی اوامر عطا میفرمودند !

اعلیحضرت روز بسیار گذشته بسم الله بکار آغاز کنید و بگوئید از جملهٔ نظاماتیکه بعموم ملّت و سائر رعایا تعلّق دارد کدام یکِ آن اوّلاً قرائت شود !

وکیل بدخشانی اعلیحضرتا ! بخیالم اوّل نظامنامهٔ محصول مال مواشی قرائت شود که من دران چند عرائض دارم [بعد از قرائت نظامنامه معلوم شد این مرد که اوّلاً خواندن این نظامنامه را نسبت بدیگر نظامات عرضداشت نمود هیچ عرضی اساسی و قانونی

نداشت بلکه تمام عرایضش متعلّق به امورات شخصی او بود و از طرف اعلیحضرت مانند عموم عرائض شخصی بکمال ملاطفت مرجع عرض او در همان محل نشانداده شد که وزارت مالیه است . ب ، د]

نظامنامهٔ

محصول مال مواشی

[دریروز حضرت رئیس صاحب شورای دولت بمنشی مجلس امر کردند که بعضے نظامات را قرائت کند . ب ، د] .

منشی مجلس نظامنامهٔ مال مواشی را از اول تا آخر خواند ، و برای عموم وانمانده شد که بر هر ماده و هر فقرهٔ که اعتراض داشته باشند آنرا بیرون نویس کرده در خاتمه بروی بحث نمائید !

وکیل ترکستانی اعلیحضرتا ! اگر محصول مال مواشی بعوض سالیانه دو سال بدو سال و یا سه سال بسه سال گرفته شود اغلبًا از منفعت اهالی خالی نبوده و هم حق سرکار تلف نمیشود !

وکیل قطغنی برخاسته بدلائل واضحه تردید آمد زیرا که خواهش شمار مال مواشی را

هر ساله و پرداختن زکوة آنرا دو سال و یا سه سال بعد معروض داشته بود ، نمود !

لویه جرگه نیز تماماً بمخالفت او ایستاده گفتند که همین اعطای زکوة مواشی طوریکه در نظامنامهٔ آن مرقوم میباشد نهایت درست است ما ابدًا تغیر آنرا بدو سال و سه سال روادار نیستیم چه در آن صورت نه تنها دولت بلکه ملت نیز متحمل نقصان و خساره میشود !

وکیل هراتی معروضداشت اگر محض مراعات اشخاصیکه از خزانه دور افتاده اند بنیستو اند که از قشلاق و ائیلاق های خود تا بخزینه و دفتر رسیده بتوانند میعاد تحویل قسط محصول بعوض قوس تا آخر سال توسیع داده شود خوبتر خواهد بود !

اعلیحضرت تا حال شما اطلاع ندارید که درین سال در هر مقام و هر محل و در تمام حوزه های مالیه و حکومتی افغانستان خزائن متعدد فقط بنا بر ارتفاع سرگردانی اهالی مقرر و معین شده تا هر شخصیکه بخواهد مالیات و گمرک و یا محصول مواشی خودش را بهمان خزینهٔ دولت که به پهلوی خانه اش معین شده است بسپرد و سرگردانی نکشد !

وکیل فراهی برخے از مأمورین مقرر شمار مال مواشی بر جیوانات سقط شدهٔ ما را مجرائی نداده از ما حتمًا یا مجلًّی میخواهند

و یا جایداد میطلبند درینصورت معلوم است که برای مالدار ورمه دار چقدر تکلیف عائد است !

وزیر مالیه — وکیل صاحب ! آیا درنظامنامه درصورت سقط و تلف مواشی قید نشاندادن جایداد و یا احضار نمودن مجلّاً مرقوم است !

وکیل فراهی — نی ! درنظامنامه ما اینچنین یک فقره راهرگز نخوانده ایم لاکن مأمورین احصائیه از ما اینچنین مطالبه راهمی نمایند !

اعلیحضرت — این اعتراض شما تقریبًا بعرض شخصی میماند لهذا محلّ اظهار آن این مجلس نیست هر آنفقرهٔ راکه خلاف نظامات دولتی بر شما احدے جاری کند و یا مطالبهٔ اجراے آنرا از شما بنماید شمار است که از دست وی بسلسلهٔ مراتب عرض کنید !

وکیل ترکستانی — اگر هیئت احصائیهٔ مال مواشی از علاقه داری و مأموریت های مالیهٔ هر مقام مقرر شود بهتر است زیرا اشخاصیکه از مرکز جهة شمار موظف میشوند چون ما او را نمی شناسیم و وے از ما اطّلاعے ندارد در مسائل جزوی و سخنان معمولی بهمراه ما می پیچند و بر قول و اظهار ما اعتماد ننموده موجبات سراسیمه گی ما را تولید میکنند !

وزیر مالیه — این اعتراض شما مانند اظهار همان وکیل صاحب فراهی بی اساس است زیرا درنظامنامه معیّن است که شمار مال مواشی را مأمور مالیهٔ محلّی باتفاق قریه داران و قبیله داران و یکنفر از علاقه داری همان محل بنماید اگر درکدام فقرهٔ نظامنامهٔ محصول مال مواشی اینچنین لفظے مرقوم باشد که از مرکز و یا حکومتی اعلیٰ و یا نائب الحکومه گی رئیس احصائیه مقرر میگردد بنمائید تا اصلاح شود، معلوم است که درنظامنامه این قید نیست درصورتیکه حکّام محلّی تان خلاف قواعد مقرره رفتار کرده باشند چنانچه ذات همایونی ارشاد فرمودند شما باید از دست شان عریضه پرداز شوید !

وکیل ترکستانی — مشکل اینست ما باوجودیکه درین مواد عریضه نگار هم شده ایم فامّا تا هنوز جوابے نشنیده ایم !

وزیر مالیه — اینک وزارت مالیه صورت معروضهٔ شما را عینًا با حکمنامهٔ خود بنائب الحکومه گی ارسال میکند تا درآتیه برخلاف قواعد نظامنامه رفتار ننماید ! بهر تقدیر چنانچه گفتم این بیانیهٔ شما حکم عرض شخصی را دارد و محلّ گفتن آن این مجلس نیست !

رئیس شورای — حضار مجلس درین محفل مبارک بحث در تعدیلات و اصلاحات قانونی و نظاماتی است ، نه گفت و شنید در اصلاح و مدح و قدح مأمورین ، درصورتیکه دستورالعمل و متمسّک ما صحیح

ودرست بود معلوم است که هیچ یکمرد برخلاف آن کار نمیکنند واگر بکند ضرور بکیفر کردارش میرسد پس لطفاً در عرائض شخصی وطرز عمل عمرو وزید وبکر تضییع اوقات مجلس را روادار نشوید !

وکیل میمنه اعلیحضرت غازی! از صغار وکبار وذکور واناث مواشی ازما محصول میخواهند حالانکه بسیاری از گوساله‌ها وچوچه بره‌ها وبزغاله‌ها بعداز اعاشهٔ قلیل سقط وتلف میشود وبرای مالدار ازینطریق تکلیف عائد میشود بایستی که محصول مواشی خورد سال معاف شود باقی همه گونه تکلیف اعلیحضرت را ما قبول داریم !

اعلیحضرت انصاف یک چیز خوب است شما خود منصف شوید نظر بتکالیفی که پیشتر از صدور این نظامنامه بر مالداران افغانستان بود در قم رقم محصول وخرچه وباج از شما بنام :- بروت چربی آغا، وسر چربی بی بی، چکانه، سرکانه، سرگله گی، سررمه گی، تکت زکوة، شاهی گی، باج سیخ، علف چر، طرق، وخرید جوال، گلیم، جل، نوار، پشم، توبره وامثال آن گرفته میشد، اکنون که آنهمه تکالیف از همهٔ شما برداشته شده فقط جهة آنکه درمیان شما ومصدق گفت وشنید درصغیر وکبیر مواشی بوقوع نیفتد وتکلیفی برای طرفین ازین رهگذر عائد نگردد وهم ضروری بود که درعوائد بیت المال که تماماً برای خدمت شما ملت وهمین مملکت

صرف میشود نقصی وارد نشود امتیاز صغیر وکبیر رفع گردیده است !

از سیاق کلام اکثری از شما چنان مفهوم میشود که شما محصول مال مواشی وزکوة وگمرک را بمنافع شخصی من میدهید ویا من آنرا درمعاملات شخصیهٔ خود بصرف میرسانم، کلا وحاشا هرچه که شما بحکومت خود بهر اسم ورسمی که میپردازید تماماً برای رفاه وآسوده حالی وترقیات خودتان بصورت نگهداشت عسکر وتشکیل محاکم وساختن معابر وتمدید تیلفون وتلگراف وکشیدن انهار ومعارف وامثال آن که تذکرش بطوالت میکشد بصرف رسانیده میشود، یک حبه ویک دینار آنرا اعلیحضرت بمنافع ذاتی خود بصرف نرسانیده است ونخواهد رسانید، اینک تمام مأمورین ووزرا حاضرند ودرین مورد معلومات مفصل دارند ومزید برین خداوند گواه است (وکفی بالله شهیدا) که من درزمامداری وفرمانفرمائی شما ملت یک نفسی باستراحت نکشیده‌ام ودمی بفراغت ننشسته‌ام، حبه ودیناری را از بیت المال بجز درراه ترقیات وتعالیات تان بمصارف شخصی خویش نرسانیده‌ام وبهمهٔ شما معلوم است که بسیاری از عوائد حکومت را که بانواع انواع واقسام اقسام از شما ملت گرفته میشد کاملاً موقوف کردم وتنها همان تکالیفی را که شریعت بر عالم اسلامیت مقرر داشته است واگذاردم ازینرو بسیا خساره به ثروت دولت وارد آمده اگر حالا باز برطبق این مطالبات

ناقابل قبول تان حکومت گوشش بگذارد. پس لطفاً بفرمائید که تنخواهِ عسکر و مأمورین و لوازمات و ضروریاتِ مملکت تان از کجا پرداخته خواهد شد!

لویه جرگه برزحمات واین نظریهٔ همایونی کاملاً اظهار شادمانی کنان آنرو زیرا که بدین اظهار پرداخته بود زیر زبان بانواع دلائل آورده برین مسئله که ذاتِ همایونی محافظ حقیقی بیت المال و غمخوار واقعی افغانستان بوده حبّه و دیناری را از بیت المال باخراجاتِ شخصی خود مانند دیگر سلاطین نمیرسانند مقالات و تشکّرات مزیدی گفته شد و این کردار و رفتار همایونی با دورهٔ فاروقی تطبیق داده میشد!

وکیل قطغنی در نظامنامهٔ هذا برای نفری سمت مشرقی و جنوبی در محصول مواشی مراعات اعطا شده درصورتیکه حکومت تمام افرادِ ملّت خود را بنظرِ شفقت مینگرد و ادّعای مساوات و یکرنگی را با همه افراد رعیّت دارد پس این تمایز و اختلاف درمابین دو برادر از کدام رهگذر است!

وکیل مشرقی پیشتر ازین که ذاتِ خسروانه بجواب آنرو میپرداخت برخواسته گفت که این امتیاز و شفقت حکومت بر ما مردم ازان است که ما چراگاه نداریم و هم نفوس و سکنهٔ ما بیشتر و عوائد و آمدنی ما کمتر است

[این مرد مشرقی میخواست که دیگر کلماتے ما هم درهمین اساس بیان نماید لکن حضور ملوکانه کلام او را قطع فرموده ارشاد فرمودند، ب، د].

اعلیحضرت این مراعاتے را که حکومتِ تان موقتاً با بعضی برادران سرحدی تان در اعطای محصول مواشی نموده است محض بغرض همدردی و فداکاری آنها است که بر طبق مقررات اسلامیت خود با حکومت متبوعهٔ خویش در موقع جهاد از حمل و نقل قوای عسکری و غله رسانی و بردن جبه خانه و دیگر خدماتِ دولت با حکومت معاونت نموده اند البته بعد از گذشتن آن میعاد مقرّره باز همان مساواتے را که حکومتِ تان در نظر دارد جاری داشته از تمام سکنهٔ افغانستان و سمت مشرقی و جنوبی یکسان محصول خواهد گرفت!

وکیل ترکستانی مأمورین مال شماری حمل حیوانات را نیز تحتِ شمار آورده از ما محصول میخواهند حالانکه اکثری از حمل سقط و ضایع میشود از نیز و معافی آنرا خواستاریم!

وزیر مالیه وکیل صاحب هرکدام مأموری که حمل حیوانات شما را قبل از زائیدن تحتِ حساب آورده باشد از دست او بحکومت محلّی خود عریضه بدهند شوید زیرا که در هیچ یک مادهٔ نظامنامه این قید و لفظ موجود نیست که مافی البطن مواشی نیز حساب کرده شود!

وکیل هراتی اکثرے از اهالی ایران در هنگام تابستان بخاک افغانستان و علفزارهاے حکومت متبوعهٔ ما بغرض تربیهٔ مواشی خود اقامت گزین میشوند اگر حکومت از آنها نیز بطوریکه لازم بداند و نسبتاً محصول از آنها نسبت بمحصول تبعهٔ افغانستان کمتر تحصیل شود البته فائده هاے مزیدے براے بیت المال بحصول می آید علاوه بران اگر مخصوصاً براے مالداران و این ایلاق نشینان قیمت تذکره اندکے کمتر مقرر شود همانا که تعداد آنها خواهد افزود زیرا که در سرحدات هرات بسیار چراگاه هاے خوب و سرسبزے موجود است مالداران تبعهٔ ایرانی خیلے مشغوفند که درین سرزمین آمده موقتاً در هنگام تابستان بتربیهٔ مواشی خود بپردازند فامّا اکثریّه بواسطهٔ زیادهٔ پول تذکره نمی آیند و آنانکه می آیند هم بیک اصول مرغوب از آنها باید اخذ محصول بشود !

اعلیحضرت این معروضهٔ وکیل هراتی را چون نسبتاً از گفت هایش بعید بود و اندکے نیز واضح او نیز عام فهم نبود مکرراً خواهش استماع نمود و بعد از فهمیدن این مقصد شش وزیر المالیه را امر یادداشت نویسی [illegible] را مختصراً تحریر [illegible] اینکه یادداشت گرفته [illegible] در آتیه درین معامله تدقیق کرده میشود !

وکیل بدخشانی امیدواریم که ما بعد از شمار کردن علاقه داری و مأموریت مالیهٔ مقامی در بندرهاے متعدّد، مجدّداً شمار مال مواشی درصورتیکه مالدار سند هم بدست داشته باشد بعمل نیاید زیرا در هنگام بهار که تمام رمه ها و مواشی در حرکت میباشند در جاهائیکه پل است و یا دره هاے صعب المرور اثبات وجود دارد بندرداران سر از نو بر مواشی ما علم آوری میکنند !

وکیل میمنه بلے ! این شمار و علم آوری مخصوص یکسانے است که در مواشی و رمهٔ اش نسبت بداخلهٔ سند و هیئت ظاهره رمه براے بندر دار شک دست دهد و ظاهراً بداند که مال او افزون است و یا براے او اطلاع و خبرے رسیده مشتبه باشد والّا بدون از اشتباه و علم و خبر احدے غرضدار نمیشود !

اعلیحضرت بلے ! درصورت شبهه و اخذ معلومات و یا تصدیق و تردید اطلاعات خصوصی مجدّداً شمار کردن بسیار خوب است و درست و بدون آن باید نشود و نمیشود !

[درینموقع ساعت (۱۲) بسر رسید و مجلس تا چندے براى صرف طعام و اداے صلوٰة و تفریح فسخ شده مذاکرات و یادداشت هاے باقیه بظهر گذارده شد . ب ، د]

مذاکرات

ظهر چهارشنبه

[ماقبل از پوره شدن ساعت (۲) عموم اعضاے محترم لویه جرگه دران بارگاه عالی احضار شده تماماً اخذ موقع نموده بودند ذات شوکتسمات همایونی نیز پوره بوقت موعوده انجلا افزاے دیدهٔ منتظرین گردیده بعد از سکوت قلیل ارشاد فرمودند. ب، د]

اعلیحضرت بنام خداے خود این مجلس عالی را آغاز میکنم! بحث ماقبل از چاشت در مواد بیرون نویس شدهٔ نظامنامهٔ محصول مواشی بود وتا یکجائے دران مذاکرات نیز بعمل آمده بود اکنون دیگر گفت وشنیدے دران دارید؟ یا نے؟ اگر داشته باشید بسم الله بفرمائید!

لویه جرگه ما دیگر درین نظامنامه هیچ مذاکره کردن را نمیخواهیم وتماماً او را تصدیق وجمیع موادش را بعدل وانصاف وحقانیت قرین یافته از دل وجان او را قبول داریم!

اعلیحضرت من یک نظریّه دارم ومیخواهم که او را ضمیمهٔ این نظامنامه بگردانم اینک آنرا براے شما میگویم اگر لازم بود درج میشود والّا خیر وآن اینست که بایستی محصول مال مواشی فقط در حین شمار آن گرفته شود تا راعی ورعیت از سرگردانی خلاص باشند.

[درین مواد یک مبحث بسیار طویل مفصّلے در بین ذات جهانبانی ویکنفر وکیل بدخشانی بعمل آمد واز هر طرف دلائل گفته میشد که اگر تمام آن در قید قلم آورده شود موجب طوالت کلام وملالت قارئین کرام میگردد، لهذا خلّص آن نوشته میشود، ب، د]

وکیل وقت شمار باید بعد از وقت زائیدن مواشی باشد که ماه سرطان واسد است مقرّر شود ومحصول آن بهمین ماه قوس بطوالت قسط گرفته شود!

اعلیحضرت البته وقت زای مواشی منطقه هاے سردسیر ماه ثور وسرطان است لاکن در محالات گرمسیر مواشی تقریباً در ماه حوت آغاز بوضع حمل نموده در اواخر حمل خاتمه مے یابد، لهذا میعادیکه در نظامنامه گذارده شده بحد وسط بملاحظهٔ هر دو محل مقرّر شده است!

سیّد جلال الدّین قطغنی اینکه اعلیحضرت اخذ محصول مال مواشی را در حین شمار اراده میفرمایند ابداً رعیّت متحمّل اعطای محصول

درانوقت که موقع افلاس و بی برگی است و مالداران بانواع پریشانی وسرگردانی گرفتار میباشند و سراز نوازتکالیف یخ وبرف و سرماے زمستان برامده میباشند ندارند البته وقت تحصیل و پرداخت محصول همین ماه قوس است که مالدار از فروختن مواشی خویش صاحب ثروت میباشد و هم درین مفکورهٔ همایونی درسال اوّل میبایست که مالدار دو محصول را تحویل کند یکی در ماه قوس و دیگر برا در آخر حوت که بالکل خارج ازمقدور ما عاجزان است !

اعلیحضرت این هردو عذر شما را بدلائل جواب میگویم و شما را میدانانم که اعطاے محصول درآنوقت موجب فائدهٔ شما است اینکه توهّم نمودید که درمرتبهٔ اوّل دریکسال دو محصول از ما گرفته مے شود نی! مادفعةً اخذ محصول را از یک موسم بدیگر موسم تحویل نمیدهیم طوریکه تنخواه مأمورین دولتی وعسکری را که سابق برین پیش از خدمت میگرفتند و حال بعداز خدمت براے شان داده میشود تدریجًا از ششماه به پنج و از پنج بچهار و از چهار بسه و از سه ماه بدو ماه و از دو ماه به یکماه رسانیدیم همچنین محصول مال مواشی شما را نیز از ماه قوس بتدریج تا شش سال در آخر حوت میستانیم درینصورت معلوم است که پول دولت تا شش سال یکیک ماه اضافه تر از موعد تحویل سال گذشتهٔ آن بنزد تان میماند وهم

از تکلیفات دیگر نجات مییابید . [وکیل در اوائل بدین صورت تدریج نمیدانست بعداز فهمانیدن مکرّر اعلیحضرت چون بمطلب پی بردو دانست که دولت همان پولے را که امسال از وے در ماه قوس گرفته در سال آینده در قوس نے بلکه در ماه جدی و بدیگر سال در دلو و هکذا در حوت می ستاند و برای وی ازینصورت هیچ نقصے عائد نیست بالآخر باین دلیل لاطائل و عذر لنگ از وضع این ضمیمه استنکاف ورزید، ب ، د]

سیّد جلال الدّین قطغنی اعلیحضرتا ! ما مردم کی میتوانیم که پیسه بجیب ما باشد و بران ممسکی کرده خرج نکنیم چنانچه درینموقع که از ما محصول گرفته میشود جیب هاے ما از پول پُر قد لاکن در موسم حوت و حمل و سر بهار برای گذاره و اعاشهٔ خود پریشان و سرگردان میباشیم، و مالداران مملکت ما بر خلاف دیگران از پشم و پوست و شیر مواشی خود فائده نمیگیرند حتّی ، دوشیدن بز و گوسفند را عیب میدانیم !

اعلیحضرت بسیار متأسفم که اکثرے از ملّت افغانستان در عیّاشی و اسراف پیشگی درجهٔ اوّل را احراز داشته اند اگر یکمرد روزانه صد روپیه آمدنی داشته باشد بشب حتمًا همان صد روپیه را خرج میکند و براے زندگانی آتیهٔ خود هیچ ذخیره نکرده بدیگر روز گرسنه میخوابد بسیار دیده ام که چندی یکنفر بر سمند ناز سوار بوده نارنج پلو نوش جان میکند

ودرجهٔ اوّل عیاشی واسراف را جائز شده از معیشت آتیهٔ خود، هیچ نمی سنجد بعد از چندے برخاک مذلّت افتاده بمسکنت و غربت بیسارزد !

آقا " نه باآن شوریِ شور و نه باین بی نمکی " نباید آنطور عیاشی و بی پروائی را پیشه کرد و نه بدین اندازه تکلیف ومشقّت را متحمّل باید شد وقتیکه شما ده روپیه را حاصل نمودید لطفاً یکروپیهٔ آنرا بمخارج ضروریهٔ خود بخرج رسانیده ما بقی آنرا براے روز ما بعد نگهداشته از گرم وسرد زمانه بیندیشید !

اینکه میگوئید که ما مردم از پوست و پشم و شیر و روغن وغیره حاصلات مواشی خود استفاده نمیکنیم، واین منفعت گرفتن را از مواشی خویش فیمابین خود عیب می پنداریم این مسئله بیشتر موجب تأسّف و حسرت است امروز بیگانها و ملل متمدّنهٔ دنیا کوچه بکوچه بازار ببازار وده بده موترهاے بزرگ بزرگ لاری راگرفته شبا روزی به تجسّس استخوان وشاخ و پشم وملبوسات کهنه وژولیده میگردند وآنها را جمع آوری داشته بلکه اکثریه خریداری نموده میروند وازان استفاده کرده اشیاء ساخته شدهٔ آنرا بالاے شما میفروشند وشما میگوئید که از پشم وشیر و پوستِ مواشی خود که شرعاً و عادتاً و اصطلاحاً جائز است فائده گرفتن را عیب می پنداریم !

خوب این بحث صرف بر چیزے بود که هنوز در نظامنامه داخل نشده است وخیال ادخال آن بطور ضمیمه شده بود اکنون که شما جدّاً برخلاف آن دلائل لاطائلے را بیان میدارید و بمنفعت خود نمیدانید، اینک من ازان گذشتم !

لویه جرگه اگرچه بتائید و تردید این وکیل وطنی هیچ نگفتند فامّا از وضع شان چنان مستفاد میشد که با وکیل مزبور موافقت دارند ازینرو چون ذات همایونی ازان نظریهٔ خود صرف نظر فرمودند از تمام شان یک آثار بشاشت دیده شد !

وکیل ترکستانی بعرض رسانید که از مالداران مملکت ما بعوض زکوة قره قلی پوست تحصیل میشود وازباقی مواشی ما یان حسب معمول محصول گرفته میشود، اگر بعوض پوست کاملاً از ما محصول گرفته شود بهتر خواهد شد !

وزیر مالیه بدلائل در اخذ پول خسارهٔ دولت و نقص بیت المال را ثابت کنان بیان داشت که اعلیحضرت غازی در تعداد پوست قره قلی نظر با زمنهٔ سابق که شما اهالی میدادید بسیار تخفیف را محض تسهیل وآرامی شما اهالی فرموده است اگر شما علاوه بران هم خساره را بدولت وارد نمائید معلوم است

که شما تنها منافع شخصی خود ها را تحت نظر داشته از منفعت دولت و مملکت صرف نظر مینمائید !

وکیل اگر قیمت پوست قره قلی از ما گرفته شود و یا وجه محصول اموال مواشی را نیز از ما پوست بازیافت دارند، بهتر خواهد شد !

وکیل برخواسته بعد از بیانیهٔ طویلی این قرارداد مقررهٔ حکومت را که از قره قلی پوست و از مواشی محصول می ستانند مفید و سود مند نشانداده تغیّر و تبدّل آنرا موجب تکلیف طرفین ثابت کرد !

لویه جرگه مخصوصاً نفری ترکستان بر همان قرارداد ماضیهٔ خود اظهار رضامندی نموده از ان نظریهٔ وکیل ترکستانی صرف نظر نموده منظوری همان طریقهٔ سابقه را بعرض رسانیدند !

اعلیحضرت

(صلاح ما همه آنست کان صلاح شماست)

* *

*

نظامنامهٔ للمی و مالیّه

[بعد از اینکه نظریّه و اعتراضات لویه جرگه نسبت بنظامنامهٔ محصول مال مواشی بپایان رسید و تماماً اظهار داشتند که درست است و ما دیگر دران هیچ نوع گفت و شنید نداریم نوبت بخواندن نظامنامهٔ للمی و مالیه رسید، منشی مجلس نظامنامهٔ مزبور را بفصاحت میخواند و رئیس صاحب شورای دولت حضار را بیادداشت نویسی یاددهانی میکرد تا اینکه نظامنامهٔ موصوف سراپا خوانده شد و در اثر آن نسبت بندرجات نظامنامه از هیچ رهگذر اعتراض و تردید و تنقیدی بعمل نیامد فامّا عرائض شخصی از چند نفر و از چند گوشه تقدیم شده در نتیجهٔ تصفیهٔ گذارشات آنها محوّل بوزارت مالیه و مأموریتهای محلّی مالیات و حکومتی شان قاعدتاً گردید درین ضمن نسبتاً گفت و شنید زیادی را وکلای محترم هرات و قندهار برپا داشته دلائل و براهین و مذاکرات مزیدی در بین آنها و اعضای وزارت مالیه و مستوفی کابل و رئیس تنظیمیهٔ

قندهار ردوبدل شده که قلم عاجزانهٔ ما هرچند بیادداشت نویسی این مقال سرعت و چالاکی را بخرج داده باز هم نتوانسته که حاصل مذاکرات و خلاصهٔ گذارشات این گفت و گوئی را گرفته میتوانست بالجمله مردم قندهار از تسعیر حاضرهٔ مالیات جنسی خودها که بنقدی تحویل یافته است شکایت داشتند و عدهٔ از قلّت آب بیآبی میکردند و چندے از تجاوز مأمورین مالیّه شکایت داشتند و مردم هرات میگفتند که تاحال بر طبق نظامنامه از ما تحصیل مالیّه نشده همان طرز قدیم جاری است، مردم قندهار از تسعیر حاضره نقصان و پریشانی خود را حکایه میکردند و از طرف وزارت مالیّه جواب تسلّی بخش و تشفّی ده برای شان داده میشد مردم قندهار را جناب سردار عبدالعزیز خان رئیس تنظیمیّهٔ شان بدلائل مُسکِتَه در معروضهٔ شان ملامت و متجاوز نشان داد علاوه بران ذات شاهانه او شانرا اطمینان و تسلّی داده گفت در موقعیکه با شما این قرارداد شده بود نظر به نرخ آنوقت بهمراه تان تسعیر درست کرده شده بود چنانچه تا دو سالیکه نرخ گران بود احدے از شما شکایت از تسعیر نکرد، امسال که نرخ غلّه ارزان شده و شما ازان تسعیریکه برضا و رغبت خود با حکومت نموده اید و مقاوله نامه هاے تان بوزارت مالیّه موجود است شکایت میکنید محض رفاه حال شما وزارت مالیه را تاکید میکنم که با شما نرخ درست و تسعیر را حسب دلخواه تان درین سال

مقرّر دارد و نفری هرات را آقاے محمّد سرور خان مدیر محاسبه در معروضهٔ شان حق بجانب گفته علاوه بر تسلّیت دهی همایونی وزیر صاحب مالیّه وعده داد که سررشتهٔ بر اصل شانرا اِعمال نماید درین روز نطقے را که فیض محمّد خان وکیل سمت شمالی و عبدالرّحمن خان رئیس مرکه دپښتو و محمّد اکرم خان مدیر مأمورین وزارت معارف و آقاے عبدالعزیز خان مستوفی صاحب کابل ایراد داشته اند نیز قابل دقت است، ایکاش اگر نوتهٔ آنهارا بدست میداشتیم تا درینجا جهة تذکر ناظرین قلمبند میشد. ب، د]

اعلیحضرت بعد از اینکه عموم معروضین قانع شدند و این گفت و شنید و نطق ها و اظهار خیالات خاتمه یافت اعلیحضرت همایونی جرگه را مخاطب کنان فرمودند :- که بحث ما صرف در مواد نظامنامه است لهذا میگوییم که آیا در مندرجات این نظامنامه اعتراضے دارید !

لویه جرگه نے ! نے ! مندرجات و مقررات نظامنامه سراپا منصفانه و حقّانه است ما بران اعتراض و تنقیدے نداریم !

اعلیحضرت اشخاصیکه یکی بعد دیگرے بعد از اختتام این نظامنامه عرائض نمودند تمام عرائض شان شخصی است که یکی از آنها نه تنها بمن بلکه بوزارت مالیّه نیز تعلّق ندارد بایستی این معروضات خودها را بنزد حکّام و مأمورین مالیات محلّی تان بنمائید تا آنها بغور رسی تان بپردازند

اگر آنها نشنیده‌اند بسلسلهٔ مراتب بوزارت مالیّه عریضه پرداز شوید اگر وزارت هم بعرض تان التفاتی نکرد من حاضرم که اینچنین عرائض را ذاتاً بشنوم شاغاسی حضورم شبا روزی اینچنین اشخاص را انتظار میکشد والّا اگر من هم چنین عرائض هر فرد را بشنوم ظاهر است با اینکه من خودم را شب و روز بدین کار وقف کنم و از جملهٔ مهمّات سلطنتی و امورات ضروریهٔ دولتی صرف نظر نمایم باز هم معلوم است که من مانده شده بستوه خواهم آمد و عشرے از اعشار اینچنین عرائض تان را شنیده نخواهم توانست !

لویه جرگه الحق که شنیدن امثال این گذارشات کار ملوکانه نیست بایستی این عارضین که بفحوای «صَاحِبُ الْغَرَضِ مَجْنُون» دیوانه وار باینچنین عرائض مبادرت میکنند بمحلات آن مراجعت کنند و بسلسلهٔ مراتب در صورت عدم اجرای آن خود ها را بحضور مرحمت نشور برسانند !

اعلیحضرت خیر ! محض خاطر شما وزارت مالیّه را تاکید میکنم که در عرائض شما دقت و توجّه مزیدے را بخرج بدهد و تا بتواند در دفع شکایت تان بکوشد حالا اگر در نفس نظامنامه اعتراض دارید مهربانی کرده بگوئید والّا نه بدیگر کار آغاز کنید که وقت ضایع میشود !

لویه جرگه قبلاً بعرض رسانیدیم که در نظامنامه‌های فوق هیچ گفتنی نداریم، درین عرائضیکه کرده شد ظاهراً تمام آن شخصی بود ازین دلسوزی همایونی که وزارت مالیّه را باستماع آن عرائض تاکید و سفارش نمودند اظهار بسیار بسیار شادمانی و مسرّت نموده بدعاگوئی‌های تان افزوده آرزومندیم که دیگر کدام نظامنامه خوانده شود

[قرار همین وعده و مراحم ملوکانه وزارت مالیّه ما قبل از حرکت نفری جرگه در ازالهٔ شکایت اهالی هرات و تسعیر قندهار بذل مساعی نموده باندازهٔ در غور رسی آنها کوشید که آنها را مسرور واپس فرستاد. ب، د]

* *

*

نظامنامهٔ
نفوس

[بعد از اتمام این مذاکرات منشی مجلس آغاز بقرائت نظامنامهٔ نفوس کرده حضار بیادداشت نویسی بعضے گذارشات واعتراضات خود میپرداختند بعد از ختم نظامنامه اعلیحضرت همایونی برپا خواسته نطق نهایت مفصّل ودلچسپ از جدرقت آور غرائی را ایراد فرمودند که با مطالب عمدهٔ آنرا تا جائیکه بیاد داریم در ذیل مینویسیم. ب، د]

اعلیحضرت خدمت نظامی یک خدمت بسیار بزرگ و مقدّس است، زیرا که عسکر براے تحفظ دین و ملّت و مملکت ونگهداشت شرف و ناموس شما سربازی میکند! عسکر است که براے بدست آوردن وحصول حقوق سیاسی واقتصادی وسائر منافع ملّی ودولتی تا این از دشمنان خارجه وداخله قطرات خون خود را نثار میکند کسانیکه در خدمات نظام گرانجانی میکنند ویا ازان پهلو تهی مینمایند قرار عقیدهٔ مذهبی ومقرّرات دینی عالم اسلامی گویا از جنّت مے گریزد،

(اَلْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ) ای ملّت عزیزم حکومت ابداً از وزیر ووکیل تشکیل نمے یابد حکومت را حکومت حقیقی بریق ولمعان سرنیزه هاسے نماید!

اگر شما بگوئید که تعلیمات عسکری براے عموم ملّت افغانی لازم نیست درین خیال خود، شما سهو کرده اید زیرا درصورتیکه شما از مسائل جنگ و استعمال اسلحهٔ موجوده وآلات رقم جدیده معلومات نداشته باشید نه تنها بمقابل دشمنان خویش خجالت ومنفعل میشوید بلکه هرچند شجاع ودلیر ووطنخواه باشید باز هم بقوای ناریّه واسلحه ممکن نیست که تا چندے مقابله کنید ومغلوب وپریشان نشوید!

اکثرے از رجال ملّت ما میگویند که "ما بار بار دشمنان خود را خوار وزبون نموده بیک حالت زار از مملکت خود بیرون کشیده ایم واگر باز خدا ناخواسته همچنین دست تطاول اغیار بر مملکت ما دراز شود همانا که مکرّراً بکیفر کردار رسانیده خواهند شد"! بلے! آقا قول ودعوی شما درست است امّا وا اسفا آن وقائع را کاملاً فراموش خاطر نموده اید که بار بار دشمنان تانرا بحالت زبون وزار نه یکبار ودوبار بلکه بارها بالتّکرار بر پشت افگنده بر سینهٔ او نشسته اید لاکن بجاے اینکه این فرصت را غنیمت شمرده مدّعی را دفعتاً بکیفر کردارش رسانیده حوالهٔ دارالبوار

وتحویل تان میشود، چون از تعلیمات نظامی و اصول عسکری و امورات حربی بیخبر بودید برین ضعف موهومهٔ دشمن فریفته شده او را گذارده در عقب غلّه و دیگر حوائج معمولهٔ خود رهسپار مقامات خود گردیده اید دشمن ازین مساهله و نادانی تان دران موقعیکه بایستی نام و نشانی ازو نمی بود بمقابلهٔ تان کامیاب شده از دست تان زنده جانبر شده است!

دیگر اینکه آیا شما دشمن خود ها را در کدامین موقع مغلوب و منهزم نموده اید؟ آیا شما بروی تعرض برده اید و یا عدوی تانرا و خاک خود عقب نشانده اید؟ و یا اینکه دشمن داخل خاک پاک مملکت عزیز تان گردیده مقامات مهم را از نزد شما تحت تصرّف آورده است و بعد بمال و ناموس و جان و آئین و دین تان دست تعصب پرستش را دراز کرده است شما بمقابلهٔ مشتیکه ازو سی برپشت خورده اید بالمقابل نکرده تانرا بر سرش حواله کرده اید؟

دیگر اینکه خود تان دعوی دارید که ما «باربار دشمن را مغلوب و مقهور و مخذول کرده ایم» آقا در نتیجه این شکست و انهزامی که بارها بدشمن داده اید، آیا کدام بالشت خاکش را هم تحت تصرّف آورده اید و یا چیزی فائدهٔ مادی و معنوی را هم حائز شده اید؟ بالآخر یکسره و قشلاق مقامی را از جملهٔ آن ایالات و ولایاتی که

دشمنان از شما یکی بعد از دیگری گرفته تحت تصرف مغصوبهٔ خویش آورده اند هم گرفته اید و یا صرف همین قدر کرده اید که دشمن را از گلیم و فرش زیر پای و از خانه و کوچهٔ خود درحالیکه در دل و جان و جگر تان پا نهاده چشمهای تان را کور مینمود بیرون کشیده اید وبس؟!

این استقلال را خداوند بفضل و عنایت خود عطا کرده و باز در عالم اسباب از تشویقات و ترغیبات من عاجز، شما او را نائل آمده اید والّا نه شما ازین مسئله خبر بودید و نه زمامداران سابق، بنا بر فوائد ذاتی و عوائد شخصیِ خود شما اطلاع این امر را میداد که افغانستان زیر حمایهٔ انگلیس است، اگر خداوند سلطنت را بمن عاجز ارزانی نمیکرد اغلبًا این زهر قاتل را ملّت مظلوم ما تا پنجاه سال دیگر نیز بتو هم نوشدارو تناول میکردند؛ بعد از اینکه اثراتِ اغیار در عروق و شرائین شان کارگر میشد باز اگرچه خبردار میشدند امّا آن اطلاع مانند جوز زیر کوتل سودی نه بخشیده همه سعی و کوشش و مساعی که در راه استخلاصِ خود میکردیم بفحوای "مشتیکه بعد از جنگ بیاد آید بکلّهٔ خود باید زد" کارگر نمیشد!

ملّت عزیزم! دشمنان ما و شما بخوبی میدانند و میفهمند و تجربه های سابقه و اوراق مجلی تاریخیّه بدانها یاد دهانی میکند که ملّت افغانرا ما بزور سر نیزه و قوای نظامی خود مرعوب و مغلوب کرده

نمیتوانیم، ازینرو من بعد ازین هر کوشش وسعی که داشته باشند از رهگذر سیاست ودسیسه ونفاق افگنی وشقاق آفرینی و تولید مشکلات وموانعات براے ترقیات حکومت وملت وسلطنت ما کار میگیرند، لهذا لازم آمد که براے اندفاع این مشکلات وارتفاع این موانع قوای بسیار منتظم ومکمل وماهر بفنون حاضرهٔ حرب براے هر وقت وهر زمان حاضر وآماده داشته باشیم، ودشمن بر ملا نمیتواند که با ما وشما مقابل بشود، هرچه که بخواهد به علیه ما زیر جال سیاست وپرده هاے مخادعت کردنی است، پس باید ما هم براى سد باب سیاست ودفع خیانت شان سرنیزه های بسیار درخشان شجاعت وشمشیرهای بیشمار جسارت بنیان حماست را حاضر وآماده داشته باشیم!

اندکے تأمل کنید ودقت را بکار برید از زمانیکه شما ملت افغانستان بخدمات نظامی وعالم عسکری دلچسپی خود تا نزاد در تناقص گذاشته بنظام اندک اندک داخل میشوید از همان روز رقبهٔ وسعت افغانستان روز بروز کاسته شده سرحدات و مواضع مدافعهٔ او کسب زیادت واتساع نموده میرود، فکر کنید، بدین اندازه هنگفت سرحداتی که افغانستان با دول همجوار خود دارد

محض براے تحفظ آن بدون عملیات جارحانه چقدر عسکر لزوم دارد و باز در مورد محاربه درین نقاط بکدام پیمانه سرباز در کار است!

امروز کم از کم براے افغانستان بودن پنج لک نفر سرباز مسلح در کار است اگر حکومت این عسکر را بطور خوش رضا بگیرد و باز در تکمیل لوازمات وضروریات آن براید معلوم است که خزینهٔ دولت متحمل آن حسب خاطر خواه شده نمیتواند حتے اگر همین یک لک سربازے را که فعلاً ما وشما وجود آنرا در همه حال بدولت ضروری میدانیم بطور خوشس رضا بگیریم کم از کم چهل روپیه ماهانه فراهم خواهند شد بدیهی است که اداره نمودن همین نفری بدین مخارج گزاف نیز خالی از اشکال نیست، پس لازم آمد که افغانستان نیز همان طریقهٔ را که امروزه روز در تمام دول عالم وملل بنی آدم در استجلاب سربازان مروج ومعمول است بکار برد [که ما بدان نظام وجوبی وجهاد اسلامی نام میگذاریم ودیگران اورا نظام اجباری میخوانند، ب، د] چنانچه امروز دولت معظمهٔ ترکیه بهمین اصول عسکر دارد وملت جرمن نیز براے احضار عسکر همین طریقه را مرعی میدارد ودیگر دولتهاے کوچک که ملت شان اندک است نیز همین مسلک را تعقیب میکنند! فوائد اخذ عسکر بدین اصول حسب ترتیب و نوبت بسیار است منجمله آن قلت مخارج دولت ونظامی شدن تمام ملت است

که حسب موقع ولزوم دفعتاً حکومت میتواند که تمام ملّت خود را تحتِ سلاح آورده وبا دشمن بجنگند !

چنانکه بهمهٔ شما معلوم است که درین نزدیکیها دومراتبه حکومتِ تان ازین اصول مفید مستفید گشته است واز تمام ملّتِ همدرد وشجاع خود که قبلاً تعلیمات نظامی خود ها را حسب قرعه ونوبت خود تکمیل کرده بخانه های خود رفته بودند ، اردو هاے منتظم وفرقه هاے مکملے را تنظیم وترتیب داد (اوّل) درمحاربهٔ استقلال سنه ۱۲۹۷ (دوّم) درواقعهٔ حاضرهٔ سمت جنوبی ! واگر همین اصول نفوس اززمان سابق والی الآن درافغانستان ترویج نمی یافت وعموم ملّت بتعلیمات نظامی کسب معلومات نمی نمودند پس آیا درین محاربات همان ملت باز درعقب غله یا درپس سرپرستی عائله ویا بمتابعت فلان ملک وفلان خان نمیرفتند ومفت ورایگان حریف خود را برخود غالب وکامیاب نمی نمودند ، مردیکه باصول عسکری آشنا شود ودرتعلیمات آن فهمیده ودانا باشد خودش کے درموقع محاربه وخبرورود خصم بخاک مملکتش میتواند که بخانه بنشیند وبنظام شامل نشدهٔ خدمتے را انجام ندهد ، بالعکس مرد نابلد وبی تجربه باینکه قرار اوامر شریعت واسلامیّت ووجدان خود درمحاذ جنگ شامل شود بعد از کث قلیل درعقب عائله وفامیل خود رفته میدانرا خالی میگذارد !

تاحال درنظام بعضے تعلیمات غیر مفید بوده براے ترفیهٔ حیات آتیه وآرامی وآسودگی آیندهٔ نظام چیزے سنجیده نشده بود ازینرو اکثرے از عسکر بعد ازاینکه میعاد خدمت شانرا تکمیل مینمودند بخانهٔ خود رفته بیکار وبیکسب ومعطّل میماندند اکنون درنظر داریم که تعلیمات غیر مفید مانند اجه پک ، تندی پک ، زیرزو وغیره اشیائے راموقوف داشته صرف تمام تعلیم نظامی راموقوف به نشان زدن وشجاعت تحویل وتبدیل داده بعوض آن تعلیمات مفیدهٔ دیگر مانند اصول زراعت ، طریق اکتساب عسل اززنبور ، صورت گرفتن ابریشم ازتخم پیله ، ویا دگرفتن خواندن ونوشتن رابطرز جدید ، وامثال آن براے عسکر درمدّت اقامتِ شان درقشلهٔ عسکری نشانداده میشود تا بعد ازاختتام موعد خدمت خود نه تنها صاحب کمال ودانسته باشند بلکه نمونهٔ خوب واستاد مرغوب اهل قریهٔ خود درین اصولها بوده باشند !

چنانچه فعلاً ما این اصول را درقطعهٔ ارگ ترویج داده ایم ؟ اگر خواهشمند باشید اینک یکنفر سپاهی را ازمیان این سپاهیان که حاضرند خواسته ازوی درخواندن ونوشتن سوال کنید !

خلص اینکه اصولے را که حکومت سابقه وحاضرهٔ تان دراخذ عسکر از افراد ملّت گذارده است بسیار خوب ووجود آن ازحد ضروری !

ضرور بایستی که از تمام افراد ملّت بدون استثنای خان و ملک و کد خدا وغریب از عمر (۲۲) ساله الیٰ (۲۷) ساله، اگر ضرورت افتاد بالاتر از آن تامیعاد معیّنه داخل سلک عسکری شده بعد از تکمیل میعاد خدمتِ خود واپس بخانهٔ خود مراجعت کرده عوض او دیگرے جلب میشود اصول و قواعدیکه براے اشخاص بیکس ومعیوب ومفرور وغیره گذارده شده سراسر مبنی بر انصاف است، من عاجز فکریکه داشتم وکوششے که اززمان شهزادگیِ خود الی الآن در اصلاحات نفوس نموده ام همین است که بصورت موجوده جریان دارد زیراکه درموقع ضرورت تمام ملّت ما عسکری شده درمیدان محاربه مانند ترکیه وجرمنی و دیگر دولیکه این اصول را تعقیب میکنند حاضر شده کار میکنند اگر شما حضار لویه جرگه این اصول را قبولدارید خوب والاّ اگر کدام طریقه و اصولے بهتر ازین بنظر دارید نیز بفرمائید تا در اندقت کرده شود !

لویه جرگه تماماً ازین اظهارات وبیانات هدایت آیاتِ شاهانه در تحت چنان یک تاثیر ورقتے آمده بودند که کشیدن مرقع آنحالت شان از قوهٔ قلمی ما خارج است بهرتقدیر بعد اختتام کلام شاهانه یکی از میان برخواسته بعرض رسانید اعلیحضرتا ! باندازهٔ که کلام هدایت التیام تان موجب خوشنودی ومسرّت لویه جرگه گردید بهمان درجه

بلکه بیشتر وافزونتر از ان این طوالت تقریر شاهانه وکلمات تعریضهٔ ملوکانه موجب انفعال وخجالت ماایان گردیده است زیراکه هرکدام ما درراه خدمات اسلامیت وملّت ومملکت وشخصی اعلیحضرت سر، جان، مال، ناموس، ثروت دولت، هستی خودها را قلباً وصدقاً فدا میکنیم وهرکدامی از ما براے خدمت نظامی که درحقیقت اقامهٔ جهاد (فی سبیل الله) وخدمت درراه اعلاے کلمة الله است حاضر ومهیّا بوده دران امور بیشتر ازین بیانات گهرآیات ملوکانه معلومات داریم وهرکدام ما بهرنوع خدمت وتکلیفے که ذات جهانبانی ارشاد فرمایند الساعه ودرهمین دقیقه حاضر وآماده ایم حالانکه از سیاق کلام خسروانه اکثرے از اشخاص ظاهربین واین مأمورین دولت که بمقابل ما نشسته اند چنان توهم نموده خواهند بود که ملّت افغانستان اغلباً از خدمت نظامی سرکشی دارند ودراعطاے سرباز تعلل وبهانه جوئی همی نمایند که ذات شوکتسمات خسروانه بدین اندازه کلام خود را مبسوط ومشروح فرمودند دراثر این کلام ازطرف عموم لویه جرگه نیز همچنین کلماتِ گله آمیزے ایراد واظهار گرمجوشی هاے شدید وفداکاریهاے مزید درخدمات نظامی کرده میشد نطق وبیانات هرکدامی ازآنها باوازهاے تکبیر وتهلیل یک غلغله را برپا کرده تقدیر وتحسین میشد تا اینکه ذات جهانبانی تکراراً قطع کلام شانرا نموده فرمودند !

اعلیحضرت کلّا و حاشا! من ابداً این کلمات را تعریضاً و شکایةً نگفته‌ام بلکه مقصدم ازین بیانات صرف مزید اهمیّت عسکر و لزوم نظام را بدین اصول حاضره داناندن و ذهن نشین نمودن تان بود و بس، زیرا خودم میدانم که ملّت شجاع افغانستان طبعاً جهاد را دوست دارند و خدمت نظامی را عیناً اعلاء کلمة اللّه انگارند و از اعطای نظام و تحمّل همه گونه تکالیف آن بقدر یکسر مو تخلف و تجاوز نمی نمایند، و این اساسی را که حکومت مقرر داشته است تماماً بنظر قبول مینگرند غرض و مقصودم اینست که شمایان مواد اساسی نظامنامهٔ نفوس را تماماً بکمال شوق قبول دارید آیا فروع او را نیز همچنان تائید میکنید و یا دران چیزی بحث کردن را آرزو داشته میخواهید که آن فروع بکدام طرز دیگر مقرر شود!

لویه جرگه ازین اظهار مجدّدهٔ شاهانه تماماً اظهار شادمانی کنان از طرف عموم کلمات دعائیه و اظهار گرمجوشی و فداکاری و آمادگی عموم ملّت افغانی برای خدمات نظامی و همه گونه اوامر اعلیحضرت غازی ایراد گشته کلمات هر کدامی از آنها با آوازهای تکبیر و تهلیل تائید و تقدیر شده بالآخر باز ذات ملوکانه فرمودند!

اعلیحضرت مقصد از انعقاد این مجلس عالی ایراد نطق و خواندن ادعیه نیست

من از تمام شما ممنونم و احساسات محبّت کارانهٔ تان را نسبت بخود خوبتر میدانم تا بتوانید در موضوع مذاکرات خود مانده از مطلب بیرون نروید و یک آن بیشتر افکار و نظریات خود تان را نسبت بفقرهای مبحوث فیه اظهار نمائید! مقصد این است که لویه جرگه نسبت بنظامنامهٔ نفوس تنقید و تعدیل را در نظر دارد یا نی؟

وکیل قندهاری اعلیحضرتا! چنانچه مکرّراً اظهار نموده ایم مال، جان، ناموس هستی ما تماماً فدایت باد! نظامنامهٔ را که در مسئلهٔ نفوس ترتیب و انتشار داده جریان آنرا در تمام افغانستان امر و اراده فرموده اید، نهایت منصفانه و حقانه است، لکن اگر بالفعل ذات شاهانه صرف از ما قندهاریان نظام قومی را منظور فرمایند همانا بیشتر اسباب ممنونیت ما رعایای صادقهٔ قندهاری خود را فراهم میاورند و زیاده تر برین ما را در مواقع خدمت، صادق و راست باز و فداکار خواهید نمود!

وکلای قندهار عدهٔ از وکلای قندهار بعد از ختم کلام فوق برپا شده هر کدام شان حسب نوبه برین نظریه که اخذ نظام باصول قومی باشد بیان دلائل و اظهارات مینمودند!

[درین محل مخصوصاً از طرف وکلای قندهار بسیار دلائل و التجا

نسبت بمنظوری نظام قومی معروض شد که تحریر تمام آن بتطویل میانجامد اما اعلیحضرت غازی بدلائل ظاهره و اقوال باهره و نظریات خویش که بشمهٔ از ان ما در ذیل میپردازیم آنها را تسلیت و تشفی داده مضرات عسکر قومی را بد آنها بخوبی دانانند. ب، د] .

اعلیحضرت

ملت عزیزم! مرا شما خیرخود میدانید! اساسی را که من برای منفعت شما طرح نموده یا مینمایم هرگز از فائدهٔ شما خالی نمیباشد، در اصول قومی بدیهی است که صاحبان غرض و دشمنان و خائنین اسلام اسباب نفاق و موجبات شقاق را بین شما تولید میکنند علاوه بران در وقتیکه عسکر در ملک باصول قومی حواله شود ملک و خوانین و صاحبان رسوخ از نادانی و اغراض پسندی خود فرزندان و برادران و عزیزان حتی آشنایان خود را بهر ذریعهٔ ممکنه که باشد از خدمت عسکری باز میدارند، عدهٔ پول میدهند، بعضی خود را در زمرهٔ سادات میشمارند و اشخاصی خود ها را در جمع علما محسوب میکنند، مقصد که بهزار حیله و بهانه خود را از نظام فارغ و ملت مظلوم و اشخاص عاجز و بی سبب و وسیله را در عسکر داخل میکنند و همین اشخاص بر قانون حقیقی عدل و مساوات بنا بر منافع شخصی خود خط بطلان کشیده برای ملت عاجز و حکومت ازین اغراض پسندی خود مشکلات را تولید مینمایند، از طرف دیگر

خدمتی که از عموم نظام گرفته میشود از نظام قومی بعمل نمی آید، زیرا در سلک با شرف عسکری مانند شجاعت، اطاعت و فرمان برداری آمر ما فوق نیز حتمی و لزومی است، در صورتیکه یکدستهٔ نظامی قومی باشد کدام یک منصبدار حسب دلخواه از وی کار گرفته میتواند ....

شخصیکه در بارهٔ قبولیت نظام قومی اصرار کند و یا این عرض را با لتکرار تذکار نماید نه تنها تنِ من بلکه عموم حضار را و رانظر بدین تلمیحاتیکه در فوق کرده شد صاحب غرض می پنداریم، بلی! اگر عموم ملت و طبقهٔ رنجبر و عاجزان مملکت حاضر شده رضاو تن دهی خود ها را درین طریقهٔ قومی اظهار کنند دولت نیز باستماع این عرض آنها حاضر است مگر من و کالتاً از طرف آنانیکه صدا و ندای آنها تا بحکومت رسیده نمیتواند و طبعاً تحت نفوذ و سلطهٔ خوانین و ملکان و کلان شوندگان خودغرض منفعت پسند بوده بر خلاف میل و رضای آنها گام بر نمیدارند و آب و طعام تناول نمیکنند، میگویم که اصول پاک و بی آلایش که دران هیچیک نوع دست بازی و رشوت خوری بعمل نمی آید همین اصول اخذ عسکری است بقرعه و بدون ازین اصول ابداً ممکن نیست که بار اندازی نشود، آیا شما بخاطر ندارید که در زمانهٔ سابق همین رسالهٔ شاهی که باصول قومی بر شما مردم قندهاری حواله شده بود تمام سکنهٔ آنجا را بفغان نیاورده بود؟ و تا آنکه حکومت بقوهٔ

اجرائیهٔ خود آن مقصد را پیش نبرد در جمع آوری آن شما دوچار مشکلات وپریشانی نشده بودید ؟

سردار عبدالعزیز خان رئیس تنظیمیهٔ قندهار در موضع دست اندازیها و بار افگنی ها و رشوه خوریها و مطالبیکه در اصول قومی در بین همین نفری قندهار که فعلاً بازخواهش جریان آنرا مینمودند، شده بود وحضرت ریاست پناهی آنرا بالرأس والعین مشاهده کرده معلومات داشت یک بیانیهٔ مفصلے را ایراد داشته اشباه ونظائر وامثال آنرا برائے وکلائے حاضره وهمین مدّعیان موجودهٔ اصول قومی ایراد کرده آنهارا از مزید تعقیب این اصولِ غیر موزون بدلائل وبراهین مانع شده ضمناً بدانها گفت:- که من شما وکلارا از اظهار افکار وبیان نظریات وعرائض تان مانع نمیشوم مگر اینقدر بشما میگویم که شما از جریان اصول قومی، ملّت عاجز خود را تباه میکنید چنانچه باکثرے از شما وکلا معلوم است که پارسال چند نفر اعزّهٔ شما از یکنفر بیوه زنِ عاجز چند صد روپیه را در بدل یکنفر قومی خواستار شده بودند، آن مظلومه در یک عالم آه وناله وفغان بنزدم حاضر شده تا اینکه اورا ازین بار اندازیٔ شما نجات دادم وبرمثل آن چندین نفر عاجز وپیروسکین ومعیوب بنزدم عریضه پرداز شده اند، آیا شما تاوان اسلحه وجرم غیر حاضری قومی را بر تمام افراد ملّتِ خود حواله نکرده اید ؟

وکیل قندهار کلماتِ منصفانه را ایراد کنان بعرض رسانید الحق که در اصول قومی با اینکه ما اعزّه واکابر سودمند وخوشوقتیم، لکن مردم غریب وعاجز وعموم ملّت بهمین طریقهٔ مرضیهٔ شاهانه که در نظامنامهٔ نفوس توضیح شده است رضامند ودعاگویند تاهم ازروی لطف تنها اگر عوض هم از اشخاص معذور پذیرفته شود واندکی در بدل عسکری نیز تقلیل شود چقدر خوب خواهد شد !

ملک جیلانی چپرهاری اعلیحضرتا ! زن وفرزند، مال وهستی ما در راه خدمت اسلام ومملکت فداست نظامات وقوانین که شما برای رفاه مایان تدوین داده اید اسباب راحت وممنونیت ماست مخصوصاً از روزیکه نظامنامهٔ نفوس سرِ کار شده چه آرامی است که برای ملّت صادقت بهم رسیده وچه دعاگوئیهائے است که برائے ذاتِ ستوده صفاتت از هرگوشه وکنار نذر نشده است ونمیشود فاما اگر در خوبی وعمدگی آن فقط در تقلیل بدل عسکری تا اندازهٔ که طبقهٔ عوام متحمّل شده بتواند وقبولیت عوض اشخاصیکه خودشان ذاتاً بنابر معذوریت ویا مجبوریت شرف ومفخرت سلک عسکری را نائل شده نمیتوانند . بیفزائید بیشتر وخوبتر وازحد افزونتر از مکارم اخلاق ومراحم واشفاق تان ممنون ومتشکر مےشویم !

عموم نمایندگان سمت مشرقی

بتائید این قول مؤدبانه تمام وکلا و نمایندگان سمت مشرقی برپا شده با لفاظ درست و عبارات چست، شرف و عزت خدمت عسکری ولزوم آنرا برای تمام عالم اسلامی عموماً و برای ملت افغانی که دانه وار درمیان دو سنگ طاحونه افتاده است خصوصاً از حد ضروری وحتمی نشانداده هریک شان ضمناً از قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری را بر طبق مقولهٔ ملک جیلانی چیرهاری بحث رانده کلمات هرکدام شان به تکبیر و کف زدنهای شادمانی تائید میشد!

[درین مفکوره نه تنها وکلای سمت مشرقی و قندهاری بلکه عموم وکلای افغانستان حصه گرفته تماماً در تقلیل بدل عسکری و قبولیت آن، عرائض والتجا مینمودند، از طرف ذات همایونی نسبت بازدیاد بدل عسکری و موقوفی عوض، اسباب و علل بسیاری ایراد و کلمات زیاد گفته شد که ما از جملهٔ آن بعضی مطالب خوب آنرا در ذیل اقتباس میکنیم. ب، د]

اعلیحضرت مقصد از زیاد بدل عسکری از سه صد روپیه الی هفتصد و چند روپیه جمع آوری ثروت و پول نبوده و نمیباشد تنها میخواستم تا مردم ازین خدمت سراپا شرف پر مفخرت بواسطهٔ تحویل نمودن پول، خودها را محروم و خلاص ننمایند، حتماً در نظام داخل شده، بعد از فراغ تعلیم

واپس بمقامات خود عودت کند تا در موقع لزوم و در حین محاربه چنانچه گفته شد عموم ملت ما از فنون نظامی و امور حربی کاملاً مستحضر بوده خار چشم دشمنان و سد آهنین بمقابل خواهشات اعدای مملکت شان افغانستان بوده باشند، زیرا ما ابداً دشمنان خود را بواسطهٔ ثروت و هستی خود عقب نشانده نمیتوانیم، حتی اگر ما تمام پول سیاه خود را جمع کرده بر آنها بفگنیم اوشان متأثر نخواهند شد و اگر آنها (لاقدرالله) اراده کنند که ما یا نرا بزیر یک کوه طلا بکنند البته برای شان آسان است و سهل چیزیکه دشمنان مارا ناکامیاب و مقاصد سراپا مفاسد اوشانرا خراب میکند همانا حب اسلامی و قوهٔ عسکری و شجاعت و دلیری ملت افغانی است!

علت موقوفی عوض ازانست از تجربه های چندین ساله که این عاجز از زمان شهزادگی خود که این کارها دران ایام هم بمن محول بود اسلاً الآن نموده ام خوب دیدم و سنجیدم که از عوض هیچیک فائده نه برای اصل و نه برای دولت عائد میشود، شخص عوض اولاً بهزار عذر و معذرت پیدا میشد و نرخ خود را دو بالا نشانداده دوچندان خساره را که برای شخص اصل در صورت انجام دادن خودش بالذات در خدمت نظامی عائد میشد لاحق میکرد و در بسا اوقات بعد از اخذ بدل عوض از اصل و پوشیدن البسهٔ نظامی و تحت سلاح آمدن فرار کرده دوباره اصل خود را ابد

محصّلان میبداد اکثریّه که غیر حاضر میماند رقعهٔ غیر حاضر ...
بهمراه محصّل بر اصل می آمد، ازیکطرف پول تنخواه اصل مفت میرفت ...
دیگر دو چند ان آنرا جهة استرضای عوض خود بدو میپرداخت و ...
موجبات خوشنودی اورا حاصل میکرد، همچنین دولت نیز ...
بوده دائماً قرارگاهای نظامی مصروف به شنیدن عرائض و گذارشات اصل
عوض میبود، نقص کلّی که بدولت وارد میشد این بود که در موقع لزوم ...
عوض حاضر نمیشد دولت مجبوراً اصل رامیخواست که آن بیچاره هیچ از ...
نظام اطلاع نمیداشت و علاوه برین نقصانات دیگرے نیز داشت ...
بطوالت می انجامد !

[درینجا چون ساعت از وقت موعدهٔ اختتام مجلس تجاوز کرده بود،
اعلیحضرت همایونی بحث را خاتمه داده حضار را بمزید تفکر درین مورد یاده هائی کرده
تصفیهٔ این مبحث را بفردا ملتوی داشته مجلس انفصال یافت . ب ، د]

* *
*

کوایف

روز پنجشنبه (۲) اسد وقت صبح

[درین روز نیز ذات جهانبانی و عموم اعضاے لویه جرگه حسب
معمول در بارگاه عالیشان لویه جرگه احضار شده ذات جهانبانی بعد از
وقفهٔ قلیل فرمودند . ب ، د]

اعلیحضرت بحث دیروزه ما نتیجهٔ تام و ثمرهٔ تثبیت انجام آخری خود را نشان
نداده بواسطهٔ اختتام وقت فیصلهٔ آن ملتوی به الیوم ماند،
اغلباً شما حضار محترم درین مورد دیشب کدام یک فکر خوب وطریقهٔ
مرغوبے را نیز سنجیده خواهید بود، نظریات خود را نسبت بازدیاد
بدل عسکری و عدم قبولیت عوض همان طور که دیروز براے تان بالتفصیل
باخرابی و مضار آن گفته شد، اینک دیده شود که رأی و مفکورهٔ شما چیست !

...ل اعلیحضرتا ! فدایت شویم از عدم قبولیت عوض برای ملّت و فاکیشت
تکالیف بسیارے عائد میشود و در نظام امورات شان بواسطهٔ بیرون
آمدن اسم آنها در قرعهٔ عسکری یک سکته و تعطّل بوقوع می انجامد، بلکه

بسا اشخاص چون مرجع الیه و سرپرست عائله و فامیل و زراعت و تجارت و دیگر امور معیشت خود بالذّات میباشد بجز دیکه اسمش در قرعهٔ عسکری برآمد تمام امور اتش خراب و برباد میگردد اگر حکومت از امثال این رجال معذور بهر گونه شرائط و ضوابطی که خواسته باشد عوض قبول کند، و یا بدل عسکری را تقلیل نماید، خالی از فوائد نخواهد بود!

لویه جرگه تماماً بتائید و طرفداری قبولیّت عوض و تقلیل بدل عسکری عرائض نموده و التجاے منظوری آنرا با نواع مقولات و اقسام دلائل عرض و تمنّی مینمودند!

وزیر مالیه بیانیهٔ طویلے را در شرف خدمت عسکری و لزوم تعلیمات حربی براے عموم افراد اسلامی ایراد کنان گفت بهمهٔ شما علما و فضلا و سادات و مشایخ معلوم است که حضرت ختمی مرتبت علیه الصّلوة والسّلام اکثریّه لباس حربی را در بر میفرمودند و از آیات بیّنات قرآنی و احادیث نبوی این مسئله بعیان رسیده است که تمام خدمات نظامی و لوازمات حربی بر هر هر فرد اسلامی مانند دیگر ارکان مسلمانی فرض است، حتّے اخذ عسکری باصول قرعه نیز از اساسهاے مقرّرهٔ ما مسلمانان است که همراه بندگان و اهل سلف ما رحمة الله علیهم اجمعین آنرا در موقع جهاد استعمال مینمودند، و اکنون ما از ان اصول بیخبر مانده دیگران

ازان استفاده نموده حسب ضرورت بواسطهٔ همین اصول مقدّس بر دشمنان خود کامیابی را نتیجه میگیرند، و اینهم از بدیهیّات است که یکنفر تعلیم یافته بمقابل چندین نفر بی تعلیم و عجمی فاتح و مظفر مانده محارب نادان مرگ و تلفات را حتماً در مقابلهٔ خود میسنگرد و مخصوصاً درینموقع که آلات و ادوات حربیّه باصول جدیده بروے کار شده تعلیم آن و دانستن صورت استعمال آن بر هر مسلمان ضروری است، اگر ما ملت اسلامیهٔ افغانیه خودها را از خدمت باشرف نظامی بواسطهٔ عوض و اعطاے بدل عسکری معاف و سبکدوش نمائیم معلوم است که برطبق فرمایش آیهٔ شریفهٔ (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) کاربند نشده ایم و بفحواے (وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) کار ننموده ایم بخیال عاجزانه ام باید از شاه گرفته تا گدا تماماً بدون هیچیک فرق و امتیاز داخل سلک عسکری شده بعد از اخذ تعلیمات واپس بخانهٔ خود عودت کنیم! در رضاے خداوندی و حضرت رسالتپناهیؐ را تحصیل نمائیم علاوه برانکه تعلیمات عسکری یکی از اصولهاے لایتغیر مذهبی ماست، در ضمن اقامه در قشلهٔ عسکریّه عموم افراد سربازان از اخلاق و عادات و افکار و نظریات همدیگر کسب معلومات نموده تجربه و فوائد بسیارے را براے آتیهٔ خود کسب میکنند و از گرم و سرد جهان اطلاعات بهم میرسانند، بلے! اگر نماز نخوانده داشته باشد و یا بخواندن نماز یکنفر دیگرے از نماز خواندن معاف شود

پس بایستی که در جهاد نیز بدل عسکری و عوض قبول و منظور نشود زیرا اهمیت و فرضیت وقطعیت جهاد و نماز در عقائد اسلامی یکسان است !

عبدالرحمن خان رئیس نطق فصیح و بلیغی را ایراد کنان اهمیت نظام و لزوم تعلیمات آنرا از ان حتمی و ضروری نشان داده بالآخر گفت که عسکر یک چیز بسیار ضروری است و وجودش برای حفظ ناموس ملت و دولت و نگهداشت شان و شرافت وطن، امریست لابدی، للّه الحمد که تمام ملت افغانیه بشوقیکه بالاتر از ان تصور نمیشود و بذوقیکه نیکوتر از ان بفهم نمی آید خدمات نظامی را قبول دارند و در اصول آن چنانچه دیروز فیصله شد هیچ یکنوع بحث و مذاکره ندارند البته در بعض فروع آن و تعدیل بعضی جزویات میگویم که مردم قندهار و سمت مشرقی بلکه تمام سکنهٔ مملکت افغانی عرائض دارند و بکمال شدت عرض منظوری آنرا از حضور همایونی دارند خودم شخصاً ابداً طرفدار ان اصول قومی نیستم، زیرا در قومی پامال حسیات آزادی و حریت بوده بر خلاف مظلومین و عاجزان، اشخاص صاحب رسوخ و زبردست چنانچه مذکور شد کارروائی مینمایند و ملت مظلوم ما را بیک حربهٔ خونین حق تلفی و بار اندازی بچاه فلاکت وادبار می اندازند، للّه الحمد که لویه جرگه نیز بر طبق خیال عاجزانه ام در انسداد قومی فیصله کردند، باقی میماند بحث قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری، بخیالم برای حکومت از حاضر و نیست

که این عرائض قابل قبول ملت عزیز خود را قبول نمایند و تمام را ازین پریشانی که از عدم منظوری عوض و کثرت بدل عسکری دارند، وارهانند، زیرا اگر عموم برای خدمت عسکری تکلیف شوند معلوم است که نه تنها برای ملت بلکه بیشتر تر برای دولت از طرف محصول مال مواشی و مالیات و گمرکات که تماماً حصول آن وابسته بوجود بعضی افراد است خساره عائد میشود !

فیض محمد خان وکیل من نیز طرفدار همین خیالم بایستی حکومت متبوعهٔ ما محض رعایت بعضی تجار کثیر المحصول و زمینداران و اشخاصیکه برای انتظام امورات خانگی و برای دیگر امورات اداری وجود شان حتمی است بدل عسکری یا عوض را منظور کنند !

فیض محمد خان وزیر معارف بیانیهٔ طویلی را ایراد کنان گفت، نبایستی ازین اصول مقدس تعلیم جهاد برای عذرهای دنیوی و جزوی ملت خود را محروم داشت، ضرور است که تمام افراد ملت بدون استثنا در نظام آمده بعد از اخذ تعلیمات و تکمیل موعد خدمت واپس بروند چنانچه در عصر نبوی صلعم مسلمانان بدون استثنای تاجر و بیکس همه با صحابه رض در جهاد شامل میشدند، حتی حضرت عثمان ذی النورین رض که یکی از تجار مشهور عصر نبوت است چون در یکی از غزوات امورات تجارتی خود را مهمل و برهم گذارده شامل شد، آنحضرت صلعم در حق وی دعای خیر نمودند !

عبدالرحمن خان رئیس: ما بهیچطور نمیتوانیم که افعال و اعمال خودها را با مسلمانان عصر سابقه برابر کرده بتوانیم چه جاے اینکه با اصحاب نبوی، اینک من تمثیلاً عرض میکنم که اگر نام وزیر صاحب معارف در قرعهٔ عسکری براید البته از روی اصول عقائد اسلامی این خروج اسمش در نظام موجب سعادت و مفخرتش است، فامّا دقت بکار برده شود که چقدر مهمّات دولتی و امورات عرفانی افغانستان در زاویهٔ تعطیل میماند!

اعلیحضرت: میعادیکه براے عسکر استجلابی مقرر است از سنّ (۲۴) الی (۲۷) است حالانکه هیچ یک جوان بدین سن نه تاجر صاحب معامله و نه وزیر و نه صاحب سیاست میشود، این تمثیل شما تقریباً درست نیست!

عبدالرحمن خان رئیس: اعلیحضرتا! عرضے که من بحضور مجلس نموده ام، والله که از دلسوزی و صداقت است اینک میخواهند تجربه فرمایند اگر بدل عسکری هم مانند عوض مسدود شود و تعلیم نظام جبراً و کرهاً بر تمام ملّت بدون استثنا جریان یابد ببینید که چقدر شکایات بهم میرسد و چقدر مشکلات فراهم میشود!

لویه جرگه: درینجا عموم لویه جرگه باز استدعاهای مزیدیرا درباره قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری محض براے آسوده حالی ملت و تسهیلات جهة کسانیکه بیکس میباشند نمودند!

اعلیحضرت: واعجبا از اوّل مبحث الی الآن شما میگوئید که عوض و تقلیل بدل عسکری جهة اشخاص بیکس منظور شود حالانکه در نظامنامه براے اشخاص بیکس از خدمت نظامی بدون از عوض و بدل عسکری معافی داده میشود!

لویه جرگه: الحق که در نظامنامهٔ نفوس اعلیحضرت براے اشخاص بیکس این مراعات معافی را که میفرمایند عطا فرموده اند، تعریف بیکس و تحدید آن از ابدان اقارب و خویشاوندان که در نظامنامهٔ مزبور نموده شده است ظاهر است که احدے اینچنین بنزد حکومت بشکایت نخواهد آمد که قرار آن تعریف نظامنامه بیکس گفته شود، لکن بسا اشخاص با وجودیکه قانوناً بیکس قرار داده نمیشوند فامّا در واقع چون آن اشخاص بدرد سررشتهٔ خانگی و امورات جهانداری این مردیکه نامش بقرعهٔ عسکری برآمده است نمیخورد و بمنافع این قریب و عزیز خود کارے نمینماید، بیکس گفته میشوند ازینرو تقلیل بدل عسکری و یا قبول عوض ضرور است!

اعلیحضرت: درین صورت لازم آمد که بجاے قبولیّت عوض و تقلیل بدل عسکری در نظامنامه در تعریف و تحدید بیکس، توضیحاتے حسب مطلوب شما بعمل آید اگر مقصدتان همین باشد بگوئید که ماما و کاکا و آن اقارب

وخویشاوندان اوراکه بمنفعت دیگر قریب و خویش خود کارے نمیکنند و یا امورات جهانداری اورا اداره نمی نمایند از نظامنامه خارج شد، بعوض آن همدرد و قریب و مربی و غمخوار صحیح شان اندراج باید!

وکیل فدایت شوم طبائع و عادات مختلف و "زمانه پار آخر است" در بسا مواقع ممکن است که یک مرد بیگانه بلند تر و بیشتر از اقارب قریب و خویشاوندان حبیب با یک رفیق و دوست دیگر خود طرز عمل خوبی را در محل اجرا آورد واکثریه دیده شده و شنیده میشود که یک پسر با پدرش اظهار همدردی نمیکند ویا پدر بهمراه عائله و هستی فرزندش مراتب شفقت را مرعی نمیدارد درصورتیکه معاملهٔ پدر با پسر و از "بچه با بابه" بدین منوال باشد پس از عم و خال و دیگر خویش ها چه توقع باید کرد و بهر تقدیر نه تنها خودم بلکه عموم لویه جرگه نتیجهٔ مذاکرات دیشبهٔ خود و از تجربه که برای شان بعد از اجرای این نظامنامه حاصل شده است قبول این عرض را بکمال عذر از حضور شفقت دستورت التجا میکنند که چیزی در بدل عسکری تقلیل و هم عوض از اشخاص معذور پذیرفته شود!

ادیب افندی (درینجا رئیس مکتب امانیه و امانی) یک نطق مفصلی را در موضوع اهمیت نظام و لزوم تعلیم آن برای تمام ملت ایراد داشته ضمناً بیان نمود. اعلیحضرتا بایستی که جبراً هر فرد افغانی برای

تعلیمات نظامی احضار کرده شود ابداً از احدی غریب باشد یا دولتمند نه بدل عسکری ولو بهزارها روپیه بدهد قبول شود و نه عوض را منظور نمائید زیرا مقصد اصلی از جریان نفوس تعمیم و تحکیم تعلیمات نظامی است در تمام افراد مملکتی درصورتیکه عوض و بدل نقدی پذیرفته شود اصل مقصد که تعمیم تعلیم است فوت میشود و اگر بعضی اشخاص را حکومت بواسطهٔ بیکسی و یا مشغولیت و یا مصروفیت و یا تجارت و یا دیگر مسائل بقشلهٔ نظامی آوردن مناسب نمیداند پس لازم که برای آنها بجای قبولیت عوض و بدل عسکری در همان موقف و نشیمن خودش بواسطهٔ معلمین نظامی خانگی تعلیمات عسکری روزانه (۲) ساعت و یا بیشتر داده شود!

[ازین بیانیهٔ جدیانهٔ ادیب افندی چون تماماً خلاف مذاق و مطلوب لویه جرگه که منظوریت این دو مسئله را بهر طوریکه ممکن میشد حتماً از حضور عدالت دستور همایونی خواستار بودند ایراد شد دفعتاً تمام لویه جرگه برین گفتار طلاقت دسار این نوجوان عالیشان برآشفتند و از هر گوشه و کنار چشمهای تردیدکنندگان و مخالفین بر علیه نطق مزبور بدرخشیدن آغاز نهاد اگر درین موقع حضرت رئیس صاحب عمومی شورای دولت از چالاکی و تیزدستی کار نمیگرفت البته که بر تردید این مقاله از هر کنار و گوشه گفت و شنید بعمل می آمد. ب. د]

رئیس شورای دولت اعلیحضرتا! درصورتیکه عموم لویه جرگه خواستار قبولیت

عوض وتقلیل بدل عسکری بنظر می آیند، واز اوضاع شان چنان مفهوم ومستنبط میگردد که این عریضهٔ شان که بکمال عرض والتجا امید دارند، قبول شود، ودر واقع این قول ومفکورهٔ شان نیز قرین بصواب است، زیرا که ملّت عوض را باوجود آن سرگردانی ونقصاناتی که برای شان ازان عائد است قبول دارند، اگر ذات همایونی نیز بشرائط وضوابط متینی که دران بهیچصورت یک نقص وخساره بدولت وعسکر وتعلیمات نظامی عائد نگردد عوض را قبول فرمایند، بخیال عاجزانه ام که بهتر خواهد بود !

لویه جرگه از استماع این کلام منصفانه وگذارش حقانهٔ رئیس صاحب تماماً اظهار خرّمی وشادمانی مزید را ایراد کنان محض جهة تائید وتحسین واستدعای منظوری آن مکرّراً غلغله های تکبیر بلند وکف زدنهای خرّمی بعمل می آمد ودر تائید این نظریّه از هر طرف بیانات داده میشد !

اعلیحضرت ازمیلان طبیعت ووضعیت عموم تان معلوم شد که عوض را قلباً وجدّاً خواستارید واز پریشانی ها وسرگردانیهائی که برای تان در عوض از قبیل گریختن عوض وزیاده پول گرفتن، واز دست کشیدن خدمت، وگریختاندن اسلحه، قریب باختتام موعد خدمت راگذاشتن وروپوش شدن وامثال آن

پروا ندارید، لهذا حکومت حاضر است [باشرائطیکه در ذیل تحریر میشود، ب، د] عوض را از شما بپذیرد !

لویه جرگه تماماً ازین شفقت اعلیحضرت در یک عالم خرمی ویک جهان شادمانی بعبارات لطیف، یک زبان شده بعرض رسانیدند که ما عوض را باشرائطیکه ازان سخت تر نباشد قبول داریم !

[شرائط ذیل را اعلیحضرت همایونی بتفصیل میفرمودند ولویه جرگه بدون تعلّل بکمال گرمجوشی هر کدامش را به تشریح آتیه قبول میکردند، ب، د]

شرائطِ قبولیتِ عوض

شرطِ اوّل بعد از اینکه شخص اصل عوض خود را بقوماندان نظامی بسپارد بعد عوض فرار کند اگرچه بختم موعد عسکری چند ماه باقی مانده باشد، آن مردیکه اصالتاً نامش در قرعهٔ عسکری برآمده باشد مکلّف است که خودش راساً آمده موعد خدمت عسکری خود را پوره کند ویا بدل عسکری را بپردازد !

لویه جرگه ما حاضریم که نه تنها یکی ازین دو امر را قبول دار شویم بلکه اگر دولت لازم دانسته برین فرار نمودن عوض بر شخص اصل جرمی هم معین کند قبول داریم !

شرط دوم به هر تاریخی که خود اصل و یا عوض دیگرش حاضر خدمت عسکری شود لازم که از همان تاریخ الی دو سال خدمت عسکری را پوره کند !

لویه جرگه ما نیز خواهشمندیم که نه تنها موعد مقرره را پوره کنیم بلکه اگر دولت اضافه برین موعد معینه دیگر هم خواهشی داشته باشد اکمال می نمائیم !

شرط سوم هرگاه شخص اصل عوض خود را به قوماندان عسکری بسپرد اما بعد از چندے عوضئ او اسلحهٔ سرکار را مفقود و یا در حین فرارش با خود ببرد تاوان بر ذمهٔ اصل است !

لویه جرگه ما نیز قبول داریم که تاوان اسلحه را با جرمیکه حکومت لازم بداند تحویل نمائیم !

شرط چهارم آن شخصیکه اسمش در قرعهٔ عسکری براید و خواهش عوض دادن را کند لازم که سن عوض او باندازهٔ سن همان نفری باشد که آنرا نظامنامه نشان میدهد !

لویه جرگه بسیار خوب ما بر طبق خواهش حکومت خود چنان اشخاصی را در سلک نفری عسکر عوضاً میفرستیم که بسیار جدّی و فعال و مرد کار و قابل تعلیم باشند !

شرط پنجم اگر عوضی بعد از دخول ملازمت عسکری داعی اجل را لبیک گفته فوت کند درینصورت شخص اصل را تکلیف داده نمیشود !

لویه جرگه این یکی از مهربانیهاے اعلیحضرت است والّا درینصورت هم اگر اعلیحضرت شهریاری لازم بداند ما حاضریم که شخص اصل و یا عوض عسکری را براے پوره کردن موعد مذکور بفرستیم !

شرط ششم شخصیکه یکمراتبه در سلک عسکری خدمت کرده باشد و قواعد و ضوابط آنرا کامل بداند در دورهٔ ثانی عوض شخص دیگر منظور نمیشود !

لویه جرگه مقصد از اخذ نفری در نظام بالفعل صرف یاد گرفتن تعلیم است نه محاربه زیرا در وقت محاربه نه تنها اشخاص تعلیم یافته بلکه عموم ملت افغان حاضر و آماده اند که در مقابل اعداے دین و خائنان دولت علیّه در جهاد حسبیه برآمده داد شجاعت و حماست را داده دشمنان خود را مغلوب و منکوب سازند، معلوم است که درینصورت ما چنان اشخاصے را خواهیم فرستاد که جوان رسا و سالم الاعضا و قابل اخذ هرگونه تعلیم باشند !

شرط هفتم هر آنمرد عوضیکه تعلیم یافتهٔ فنون عسکریّه است و قواعد و ضوابط عسکری را

بخوبی میداند لازم که در موقع اعلان حرب همان عوض حاضر بشود !

لویه جرگه درچنین فرصت نه تنها تعلیم یافته بلکه صغیر و کبیر و پیر و جوان ما سکنهٔ افغانستان قرار احکام خداوندی حاضر شده داد شجاعت و اسلامیّت و افغانیّت خویش را در مقابل اعدای دین و بدخواهان ملک و ملّت خود میدهیم !

شرط هشتم درموقع اعلان حرب از اشخاصیکه اسمای شان در قرعهٔ عسکری ظاهر شود بدل نقدی منظور نمیشود و لازم است که حتماً داخل نظام شوند !

لویه جرگه باید که قبول نشود زیرا که دشمن را مرد سرباز و سرنیزه بکیفر کردارش میرسانند نه اینکه پول و پیسه سدّ راه خیانت و جنایت او شده میتواند !

اعلیحضرت درازدیاد بدل عسکری قبلاً بشما گفتم چون بدل عسکر در اوائل (۳۰۰) روپیه گذارده شد اکثرے از اشخاصیکه اسمای شان در خدمت نظام می برآمد بدلش را تحویل میکردند، چون وزارت حربیهٔ ما سرباز بکار داشت محض سدّ باب تحویل پیسهٔ بدل عسکری را مکرّراً تا مبلغ (۷۰۰) و چند روپیه افزودیم اکنون که شما خواهش تقلیل آنرا مینمائید محض خاطرداری شما چیزے از آن مبلغ الی وقت و موعد سنه ۱۳۰٤ می کاهیم، مشروط بر اینکه نفری حتّی الامکان بتحویل بدل عسکری از خدمت باشرف نظامی نکول نکنند، در انصورت که ما دیدیم و فهمیدیم که قرار قرعه و نوبت خود، اکثریّه داخل خدمت عسکری

میشوند البته که زیاده بران در بدل عسکری تقلیل میکنیم !

وکیل اگر همان مبلغ (۳۰۰) روپیه بدل عسکری که اولاً در نظامنامه داخل بود منظور شود بسیار خوب خواهد شد !

رئیس شوری چیزیرا که ذات همایونی فرمودند نهایت درست است فی الحال محض اجابت التماس شما بدل عسکری از (۷۰۰) و چند روپیه کمتر واز (۳۰۰) روپیه چیزے بیشتر مقرر میشود، سپس ازانکه دولت دانست اشخاصیکه اسم شان بقرعهٔ عسکری مے برآید اکثریه رأساً و یا عوضاً داخل عسکر میشوند و در تکمیل تعداد مطلوبهٔ عسکر وزارت حربیّه شکایت نمی نماید همانا که در بدل عسکری دیگر تقلیلے که موافق بخواهش تان باشد بعمل می آید والّا اگر دیده شد که نوجوانان از رفتن بقشلهٔ نظامی باعطای بدل عسکری پرداختند، در بدل عسکری تقلیل نخواهد شد بلکه ممکن است که کاملاً بدل عسکری موقوف قرار داده شود !

وکیل ننگرهار کتاغن ایکاش اگر بدل عسکری کاملاً موقوف شود زیراکه بار اندازی صاحبان پول بر اشخاص غریب میشود !

لویه جرگه برین مقولهٔ رئیس صاحب عمومی شوری جوابے نیافته این قول و نظریهٔ منصفانهٔ همایونی را چون مبنی بر حقانیت و مفاد ملّت و مملکت و دولت و اسلامیّت بود بجز از تحسین و آفرین دیگر جوابے گفته نتوانستند !

[درین بین که خواهش نظام قومی تردید و تقلیل بدل عسکری و عوض منظوری یافت یکی از میان سادات لویه جرگه بر پا خواسته بعرض رسانید. ب، د]

سید — اعلیحضرتا! اگر برای سادات و آل رسول از خدمت عسکری معافی داده شود چقدر خوب خواهد شد تا بدعاگوئی دین و دولت مشاغلت داشته باشند!

لویه جرگه — تماماً برین عریضهٔ سید صاحب برآشفتند، و تعجب کنان طرف سید صاحب می نگریستند [گویا بزبان حال بدو میفهمانیدند که حضرت سید صاحب شما چطور سید و آل رسول میباشید که برخلاف اوامر خداوندی و رفتار حضرت رسالت پناهی که شما خود را اولادهٔ او می پندارید از اعلای کلمة الله و جهاد فی سبیل الله ابا و استنکاف میورزید. ب، د]

اعلیحضرت — لکن ذات جهانبانی علی الفور پیشتر ازینکه بروی حمله کنند، و یا به تردید وی بپردازند یک بیانیهٔ مفصل تأسف آوری را برین خواهش بیجای سید صاحب ایراد داشته از روی آیات و احادیث و امثال و دلائل و طرز عمل اسلاف و نیاکان اسلامی مخصوصاً خانوادهٔ آل نبی این مفکوره او را غلط نشان داده ضمناً فرمودند.

جناب سید صاحب! آیا شما از تواریخ معلوماتی دارید؟

و کتب سیر را مطالعه نموده اید؟ و از کارنامه های جد امجد مبارک خود و آل بیت شان اطلاع دارید؟ که آنها در مواقع جهاد چطور جذبات شان را اظهاراً مینمودند؟ و تا بکدام درجه در احیای جذبات اهالی میکوشیدند؟ و آیا خبر دارید که دندان مبارک سرور و سردار و پیغمبر و آقای ما حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم در کدام موقع بشهادت رسیده است؟

حضرت سید صاحب! ما امتان جد امجدت که بتعظیم و تکریم شمایان میکوشیم محض ازینجهة است که شما در تائید دین مبین و اعلای کلمة الله مساعیات جمیلهٔ خود ها را بانتهای فعالیت و جدیت بخرج داده خار چشم دشمنان و سد آهنین بر روی اعدای دین و شریعت سید الانس و الجان باشید، هنگامیکه شما از جهاد و پیروی حقیقی دین محمدی صلعم پهلوتهی کنید پس ما چرا بشما عقیدت بپرورانیم!

[درینجا ذات همایونی این مثل را فرمودند: هاچه لالا بللی چه تا تکی په کته وکا بوی[1]. ب، د]

(۱) مفهومش اینکه: "ترا که من لالا میگفتم ازینجهة بود که برای من ساجق را با انگشت خود از درخت آوری" ساجق که افاغنه ادرا تاتکی و زاولی مینامند یکرقم خمیره که لزوجت دارد و از شیر درخت انجیر و بیخ بته شغال کنده و دیگر درختهای شیردار بعمل آید و آنرا عموماً مردم بنوک ناخن و چاقو از درخت جدا کرده زنان و برخی از مردان او را برای صفائی دندان و ازاله بدبوئی دهن و فراهم آوردن نکهت خوش میخایند، و در وقت خائیدن او نیز یکصدای موزونی از آن بعمل می آید. و این مثل را افاغنه هنگامی استعمال میکنند که شخصی را بنابر صفت و کمال محبوب می انگارند و وی آن عادت خود را بگذارد. (ب، د)

درصورتیکه شما بجهاد و اعلای کلمة الله و حب وطن وتحفظ ناموس خود علاقه مندی نداشته باشید، ما شما را چرا محبوب خود خواهیم پنداشت [لویه جرگه مخصوصاً نفری قندهاری و اهالی سمت مشرقی که به نزاکت این مثل فهمیده ند، فی البدیهه بعرض رسانیدند] مونږ لا لا یه نه ایله کوو (۱).

اگرچه بعد از اختتام کلام حقانیت التسام شاهانه عموم چنان تصور داشتند که جناب سید صاحب دیگر اظهاری درین مطلب نخواهند کرد، فامّا برخلاف توقع باز بوّد بانه برپا خواسته بالفاظ معذرت آمیز خواستار معافی شده گفت. ب، د]

سید صاحب متأسفانه من در اظهار خود پوره نتوانستم که باظهار مطلب خود بپردازم!!! مقصدم این نبود که سادات از خدمت نظامی بری الذمه قرار داده شوند، بلکه یگانه مطلوبم آن بود که برای سادات در طی خدمات عسکری یک امتیاز خصوصی از حضور اعلیحضرت غازی عطا وعنایت کرده شود!

وزیر صاحب مالیه عموم مسلمانان باندازهٔ که تعظیم و تکریم سادات و مشایخ وعلما را شرع شریف مستحب ومندوب قرار داده است در ایفای مراتب اعزاز و اکرام شان کوتاهی نمی نمایند، در کتب شرع شریف

(۱) مقصدش اینکه بالالا و آقای خود را ابداً تنها نخواهیم گذارد ۱۲ (برهان الدین کشکی)

هرچند ما ورق گردانی نموده ایم وتجسس را بکار برده ایم بر هیچیک اینچنین روایه و مسئله برنخورده ایم که در ایفای اعمال مفروضه و اشیای واجب و سنن، سادات دارای یک امتیاز خصوصی باشند، بلی! اگر سادات عظام در نماز وروزه وحج وزکوٰة دارای امتیاز باشند؛ یعنی سید نماز صبح را یکرکعت وروزه را تا چاشت وحج وزکوة را اگر میخواست ادا میکرد، البته ما هم از جهاد اورا معاف میکردیم ویا مکلّف مینمودیم که بدو یک امتیاز را اعزازاً بدهیم، درصورتیکه جدّ امجد تان آقای آقا حضرت محمد رسول الله ص دربدل اینقدر زحمات وتکالیفی که در تبلیغ دین پاک اسلام و اعلای کلمة الله متحمل آن میشدند، بدل و پاداش اورا از خدا میخواستند که اِنْ اَجْرِیَ اِلَّا عَلَی اللّٰهِ پس شما چطور اینچنین خواهش میکنید، بایستی که شما سادات هم برنقش قدم آنحضرت ص جاده پیما باشید!

[از طرز کلام وزیر صاحب چنان مستنبط میشد که این مبحث را بسیار طول خواهند داد، لهذا ذات جهانبانی قطع کلام اورا نموده فرمودند. ب، د].

اعلیحضرت حضرت سید صاحب! درصورتیکه یکی از سادات حقیقی چهاونی نظامی را از وجود خود متبرک وبرادران عسکری خویش را بهم قطاری خویش افتخار بخشید البته که حکومت تان

در مراتب اعزاز و تعظیم وی فروگذاشت نکرده حاضر است که علم مبارک جلهٔ امجدشس را بر دوش اسلامیّت آغوششش برافراشته و بخطاب مستطاب علم بردار عسکر اسلامی و سرلشکر غزاة افغانی ویرا از همگنان امتیاز بدهد !

سیّد صاحب ! مقصد ما ازین اخلذ عسکر بجز از تعمیم تعلیم نظامی و استحکام و تشیید دین مبین محمّد عربی دیگر چیزے نیست و خواهشمندیم که تمام ملّت ما عام از اینکه فقیر باشد یا امیر، شهری باشد یا قروی از هر صنف که باشد در فنون حربیّه دانسته و فهمیده باشد زیرا در صورت نافهمی و نادانی دشمن حقیقی ما همان دوست و ملّت نادان ماست ؎

دشمن دانا بلندت میکند ٭ بر زمینت میزند نادان دوست

لویه جرگه ما ازین افکار ابکار و خیالات عالیات اعلیحضرت معظم غازی خود اظهار تشکّر و تفخر میکنیم و برائے هیچ یک پادشاه اسلامیّت خواه ملّت دوست وطن پرور خود هزار هزار بار جا نهائے خود را فدا میکنیم و بکمال شوق و آرزو از خدائے خود خواستاریم که قطرات خون خود را در راه اسلام و خدمات ملت و مملکت و استرضائے اعلیحضرت بریزانیم !

یکنفر وکیل از ولایت کابل اعلیحضرتا ! اگر برائے دفع این محذورات و رفع این مشکلات اعلیحضرت برائے تربیهٔ نظام یک علاج بر اصل و طریقه خوبیرا

که در اکثرے از دول مروّج و معمول است اختیار بفرمایند و عسکر را بطور خوش رضا استخدام بنمایند، چقدر خوب خواهد شد، مقصد از اظهار این معروضه این نیست که ما از خدمت عسکری استغفر الله سرکشی داریم و یا طبعاً بدان میلان نداریم، نے ! غرض من آنست تا درین موضوع نیز بایستی لویه جرگه بحث کنند و دقت را بخرج برند !

فیض محمّد وکیل نیز بتائید این مقوله یک تقریر با تفصیل را بیان داشته گفت که برائے تعلیم عموم ملت بایستی که حکومت معلمین خانگی را از عسکر بهر قریه و قشلاق مقرر دارد تا آنها نیز از تعلیم محروم نمانند، و در تنخواه نظام بایستی افزود کنیم تا مردم خوش برضا داخل سلک نظام شوند.

رئیس شورای در صورت خوش برضا چقدر فوج را باید حکومت استخدام نماید و تنخواه بدانها بچه اندازه بدهد !

فیض محمّد وکیل تعداد افواج افغانی در صورت خوش برضا باید از پنج لک سرباز کمتر نباشد و تنخواه هر کدام شان نیز باید ماهوار بیست روپیه باشد !

اعلیحضرت پس بسنجید که تنخواه پنج لک نظامی سالیانه فی نفر دو صد و چهل روپیه تماماً چقدر مبلغ میشود !

یک مامور دولتی فدایت شوم، دوازده کرور روپیه خواهد شد !

اعلیحضرت مشکل اینجاست که ما برای انشاآت علاوه برلباس و دریشی درمقابل عملیات جزوی ماهوار سی روپیه تنخواه میدهیم و ملازمت شانرا نیز خوش برضا مقرر داشته ایم که هروقت سبکدوشی از خدمت بخواهند کسے اوشانرا ازرفتن مانع نشود، باز هم می بینیم که بجز از چند نفر کسے در انشاآت ملازمت را اختیار نکرده است!

محمد یونس خان رئیس بلدیه دربلدیهٔ کابل محض برای خدمات جزوی که روزانه درظرف دوسه ساعت اجرا میشود وشب واپس مستخدم آن بخانهٔ خود میرود وهم میتوانند که بدیگر مشاغل خودرا برسانند به تنخواه ماهوار (۲۵) روپیه کسی حاضر نمیشود پس آیا اینقدر نظام میتوان شد که خوش برضا حاضر شوند!

اعلیحضرت این بحث را بالفعل بگذارید تا درآن دقت بکار برده شود اگر علاوه برین درنظامنامهٔ نفوس گفتنی داشته باشید بسم الله بفرمائید!

ایشان اعظم خواجه دراکثرے از محلات و ولایات مخصوصاً در ترکستان بیشتر از حوالهٔ مدیریت عمومی نفوس نفری حواله میشود و بعد عوض پول رها میشوند، برای سدباب این رشوت ستانی اگر اعلیحضرت تجویزے بفرمایند بر ممنونیات ما خواهند افزود!

اعلیحضرت درآتیه باید حوالهٔ مدیریت نفوس وحکمنامهٔ وزارت داخلیه که در ...

جلب عسکری بهم میرسد، اولاً به پیشگاه مجلس شورای نائب الحکومه گی و کمیتی اعلی وکلان وغیره نهاده شود، وبرطبق اطلاع ونظریات آنها این مسئله بانجام برسد!

لویه جرگه ازین حق پسندی همایونی اظهار مسرت کنان بآوازهای تکبیر و کف زدنهای شادمانی این مبحث نیز خاتمه یافت!

وکیل اعلیحضرتا! اگر درکتابهای مدیریت نفوس درخانهٔ عمر اشخاص بعوض هندسه بلفظ فارسی سن مردم قید وضبط شود بهتر است، زیرا اکثرے از کارداران خود غرض نفوس برای مدعای نفسی خود در هندسه های عمر نفری دست زده ظلماً وجبراً معمر واطفال خورد سال را سرگردان و پریشان کرده بعد از تکمیل مدعا اورا میگذارند!

اعلیحضرت درست است درآتیه باید سن اشخاص بعبارت فارسی تحریر شود!

لویه جرگه برین مرحمت همایونی اظهار مسرت کنان بکف زدنهای شادمانی اورا تحسین کردند!

وکیل اعلیحضرتا! گمان میکنم که دراصول قرعه انداختن واخراج اسمای اهالی مدیرهای نفوس محلی دیانت وامانت نمیکنند، وازین رهگذر ممکن است که حق تلفی بعضے اشخاص را بنابر اغراض شخصی خود باعث خواهند شد!

اعلیحضرت — بلی! درصورتیکه انداختن قرعه و بیرون آوردن نام نویس نفری تعلق به مدیر هاے محلّی نفوس هر مقام داشته میبود قول شما درست است که دران دست بازی بعمل مے آمد، لکن قرعهٔ اسامی را هر ساله مدیریّت عمومی نفوس وزارت داخلیّه از کابل براے مدیرهاے محلّی نفوس اطلاع میدهند، بدینطور یک مراتبه مثلاً بد و بدات میشود که ازطرف ابتداے کتابے که دران نام نویس اهالی است آغاز کرده یک نومره راگذارده نومرهٔ دوم را براے خدمت عسکری انتخاب دارند مرتبهٔ دوّم ازطرف اخیر دو دو نمره را قلم انداز نموده هر اسمیکه بخانهٔ سوّمین است آنرا بخدمت عسکری مخصوص دارند، بمرتبهٔ سوّم بعد از چهار نمره از حد وسط طرف ابتدا و یا طرف انتها گذارده نومرهٔ پنجم را حکم میدهد که براے خدمت نظامی معیّن دارند و علی هذا!.......

لویه جرگه — این عدالت پسندی اعلیحضرت غازی و سررشتهٔ قرعه انداختن مدیریت عمومی نفوس وزارت داخلیّه اظهار شادمانی نموده این مراحم شاهانه را نیز بکف زدنهاے خوشحالی تلقّی کردند!

شیرجان صاحبزاده — اعلیحضرتا! در نظامنامهٔ نفوس براے اشخاص بیکس و نادار و معذور که اسم شان در قرعهٔ عسکری ظاهر میشود حکم است محلاّئی را که مظهر این حقیقت باشد بامضاے قریه دار و علاقه داری

و مجلس مشورهٔ محلّی خویش درظرف بیست روز بمدیریت نفوس مرکزی خود حاضر دارد و تا قاعدتاً از خدمت عسکری سبکدوش کرده شود!

در یندّت قلیل این اشخاص عاجز و معذور به بسیار مشکل همینقدر میتوانند که محلاّ تحریر دارند و امضاے اشخاص مطلوب را بران ثبت دارند بعد از اتمام محلاّ تقریباً موعد قبولیّت آن نیز بسر میرسد و این بیچاره تقریباً از مدیریت مرکزی نفوس ولایت یا حکومتی اعلیٰ بمسافهٔ چند روز راه مانند بامیان و کابل و نورستان و جلال آباد و امثال آن نشیمن دارد معلوم است تا وی تهیّهٔ سفر کند و بمقام موعود برسد وقت براے او کفایت نمیکند، لهذا معروض میدارم که اگر براے مأمورین و نویسندگان محلّی نفوس اجازه داده شود که این محلاّهاے اشخاص بیکس و معذور را که قاعدتاً درست باشد این اشخاص درهمان حکومتی و علاقه داری مربوطهٔ خود تقدیم کنند محض جهة تسهیل کار و خلاصی آن بیچارهٔ مظلوم از پریشانی قبول گردیده براے وے خطے برخواست بدهند چقدر خوب خواهد شد و یا چیزے در میعاد مزبور توسّعه داده شود!

اعلیحضرت — نظریهٔ شما قرین بحقیقت است من بعد در نظامنامهٔ نفوس ایزاد میکنم که محلاّے این اشخاص معذور را که قاعدتاً درست باشد مأمور نفوس محلّی وی ملاحظه کرده برایش برخواست بدهد!

لویه جرگه وکیل ازین همدردی و نوازشش ملوکانه بازغلغلهٔ دعاگوئی و کف زدنهای شادمانی رابعمل آوردند!

تا حال درعصر سلطنت اعلیحضرت غازی بهراندازهٔ که نفری برای عسکر خواسته شده تماماً درعمر از (۲۲) ساله الی (۲۷) ساله بوده اند اگر ذات همایونی درسن این نفری وسعت داده اشخاص راکه درعمر از (۲۰) الی (۴۰) باشند تماماً درنظام قبول کنند بخیالم از فائده خالی نخواهد بود!

اعلیحضرت مقصد ما از گرفتن جوانانیکه عمرشان از (۲۲) الی (۲۷) سال میباشد اینست که اکثریهٔ اینچنین اشخاص بعلائق دنیوی چنانچه قبلاً گفته شد گرفتار نمیباشند، نه از خود اکثریه عیال داشته میباشند و نه اطفال، وعموماً اینچنین اشخاص درخانه جهة ادارهٔ امورات محلّی خود، پدر، برادر کلان عم، خال ودیگر خویشاوندان قریب ضرور داشته میباشد وهم قوهٔ تعلیم وملکهٔ تحفظ نظریات واجرآت را خوبتر داشته میباشد وهم گذارهٔ عمومی اینچنین نظامی که بیک عمر وبیک فکر وبیک طرز باشند به رفاهیت وعیش قرین بوده یکی از مجالست دیگر خود محظوظ میشود وممنون میگردد و باهم دیگر یک علائق رفاقت ودوستی را قائم میدارند و بالعکس اگر درین میان یکنفر معمر یک شخص سالخورده باشد نه تنها عیش آنمرد پخته سال از صحبت این

جوانان منغص بلکه گذاره ونشست وبرخواست جوانان نیز از مجالست آنمرد کلان سال در اخلال است وعلاوه کاری که از جوانان گرفته میشود از دیگری گرفته نمیشود وعلی هذا البته درصورتیکه وزارت حربیه در تعداد مطلوبهٔ خود ازین جوانان تقلیل را ملاحظه کند دستهٔ دیگر از اشخاصیکه درعمر نسبتاً بالاتر ازان باشد جلب میشود!

لویه جرگه همین تحدید عمر را که در نظامنامه مسطور است همهٔ ما بنظر تحسین مینگریم واین جوانانرا ما برای تعلیمات وشطارتهای عسکری از حد موزون می بینیم باید دران تغیری بعمل نیاید، البته در موقع جهاد حاجت بدین تحدید هیچ نیست زیراکه درانوقت تمام ملّت افغان وسکنهٔ افغانستان بلا استثنای پیر وجوان عسکر وتماماً برای دفع دشمنان دین ووطن اشخاص شیرپیکر هستند!

اعلیحضرت آیا لویه جرگه دیگر اعتراض یا تنقیدی بر نظامنامهٔ نفوس ندارند؟ ودیگر توضیحاتی را دران خواهان نمیباشند؟

لویه جرگه نی! دیگر هیچ یکنوع مذاکره وصحبت قلیلی را در نظامنامهٔ نفوس، ما خواستار نمیباشیم، البته علمای اعلام در بعضی قیوداتیکه بر عدم اخذ تذکرهٔ نفوس نهاده شده چیزی گفتنی دارند!

عبدالرحمن خان حضرات علما را نباید که در هر چیز وهر کار ناخن زنی کنند وبکارهائی که دران خدا حکومت وملّت را مختار نموده است

نبایستی مداخله را روادار شوند این سخن بدان میماند که حکومت بیک مقام راه شوسه ویا سرک پخته را بردن خواهش دارد، درانموقع بگویند که از علما پرسیده شود دیا بکدام جاے نهر میکنَد، باید بے اجازهٔ ملّا نکنَد، نے! چیزیکه باموراتِ شرعیت و دیانت متعلّق است اوّلاً ما دران عدول نمیکنیم و او را سرمشق افتخار خود مے پنداریم و باز اگر ازان مساهله و کوتاهی بعمل آمد، علما حق دارند که بما یاد دهانی نمایند و ما بکمال امتنان و مسرّت اقوال هدایت مآل شانرا عمل پیرا شویم!

[با اینکه از فحواے این نطق عبدالرحمن خان رئیس چنان مفهوم میشد دران شرائط تذکرهٔ نفوس که علما غائبانه خواهش تبدیل او را نموده بودند تعدیلے بعمل نیاید، فامّا ذاتِ ملوکانه بدون ازینکه کدام عالمے برخاسته چیزے میگفت نطقے را درینموضوع ایراد فرمودند که خلّص مقصد آن چنین بود، ب، د]

اعلیحضرت علمای کرام که تعدیل بعضی شرائط تذکرهٔ نفوس را خواستار ند درین مطالبه ما آنها را قرار خیال و مفکورهٔ خود شان حق بجانب می پنداریم لکن فوائدیرا که حکومت از وضع این شرائط تحت نظر گرفته بود منجملهٔ آن یکی این است که در موقع دعاوی برایِ قضاة تسهیلات و معرفی طرفین را فراهم آورده حاجت گرفتن تزکیه نمی شد؟

وهم در نکاح شخصی نمیتوانست که نسب خود را بپوشاند و بفریب خود را کفو دیگر نشان بدهد، هم برای معرفی شهود دو گواه در عموم دعاوی برایِ محاکمهٔ عدلیّه فوائد بسیاریرا عائد میکند در موقع فروش و خرید املاک و دیگر اشیا نیز فائده مند بود برای دولت نیز علاوه برانیکه تبعهٔ خود را می شناسد دیگر تسهیلات را بعمل مے آورد و اکنون شنیده میشود که بعضی علما برین تنقید دارند، اینک من بدون گفت و شنید و تضییع اوقات مجلس آن قیود را مرتفع نموده بعوض آن دیگر قیود ذیل سیاسی وضع میشود.

شرطِ (اوّل) درزمانیکه قطع محاسبات خود را با شخصی دولت مینماید لازم است که تذکرهٔ خود را نشان بدهد و اگر تذکرهٔ خود را ظاهر نکرد الی تصفیهٔ معاملاتش از طرفِ حکومت بالایش محصل مقرر است.

شرطِ (۲) در وقتیکه وجه محصول را تحویل میدارد قاعدةً تذکرهٔ خود را ظاهر کند و الا بدون تذکره اموالش محصول نشده بلکه ضبط مے شود.

شرطِ (۳) وقتیکه خیال ملازمت دولت را شخصی میکند ضرور است که تذکرهٔ خود را نشان بدهد و الّا حکومت چنین شخصی که تذکره نداشته باشد ویرا استخدام نمیکند.

شرطِ (۴) شخصیکه پسپورت نداشته باشد البته حکومت او را

نمیگذارد که به خارج برود !

شرط (۵) شخصیکه تذکره نداشته باشد از طرف دولت ابداً برایش تقاوی داده نمیشود !

شرط (۶) اطفالے که داخل مکاتب میشوند ضرور است که پدر و یا خود شان تذکرهٔ خود را ظاهر سازند والّا بدون تذکره حق دخول مکتب را ندارند !

[بعد از مذاکرات فوق باز در جرگه سکوت دیده شد، لهذا مکرّرًا از آنها استفسار شد که آیا دیگر اعتراض و یا توضیحاتے را در نظامنامهٔ نفوس خواهانید یا نے ؟ در جواب شنیده شد که علاوه بر مذاکرات فوق دیگر هیچ یکرقم گفتگوے را در ان نظامنامه خواهان نمیباشیم و تمام مندرجات آنرا قلبًا قبول داریم ، بعده باز رئیس صاحب شوراے دولت اسماے نظامات را بحضار خوانده آنهارا میدانا ند که هر کدام نظامنامه را قابل بحث و تنقید و توضیح ازین میان می پندارید بگوئید تا براے تان خوانده شود ، چون اسماے نظامات اتمام یافت ، و از هیچ طرف مزید برین گفت و شنیدے بعمل نیامد ، و خواهش شنیدن و خواندن و بحث نمودن هیچیک مادهٔ نظامنامهٔ دیگر را ننمودند ، و همهٔ آنرا بصحت و صواب قرین دانسته در آنها هیچ بحث و مذاکره و گفت و شنید را

آرزو نکردند و قلبًا جریان او را در خطّهٔ بهیّهٔ افغانستان خواستار شدند (غلغلهٔ تکبیر و تهلیل و کف زدنهاے شادمانی . ب د)]

مبحث محصول گمرکی

[درینجا قرار فوق عموم لویه جرگه اظهار داشتند که ما تمامًا در نتیجهٔ مطالعات و تفتیشات و تطبیقات خود ها که در تمام نظامات ، قابل بحث و تنقید قوانین مذکورهٔ بالا را دیده دران ما نظریات و اصلاحات خود ما را بحضور شاهانه شرعًا و عرفًا عرض و تقدیم داشتیم در مابقیهٔ آن حدے از ما علما و وکلا و اعضاے لویه جرگه برا ینچنین یک نکتهٔ بر نخورده ایم و هیچیک چنان امر و مادهٔ را ندیده ایم که بمسائل شرع شریف و مذهب حنیف مطابق ، و بعادات و اطوار مملکت افغانستان و سکنهٔ آن موافق نباشد ! و ترقیات مادی و معنوی و اصلاحات مآل و حال ما تبعهٔ حکومت افغانی را حائز نباشد . لهذا ما یان مابقیهٔ نظامات دولتی را تمامًا درست و صحیح پنداشته بحضور باهر النور ملوکانه عرض و استدعا همی نمائیم که ما تمام قوانین عهد "امانی" را تصدیق کنان ، نفوذ و جریان آنرا در تمام قلمرو افغانستان الآن کمان آرزومندیم بعد ازینکه این معروضهٔ

لویه جرگه از طرفِ عموم مکرراً بغلغلهٔ تکبیر و آوازهای تهلیل و کف زدنهای شادمانی تقدیر و تحسین و تائید شد آقای عبدالرحمن خان رئیس مرکهٔ دپښتو برخاسته یک نطقی را برخلاف بعضی قوانین گمرکی و شکایات تجار افغانی بحضور اعلیحضرت غازی اظهار داشت، ذات شاهانه بعد از ختم کلام و دلائل و گفتار مزبور و نظریهٔ مذکور که خواهش تقلیل محصول گمرکی را در بعض اشیا نموده بود پرداخته ضمناً فرمودند بلی! ما محصول آن اشیائی را که برای عادات و اخلاق واطوار ملت اسلامیهٔ ما مضر و غیر مفید پنداشته میشود، مانند اسباب بازیچه و سگرت و امثال آن، باندازهٔ افزوده ایم تا کسی بخریدن و عادت بدان جرأت نکند و محصول اشیائی را که منفعت و ترقی و تعالی اهالی ازان در نظر است، باندازهٔ خفیف قرار داده ایم که از اعطای آن بیشتر تر برای تجار شوق تجارت آن بدماغ می پیچید [بدین تقریب وقت مجلس پوره شد و عموماً حسب معمول بغرض صرف اطعمه و ادای صلوة و تفریح مرخص شدند. ب، د.]

* * *
*

ظهر پنجشنبه (۲) اسد

[مقارن بساعت (۲) بود که عموم اعضای لویه جرگه وذات شاهانه در مجلس حضور بهم رسانیدند و ذات شاهانه قرار قاعدهٔ مقرره که همواره در آغاز مجلس چندے ساکت میبودند درینموقع نیز ساکت بودند که باز رئیس مرکهٔ دپښتو آقای عبدالرحمن خان دوباره همان مبحث را اعاده داده بعضی دلائل لاطائل را درهمان مواد جزئیهٔ رسوم گمرکی بالفاظ مؤدبانه و کلمات ادیبانه طوریکه عادت شان است آغاز نموده از طرف ذات ملوکانه و رئیس صاحب شورای عمومی دولت ووکیل صاحب وزارهٔ تجارة و وزیر صاحب مالیه و محمد عمر خان نائب رئیس ارکان حربیهٔ وزارهٔ حربیه و ایشان اعظم خواجه و باقی عمائد لویه جرگه حسب نوبه جوابات کافی نسبت به بعضی اعتراضات جزئی و تنقیدات سرسری وی گفته میشد که اگر بنده به ترتیب تمام بپردازد، مصرع مثنوی هفتاد دفتر میشود.

بالجمله این مبحث تقریباً تا ساعت [illegible] دوام یافت بالآخر ذات [illegible]

بالفاظیکه مجمل آن ذیلاً مرقوم میشود متعارض موصوف را تسلی داده و این مبحث راکه نه از طرف تجار خواهش گفتن آن بعمل آمده و نه اعضای محترم لویه جرگه (چنانچه مرقوم شد) خواهش برپانمودن آنرا نموده بودند خاتمه داد ب، د].

اعلیحضرت مقصد از انعقاد این مجلس عالی اصلاحات اساسی است! نه بحث و مذاکره کردن در امورات جزوی و گذارشات عادی و معمولی! مثلاً نظام قومی باشد؟ یا جبری؟ تعزیر بالمال جائز است یانی؟ و امثال آن. ما و شما برای جزئیات موظف نمیباشیم، این ابحاث داخل وظائف مجلس عمومی شورای دولت و مجلس عالی وزرا است، امثال شما اشخاص منورالفکر را نبایستی که برخلاف مقررات مجلس در اضاعهٔ اوقات قیمتدار لویه جرگه ابحاث بی موقعی را ایراد دارید! و اشخاص کوتاه نظر و بی فکر را مجبوراً در مغالطه بیندازید! همهٔ شما خوبتر و بهتر میدانید که این رسومات دولتی را این خادم تان برای مفاد شخصی خود از شما تحصیل نمیکند اگر مقصد تان از پیچیدن این بحث بیجا آن باشد که فلان تاجر و فلان صاحب ثروت را از خود خوشنود بسازید پس برای ما و شما حصول رضای خداوندی و خوشنودی روح پرفتوح حضرت نبوی ص از حد افزون و ضروریست بیائید که مزید بر مزید ما و شما بر اوامر و نواهی دین مقدس خود پابندی را اختیار کنیم و احکامی را که مذهب ما و شما در حفاظت دین مبین اسلامی و ملک و ملت ارشاد فرموده است آنرا بجا بیاوریم معلوم است

که تحفظ ناموس و دین و مملکت و ملت و دولت ابداً بدون از قوت امکان پذیر نیست و قوت چیز نیست که از ثروت بعمل میاید ثروت و عوائد افغانستان به همهٔ شما عیان است که وابسته بهمین اخذ رسوم گمرکی و مالیات و زکوة است و بس، فی الحال اگر شما این نظریه را مطرح مذاکره بنمائید که مالیات و رسوم گمرکی و محصول مال مواشی وغیره مطالبات حکومت از نزد ملت مناصفه تحصیل شود، گمان میکنم که هیچ یکی درین پیش نهاد با شما مخالفت نخواهد کرد و تماماً خواهش منظوری این نظریه را خواهند کرد فاما بعد از مدتی که اثرات سنگین آن بجان و مال و ناموس و هستی و بالآخر بدین و آئین و مذهب و مشرب تان از طرف دشمنان شما وارد آید علی الفور نه تنها با عطای مال و ثروت خود بلکه بریزانیدن خون خود نیز خود داری نمیکنید- امثال این اقوال را اگر من بشما تکلیف کنم بایستی نظر بخرابیهای که از ان حتماً تولید شدنی است قبول نکنید!

مقصدم از افزودن محصول بر بعضی اشیای غیر مفید آن است تا ادخالات خارجیه اگر خواست خدا باشد و ملت عزیزم غیرت و همت را شیوهٔ خود بنمایند و در صنایع و پیداوار مملکت خود ترقیات شایانی را از قوه بفعل بیاورند، کاملاً قطع شده بجای آن از مملکت ما چیزهای عجیب و غریبی بدیگر ممالک فرستاده شود، یگانه موقع مسرت و خوشنودی و شکرگذاریم روزی خواهد بود

که از کد یمین و عرق جبین شما از ادخالات خارجیه مستغنی گردیم و بر اشیای موجودهٔ مملکت خود قناعت کنیم! شما میگوئید که از زیادت محصول در تجارت نقصان میشود، برادرم! اگر تجار ما در تجارت داخلی خود در بعضی اشیا بر طبق زعم شما نقصانی را خدا ناخواسته بنگرند ازین نقطهٔ نظر که باندازهٔ همان نقصان پول و ثروت در میان مملکت بدست ملت ما باقیمانده است باکے ندارد، شما بار بار میگوئید که ازین شیوه برای دولت در محصول نیز خساره عائد است، آگاه باشید! که دولت شما نیز بدین خساره و نقصیکه ازین رهگذر برایش عائد گردد پروائی ندارد زیرا همان پولیکه دولت بصورت محصول تجارت میگرفت بجیب ملت ماند ملت کیست عضو دولت، ثروت و هستی ملت را عیناً مانند ثروت خود مے انگارد، خلاصهٔ مقصد اینست که اگر شما کدام اعتراض اساسی برین نظامات داشته باشید بسم الله بفرمائید و اگر گفت و شنیدی را در جزئیات خواستار باشید ازان نیز شما را مانع نمیشوم بسم الله بریاست عمومی شورای دولت حاضر شوید و یا نظریهٔ خود را بمجلس عالی وزرا که برای همین خدمات موظف اند تقدیم کنید، این مجلس عالی برای ابحاث جزوی منعقد نشده و الّا اگر از فروع و جزئیات درین بحث رانده شود لامحاله باید مدّت او را تا ده سال اطاله دهیم!

لویه جرگه ازین بیانات مشفقانه و نصایح پدرانهٔ ذات جهانبانی تحت رقّت

و تأثیر عمیقی آمده تماماً ازین دوربینی ها و عاقبت اندیشی های همایونی اظهار شادمانی نموده عموماً خودها را بر وجود ذیجود اینچنین فرمانروای ملت دوست مملکت پرور ترقیخواه، نیک بخت و سعادتمند شمرده از هر کنار بتائید همین مطلب گفتار بعمل آمده آوازهای تکبیر و کف زدنهای شادمانی متوالیاً یکی بعد از دیگرے محض تقدیر خدمات ملوکانه بعمل آمد.

اعلیحضرت مکرّراً بحضورتان عریضه پرداز شده ام که از مدح خوانی و تذکر صفات این خادم مملکت و ملت افغانی صرف نظر فرموده تنها در مواد مجلس مذاکره نمائید لطفاً بفرمائید که دیگر چیزی گفتنی دارید؟ یا خیر؟

لویه جرگه اعلیحضرتا! قبلاً بعرض رسانیدیم که در مواد و نظامات یکه ما بحث و تعدیلات را آرزومند بودیم حسب خاطر خواه مذاکرات و اصلاحات بعمل آمد در دیگر نظامات ما هیچ گفت و شنید را خواستار نبوده متفقاً تماماً آنرا تصدیق میکنیم.

اعلیحضرت امروز وقت مجلس تمام شده و فردا جمعه است پس فردا رئیس عمومی شورای دولت را امر میفرمائیم که خلاصهٔ نظریات و اصلاحات شما علمای کرام و وکلای عظام را که از ابتدا الی الآن در نظامات دولتی و دیگر فقرات مهم نموده اید و یا خواهش آنرا مجدداً از حکومت

کرده اید تحریر داشته بروز یکشنبه بیاورد تا بازمکرراً همان فقرات به پیشگاه شما حضار محترم قرائت شود وتفصیلات لازمه نیز دران مورد خاطر نشان تان شده بعده عموماً همهٔ تان بما تحت آن فقرات امضا نمائید تا بصورت اعلان عمومی قبل از حرکت شما از کابل بمقامات خود طبع گردد !

لویه جرگه ما نیز خیلی مائلیم که یکبار دیگر خلاصهٔ تعدیلات ونظریاتی را که از طرف لویه جرگه درنظامات بعمل آمده ویا مجدداً خواهش اجرا وتاکید آن کرده شده است ، بشنویم ودرنتیجه یکروزی برای آن مخصوص کرده شود تا نه تنها آن لائحه که مشتملبر خلص اصلاحات لویه جرگه است بلکه تمام لوائحی که از ابتدا الی الآن ما آنرا تصویب نموده وکالتاً ذات شاهانه را تکلیف نموده ایم که از طرف ما بران امضا فرمایند وما بواسطهٔ اینکه از مذاکرات مجلس باز میماندیم ودرنظام مجلس یکنوع خلل وسکتهٔ بوقوع می انجامید امضا نمودن ومهر کردن آنها را موقوف بختم مجلس نموده ایم بعده ما نیز آنرا سراپا خوانده امضا ومُهر مینمائیم !

اعلیحضرت خوب شد روز شنبه (٤) اسد ریاست شورای دولت خلاصهٔ نظریات شما را بصورت لائحهٔ جداگانه تحریر میکند خودم ودیگر وزارتها نیز بخدمات خود مشغول میشویم بروز یکشنبه (٥) اسد بعد از ظهر آن لائحه مکرراً بحضور شما خوانده میشود که آیا برطبق مفکوره وخواهش تان تحریر شده است ویا مخالفت دارد بعد از تصویب عمومی برای امضای آن لائحه ودیگر لوایحیکه از ابتدا الی الآن معطل بخاتمهٔ مجلس بود روز دوشنبه (٦) اسد تخصیص میشود که دران روز خودم ومأمورین دولتی بکارهای خود مشغول خواهیم بود وتنها شما درینجا آمده بران فقرات امضا میکنید ، روز سه شنبه برای گفتن دو سه فقرهٔ دیگر ووداع عمومی تخصیص میشود حالا چون از وقت مجلس چند دقیقه گذشته است همهٔ شما را بخدا می سپارم !

روز جمعه (۳) اسد

درین روز چون کارهای لویه جرگه با تمام رسیده بود تمام اعضای محترم خرم وشادمان بنظر آمده وکلا وعلما وسادات یک ولایت وحکومتی به نزد سادات وعلما ووکلای دیگر حکومتی وولایات رفته مصروف مصاحبه های دوستانه وصرف چای وشیرینی وفواکه که از طرف حکومت برای مهمانان محترم هر مقام چنانچه در اول این کتاب بطرف آن اشاره نمودیم ، مقرر بود ، میپرداختند .

ذات ستوده صفات ملوکانه از طرف صبح با مضا نمودن بعضی احکامات

و فرامین مشاغلت داشته قبل از ظهر بغسل و تبدیل لباس و تیاری نماز جمعه پرداختند درین جمعه نیز نه تنها طبقهٔ تحتانی و حصهٔ فوقانی جامع مبارک امانی از نماز گذاران مملو و پر، بلکه در اطراف و جوانبش نیز جای خالی نمانده بود، اعلیحضرت غازی بعد از بانگ آدینه بوقفهٔ چند دقیقه با وزرا و اراکین و مصاحبین خویش وارد مسجد شده باستماع وعظیکه یکی از علمای محترم لویه جرگه میفرمود، گوش نهاده درین بین مؤذن صدای (صلوة سنت رسول الله) را داده عموم باداے سنت پرداختند، بعد از فراغ سنت اعلیحضرت غازی خطیب مسجد را اشاره بخواندن خطبه نمود، بعد از فراغ خطبه و اداے نماز جمعه باز یکی از علماے جرگه وعظ نمود، بعده تمام بصرف طعام پرداختند.

از طرف ظهر نیز اعضاے محترم لویه جرگه مانند صبح بملاقات و احوال پرسی همدیگر و سیر و تماشاے اطراف و جوانب مشغولیت داشته اعلیحضرت بملاحظهٔ بعضے اوراق مخصوص مشاغلت داشتند. ب، د.

* * *

*

روز شنبه (٤) اسد

درین روز ریاست معظم شوراے دولت بخلاصه نویسی نظریات و اصلاحات و عرائض لویه جرگه که بحضور شاهانه در ایام لویه جرگه نموده قرار خواهش جرگه و امر شاهانه که بروز پنجشنبه نموده بودند از صبح تا شام باتفاق عمائد علما و اراکین و وکلاے لویه جرگه بذل مقدرت داشت و باقی نفری بعضاً بدیدن احباب مشغوف و قسماً به بعضے عرائض، و اموراتیکه بوزارتها و مأموریتهاے مرکزی داشتند مصروف و عدهٔ باستراحت به اطاقهاے خود مشغول بودند، ذات ملوکانه و عموم وزارات و دوائر بکارهاے محوّلهٔ خود درین روز مصروفیت داشتند؛ ب، هـ.

ظهر یکشنبه (۵) اسد

[ازطرف صبح این روز ریاست شورای دولت و اعزهٔ جرگه بهمان کار دیروزهٔ خود و ذات همایونی و عموم وزارات و دوائر باموررات مفوضهٔ خویش مشاغلت داشتند بعد ازصرف طعام و ادای صلوة ظهر آمد آمد نفری لویه جرگه بغرض استماع خلاصهٔ اصلاحات و نظریات و عرائض خود ها که در روزهای ماقبل از مجلس عالی لویه جرگه بحضور ملوکانه نموده بودند و میخواستند که آنرا تماماً بدقت بشنوند تا علی الصّباح اورا امضا نمایند شروع شد و اعلیحضرت بوقت موعوده حاضر مجلس شده بعد از وقفهٔ قلیل فرمودند. ب. د].

اعلیحضرت درخاتمهٔ مبحث پریروزه از اظهارات تان چنان مفهوم گشت که مزید برین گفت و شنیدی در نظامات دولتی نداشته همهٔ آنرا بصحت و صواب قرین دیده ریاست شوراے دولت را اجازه داده بودید که خلاصهٔ مذاکرات و اصلاحات و عرائض تان را تسوید نموده الیوم مکرّراً بحضور تان بخواند تا بشنوید که برطبق فرمایش وآراء تان تحریر شده یانی، درنتیجه بران خلاصهٔ لویه جرگه و مابقی آراء

وافکار تان علی الصباح مهر و امضا نمائید اینک رئیس صاحب عمومی شوراے دولت برای تان همان اشیاے مطلوبهٔ شمارا میخواند و خودم در بعضی مقامات براسے تان ایضاحات میدهم.

[دراینجا رئیس صاحب شوراسے دولت عریضهٔ ذیل راکه علما و وکلا و باقی اعضای لویه جرگه متفقاً تحریر داشته بودند قرائت نمود که ما ازان میان به تذکر عمدهٔ مطالب و خلص مآرب آن عرائض وگذارشات بذل مقدرت ورزیده آن آرا و نظریاتی راکه لویه جرگه نسبت بمسائل خارجیّه فرموده اند، نظر بدینکه ما از اصل مذاکرات آن هم در موقع وی صرف نظر نموده ایم دراینجا نیز آنرا قلم انداز میکنیم و همچنین از الفاظ مدحیّه و کلمات منشیانه وادیبانهٔ آن حتی الامکان بواسطهٔ طوالت مضمون صرف نظر خواهیم کرد. ب، د].

* * *

علمای منتخبهٔ لویه جرگهٔ افغانستان

(۱)

لویه جرگه ما علما و سادات و مشایخ و وکلاء عموم اعضاے لویه جرگه علماے اعلام و فضلاے کرام ذیل را قرار امر و ارشاد همایونی، جهة تطبیق و تحقیق و بازدید فروع و بعضے جزئیات نظامنامه‌ها از طرف خود وکالتاً مقرر و منظور مینمائیم تا این ذوات محترم خداے عزوجل را همه وقته حاضر و ناظر پنداشته مزید بر مزید در پابندی و تشیید شریعت غرای احمدی و تنویر احکامات ایزدی موافق و مطابق بمذهب مهذب امام اعظم صاحب کوفی رحمة الله علیه صرف مقدرت و مساعی ورزیده در تصفیه و فیصلهٔ همه گونه اوامر و اجراآتے که بدانها محول شود علاوه بر تألیف فتاوای مبارکهٔ امانیه و تطبیق و تدقیق در نظامات عصر حاضره بر طبق مسائل مفتیٰ به و روایات قوی مذهب حنفی رح فتویٰ دهند: (۱) مولوی عبدالحی پنجشیری، (۲) مولوی محمد ابراهیم خان، (۳) ملّا میر عبدالباقی، (۴) مولوی گلدست قطغنی، (۵) مولوی محمد رفیق خان

سمت شمالی، (۶) مولوی فضل ربّی سمت مشرقی، (۷) مولوی عبدالخالق سرخرودی.

علاوه برین نیز تصدیق میکنیم که اگر براے حکومت مزید برین حضرات معظم ضرورت دیگر علماے متدین و محقق و متبحّر باشد پس بایستی که مولانا حاجی عبدالرحیم خان ساکن گندمک و مولوی صالح محمد خان ساکن قیلغوے خوگیانی را نیز بخواهد منظور است.

اعلیحضرت من این علماے اعلام را که شما انتخاب نمودید نه تنها منظور مینمایم بلکه محض مراعات خاطر شما و احترام شرع شریف اوشان را بعوض هیئت عالیهٔ تمیز سابق مقرر داشتم و بیشتر تر از آنها مانند شما آرزومندم که بر طبق مقررات شرعیّه و روایات قویّهٔ مفتیٰ به حنفیه اجراآت نموده خودها را از حقیقت گوئی و حقایق و راست بینی و صداقت نویسی خودها مأجور عندالله و مشکور عندالناس بفرمایند و تا میتوانند در تدقیق و تطبیق جمیع فروع و جزئیات قانونیه با شرع احمدیّه بذل مساعی ورزند و در تألیف "فتاواے امانیه" نیز کوتاهی ننمایند!

لویه جرگه باوازهاے تکبیر و کف زدنهاے شادمانی و کمال مسرّت این کلمات همایونی را تلقی نمودند! مخصوصاً بر تقرّر این علما در محکمهٔ عالیهٔ تمیز اعلیحضرت غازی را بسیار تحسین و آفرین نمودند!

تألیفِ فتاواے امانیه

(۲)

لویه جرگه

چون اعلیحضرت غازی با جمعیت علما و اعیان دولت اسلام از کمال شریعت پروری در مجلس عالی لویه جرگه شامل فرموده در باب نظاماتِ دولت متعلقهٔ امور شرعیه که در بین عوام سوء تفهیم پیدا شده هدایت نموده اند که شما جمعیت علما حاضرهٔ لویه جرگه نظاماتِ متعلقهٔ امور شرعیه را از نظر گذرانیده بمسائل متفقهٔ مفتیٰ بهاے مذهب مهذب حضرت امام همام جناب ابوحنیفهٔ کوفی رحمة الله تعالی علیه تطبیق بدهید که اگر بعضی مواد آنها را علمای سابق تمیز باساس و مسائل مختلف فیه و روایاتِ ضعیفه اندراج داده باشند، تعدیل شود. لهذا ما علمای لویه جرگه نظامات متعلقهٔ امور شرعیه را از نظر گذرانیده بنا بر توصیه و هدایت حضور اعلیحضرت تمام آنرا بمسائل مفتیٰ بهاےِ حنفی تطبیق داده فقرات آتیه که بمسائل مختلفه و روایات ضعیفه داخل شده بود و ذیلاً معروض میگردد تعدیل آنرا نیز از حضور اعلیحضرت اولی الامر خود ها استرحام مینمائیم. و امید میکنیم که تا تألیف فتاواےِ امانیه جهه قضاة محاکم عدلیه و مأمورین دولت علیهٔ افغانیه برطبق اصول

امضای همین علمای منتخبهٔ لویه جرگه که از حضور انور اعلیحضرت غازی شرف تقرر و منظوری را نائل شدند کارروائی بعمل آید. و اگر کدام مسئله و اساس موضوعه را ما خدام بنا بر سهو و خطائی که لازم نوع بشر است تحت تصحیح نیاورده باشیم بایستی او را این علمای منتخبه برطبق روایات مفتیٰ بها بمذهب مهذب حنفی فیصله نمایند.

بایستی این فتاوی از حسن مساعی و عرق ریزی همین علماے منتخبهٔ ما بحوالهٔ کتب معتمدهٔ مذهب امام همام حضرت امام اعظم صاحب رحمة الله تعالی علیه و اقوال قویهٔ مفتیٰ بها بزبان عربی و ترجمهٔ فارسی و افغانی که حاوی بمواد نظامنامهٔ شرعیه باشد جمع شده بعد از امر حضور مبارک طبع و نشر شود همانا که اختلاف دور خواهد شد.

اعلیحضرت

ازین مفکورهٔ تان اظهار مسرت میکنم. و یگانه تأکید خودم نیز برین حضرات محترم همین است که نقطهٔ نظر شان در ضمن تألیف فتاوای امانیه مسائل مفتیٰ به و روایاتیکه مطابق بمذهب امام همام است باشد.

لویه جرگه

این گذارشات شهریارجهاندرجات خود ها را نیز بآوازهاے تکبیر و تهلیل و کف زدنهای مسرت تائید نمودند.

✤

تعزیرات بالمال

(۳)

لویه جرگه ما یان علما و مشایخ منتخبهٔ علمای مجلس لویه جرگهٔ افغانستان در مسئلهٔ تعزیر بالمال برای پادشاه اسلام این چنین فتوای جامعه میدهیم که تعزیر بالمال برای پادشاه اسلام بمذهب حنیف منیف امام اعظم صاحب علیه الرحمة جائز نیست . اما بروایت امام ابو یوسف صاحب علیه الرحمة جائز است . و روایت ثانی را علمای سلف متقدمین مصنفین ضعیف گفته و مسئول شمرده اند ، چنانچه از کتب معتمده مثل بحر الرائق و رد محتار ظاهر میشود . بنابران فتوای مذکوره بحضور مبارک اعلیحضرت غازی شریعت پرور عرض گردید ، صورت ضعف قول امام ابو یوسف رحمة الله علیه متأویل آنرا علما بیان کرده که امام وقت بگیرد ، اما بعد از چند روز که مجرم متوجه گردیده و توبه کشید واپس بدهد ، تعیین ضرب و حبس حین وقوع حادثه بقدر مصلحت وقتی برای پادشاه اسلام جائز است ؛ زیرا که روایت سابق ضعیف گفته میشود ، و برای قاضی مقلد بروایهٔ ضعیفه عمل نیست ، زیرا

بعضی کتب روایت مذکوره را مثل کتاب مجتبی و فتح المغیث منسوخ گفته باقی صاحب دولت مختار است .

اعلیحضرت قبلاً نظریهٔ خودم را در بارهٔ تعزیر بالمال برای تان تشریح نمودم و شخص خودم قلباً بدین مسئله بیشتر مائلم که برای جریان مساوات حقیقی و عدالت و انصاف اسلامی حتماً بایستی که تعزیر بالمال موقوف گردد !

لویه جرگه بعد از اظهار خرسندی مزید این بحث را هم به تکبیر و تهلیل و کفهای خرمی انصرام دادند .

نکاح صغیره

(٤)

مطابق مسائل کتب شرعیهٔ فقهیه و مذهب مهذب حضرت امام اعظم رحمة الله علیه باتفاق جمیع ائمهٔ کرام رحمهم الله نکاح صغار صحیح است و شرعاً تصرف اولیای صغار راست در نکاح صغیره ؛ بنابران ما علما در اصلاح فقرهٔ مذکوره چنین حکم و رأی میدهیم که نکاح حالت صغارت

جائز و صورت نکاح شان از طرف ولی عاقد مثل نکاح کبار سر از نو قرار گیرد و دعوای لاحقه و سابقه عموماً مسموع باشد !

اعلیحضرت درینجا تقریباً همان نظریهٔ قیمتدار و افکار گهربار شاهانهٔ شان را که در صحیفهٔ (۱۸۰) الی صحیفهٔ (۱۸۳) درضمن مذاکرات بر نظامنامهٔ نکاح و عروسی و ختنه سوری مرقوم شده است ایراد داشته در خاتمه فرمودند که نظر بدین مضار و تکالیف و بی اتفاقی هائی که از نکاح صغیره در بین ملت محبوب افغانیه ام دیده شده است خیرخواهانه این نصیحت پدرانه را برای تان میکنم. تا او را بعموم ملتم ابلاغ دارید که حتی الامکان از نکاح صغیر اجتناب ورزند. و هم از تقریر شما علمای اعلام یک باریکی دیگری را نیز در شرع انور درک کردم که حق نکاح صغیر و صغیره تنها از حقوق اب و جد است که هر کدام آنها منتهی درجهٔ رأفت و شفقت را نسبت بخوردان دارد.

لویه جرگه اعلیحضرتا ! ما ازین غمخواری و شفقت گستری تان از حد ممنون و متشکریم. و تا جان در بدن و روح در تن ما باشد در انتشار افکار ابکار تان میکوشیم. و تا بتوانیم از نکاح صغیره احتراز میکنیم. بالآخر این مذاکره نیز به تکبیر و تهلیل و چک چک تمام شد.

* * *

امورات تجاریّه

(۵)

لویه جرگه ازانجا که در مواد نظامنامهٔ امور تجاریه در محکمهٔ شرعیه بحث و مباحثهٔ زیاده میباشد، ثانیاً چون کتاب «**فتاوای مبارکهٔ امانیّه**» تدوین و تصنیف میشود، جمیع احکام شرعیهٔ جزائیه و حقوقیه دران مندرج خواهد شد پس دران کتاب یکباب مسائل تجارت مطابق احکام شریعت مندرج شود که همه احکام تجارت تحت محکمهٔ شرعیه باشد !

اعلیحضرت بسیار خوب ! ضرور باید که بشود و پاس مراعات تجار و ارباب معامله برطبق مقرّرات شرعیّه بعمل آید !

* * *

تذکرهٔ نفوس

(۶)

لویه جرگه تذکرهٔ نفوس که برای هر فرد تبعهٔ افغانستان جهة شناخت رعیتی و تابعیت شان بدولت مقدس و تسهیل مرور و عبور شان در نقاط داخلهٔ مملکت مقدسه بوجه رفاه عمومی و آسانی پساپورت ایجاد شده نهایت مفید دیده میشود، اما بر پشت تذکره نوشته شده که بدون وجود تذکره شاهدی شاهدان و طلاق و وکالت و بیع و شرای و عقد نکاح درست نیست، اندراج این کلمات شرعاً خوب نیست؛ لهذا عرض حضور اعلیحضرت والا اگر دید که کلمات مذکور را از پشت تذکره محو شود.

اعلیحضرت خوب است دور کرده میشود. و بعوض آن دیگر قیود سیاستی [که در صفحهٔ (۲۸۷) درضمن مذاکرات لویه جرگه بر نظامنامهٔ نفوس مندرج است. ب، د] ایزاد میشود. اگرچه وجود آن قیود شرعی در تذکرهٔ نفوس برای بسیاری از مهمات شرعی مفید بود و بسا تسهیلاتی را برای محاکم عدلیه فراهم می آورد تاهم محض اسعاف مأمول تان از آن صرف نظر میشود.

لویه جرگه بیک عالم خوشی و مسرت و تکبیر خوانی ازین مباحثه نیز درگذشتند.

عدم تحدید جزا قبل از وقوع

(۷)

لویه جرگه تعیین و تحدید جزا قبل از وقوع فعل، شرعاً محدود و مقدر نیست و من حیث صغر و کبر جنایت و اشخاص و زمان تفاوت قبول میکند، اولی الامر را می باید که مطابق دقائق کتب شرعیه منکرات که وقوع می یابد بلحاظ فعل شنیع و لحاظ اشخاص فاعلین آن و وقت و محل وقوع آن قرار مراتب اربعه که در کتب شرعیهٔ فقهیه مذکور شده نموده اجرای تعزیر را از روی آن بنماید، از کلام عنیف و زشت و جر الی باب قضاء القاضی و ضرب و حبس و تشهیر و نفی و جلای وطن، و در امور سیاستی کبائر که در کتب فقهیه مشخص شده از برای اولی الامر حسب مصلحت الوقت حکم است که قتل کند، مثل تکرار سرقه و وجود ظلمه و مفسده و باقی جرایم منکره که در کتب مذکوره معین است و حد شرعی ندارد قاضی را لازم که قرار امر و ارشاد اولی الامر که امام وقت

وسلطان زمان است اجرا و اقامه نماید. خلص که در جرائم صغار پاس ولحاظ مراتب اربعهٔ مذکوره ضروریست اما در کبائر مثل تکرار سرقه وغیره که در کتب فقهیه تعزیر بالقتل دران جائز شده تفاوت اشخاص نیست و درجات اربعه اجرا شدن ندارد بلکه مطلقاً اولی الامر آنها را زجراً برای مصلحت وقت قتل کرده میتواند. و در جنایات مذکوره بعد از ثبوت تعیین جزای آن کرده میشود. قاضی شرع شریف حکم فیصله را به محض تعزیر میکند و اقسام تعزیر را می نویسد که وکیل و نائب اعلیحضرت غازی هرکدامش را چون موزون دانسته سبب امتناع مجرم از ارتکاب آن جنایت به بند معین و مقرر کند !

اعلیحضرت تحدید جزا قبل از وقوع نیز یکی از اقوال مصرحه و متفقه همین علمای تمیز است که حال در مقابل شما حاضرند البته خیال و فکر من عاجز هم بنابر مصالح [که چندی ازان در ذیل تصریح میشود] با آنها شرکت داشت.

(الف) اکثریه از مجرمین را چون از مجازات و خیالات حکومت که نسبت بوقوع افعال شنیعه دارد قبلاً اطلاع بدهند همانا که بدان اقدام نخواهد کرد.

(ب) درصورتیکه اولی الامر به تحدید تعزیرات پرداخت

معلوم است که حکام و مأمورین دران دست بازی و رشوت خوری و لحاظ وخودغرضی نمیتوانستند.

(ج) وهم سابق برین دیده و شنیده شده است که اکثری از قضاة و حکام بواسطهٔ همین مسئله که حکم آن ظاهراً تحدید نشده بود، وآنها تعزیر مجرمین را مینمودند، تلفات از طرف مجرمین دیده اند وهدف اسهام جهال و ارباب غرض گردیده اند، درصورتیکه تحدید تعزیرات از طرف پادشاهی مقرر شود معلوم است که این غلط فهمی و مغالطه نیز مرفوع و مدفوع میگردد ومجرمین بخوبی میدانند که قاضی و حاکم بجز از ادای وظیفه و تعمیل احکام مقرره از خود بالای آنها چیزی را اجرا کرده نمیتوانند.

اکنون که شما تحدید جزا را قبل وقوع مستحسن نمی بینید و میخواهید که تعزیرات بعد از وقوع واقعه نظر بوقت و زمان و فعل و فاعل و دیگر اشیا بایستی داده شود لهذا چنان مستحسن دیده میشود که تحدید جزا بعد از وقوع بعمل آید وتقرر آنرا نه تنها قاضی [بنابر مضرات و اسبابی که بچندی ازان در فوق تلمیح شد] بلکه حاکم و هیئت مجلس مشوره متفقاً بنمایند درینصورت معلوم است که هم در فیصله جات خودغرضی نمیشود وهم سد باب رشوت ولحاظ و دیگر اسباب میشود- وهم قاضی ها از تهدید و تخویف نجات می یابند اگر این مفکورهٔ ام را نیز لویه جرگه ضمیمهٔ این نظریه شان بنمایند بخیالم که از

مفاد خالی نخواهد بود !

لویه جرگه بسیار خوب ! بسیار خوب ! ضرور باید همچنین شود، بعده عموماً یک غلغلهٔ دعاگوئی و تحسین و آفرین بر خیالات عالی اعلیحضرت غازی و دور اندیشیهای همایونی و ملت پروری و عدالت گستری شان، برپاشده این سخن نیز بآوازهای تکبیر و تصفیق مسرت رفیق اختتام یافت !

حبس جانی الی زمان ظهور صلاح و آثار توبه

(۸)

علمای لویه جرگه در تمام کتب فقهیه و مسائل مفتی به حنفیه حبس جانی الی زمان ظهور صلاح و آثار توبه و معلوم شدن سیمای صالحین در رنگ و چهرهٔ مجرمین مقرر است ازینرو آرزومندیم که نبایستی بعد از وقوع فعل میعاد و حبس اهل جنحه و جنایت را مقرر کرد چه ممکن است بعضے از مجرمین از عادت بد و خوے خرابیکه در سرشت دارند تا یدان مو عد براه صلاح نیایند و بر جادهٔ هدایت نپویند، و متوقع است که اکثرے از اشخاص بعد از گذرانیدن

چند وقت در محبس قلباً و صدقاً از عملیات ناصواب و رفتار نکوهیدهٔ خود تائب و نادم شوند باقی شما مختارید !

اعلیحضرت حضار محترم به بینید که شرع شریف تا کدام اندازه برای اصلاح حال و مآل عالم انسانیت پیش بینی نموده است و بکدام مرتبه درجات عالیهٔ رحم و راحت و شفقت را نسبت بعباد صالحین و تا چه مقام تهدید و تأدیب و گوشمالی را برای مجرمین و گمراهان مقرر داشته است .

این نظریهٔ شما را حاضرم که با چند قیود لازمه قبول و منظور نمایم لاکن ما قبل از ان باید شما را بدانانم که حکومت شما بنابر کدام لحاظ زمان حبس جانی را تحدید داشته است ، بدیهی است که سارق و قمارباز و زانی و دیگر مجرمین هر وقت برای توبه کردن و سوگند خوردن حاضرند نه تنها رجال حکومت بلکه ادنیٰ ترین افراد ملت نیز بسوگند خوردن و حلف کردن جنایت کارانیکه در حقیقت بمخالفت اوامر و نواهی همان قرآن پاکے که بدان سوگند میخورند، میپردازند اهمیت نمیدهد، لهذا حکومت بعد از دقت تمام سنجید که فلان رقم مجرم بعد از حبس شدن اینقدر مدت ممکن است که اصلاح شود، ازینرو برای آنها مدتی معین شد .

اکنونکه شما حبس جانی را الیٰ زمان ظهور صلاح و آثار توبه خواهش دارید پس لطفاً علمای منتخبه تازاتأکید کنید که برای ظهور صلاح و آثار توبه چنان

قواعد وضوابطی را مقرر دارند تا که حکومت حقیقتاً همچنان اشخاصی را که واقعاً بصلاحیت آمده وسیمای صالحین ونیکوکاران در وجود آنها ظاهر باشد، رها کند؛ والا اگر برنگ وروی وهیئت ظاهری باشد همینکه شما دزدی را بزندان انداختید. ازیکطرف طعام را بالاسے خود بند میکند. وازجانب دیگر شروع میکند بگذاشتن ریش، وهم یک تسبیح بزرگ ومسواک کلانرا با خود میگرداند، وبه اوراد ووظائف نیز مشاغلت میورزد، پس اگر ما بدین هیئت ظاهری آنها که بنظر کمتر از یک ولی کامل نمی آیند فریب خورده آنهارا بگذاریم، معلوم است که «گرگ» را خوب گرسنه نموده و«شیر» را در موقعیکه برای تناول گوشت اشتهاء دارد، رها کرده ایم؛ وبجان «رمه» ودیگر «مواشی» مظلوم ازدست خود قصاب اجل را فرستاده ایم.

(عاقبت گرگ زاده گرگ شود ✤ گرچه باآدمی بزرگ شود)

وکلای لویه جرگه چیزیکه ذات خسروانه نسبت به ارباب جرایم فرموده اند بسیار خوب است واز حد ضرور بصد ضرور لازم است که برای آنها هیچ یک نوع مراعات وتخفیفی عطا نشود.

اعلیحضرت نی! ابداً ما خواهش نداریم آن حقوقی را که خداوند برای آنها عطا کرده است حکومت اسلامیه تان آنها را ازان اگرچه

مجرمند محروم داشته امتیازی ندهد، فاماً بایستی که این امتیاز بیک اصول مضبوط وقواعد مرغوبی ازطرف علمای محترم گذارده شود.

علمای لویه جرگه برطبق مقررات شرعیه وهدایات ذات شاهانه ما علما برای امتیاز صالحین ازطالحین چنان شرائطی را وضع میکنیم، تا مجرمین ابداً ازان استفاده کرده نتوانند، وعلاوه بران خود ذات پادشاهی درامورات تعزیری مختار مطلقند بهر طور ونهجی که بران قیود وشروط بگذارند صحیح است ودرست.

اعلیحضرت درصورتیکه اختیار وضع قیود وشروط وتحدید تعزیرات ازحقوق پادشاه اسلام است مطمئن باشید که اصول خوبی را برای امتیاز مجرم وغیر مجرم وشخص بادیانت ومرد صاحب خیانت مقرر خواهم داشت.

✤ ✤
✤
✤

حکم قاضی به امارات قویّه

(۹)

لویه جرگه — اعلیحضرتا ! محض سدّ باب جرائم و انقلاع فتنه و فساد و بمجازات رسیدن اشرار نابکار ما عموم علمای افغانستان این مسئله را از کتب معتبرهٔ فقهیه و روایات معتمدهٔ حنفیه بحضور شاهانه تقدیم میکنیم، و بهمراه آن التجا داریم تا منظور گردد که در حدود و حقوق عباد احکام محاکم عدلیه بعد از اقرار مقر و گواهی شهود صادر گردد و در تعزیرات قضاة مملکت اسلامیهٔ افغانیه حتماً بدلائل قویّه و امارات مستنده علم خود شان را ضم نموده احکام اصدار نمایند.

اعلیحضرت — من ازین روایات و نظریهٔ انصاف و اسلامیّت تان اظهار سرور و تشکر دارم زیرا ما قبل برین در مواقع وجود همه گونه دلائل و قرائن و امارات مستنده قاضی صاحبان در مسئلهٔ سارقین و مجرمین از مدعیان گواه میخواستند، چون مدعی مظلوم گواه آورده نمی توانست ازین استغاثهٔ خود بجز از پریشانی و یک دشمنی سرباری شخص مدّعی علیه دیگر ثمر یرا نمی چید، چنانچه در ایّام سابق یکی ازمیان شما گفته بود که نسبت دزد

وشاهد مانند اجتماع سایه و آفتاب است، و علاوه بران از مسموعات و تجربات و نظریات بعیان رسیده است که باید با ارباب جرایم مساهله و نرمی کرده نشود، خودم در ابتدا شفقت و عدالت کردم بر ارباب جنحه زولانهٔ یک لنگه حکم کردم امّا بالآخر آن ظلام از حرکات ناهنجار خود مرا بدین سخن مجبور کردند که حکم نمودم که زولانهٔ دو لنگه بهر دو پای شان انداخته شود !

لویه جرگه — یکی ازمیان برخواسته برین نظریهٔ علمای مکرّم و اعلیحضرت معظم خویش اظهار شادمانی کنان کلماتے را در قلع و قمع اشرار و سارقین و ارباب جنایت ایراد کنان ضمناً این بیت را قرائت کرد ے

سر گرگ باید زاول برید ❊ نه آنگه سر گوسفندان درید

در اثر آن تمام لویه جرگه بتائید آن پرداخته حکومت را با نواع تشدد و اقسام بازپرس نسبت باشرار توصیه کنان ازین مبحث در گذشتند !

❊ ❊

❊

قتل سارق بتکرار سرقه

(۱۰)

لویه جرگه وهم نظر بملاحظاتیکه درفوق مسطور و مذکور گشت صرف برای ادامهٔ انضباط و امنیت عمومی و رفع سرقات و دزدیهای معمولی ازروی مسائل مفتی به شرعیّه چنان فتوای را بحضور مبارک تقدیم میکنیم که سارق ضرور باید بعد ازینکه مکرّرًا در سرقه گرفته شود ویا بروی ثابت گردد سیاستًا بقتل برسد .

اعلیحضرت و لویه جرگه بکمال مسرت و کف زدنهای شادمانی این نظریّه را قبول فرموده ازین گفت وشنید دلچسپ نیز درگذشتند .

شمولیت قضاة در محاکم مأمورین

(۱۱)

لویه جرگه محض جهة بازدید جمیع امورات مملکتی و مطلع بودن قضاة و مأمورین عدلیه ازگذارشات حکومتی و مجلس های مشورهٔ مقامی چنان معروض میداریم که قضاة و مفتیان در محاکم مأمورین نیز باید شامل شده حصه بگیرند تا طرفین ازین اختلاط و نشست و برخواست برای خودشان استفاده بکنند .

اعلیحضرت سابق برین ما از محاکم شرعیّه و قوهٔ عدلیّه دست حکام و مأمورین را کاملًا دور کرده و آنها را از هم علیحده و بکارهای مفوضهٔ خودشان یکه و تنها گذارده بودیم . تا احدی نتواند که در امورات عدلیّه مداخله کند . حال شما چنین خواهش میکنید که باید قضاة و مفتیها نیز در محاکم مأمورین حصه بگیرند . خوب است من شمارا ازین اظهار شما مانع نمیشوم لکن آرزو میکنم که باید وکلای منتخبهٔ شما ازچنان اشخاص با درایت

وصاحب کفایت منتخب و معین شوند، تا موجب تضییع اوقات و سرگردانی قاضی صاحبان و محاکم عدلیه مانشده کارهای اهالی درزاویهٔ تعویق نماند وهمان وکیل منتخبهٔ شما که عالم است در محاکم مأمورین حصه بگیرد و مدافعه های لازمه را برطبق مفکورهٔ تان بنماید، درصورتیکه رؤسا و اعضای محترم منتخبهٔ محاکم مأمورین اشخاص عالم و دانسته وفهمیده باشند پس حاجت بلفظ قاضی ومفتی بودن چیست ؟

لویه جرگه برین مسئله اظهار مسرت کرده این جملات همایونی را بکف زدنهای مسرت تحسین کردند .

عوضِ نفوس و بدلِ عسکری

(۱۲)

لویه جرگه خدمت عسکری خدمتی است نهایت باشرف و ما برای همه گونه اوامر و فرمایش همایونی که در عالم عسکری برای ما بفرمایند سمعاً و طاعةً حاضر و آماده ایم فاما برای آسایش اهالی و تسهیلات عمومی برطبق مقررات شرعی معروض میدارم که عموم افراد افغانی بکمال شوق و شغف و رضا و رغبت

خودها بعسکر می آیند، اشخاصیکه خودشان آمده نتوانند و از دولت خواهش کنند از وشان بدل نقدی را که حکومت مقرر دارد برای مصارف سد ثغور و استحکام سرحدات و دیگر تجهیزات نظامی و جعل بیت المال قبول کند بایستی که حکومت این خواهش شانرا قبول کند؛ و اگر خود آن مرد اصالتاً شامل عسکری شده نمیتوانست، امیدواریم که حکومت بشرائط ذیل از وی عوض را قبول کند :-

شرط اوّل : هر زمانیکه عوض فرار کند شخص اصل جلب شود که یا دیگر عوض و یا بدل نقدی چهار صد روپیه بدهد یا خودش بالذات خدمت عسکری را نماید .

شرط دوّم : بهر تاریخیکه خود او و یا عوض دیگر آن حاضر خدمت شود از همان تاریخ تا دو سال خدمت عسکری را اکمال نماید .

شرط سوّم : اگر اسلحهٔ دولت را عوضی مفقود کند و یا در حین فرار شدن با خود ببرد تاوان آن بذمهٔ شخص اصل است .

شرط چهارم : سنّ عوضی قریب سن نفری که بقرار نظامنامه جلب میشود خواهد بود .

شرط پنجم : عوضی اگر در حین داخل بودن ملازمت عسکری فوت شود و تاریخ اکمال خدمت آن بر سر نرسیده باشد دیگر شخص اصل تکلیف نیست .

شرط ششم: کسیکه قبلاً دورهٔ خدمت عسکری را اکمال کرده باشد عوض شخص دیگر منظور نمیگردد .

شرط هفتم: بوقت اعلان حرب شخص عوضی که تعلیم یافتهٔ فن حرب است حاضر شود .

شرط هشتم: بعد از اعلان حرب بدل نقدی منظور نیست .

اعلیحضرت: بسیار خوب شد حکومت بشرائط فوق هم از شما عوض را قبول میکند وهم بدل عسکری را مبلغ چهار صد روپیه از اشخاصیکه نه شخصاً خودش شامل نظام شده میتواند و نه عوض برایش دستگیری میکند، قبولدار میشود؛ دیگر تعدیلاتی را که در نظامنامهٔ نفوس نموده اید چون درین مبحث بیان نمودید گمان میکنم که فراموش خاطرتان شده اینک خودم آن تعدیلات شما را بخاطر دارم که میگویم (۱) در آتیه حوالهٔ نفوس بحضور مجلس مشوره بعمل آید (۲) عمر اشخاص در کتاب نفوس بعبارت فارسی تحریر شود (۳) مجلای اشخاص معذور و بیکس را درصورتیکه باقاعده درست باشد مأمورین محلی نفوس ملاحظه کرده برخواست بدهند!

لویه جرگه: بکمال گرمجوشی و یکعالم شادمانی این نظریات همایونی را شنیده برین حق گوئی و حق پسندی و انصاف شعاری و قوهٔ حافظهٔ پادشاهی دعاگوئی ها نموده تماماً و را باآوازهای تکبیر و کف زدنهای خرمی تحسین و آفرین نمودند .

* + *

دار العلوم اسلامیه و مکتب حفاظ

(۱۳)

لویه جرگه: چون خیالات جهاندرجات اعلیحضرت غازی ما همیشه مصروف به ترقی امورات دینی و اسلامی و مذهبی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ما ملت عاجز بوده و هست، لهذا برای ترقیات اعظم و تعالیات ازحد الزم ملت غیور افغان و سکنهٔ جسور افغانستان عطف توجهات شاهانهٔ شانرا ما علما و مشایخ و سادات و شرکای لویه جرگه بسوی این مسئلهٔ مهمه میداریم که یک دار العلوم عربی جامع علوم احادیث و تفاسیر و عقائد و فقه و اصول و میراث و تاریخ وغیره در امصار معتبرهٔ افغانستان مثل قندهار و هرات و مزارشریف و جلال آباد وغیره ولایات و حکومتی های اعلی بتحت ریاست علمای فاضل متدین همان محل به نصاب دار العلوم اسلامیهٔ (دیوبند) و صوابدید علمای جرگه تأسیس گردد، زیرا که اصل الاصول السنهٔ مستعمله زبان عربی دیده میشود [و فرقان عظیم الشأن] هم بلفظ عربی است تا ابتداءً معلمین و متعاقباً متعلمین این دار العلوم استخراج رسائل دینیهٔ فارسیه را از برای تعلیم

مکاتب ابتدائیه و تصنیف و تألیف و وعظ و نصیحت و تبلیغ و ارشاد و ایقاظ ذاهلین و تنبیه غافلین در هر محفل و مجلس عالی که ضرور شمرده شود اجرا بنمایند. چون در دول اسلامیه تعلیم دینی عربی بسبب تصرف غیر مسلم محو شده و دولت مستقلهٔ افغانستان از مساعیات حضور شمایان الحمدلله از تصرف غیر خالی و خلاص میباشد، پس چقدر موزون و تاکدام اندازه تأسیس همچه یک مؤسسهٔ خیریهٔ دینیه درین سرزمین دیانت قرین اسلامیه مرغوب خواهد بود.

من فقیر چکنور به تجربه دیده ام که در خدمات عمدهٔ اسلام مثل جهاد قوت علمی همین طلبا و علمای عربی اثر زیاد بخشیده، نهایت مفید می بینم اگر عرض مذکور مایان منظور شود در فرصت قلیل بکمال تعجیل طلبای فارغ التحصیل شده بخدمت دین و دولت مشغول شوند گویا اساس ترقی و احساس قوم دیده میشود و تکمیل استقلال علی وجه التام حاصل میشود.

و نیز بنا بر خیالات فوق پابندی اسلامی و شریعت پروی اعلیحضرت معارف گستر امیدواریم که شعب مکتب الحفاظ از برای حفظ الفاظ قانون شرعی که قرآن عظیم الشان میباشد، تاسیس شود ما آنرا لازم می بینیم تا سلسلهٔ حفظ قرآن مبارک نیز منقطع نشود.

اعلیحضرت من ازین تحریک عمده و دلالت بالخیر شما که از مدتی مرکوز نظر حکومت تان بود، کمال مسرت و امتنان خودم را

بعرض رسانیده شما را مطلع و حالی میکنم که شما تصور نکنید که وزارهٔ معارف افغانستان و یا این خادم عاجز تان تاکنون در بارهٔ تأسیس دار العلوم اسلامیه خیالی نداشت، و فقط ازین یاد آوری شما در صدد ترتیب آن میبرآیدنی بلکه از زمانیست که این عاجز و وزارهٔ معارف تان در چگونگی این دار العلوم و پروغرام و نصاب تعلیم و طرز دروس و غیر ملوازم آن است امّا تا حال نه بر کدام یک نصاب جامع او موفق شده ایم و نه یک اصول خوبی از آن بنظر ما رسیده است و نه سر معلم و معلمی را طوریکه برای یک دار العلوم اسلامیه در همچه یک مملکت مقدس افغانیه لازم باشد سراغ نموده ایم لله الحمد که ازین ورود محمود شما علمای اعلام و فضلای کرام آنهمه مشکلات و موانعاتیکه سدّ تأسیس آن مدرسهٔ عرفانیه بود تقریباً مرتفع گشت و اینک همین نزدیکیها باتفاق آراء علمای منتخبهٔ تان و وزارهٔ معارف ما به تکمیل این تحریک سراپا تبریک و این معروضهٔ مقدسهٔ تان بتمامها میپردازد، و اولاً باسعاف این مأمول مسعود و انجاح این مسئول محمود تان که دار العلوم و مکتب الحفاظ است بالت کابل آغاز میشود و متعاقباً بر همان اصول اگر خواست خداوندی باشد در ولایات و حکومتیهای اعلای افغانی نیز اجراآت بعمل میآید، گمان میکنم که برای تعلیم علوم عربیه و کتب اسلامیه طلبهٔ مکاتب عمومیه بعد ازینکه نصاب رشدیه را تمام کنند داخل شوند بهتر خواهد بود،

و برای تحصیلات اوشان تسهیلاتی بهم خواهد رسید !

لویه جرگه از ین مفکورهٔ سراپا حسنهٔ ذات شاهانه اظهار مسرت مزیدی و خرمی های بسیار را نموده این مبحث مقدس را بعد غلغله های تکبیر و تهلیل و کف زدنهای شادمانی خاتمه دادند .

مسائل احتسابی

(۱٤)

لویه جرگه چون توجهات اعلیحضرت غازی به شریعت پروری بدرجهٔ اقصی دیده میشود ، لهذا ایک فقره برای ضرورت اجرای فرعیات شریعت و تعمیل جزئیات مقدسهٔ اسلامیه عرض میشود که نظامنامهٔ احتسابی ترتیب شود و قرار نوشتهٔ تمسک القضاة الامانیه بایستی یکنفر محتسب دیندار عالم در هر علاقه مقرر شود تا از نماز و امامها و مساجد و امورات شرعیه مطلع بوده تحقیقات و تاکیدات لازمهٔ مذهبی را خوبتر بجریان آورده جمیع امورات دینی را از قبیل امر بالمعروف و نهی عن المنکر و تبلیغ اعلانها ملت را باخبری داده باشد ، و هم حسن توجه شاهانه را در بارهٔ

مساجد و ائمه و مؤذنین خواستاریم .

اعلیحضرت این مسئله را نیز سابق برین علمای تمیز و وزارهٔ عدلیهٔ ماتحت تدقیق آورده درین روزها ما در صدد ترتیب نظامنامهٔ احتساب و تقرر محتسبین بادیانت بودیم ؛ خوب شد از حسن معاونت شما علما نظامنامهٔ مزبور بیکصورت جامع و مانع ترتیب خواهد شد و اجراآت آن نیز حسب دلخواه بعمل خواهد آمد ، و همچنانچه تنظیم معاش مؤذنین و ائمه و لوازم مساجد دارالسلطنه بعمل آمده است عنقریب از سائر نقاط مملکت افغانیه باصول لازمه در شرف انتظام است مطمئن باشید .

لویه جرگه ازین شریعت پروری و مذهب خواهی حکومت متبوعهٔ افغانی خود اظهار مسرت و تحسین و آفرین نمودند .

* *

*

ضرورت تعلیم نسوان در نشیمنهای شان

(۱۵)

لویه جرگه ما علما و سادات و مشایخ ملت افغانستان بحضور اعلیحضرت غازی مان عریضه پردازیم، چون ذات همایونی جهة رفاهیت و ترقی ملت و دولت جد و جهد بلیغی را بکار برده و میبرند حتی که از کمال توجهات عالیهٔ شاهانهٔ شان مکتب مستورات را نیز مقرر کرده اند، الله تبارک و تعالی وجود مبارک اعلیحضرت غازی را پاینده داشته باشد که همواره ترقیات ملت و دولت را ملحوظ داشته باشد، اما قرار مسائل مسلمه و روایات مفتی به فقه شریف بایستی تعلیم و تحصیل نسوان در خانهای خود از اقارب محارم شان باشد تا از ان تعلیم دینی که فرض منصبی ملت اسلام است محروم نمانند، بنابران از شریعت پروری اولی الامر خود مختار غیور ما، امید میشود که تعلیم جمعیت نسوان در مکتب نشود تا مسئلهٔ حجاب و ستر که یکفرض ضروریست برای نسوان اسلامی خوبتر و بهتر حاصل شود آنچه معلومات شرعیه که درین موضوع نزد این خادمان دین مبین بود عرض شد اگر حضور والا

تسلی و اطمینان بر نوشتهٔ مایان بشود بهتر و الا درین مسئله از دیگر علمای اسلامی ممالک خارجه هم معلومات وافره و فتواهای موثقه را نیز حاصل فرمایند

[اعلیحضرت درین محل یک نطق نهایت مفصل دلنشینی را ایراد نمودند که صورت اجمالی آن ذیلاً تحریر میشود. ب . د]

اعلیحضرت اگرچه در موضوع تعلیم نسوان گفت و شنید ما و شما قبلاً بپایان رسیده و مفکورهٔ تانرا درین مسئله قبول کرده ام لکن باز هم میخواهم که توجه شما علمای اعلام و فضلای کرام ملت عزیزم را بسوی این نکتهٔ مهمه بنمایم که درین مورد باید ما و شما از عقل و فکر و طرز عمل عموم عالم اسلام کار بگیریم و مزید برین روادار نشویم که طبقهٔ اناثیهٔ ما در یک عالم جهالت و نادانی و فرومایگی زندگانی کنند، تعلیم طبقهٔ اناثیه از حد ضروریست و نباید ما و شما بمخالفت حدیث شریف طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة برائیم و نباید بگوئیم که ما افغانیم باید زنان ما از راه خدا و رسول و مبداء و معاد خود بیخبر بوده در یک عالم جهالت و نادانی باشند بایستی ما بر حال آن اطفال خود که تقریباً تا بعمر هشت سالگی در اطراف و جوانب مادر و خواهر و خاله و عمه و دیگر اقارب اناثیهٔ خود زندگانی مفیدهٔ اولیهٔ خود شانرا بسر میبرند ترحم کنیم و محض جهة تعلیم و تربیهٔ آن اطفال درین مکتب نخستین که «مکتب آغوش مادر» گفته میشود آنها را از مسائل ضروریه مطلع کرده اطفال خود را ازین فیض عمومی محروم نداریم

بالای ما و شما لازم است که طبقهٔ نسوانِ خود را عالمه و دانسته و مطلع از فرائض و واجبات و سنن و مندوبات و دیگر ضروریات بنمائیم تا اولادهٔ ما و شما در همان صغارت که تعلیم آنرا حضرت پیغمبر ما کالنقش فی الحجر فرموده است و اهل سلف همین تعلیم را میگویند مصرع «با شیر اندرون شده با جان بدر شود» از اخلاق و عادات و اطوار خوب مستفیض و بآداب و صفات خجسته متحلی شوند من گاهی طرفدار این امر نبوده و نمیباشم که صبیاتی که قریب بمراهقی باشند در مکتب آمده تعلیم بگیرند بلکه مفکوره و نظریهٔ من نظر بمفاد بزرگ و ملحوظات سترگی که بشمهٔ از آن در فوق اشاره شده این بود چنانکه صبیات خورد سال با همه گونه مراعات ستر و پرده در مکتبی که کاملاً محفوظ و مستور است و معلمات آنها نیز نسوان‌اند آمده تعلیم بگیرند اکنون که شما علما میگوئید که خروج صبیات نیز برای تعلیم مستحسن نیست بالفعل ما درین مفکورهٔ تان با شما محض مراعات شرع شریف متفقیم امّا گمان نمیکنم که دیگر علمای عالم اسلام و فضلای هند، سنده، مصر، مکهٔ معظمه، مدینهٔ منوره، شام، بیت المقدس بغداد، بصره، کوفه، ترکیه درین نظریّه با شما متفق باشند زیرا که در هر یکی ازین بلاد معظمهٔ اسلامیّه بتعداد غیر واحده مکاتب اناثیّه موجود است.

[درینجا وزیر صاحب معارف و محمّد اکرم خان مدیر نیز بتائید این مقوله همایونی یکی بعد از دیگری مقالات مشرح و موضحی را ایراد داشتند ازین رو علما گمان نمودند که شاید آن مبحثی را که قبلاً ما فیصله نموده ایم باز سر از نو اعاده میشود، لهذا از هر گوشه و کنار باز دروازهٔ بحث و گفتار مفتوح شد بنابران ذات جهانبانی قطع کلام متعرضین و مدافعین را نموده گفتند. ب، د].

این مبحث چنانچه مذکور شد فیصله شده خودم بالفعل بر طبق مفکورهٔ همین حضرات تعلیم صبیات را در خانه های شان امر و اراده میکنم در میان شما غلط فهمی واقع شده بحث نکنید من میخواهم که درین ضمن این علمای محترم را بیک امر دیگر دعوت و تکلیف کنم و آن اینست که باید این حضرات معظم که دعوی خانه نشینی صبیات معصوم و طفلهای خورد سال ما را میکنند و ما سمعاً و طاعةً محض احترام احکام شرع شریف که برای ما درین موضوع از ان نام میبرند او را قبول میکنیم در قری و اطراف و قشلاقها بر نسوان نوجوان و دوشیزگان و دیگر زنان کوچی و افاغنهٔ بادیه نشین و عموم سکنهٔ افغانستان نیز بقوهٔ تبلیغیّه و وعظ و نصائح لازمه ستر و حجاب را حتمی و لازمی قرار بدهند و تا لویه جرگهٔ آینده در سرتاسر افغانستان آن ستر و حجابی را که شریعت پاک برای زنان مسلمانان مقرر داشته است جاری و حکم فرما نمایند اگر درین باب از حکومت اجازه و تسهیلات بخواهند دریغ نمیشود فامّا اگر تا موعد لویه جرگهٔ آینده حجاب و ستر در بین عموم رایج نشد و یا احدی ازین زنان که هر روزه بصدها نفر

آنهایی حجابانه بنظر میخورند دیده شد، بار مسئولیت آن بهمراه ناغگی بگردن شما حضرات معظم است.

علمای لویه جرگه ازین تقریر سراپا تأثیر همایونی تحت رقت مزید آمده از نظر فداری همایونی آثار رشادمانی رانشان داده متعهد شدند که حتی الوسع در ترویج ستر و حجاب در بین عموم طبقهٔ اناثیهٔ افغانیه بوعظ و نصائح و تبلیغات مذهبی کامیابی حاصل خواهند کرد تا موقع انعقاد جرگهٔ آینده در سرتاسر افغانستان زنی بی پرده انشاءالله تعالی بنظر احدی نخواهد خورد.

مجازات شخصیکه بر ازواج خود عدالت نکند

(۱۶)

لویه جرگه اعلیحضرتا! با اینکه سابق برین نیز تعداد ازواج ممنوع نبود اشخاص صاحب غرض میتوانستند که بشرط مصدق چهار زن را در حبالهٔ نکاح خود می آوردند و محصولی را بحکومت می پرداختند، چون بتصدیق مصدق

و محصول هم عدالت حقیقی بوجود نمی آید ما علمای لویه جرگه چنان مناسب می انگاریم که محصول و مصدق دور شود و بر مردیکه بعدالت و مساوات در بین ازواج خود رفتار نکند مجازات لازمه مقرر شود و هم بر شخصیکه ازواج عارضات خود را باستغاثه نمیگذارد، و این مسئله بحکومت بنوع من الانواع ظاهر شود تعزیر شدیدی مقرر دارند، همانا که مطلب اصلی همایونی که تالی احکام ربانی و شرع محمدی است باصول خوب و طریق مرغوب بعمل می آید.

اعلیحضرت خوب است! من این نظریهٔ شما را هم پذیرفتم و نکاح ثانی و ثالث و رابع را الآن کماکان مانع نمیشوم ازین امر و اعطای اختیار بازپرس دوامیکه بحکومت اسلامیه در بابت غوررسی نسوان مظلومه شریعت داده که دائماً مترقب احوال نسوان باشد کمال امتنان و تشکرم را ظاهر کنان مصدق و محصول را الغا نمودم!

لویه جرگه ازین بحث نیز بکمال مسرت و دعاگوئی گذشته عطف توجه شاهانه را باستماع دیگر فقرات نمودند.

تعدیل و تشریح سه مادهٔ نظامنامهٔ اساسی

(۱۷)

لویه جرگه تعدیل مادهٔ (۲) :- دین افغانستان دین مقدس اسلامی و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب حنیفهٔ حنفی است، دیگرادیان اهل هنود و یهود دیکه درافغانستان هستند، به تادیهٔ جزیه و علامات ممیزه تابع بوده بشرطیکه آسایش و آداب عمومیه را اخلال نکنند، نیز به تحت تأمین گرفته میشوند !

تعدیل مادهٔ (۹) :- کافهٔ تبعهٔ افغانستان درامور دینی و مذهبی و نظامات سیاستی دولت علیهٔ خود پابند و مقید بوده آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند !

تعدیل مادهٔ (۲٤) :- شکنجه و دیگرانواع زجرتماماً موقوف است، و خارج احکام شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته برای هیچکس مجازات داده نمیشود !

اعلیحضرت و لویه جرگه بسیارخوب شد ! ازین تعدیل و توضیح رفع غلط فهمی و دفع رخنه اندازی اعدا شد، ما از مساعیات همایونی تشکر میکنیم !

توصیهٔ تاکیدیهٔ لویه جرگه برای حکومت متبوعهٔ خود

(۱۸)

[مسائل آتی با اینکه درین سرزمین اسلامیت قرین افغانستان نه قبلبرین بوده و نه بالفعل است و نه در آتیه بفضل خداوندی و امداد روحانیت حضرت رسالت پناهی و حسن مساعی اعلیحضرت غازی دام سلطنته و دیگر سلاطین اسلامی افغانی بوجود خواهد آمد باوجود آن لویه جرگه فقرات ذیل را بصورت توصیه و تأکید بحضور اعلیحضرت معظم غازی خویش عرض و پیش نهاد نموده اند تا در آتیه بنوعی من الانواع درمحل وقوع و وجود نیایند. ب، د.]

لویه جرگه چنانچه الی الآن از حق شناسی و حقیقت پسندی اعلیحضرت معظم غازی مان انتخاب و مقرری مأمورین بطور حقیقی و صورت واقعی بعمل آمده در آتیه نیز بایستی در انتخاب و تقرر مأمورین دولتی دقت و تعمق مزیدی بکار برده شود و هر کار باهل همان کار تفویض و تسلیم شود.

اعلیحضرت بسیار خوب است الآن کماکان انتخاب و تقرر مأمورین را

در افغانستان موقوف و منحصر باهلیت میداریم . (تشکر لویه جرگه)

لویه جرگه ما تعلیمات طلبهٔ موجودهٔ افغانی را که بالسنهٔ اجنبی جهة اخذ فنون عالی و تعلیم علوم مروجهٔ حالی مشغولیت دارند محض بغرض حصول ترقیات حاضره و تعالیات موجودهٔ دنیای امروزه که افغانستان ما بدان بسیار محتاج و شائق میگردیم بنظر استحسان نگریسته جائز میشماریم مشروط برینکه در عقیده های متبرکه و اصولات مقدسهٔ دینیهٔ این نوباوگان وطنیهٔ ما خلل و نقصانی وارد نگشته بیشتر از رفع احتیاجات خویش دران تعلیمات مشاغلت نورزند و هم در اصول اسلامیه و عقائد و روایات مذهبیهٔ خود قبلاً کسب اطلاعات نموده باشند .

اعلیحضرت بسیار خوب ! حکومت شما نیز تحصیل و تعلیم السنهٔ غیر مسلم را محض برای رفع ضرورت و دفع احتیاجات ملت و مملکت و دولت جائز مے پندارد ، و بیشتر مترقب و نگران است که در عقائد و اصول دینیات این فرزندان افغانیهٔ اسلامیهٔ ما خلل و نقصانی بوقوع نه انجامد برای طلبهٔ مکتب امانیه و امانی که السنهٔ فرانسه و المانی را مے آموزند ، درهمان مکاتب تعلیمات اسلامی نیز مانند قراءت ، دینیات فارسی ، عقائد و حسن خط اسلامی نیز تعلیم داده میشود و نگران و مترقب حرکات و افعال شان اساتذهٔ وطنی شان میباشند و برای آن طلبهٔ افغانی

که بخارج جهة تعلیم رفته اند بهمهٔ شما معلوم است که علاوه بر نگرانی وزراے مختار و سفرای افغانی مفتش علیحده و نگران جداگانه و معلمین اسلامیه نیز مقرر است تا در اخلاق و عادات شان نقص و سوئی وارد نشود (مسرت لویه جرگه و غلغلهٔ تکبیر و آوازهاے دعاگوئی عمومی) .

لویه جرگه طوریکه از عهد سلاطین ماضیه تا بدین پیشبا لیکه در عصر اسلامیت و دینیت حصرا امانیه خرید و فروش و استعمال شراب که ام الخبائث است درین مملکت افغانستان دیانت نشان ممنوع و ادخال آن مسدود بوده و هست در آتیه نیز امیدواریم که این چیز اخبث مردار درین مملکت ما جداً خرید و فروش و استعمال کرده نشود .

اعلیحضرت شرابخانه و خود شراب و خرید و فروش آن نه قبل برین در دولت مقدس افغانستان بوده و نه فی الحال میباشد و در آتیه نیز جداً دخول و استعمال و ابتیاع و اشترای آنرا مثل سابق درین خاک پاک ممانعت میکنیم .

لویه جرگه بر انصاف پسندی و شریعت پروری و حقائق گوئی و حقیقت خواهی اعلیحضرت غازی باندازهٔ اظهار شادمانی و مسرت نمودند که تفصیل آن به تطویل می انجامد و چندان نطقهای دعائیه را ایراد داشتند که قلمبند نمودن تمام آن کار ما را امتداد میدهد .

[خلص بعد ازینکه تمام عرائض و خلاصهٔ اجراآت و اصلاحات و تعدیلات لویه جرگه قرار فوق مکرراً خوانده شد و به تمام آن ذات جهانبانی اظهار موافقت فرمودند و یک عالم خرمی و بشاشت و یکجهان خوشنودی و فرحت در سر تا سر این بارگاه عالی پایگاه ازین اطوار شریعت پرورانه و اوضاع اسلامیت کارانهٔ شاهانه حکم فرما گشت ذات جهانبانی قطع ادعیه و کلام حضار را نموده یک نطق مفصل و دلچسپی را برخواسته ایراد داشتند که اجمال آن قراراتی قلمبند میگردد. ب، د.]

اعلیحضرت

للّه الحمد هر انچیز که خاطر میخواست

آخر آمد ز پس پردهٔ تقدیر پدید

خدای را شاکریم که درین قدر مدت قلیل اینطور مباحث طویل باتفاق آرا و اتحاد افکار طوریکه سابق برین نه تنها در افغانستان بلکه تقریباً در تمام روی جهان عدیل و نظیر آن دیده نشده است بپایان رسید و حاجت به مهره های سفید و سیاه که حاضر کرده بودیم نیفتاد زیراکه مقصد همهٔ ما بلندی دین و بهبودی ملت و آبادی مملکت بود.

دل دشمنان ترقی و تعالی افغانستان پرخون و چشم های شان ازین اجراآت ما و شمارود جیحون گردیده روسیاه شده خسر الدنیا و الآخره گشتند. انشاءالله که این مجلس برای دیانات و معنویات و ترقیات آتیهٔ ما

فوائد عظیم الشانی را بفضل و مرحمت ایزد منان و روحانیت پیغمبر آخرالزمان بوجود می آورد.

للّه الحمد که بر رغم اعدای افغانستان و برخلاف تبلیغات و پروپاگند دشمنان تان در هیچیک قاعده و مادهٔ نظامنامه های دولت متبوعهٔ تان هرچند تحقیق و تدقیق را بکار بردید مسئله و فقره را که برخلاف شرع انور باشد ملاحظه ننمودید و تمام اساس و شالودهٔ حکومت اسلامیهٔ تانرا چنانچه در اول جرگه بشما گفته بودم بر اساس لایتغیر دین حنیف و شرع شریف درک نمودید، آن چند مسئله که علمای اسبق تمیز از مسائل ضعیفهٔ شرعیه و روایات مرجوحهٔ فقهیه داخل نظامات نموده بودند نیز از حسن مساعی شما بمسائل قویه و روایات مفتیٰ به تبدیل یافت.

بلے! اگر بعد ازینکه شما علما و فضلا و وکلا و اعزهٔ افغانستان تمام نظامات را ورق زدید، و بر تمام آن علم آوری نمودید و هیچیک مسئلهٔ مندرجهٔ او را برخلاف شرع بیضای احمدی ندیدید، اگر احدی بغرض افساد و القای شقاق و عناد بگوید که نظامنامه خلاف شرع است، چون من خودم را خادم شرع می پندارم و سوگند میخورم که بقدر یک سر موی تجاوز و تخالف را از مقررات شرعی نمی پسندم، البته کلهٔ او را حکومت شما بگلهٔ از گفتار بدهنجارش سبک خواهد کرد.

شخصیکه بغرض اصلاح و دلسوزی و معاونت با حکومت بعض لغزش و سهو و خطائی را که لازم نوع بشر است و در قوانین حکومتی که مقتبس از کتب معتبرهٔ شرعی است بنگرد رأساً مجلس عالی شوری و یا وکیل منتخبهٔ خودش را که در ریاست شوری موجود است اطلاع بدهد و رأی و نظریه و تنقید و تعدیل خودش را در هر مسئله و فقره که باشد تقدیم کند البته موجب مسرت و ممنونیت حکومت است .

[درینجا با اینکه ذات شاهانه کلام خود را با تمام نرسانیده بودند اما جوش و خروش لویه جرگه نطق ملوکانه را قطع کرده متفقاً بعرض رسانیدند . ب ، د]

لویه جرگه اعلیحضرتا ! سر و جان و مال و ناموس و هستی ما فدایت و هر قطرهٔ خون ما و تمام ملت قربان رکابت متسلی و مطمئن باشید که ازین مشوره و مفاهمه و تبادلهٔ افکاریکه در بین ذات شاهانه و رعایای صادقه اش درین ایام لویه جرگه بعمل آمده است تمام دردهای ما دوا شد و تمام شکایات بالا چشم دشمنان کور شد و زخم دل بدخواهان ناسور !

ما بر وجود مسعود همچو تو شاهی شاکریم که از ابتدای جرگه الی الآن نه دو ساعت و سه ساعت بلکه از اول تا آخر به پیشگاه ما خدام آستان و حاجب دربان خویش بپا ایستاده بیانات میفرمائی و جهة تنویر افکار و روشنی ابصار ما هدایات مینمائی و ما را نمیگذاری که برسم تعظیم تان از جای خود

حرکت کنیم و اوامر و هدایات و نظریات اولی الامرانهٔ خود را بلفظ عرض میکنم بما خدام مخاطبه میفرمایند .

کسیکه بعد ازین از شما و یا از نظامات شما که تالی احکامات شرع بیضای احمدی است شکایت کند معلوم است که آن مرد نه تنها کفران نعمت کرده بلکه معاونت و تائید معاندین و دشمنان افغانستان را نموده است .

اعلیحضرتا ! این امر روشن و مبرهن است که سابق برین نیز این افواهات بی سر و پائیکه در سر تا سر افغانستان طنین انداز بود و یا بعد ازین شود همانا که از طرف خائنین داخلیه است و یا بواسطه تحریک سرانگشت خارج ، هرکدام ازین دو فریق که رهسپار این طریق شوند و یا هر کسیکه این کلمات را ورد زبان نماید ضرور بصد ضرور باید وی بکیفر کردارش بدار سیاست کشیده شود .

علمای لویه جرگه اعلیحضرتا ! الحق که ما در نظامات دولتی هیچیک امری را که خارج از دائرهٔ شرع انور باشد ندیده ایم و آن مسائل ضعیفه و روایات مرجوحه را که ما اصلاح و تعدیل نموده ایم نیز از دائرهٔ شرع شریف خارج نمی انگاریم و بالفعل تمام نظامات دولتی را عیناً مطابق مقررات شرعی می انگاریم پس هر کسیکه در مقررات شرعیه ناخن زنی کند برای مجازات آن خود شهریار جهاندار جات از حبس الی قتل سیاستاً مجاز و مختار اند و ما جداً

چنانچه مکرراً اظهار و اقرار داشته ایم برای امثال این رجال سراپا وبال که مقصد شان شقاق و نفاق در بین امت نابیهٔ محمدیه است ذات جهانبانی را دعوت بمجازات شدید آن میدهیم .

اعلیحضرت

نی ! مطلقاً ما خواهش نداریم که احدی چیزی نگوید بلکه هر مردیکه بغرض اصلاح و تعدیل چیزی بگوید اول وکیل منتخبهٔ مملکتش که در ریاست شوری است ، دوم رئیس صاحب شوری در هر وقت و هر زمان حاضر است که آن نظریهٔ اصلاحیه اش را بکمال امتنان بشنود تا اگر نظریهٔ درست قابل قبول باشد منظور شود و اگر درست نبود او را بدلائل قانع نماید اما شخصیکه از نقطهٔ نظر فساد و شقاق افگنی و عناد پروپاگند و تبلیغات بیجا نماید حکومت او را بمجازاتیکه شرع شریف میفرماید دعوت میکند .

شیرجان صاحبزاده

چون از غلط فهمی و انتریکه های دشمنهای خارجی و قصد و افکار بعضی از رجال داخلی ملت نجیبهٔ ما چنان احساس کرده بودند که در مسائل مذهبی اقوال ضعیفه در ماده های قانون شرعی ما موضوع گردیده و یک سوء ظن به نسبت علمای مرکزی کابل بخاطر بعضی رسیده بود ذات شاهانه از کمال مرحمت و اسلامیت که در نهاد صداقت بنیاد شاهانهٔ خویش دارند حضرات علمای عظام و مشائخ کرام و وکلا و رؤسای قوم نجیبهٔ افغانیه را در مجلس لویه جرگه جمع فرموده مسائل حقهٔ اسلامی و اقوال قویه

را باستصواب حضرات مذکورین بیک دستور العمل اسلامی و قانون محمدی قرار داده اند، حالا جای اعتراض هیچ معترضی و اختلاف هیچ مخالفی از داخل و خارج باقی نمانده درینجا ظهور اعجاز قرآنی جلوه فرما گشت بمصداق آیهٔ وافی هدایهٔ اِنَّا لَهٗ لَحَافِظُوْن چون احکام قرآنی از تحریفات دشمنان بقرار فرمان واجب الاذعان محفوظ و مصئون است، هرگاه بعد ازین بتحریکات دشمنان دین مبین ما شنیده شد که قوانین موضوعهٔ محمدی دولت مقدس ما ن در مسئلهٔ از مسائل شرعیه مطابقت ندارد معلوم میشود که آن از خائنین دین و دولت مقدس ماست بمجازات شدیده و عقوبات الیمهٔ قانون جزائیهٔ دولت گرفتار و معذب گردند (چنانچه حضرت حکیم علی الاطلاق جل و تقدس شأنه در قرآن کریم از لطف عمیم خود میفرماید لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها) خطاب بامت مرحومهٔ ناجیه شده که فساد نکنید، حالا شبهات بعضی مشتبهین در اجتماع علما بکلّی مرتفع گشت، در سوء ظنون خودها استغفار نموده بغلط فهمی خودها معترف گردند و اولی الامر اسلامیان را حامی دین و محیی شرع متین یقین دارند و بشکر و امتنانش بپردازند !

لویه جرگه

ضرور باید اینچنین اشخاص مفسد و متعرض و منافق و شیطان منش را حکومت متبوعهٔ افغانی ما به مجازاتیکه کمتر از نفی بلد و حبس دوام و اعدام باشد یادآوری نفرمایند !

مادرین موضوع اعلانی را هم تسوید نموده تا آنرا با مضای خود تصدیق کرده خواهشمندیم تا آنرا ذات ستوده صفات پادشاهی نیز استماع ورزیده متعاقباً بدستخط انجم نقط شاهانهٔ خویش اورا تزیین داده امر انتشارش را بدهند.

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلان لویه جرگه(۱) الحمد لله الذی هدینا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدینا الله

ایزد لایزال که میخواهد یک مملکت را از دستبرد حملات دشمنان خارجی و خیانت خائنین داخلی وقایه کند ارادهٔ حضرت الهی بآن میرود که یک اولی الامر مقتدر و دیندار شریعت شعار از افراد برگزیدهٔ ملت انتخاب فرموده مقدرات دولت را بکف کفایت شعارش میگذارد و بواسطهٔ عقل کامل و فکر صائب که بآن اعطا میفرماید، دولت و ملتش را از حضیض ذلت باوج رفعت میرساند، از آنرو ست که بتائیدات ربانی و روحانیت مطهر حضرت سید النبیین خاتم الانبیاء و المرسلین حضرت

(۱) این اعلان قبل از حرکت نفری «لویه جرگه» بتعداد کفیه مطبوع شده بتمام اطراف و اکناف افغانستان تقسیم شده است (ب. د)

(محمد مصطفی) صلی الله علیه آله و اصحابه اجمعین، و بتوجه شریعت پروری شهریار ذی اقتدار غازی مان اعلیحضرت امیرالمؤمنین «امان الله خان» تولواک افغانستان خلد الله ملکه مجلس لویه جرگه که عبارت از علماء و سادات و مشایخ عظام و وکلا و روسای گرام کل مملکت محروسهٔ مان افغانستان (صانها الله تعالی عن التزلزل والحدثان) بغرض تحقیق و تدقیق در امور شرعیهٔ حنفیه و مسائل جزئیه و کلیهٔ فقهیهٔ مطهره و انجاح و بهبود مهمات ملکیه و سیاسیه در مرکز دولت علیهٔ متبوعهٔ مان دارالسلطنهٔ کابل تحت ریاست اعلیحضرت پادشاه غازی معظم مان منعقد گردیده و در تحت نظر غور و تدقیق مجلس عالی لویه جرگه در امد مخصوصاً مهمات شرعیهٔ مبارکه، که در نظامات دولت دخل داده شده بود، از نظر عموم ما علما و مشایخ لویه جرگه گذارش یافت ما خادمان و پیروان دین مبین متین اسلام فرمایشات و نیات و نظریات پادشاه محبوب القلوب خودمان را یکان یکان بگوش خودها شنیده و بچشم خودها مشاهده نموده قلباً احساس کردیم که عموم نظامات موضوعهٔ دولت، مستند بر اساس شریعت غرای (محمدی) صلی الله علیه و آله وسلم و اجرای احکام قرآن مطابق مذهب مهذب حنفی بوده و هست و میباشد و بعضی روایات ضعیفه که در نظامات دولت مطابق آرا و فتوای علمای مرکزیه قبلاً فتوی داده شده در محل اجرا آمده بود، آنگونه مسائل، نتیجهٔ روایات ضعیفه بود که از طرف علما تجویز گردیده بود، و ما علمای «لویه جرگه»

آن مسائل را مطابق احکام شرعیهٔ حنفیه و روایات قویهٔ فقهیه اصلاح نمودیم، که هیچگونه شبهه در قلب و خاطرهاے عموم ما علماے افغانی باقی نمانده و مسائل مشتبهه را در ذیل اعلان هذا تذکار نمودیم (۱) تا باعث اطمینان کلیهٔ خاطرها و قلوب عموم اسلامیان شود، و ما علما و سادات و مشایخ و وکلا و رؤسا و عموم برادران دینی و اسلامی خود مان را اخبار مینمائیم که هر فردیکه بر خلاف حکومت و دولت معظمه و یا نظامات موضوعهٔ دولت علیهٔ مان به تشبثات خائنانه و یا غرضات شخصیانه بالذات و یا تحریکاً اقدام نماید، اولی الامر در اجراے هرگونه مجازات از حبس و ضرب و نفی الی اعدام درباره اش شرعاً ماذون و مختار است و ما عموم علما و سادات و مشایخ و رؤسا و وکلا براے رفع و دفع آنگونه خائنان که لکهٔ در تاریخ حیات باشان و شرف ما افغانیان میگذارند، بهرگونه فداکاری حاضر و آماده بودیم و هستیم و میباشیم!

باوجود آن هرگاه کسے اشتباهے داشته باشد یا شخصاً حاضر حضور علماے مرکز گردیده اطمینان خود را بنمایند و یا بواسطهٔ وکلاے خود بشوراے دولت کیفیت شبههٔ خود را بفرستد که در آن غور گردیده رفع اشتباه او کرده شود تا در امور دین هیچ شک و شبههٔ در خاطر احدے نماند! (۲)

---

(۱) در اعلان مذکور فقراتیکه در فوق ما بتفصیل تحریر داشته ایم اجمالاً تحریر شده بود درینجا مکرراً بواسطهٔ طوالت مضمون تحریر نشد.

(۲) درتحت این اعلان امضا و مواهیر و دستخط تمام علما و فضلا و مشاهیر و وکلاے لویه جرگه، که اسماے اوشان در آتیه تحریر میشود مسطور و مرقوم و موضوع شده است که درین محل بتحریر آن نپرداخته بهمان نام نویسی که در آخر مسطور است اکتفا میکنیم. [ب، د]

اعلیحضرت بسیار خوب شد! من نیز مایلم که همین خلاصهٔ نتایج و تعدیلات و تصویبات لویه جرگه بصورت همین اعلانیکه قرائت نمودید بالفعل طبع شود و خودم نیز در حاشیهٔ آن تصدیق میکنم زیراکه اگر انتظار به تدوین و تألیف تمام مذاکرات و وقایع لویه جرگه که متعاقباً بصورت کتاب نشر میشود، کشیده شود مدتے بکار دارد (۱)

لویه جرگه ازین مبحث نیز بکمال شادمانی و غلغلهاے تکبیر و کف زدنهاے تقدیر و تحسین درگذشتند!

تشکیل جمعیة العلما در تمام افغانستان

لویه جرگه درینجا استدعا نمودند که ما از حکومت خود امید و رجا میکنیم، ما بعد ازین محض فرق و امتیاز علماے متدین جید و خیرخواه ملت و حکومت از ملاهاے منافقین و شقاق و نفاق آفرین یک تشکیل و تصویب درستے را از علماے فاضل بر روے کار بیاورد تا هرکس نتواند که فقط بدستار

---

(۱) چنانچه این قول همایونی راست شد و ترتیب این کتاب بواسطهٔ گرفتاری بندهٔ تا زمان دراز انجامید (ب، د).

درینموقع خدانخواهد اگر دشمن فرصت دیده یک استفادهٔ کلی کند میتواند، چراکه ما خبر نداریم که در وزارة های شما چه مکتوب آمده و دشمنان برعلیه ما چه چیزها تصویب کرده اند بنابران بایستی که ما و شما جهة انعقاد لویه جرگه هاے آتیه حال یک فکر درستی بکنیم که چقدر مدت بعد منعقد شود اگرچه خوبتر میدانم که شما ملت عزیزم در معاملات مهم دولت همه وقته حاضر میشوید والحمدلله همیشه در هر مهمات حاضر شده اید لکن در اوقات معمولی و فرصت هاے غیر مهم این خادم ملت نمیخواهد براے تان اینچنین تکالیفی را عائد کند بنابران هر موعدیرا که برای جرگه های آتیه مناسب و درست می پندارید طوریکه برای تان تکلیف عائد نشود معین دارید تا جرگه های آینده بهمان موعد انعقاد یابد .

لویه جرگه فدایت شویم ! اگرچه ازین شرفیابی اعلیحضرت معظم غازی برخود میبالیم و این ورود خود ما نزا باستان اسلامیت بنیان تان موجب عزت تاریخی و مفخرت عالی خود می پنداریم مگر برای بسی برادران عزیز ما که باموراتِ دنیوی و کسب و کار و جهانداری خود ها مصروفیت دارند بدیهی است ازین سفر و حرکت تکالیف مزیدی عائد شده در امورات دنیوی شان یک سکتهٔ بزرگی بوقوع پیوسته بلکه برای بعضی از برادران ما مانند وکلای هروی بواسطهٔ سفر دوطرفه و اقامت بدار السلطنه طول میعاد مسافرت شان تخمیناً بیشتر از سه ماه می انجامد، لهذا چیزیراکه ذات

شاهانه میفرمایند که انعقاد لویه جرگه سال بسال موجب زحمت و تکلیف است درست است ضرور بایستی که درمیان این جرگه الی جرگهٔ آینده یک موعدے مقرر شود .

[درینجا عدهٔ از نفری جرگه خواهشمند شدند که لویه جرگه (۵ به ۵) سال منعقد شود و برخی اظهار داشتند که دو سال به دو سال و عموماً استدعا نمودند که نے سه سال بسه سال، ب ، د]

اعلیحضرت بخیالم که لویه جرگه باید بدون ضرورت سه سال بسه سال منعقد شود بهتر است زیراکه دو سال بعد یکموعد نزدیک است و پنجسال به پنجسال بسیار مدت مدید و سه سال بسه سال بفحوای خیر الامور اوسطها نهایت موزون است و خوب !

لویه جرگه تماماً بدین اظهار ملوکانه اتفاق رأی نموده بعرض رسانیدند همین موعدیرا که ذات شاهانه فرمودند بسیار درست است !

رئیس صاحب شورای دولت آیا چرا سه سال را به پنجسال شما حضار محترم لویه جرگه ترجیح دادید زیرا آرزو دارید که بحضور اینچنین یک پادشاه ترقیخواه مهربان خود زود زود مشرف شوید !

حضرت شیخ کرخ ما آرزو داریم که همه وقت دیدار اعلیحضرت معظم خود را ببینیم اما ازجهتیکه اکثر ملت ما کار بسیار و مصروفیت بیشمار دارند بهمین سه سال مفارقت از وصال و لقاے ذات اعلیحضرت خویش که طاقت میکنیم گویا یک حوصلهٔ کلانے نموده ایم ! (۱)

(۱) شیخ مذکور درین نزدیکیها برحمت ایزدی پیوسته است، انا لله و انا الیه راجعون . [ب ، د]

تأکید تعلیم

ذات همایونی این توصیه را خواهشمندم که برای تان بنمایم که دران هیچ فکر کردن لازم نیست و اجرای آن حتمی و لازمی است :—

و آن اینکه بچه های خود را همیشه بسوی علوم و فنون تشویق بدهید چراکه خود میدانید ترقیات دینی و دنیوی ما وابسته بعلم است (که بعلم نتوان خدا را شناخت) میباید در هر نقطه و هر جائیکه باشید اولاد های تان در آنجا درس بخوانند و فنون لازمه را بیاموزند و بدین الفاظ مختصر که من بحضور شما عرض کردم بیشتر بیشتر تا که میتوانید در تعلیمات اولاد و عائلهٔ خود بکوشید در هر جا که رفتید از طرف من وکیل هستید که این توصیه ام را بعموم ملتم ابلاغ دارید .

لویه جرگه ازین معارف خواهی و عرفان پروری همایونی اظهار تشکرات مزید را نموده تماماً متعهد شدند که در ترویج علوم و تشویق اهالی بسوی تعلیم تا جان در بدن و روح در تن ها ن باشد مساعیات اسلامیت کارانهٔ خود ها را مبذول میکنیم .

تأکید
پوشیدن البسهٔ وطنی

اعلیحضرت درین جرگه من بسیار لحاظ شما را کرده ام : زیرا هر کدام تان تکه های خارجی را پوشیده آمده اید حالانکه من از مدتی این شیوه را محض ترغیب اهالی بسوی تکه های ساخته و بافته شدهٔ مملکت افغانی اختیار نموده ام که بدست خود البسهٔ هر کسی را که از تکهٔ خارجه میبود پاره پاره میکردم ، به بینید که امروز همهٔ مأمورین دولت تان بجز از تکه های صاف و پاکیزهٔ وطن مقدس تان دیگر چیزی را نپوشیده اند » درینخصوص از اشخاص هراتی و ترکستانی که تکه های ساخته و بافتهٔ وطنی خود را پوشیده آمده اند تشکر میکنم » اگر هر کدام تان از هر جا که آمده اید تکهٔ همانجا را پوشیده می آمدید چقدر خوب میشد که هم نمونهٔ تکه های هر ولایت افغانستان را بما نشان میدادید و هم خیلی از شما خوش مے شدم .

باید که در لویه جرگهٔ آینده همهٔ تان لباس های وطنی خود ها را پوشیده بیائید . باز میگویم که درینخصوص بدرجهٔ لحاظ شما را کرده ام که لحاظ هیچکسی را نکرده ام

دیناً و جداً بر شما لازم است که از تکه هاے وطن مقدس خود لباس بسازید، فکر کنید؛ در وقتیکه تکه هاے وطن ما ساخته میشود بهر تار و پود آن بسم الله خیر یا الله گفته میشود، آیا پوشیدن این تکه هاے پاک خوب است، یا در بر نمودن پارچه هاے منحوس ناپاک که از دست یک بے وضو و بے نماز خارجیه بعمل می آید، دیگر پیسه هاے تکه هاے وطن ما که ما آنرا استعمال کنیم معلوم است که در جیب خود ماست امّا همان پیسه هائیکه در بدل این تکه هاے منحوس اشخاص خارجیّه از ما میگیرند از ان باستحکامات سرحد خود را پرداخته گله ها، توپها، بم ها ساخته آنرا باز بدینصورت فجیع بروے خود ما میزنند، ازینرو درین مسئلهٔ مهمّه نیز شما را از طرف خود وکیل میگیرم که کوشش کنید و تمام ملّت را ترغیب بدهید در هر جاے که باشند تکه هاے بافتهٔ وطن خود را بپوشند و اگر کسے بخیال آنکه لباس وطنی را نمی پوشم که از درشتی گردن مرا میخراشد و هنوز ماشین خانه هاے ما بآن درجه نرسیده که مانند تکه هاے خارجیه ساخته و بافته بتواند، گردنش لایق بریدن است!

درین دو فقره که اولاد هاے خود را بمعارف تشویق بدهید و تکه هاے وطن خود را بپوشید باز بیان میکنم که عموم ملّتم را زیاده بر زیاده تشویق بدهید زیرا که واسطهٔ همه بلندیها علم است و پوشیدن تکه هاے وطنی نیز براے اقتصاد ما سودمند است!

لویه جرگه این توصیهٔ مقدسه و نصیحت پدرانهٔ شاهانه را بمسرتے که بالاتر ازان بخیال نمی آید پذیرفته اکثریه ازین خطای فاحش خود خجالت زده و ندامت کشیده خود ها را نشان داده تماماً متعهد شدند که ما بیک سرعت صاعقه نما در ترویج و استعمال البسهٔ پاک و صاف و سترهٔ وطنی خود میبرائیم و در جرگهٔ آینده انشاء الله تعالی براے نام یک قطعه لباس خارجیه را بر بدن احدی نخواهند دید.

تعدیل صنائع

درینجا اعلیحضرت همایونی یک بیانیهٔ دلچسپی را در موضوع تعدیل صنائع فرمودہ گفتند که خیال داریم تا در آتیه برای ترقیات صناعیّهٔ مملکت افغانیّه یک نظامنامه را بنام تعدیل صنائع ترتیب و تدوین نمائیم و دران تفصیل و تشریح این امور را بدهیم که در آتیه فلان کاریگر بایستی فلان صنعت خود را بدین نوع و رقم و صفت بسازد و فلان کاسب درین کسب خویش محض جهة آرایش و خوبی آن این دقیقه را نیز تحت تدقیق بـ

مثلاً قالین بافهای افغانی قالینهای خود را بقسم قالین های ساخت اروپا بصورت تهان بافت نمایند و لنگیهای ابریشمی ساخت مملکت ما بایستی بصورت سجاده ها و سرمیزیها و پرده های دروازه وغیره بعمل آید و حفاظ بایستی بالای مقابر جهة قراءت قرآن شریف مخصوص شوند، و ململ دوزها بعوض ململ دوزی بدیگر کارهای عالی گماشته شده این کسب را بنسوان واگذار شوند و علی هذا .

دراثر این مقولهٔ همایونی عبدالرحمن خان رئیس مرکه د پښتو به تردید این نظریه برپا خواست و چندے از اعضای لویه جرگه نیز در وضع این نظامنامه تنقید کردند .

بالآخر رأی عمومی لویه جرگه برین قرار گرفت که در امثال این ابحاث که برای ترقیات و تعالیات ملت و مملکت منافعی را عائد میکنند و صنعت و حرفت حکومت ما را بدرجهٔ عالی میرساند، آرای ما از اعطاے افکار عاجزانهٔ ما قاصر است، چیزیراکه ذات همایونی پسند فرمایند و احکام آنرا جاری دارند ما را در ان طاقت چون و چرا نیست . مصرع (صلاح ما همه آنست کان صلاح شماست) [ب.د] .

اعلیحضرت باز میگویم الحمدلله همه فقراتیکه درین مجلس مطرح مذاکره گردید بدون قیل و قال و گفت و شنید بسیار صورت خوبی را

انجام گرفت و جای شکر است بهمان طریق که یکی بودیم و یکی هستیم و بجز از ترقی دین و دولت و ملت خود هیچ آرزوئی نداریم .

لویه جرگه بتائید همایونی چند کلمات را پرداخته برین کامیابی و اتحاد و اتفاق اظهار تشکر و مسرت و محمدت نمودند .

اعلیحضرت با شما در ضمن جرگه وعده کرده ام که عرائض شخصی هر واحد شما بعد از اختتام جرگه شنیده میشود لهذا شما را حالی میکنم که فردا تنها شما جهة امضا کردن فقرات خوانده شدهٔ فوق و دیگر لوائح که قبلاً تحریر داشته اید حاضر میشوید و ظهر سه شنبه (۷) اسد باز همچنین مجلسی منعقد شده در خاتمهٔ آن وداع رسمی بعمل میاید روز چهارشنبه (۸) اسد باز مانند روز اول شما را بطور خصوصی وداع و ملاقات بکنم سر از روز پنجشنبه (۹) اسد هر کدامی از شما میتوانید که عرض های شخصی خود را بهر دوائر و وزارة که مربوط باشد بکنید البته که به بسیار زودی از طرف حکومت غوررسی و استماع عریضه پرداز ان شما خواهد شد عرائضی که شخصاً بمن تعلق داشته باشد بشاغاسی حضورم بدهید تا فوراً بجواب تان بپردازم .

لویه جرگه بسیار خوب شد ازین هدایات ملوکانه مسرور شده برطبق هدایات شاهانه رفتار میکنیم .

رئیس صاحب شورای امروز لویه جرگه بحضور شاهانه اولی الامر خود ها حاضر و مشرف اند

دا از روز افتتاح «لویه جرگه» تا امروز که اختتام آنست کارهای شرعی و سیاستی خود را بحضور اعلیحضرت غازی خویش اجرا کردند، شکرانه میکنم و تشکر این قسم مهربانیها و خوش خلقیها و عواطفات ملوکانهٔ شان را بهیچ زبان اداکرده نمیتوانم، مگر اینقدر میگویم که الله تعالیٰ سایهٔ این پادشاه شریعت خواه بس رحیم و مهربان را از مفارق ما کم و کوتاه نگرداند!

لویه جرگه کلام حضرت رئیس صاحب را قطع کنان بیک آواز فریاد «آمین بار خدایا را» بلند کرده یک غلغلهٔ دعاگوئی از هر طرف برپا نمودند!

عبدالرحمن خان رئیس اعلیحضرتا! خدماتیکه در افغانستان کرده اید نظیر آن در قرون اسلامی پیدا نیست و دیده نشده.

اعلیحضرتا! شمائید که شریعت غرای محمدی را زنده ساختید.

اعلیحضرتا! شمائید که وکلا و مشایخ و علما و شرفای عموم ملت را خواستید و بحضور مبارک شاهانهٔ تان بذریعهٔ آرای آنها مهمات ملت و دولت خود را انجام دادید!

اعلیحضرتا! شما اینطور پادشاه نیستید که اگر ما بنادانی خود یک گناه و خطائی

بکنیم ما را سخت بگیرید بلکه شما این قسم یک پادشاه حلیم و برده بارید که اگر از ملت و خدام دولت سهواً یک وضع بدی به بینید از روی حلم کار میگیرید.

اعلیحضرتا! از سعی و همت شما ممکن است همان حکومتی که در وقت حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای راشده سرکار بود واپس احیا و زنده شود.

این بسیار جای شکر است که پروانه وار همه علما و وکلا و فضلای ملت را دور خویش جمع کرده اید و از نظریات و افکار آنها استفاده مینمائید چون شکرانهٔ اینطور پادشاه خود را ما هیچگونه اداکرده نمیتوانیم پس دعا میکنیم که این پادشاه مقدس محبوب القلوب ما را عمر دراز بدهی و بآن خیالات که در راه ترقی و بهبودی ملت و دولت ما دارد کامیاب بگردانی، خداوندا بآن خیالات خوبی که در حق ما جاهل ها «اگرچه بسیار کم جاهل داریم» دارد موفق بگردانی، خدایا از مرحمت خود توفیق بدهی که بخیالات خسروانهٔ شان که آسایش دارین ماست کار بنمائیم.

[بعد از اختتام این گذارشات مجلس چون ساعت از وقت موعودهٔ مجلس اندکی تجاوز کرده بود ذات شاهانه و عموم لویه جرگه از بارگاه بسوی محل و اقامتگاه های خویش عودت کردند. ب. د]

گذارشات دوشنبه (۶) اسد

از صبح تا عصر

[درینروز عموم اعضای محترم لویه جرگه حسب ترتیب مقرره بوقت موعود تحت بارگاه عالی پایگاه لویه جرگه تحت صدارت آقای شیر احمد خان رئیس عمومی شورای دولت اجتماع ورزیده بامضا نمودن آن نظریات وتعدیلات وتنقیداتیکه از ابتدا الی الانتهاء باوراق جداگانه قرار فرمایش شان منشی مجلس تحریر داشته اعلیحضرت غازی وکالتاً امضا نموده امضای عمومی آنرا معطّل باختتام جرگه گذاشته بودند، بپرداختند، ذات شاهانه وعموم وزارات ومأموریت ها بوظائف مفوّضه وخدمات محولهٔ شان مشاغلت داشتند، ب، د]

مذاکرات سه شنبه (۷) اسد

وداع رسمی وعمومی

[درینروز نیز از طرف صبح هیئت محترم لویه جرگه مانند دیروز بامضا نمودن ومهر کردن همان لوائح باقیماندهٔ خود مصروفیت داشتند وذات ملوکانه وعموم مأمورین باموارت محولهٔ خویش مشغول ومنهمک بودند واز طرف ظهر باز مانند سابق عموم مأمورین ووزراء وکارپردازان ملکی ونظامی وذات جهانبانی وعموم اعضای محترم لویه جرگه برای استماع مذاکرات آخرین لویه جرگه ووداع عمومی رسمی اعلیحضرت تقریباً قبل از وقت تحت بارگاه موصوف اخذ موقع نموده بودند، ذات همایونی نیز بوقت مقرره حاضر مجلس شده مسرت افزای قلوب مشتاقین وروشنی بخش دیدهٔ منتظرین شده بعد از وقفهٔ قلیل فرمودند، ب، د].

اعلیحضرت بنام خدای مهربان خود آغاز میکنم :- تمام مباحث و مذاکرات ما وشما در امورات داخلیّه وخارجیه حسب دلخواه از فضل

ومهربانی خدا تمام شده است امروز تنها در مسئلهٔ نظام که بطور خوش رضا قبلاً چند تنی از شما اظهار رائی نموده بودید و آن مبحث در آنوقت گذاشته شد مزید مذاکراتش را وعده در آتیه داده بودیم برای شما اظهار مذکوره ام را مینمایم تا شما آنرا بشنوید اما درینجا جواب گفته نمیتوانید البته بعد ازینکه هرکدام تان مع الخیر والعافیه باوطان ومساکن خود رجعت نمودید این مسئله را به نزد عموم اهالی وملت عزیزم مطرح مذاکرات نموده آرای حقیقی وافکار واقعی شانرا دریافت نمود بدریه اکتساب نموده مجدداً حکومت را ازان افکار عمومی و آرای جمهوری که نسبت بنظام و خدمات عسکری داشته باشند ابلاغ نمائید تا برطبق خواهشات آنها عملیات کرده شود .

بخیال خودم هیچیک اصول ازین طریقهٔ موجوده که دولت متبوعهٔ تان دراخذ نفوس آنرا مقرر داشته است بهتر وافضل واکمل نخواهد بود . [درینجا ذات ملوکانه همان دلائل ومحاسن وخوبی را که در مبحث نظامنامهٔ نفوس بیان داشته بودند مکرراً فرمودند . ب . د] چون برخی ازاعضای لویه جرگه نسبت به عسکر خوش رضا اظهار آرای شانرا نموده اند وتا یکدرجه اظهار آمادگی شانرا نیز دران مورد ابراز نموده اند ، لهذا میگویم که اگر نظام خوش برضا را چنان شما تصور کنید یکمرتبه مردیکه داخل نظام شد

الی ادام الحیات اگرچه پیر و معیوب و فرسوده شود وازکار بروده ، شامل عسکری باشد ، حکومت شما و نیز وزارهٔ حربیهٔ تان آنرا قبول ومنظور کرده میتواند البته اگر عسکر خوش برضا نیز بهمین اصول که چندی در نظام داخل شده بعد از اخذ تعلیمات وتکمیل خدمات عسکری از ملازمت سبکدوش وعوض آن دیگری جلب واستخدام شود بهتر است .

لکن نفری برضا ورغبت وخواهش خودشان باین معاش موجوده چنانچه اسبق برین مذکور شد گاهی داخل فوجی نخواهد شد . اگر شما وعموم ملت این امر را واقعاً منظور نمائید وتنخواه عسکری را تقریباً تا (۲۵) روپیه مقرر دارید وهم متعهد میشوید که اشخاص خوش برضا را در نظام داخل میکنید ونمیگذارید که در تعداد معینه ونفری مطلوبهٔ وزارهٔ حربیه نقصانی عاید شود هماناکه حکومت نیز در قبولیت این نظریهٔ تان خودداری نخواهد کرد مشروط بهمان شرط که نفری تعلیم یافته خوش برضا بعد از تکمیل موعد از خدمت نظام سبکدوش شده بعوض آن دیگر اشخاص عجمی برغبت خود فوراً داخل سلک عسکری شوند . درضمن قبول نمودن این نظریه حکومت تان حاضر است اینچنین عسکری را که خوش برضا داخل نظام شوند لباس و نان ، وتنخواه بدهد واما در اعطای مبلغ جیب خرچ واین افزودی تنخواه عسکری خوش برضا از شما ملت بهر نهجی که شما قبول کنید ولازم انگارید

امداد و معاونت را محض بدینواسطه خواستار است که شما طرفدار نظام خوش برضا میباشید!

لویه جرگه: ما تماماً اصول اخذ عسکر را قبل برین نیز قبولدار بودیم و بعد ازینکه ذات جهانبانی این عرائض و استدعاهاے ما را در بارهٔ قبولیت عوض و تقلیل بدل عسکری شرف قبول دادند و ما را بیشتر از پیشتر براے این خدمت سراپا منحضرت مستعد و آماده نمودند و تمام شکایات ما را درینمورد مرتفع و تمام ممنوعات و محذورات را از پیشگاه ما مندفع ساختند قبولداریم، اکنونکه ذات شهریاری بنابر استدعاے برخی از اعضاے لویه جرگه این معکورهٔ قیمتدارانهٔ شانرا برای ما در اصول اتخاذ عسکری بصورت خوش برضا ارشاد نمودند مشروط باینکه بعد از اخذ تعلیم و تکمیل میعاد خدمت مرد اوّل سبکدوش عوض آن دیگرے برغبت خود داخل عسکر شود ما ملّت همه تن حاضریم که در تشویق و ترغیب افراد عمومی نسبت بداخل شدن شان بخدمت عسکری تبلیغات نمائیم و نمیگذاریم که در تعداد قطعات مطلوبهٔ وزارهٔ حربیّه نقصانے وارد آید و همچنین این مبلغ گزافی را که حکومت براے عسکر خوش برضا میپردازد تماماً حاضریم که اعانه بدهیم و صورت پرداختن این اعانه را باشکال مختلفه بخاطر داریم (۱) بر مالیات خود بیفزائیم (۲) بر مال مواشی (۳) در رسوم گمرکی (۴) بر خانه وار چیزے را مقرر کنیم،

(۵) هر فرد افغانی پوسلے بدهد، درین میان هر کدام آنرا که ذات شاهانه منظور فرمایند، ما که نمایندگان حقیقی تمام سکنهٔ مملکت افغانی میباشیم از طرف عموم براے قبولیت آن حاضریم!

اعلیحضرت: قبلاً بشما گفتم که این مسئله را فعلاً خواهش نداریم که فیصله کنیم، بلکه این امریست که شما بمقامات خود رفته بهمراه عموم ملّت، درینموضوع گفت و شنید کنید، بر امریکه رأے عمومی قرار گرفت همان منظور است بالفعل همان مقرّرات نظامنامهٔ نفوس درست است!

لویه جرگه: بسیار خوب است اولین کاریکه ما در اوطان و مساکن خود آنرا باتفاق عموم ملّت تصفیه و انجام بدهیم انشاء الله العزیز همین اظهار مذکورهٔ همایونی و مسئلهٔ خوش برضا بودن عسکری است (تکبیر! تهلیل! کف زدنهاے شادمانی!)

اعلیحضرت: در مسئلهٔ انضباط و امنیّت مکرّراً شما علما و فضلا را یادآوری میکنیم، تا زیاده بر زیاده ملتفت باشید و براے سدّباب دزدی و دهاره و سرقه و دیگر اختلالات تا میتوانید از تشدّد و سخت گیری کار بگیرید حتی بکوشید بدلائل و امارات نیز این فساد پیشهها تحت بازپرس آورده شوند و در تألیف فتاواے امانیه براے علماے منتخبهٔ خود درینمورد وصایاے لازمه را بنمائید، و هم گمان نکنید که ذمه داری و مسئولیت این دزدیها

و دیگر جنایات تنها بر دوش حکومت است بلکه بیشتر تر از حکومت و زیاده تر از عمال سلطنتی شما علما و فضلا و سادات به نزد خدا و رسول و پادشاه مسئولید زیرا اگر شما چنانچه شاید و باید در تقویهٔ معنویات ملت و مضار و مجازات و عقوبات دزدی و دهاره بازی و قتل ناحق و زنا و امثال آن که از طرف خداوند مقرر است، و در آخرت برای فاعل آن بلاشک و ریب داده میشود بکوشید گمان میکنم که احدی بارتکاب این افعال شنیعه اقدام نخواهد کرد.

علمای لویه جرگه الحق که ما علما حق نصیحت و تبلیغ او امر رب العزت را طوریکه اعلیحضرت ارشاد میفرمایند نموده ایم و اگر مینمودیم و ملت را کما ینبغی از مجازات و عقوبات و خرابی و باز پرسی های این اعمال که از طرف رب ذو الجلال مقرر است اطلاعات میدادیم پس ابدا اینقدر بد و رویش این افعال سراپا وبال نمیگشت. در آتیه متعهد میشویم که حتی الامکان در وعظ و نصائح و تقویت معنویات و روحانیات ملت کوشش نموده دقیقهٔ از دقائق امر بالمعروف و نهی عن المنکر را فروگذار نشویم.

اعلیحضرت خدا را بار بار شکر گذارم که تمام مباحث و مسائل ما حسب المطلوب بیک طریق مرغوب بکمال اتحاد و اتفاق و وفاق خاتمه یافت پس می شاید که بگویم کارم بکام است الحمد لله علیشم (که در خدمت شما ملت است)

مدام است الحمد لله.

[درینجا باز از طرف لویه جرگه شروع بمدح خوانیها و دعاگوئیها و بیان صفات و محاسن و مزایای اعلیحضرت غازی شده هرکس و هر فرد حسب نوبه بپا خواسته مدحیه و دعائیه و امثال آن دیگر اقوالی را ایراد مینمودند که ما ازان میان بتذکر چند دعائیه و مدحیه بطور انموذج ذیلاً میپردازیم. ب، د]

لویه جرگه ما ملت افغان شکریهٔ احسانات و نوازشات اعلیحضرت معظم غازی خود را بهیچ زبان ادا و بجا آورده نمیتوانیم، خدماتی را که ذات خسروانه از ابتداء جلوس شاهانهٔ شان که برای ترقی مملکت افغانستان نموده اند و زحمات و تکالیفی را که برخود برای رفاه و آسایش ما ملت افغانستان کشیده و میکشند از چنان اقداماتی نیست که در شان هر پادشاه بوده باشد، کسی بیاد ندارد که سلاطین ماضیهٔ اسلامیه، اینچنین رعیت نوازی را شعار خود ساخته باشند که کبار و صغار ملت و دولت خود را بمحفل مشوره شامل و از وشان فکر و رأی بگیرند، چونکه اعلیحضرت غازی همواره بآسوده حالی و رفاهیت رعایای دولت راغب بوده بنابران از وفور مراحمات و نوازشات شاهانه عموم ما ملت اسلامیه را بمحفل مشوره و مجلس لویه جرگه کامیاب فرمودند، پس برخود ما

دعاے صحّت وجود فیض آمود اعلیحضرت والا و ترقی دین و دولت اسلام را لازم و واجب شمرده ایم که شب و روز بران مواظبت نمائیم !

وکیل اعلیحضرت ترقیخواه ! خداوند کریم بلطف خود سایهٔ هماپایهٔ شمارا از سر مایان بلکه از جمیع اهل اسلام کم و کوتاه نگرداند، خود شما نسبت بما و کلاے ملت خوبتر و بهتر خیرخواه عموم رعایاے خویش بوده و از همه رؤف و مهربان بلکه از پدر مهربانتر و نکوتر میباشید و خیالات شمارا ما از اوّل تا آخر خوب دیدیم که رأے شما عین مدّعا و رفاه عمومی رعایا میباشد هزار جانهاے مایان بفدایت باد !

وکیل اعلیحضرت ترقیخواه ملّت پرور عدالت گسترا ! حمد میگوئیم خداوند قادر توانا را که اعتلا عطا کرده در حواس ما و منور گردانیده قلوب مارا بنور مقدس اسلام و قرار داده وطن مارا افغانستان و حامی دین و ملّت و وطن مقدس مان گردانیده وجود مبارک شمارا که از بدو جلوس خود تا عصر حاضره یوماً فیوماً ترقیات فوق العاده از اثرات و کوششهاے خیرخواهانه و زحمت هاے آن شهریار یگانه دیده و مشاهده گردیده است و بر عموم ملت افغانستان بلکه بر تمام ممالک خارجیه نیز آشکارا شده است که منبع ترقی و تعالی وطن مقدس ما و ملت و دولت افغانستان وجود مبارک شما بوده و میباشد اینهمه ترقیات و دارائی را از زحمت هاے اعلیحضرت پدر غمخوار

خود ها مالک گردیده ایم !

خدایرا چه توان گفت شکر این نعمت ٭ که از تصوّر فکر و خیال بیرون است

و اضافه بر مرحمتهاے شاهانه محفل لویه جرگه را انعقاد فرموده و برادران هموطنان مان را از دیگر ولایات طلب نموده و دعاگو یان را بشمولیت محفل موصوف سرافراز گردانیده اند، شکریهٔ این نوازش و پرورش را بهیچ زبان بیان نتوانسته همینقدر میگوئیم که تا جان در تن و رمق در بدن داریم با دوستان اعلیحضرت دوست و با دشمنان آن دشمن بوده از سر و جان و مال و اولاد خود ها در راه رضاے حضرت باریتعالیٰ و ترقی و تعالی اسلام بخورسندی پادشاه خود مضائقه نداریم و بحضور مبارک اعلیحضرت و برادران هموطن خود عرض عاجزانهٔ خود را تقدیم میداریم که از براے تعدیل اخلاق هر ملت محتاج بدو قوهٔ معدله میباشد یکی دین و دیگرے سلطنت که این دو قوه باید همواره تعدیل اخلاق و صفات ملت را نماید، سلطنت در واقع حقیقت قوهٔ جبریه و قدرت قهریهٔ دین است، و دین همان قانون معدل هر ملت است !

بناءً علی هذا تمام ملل عالم محتاج بقانون عدل اند که یک جمعیت و یک مجلس قرار بدهند اما ملل متمدنه همان قانون عدل را جالا بقوت شورا و غلبهٔ آرا در میان خود تأسیس مینمایند و در وطن و دولت مقدس مان

اعلیحضرت پدر معنوی ما ترقی وتعالی ملت ودولت را به اجراے احکام شریعت دیده بتصویب وکلاے ملّت در معرض اجرا گذاشته میگذارند از صمیم قلب از درگاه کبریائی مسئلت مینمایم که عهد سلطنت اعلیحضرت مقرون بهر گونه سعادت وشرافت باد وذات معلی صفات شهریاری درکمال صحّت وعافیت بترقی مملکت موفق ونایل آیاد .

مخفی سرحدی

خادم د شریعت　　ساتونکی د ملت
خاوند د لوی عزت　　ځمونږ اعلیحضرت
یوسو رےیے د مولی په سرد ټول افغانستان
امیر امان الله خان

د ملك په ننګ ونام　　هر ساتي بي آرام
خدمت کښن د اسلام　　کریږی هر مدام
پر موږ باندے یے زیات لهٔ مور و پلار ه مهربان
امیر امان الله خان

ښتا فکر ښتا خیال　　بس دی ځموږ په حال
خپل ځان لری ملال　　چه موږه کی خوشحال
ځغمتن دیے لری تل خوشحاله تا په هر زمان
امیر امان الله خان

تهٔ ئے ځموږ ملَین　　تهٔ ئے ځموږ بدن
تهٔ ساه ځموږ د تن　　تهٔ روح ئے د وطن
ناموس ځموږ د ملك لهٔ ستا وجود دی نګهبان
امیر امان الله خان

تهٔ ئے د ملك رڼرا　　تهٔ ئے د دین پناه
ځموږه تکیه ګاه　　موږ فخر کړو په تا
خرګند د نوم د قام ځموږه کړه په ټول جهان
امیر امان الله خان

ځموږ نه وه خپل واك　　د بیګران وه داسی ږواك
تهٔ پاسیدی چالاك　　په فضل د رب پاك
آزاد د قوم ځموږه کړه لهٔ چغ د دشمنان
امیر امان الله خان

ځموږ نه وه دستور　　په کار وه د اضرور
تیار کهٔ تا حضور　　موږ ټولو ته منظور
ساتونکی دستور د دین ځموږه لهٔ نقصان
امیر امان الله خان

تا جوړ کړه مکتبونه　په کښې لوی علمونه
د هر فن کتابونه　خامن ځموږ او ورونړه
رسیږی د هر چا ته فیض د علم په هر آن
امیر امان الله خان

ځموږ ندوه جرګه　تاجوړه را له کړه
پری کیږی ځموږ شه　پادشاه تا سره
مولا لره تا رضا شه تا رضا کړه وطنیان
امیر امان الله خان

پادشاه ځموږ سره　حاضر دی ستا په در
ځموږ زړه او ځیګر　دی ستا په مدح سر
قربان لره تا ته موږ ه ای ځموږ د ملك امان
امیر امان الله خان

پادشاه ګلجان

معزز ورونړو !

هر کله چه د یونان فلسفې د خلفای بنی عباسیه په زمانه کښې د مسلمانانو په اخلاقو او په عقیدو باندی تباه کوونکی اثر پیدا کړه او د بغداد او د دمشق سر په فلك پادشاهی قصرونو کښې د خلافت نبوی د ساتلو قابلیت پاتی نشو ، دا نعمت له دغه مرکونه د آخری عربی خلیفه

معتصم بالله سره له دنیانه تیر او خاوره د افغانستان په ډیر همت او مردانګی سره په خپل آغوش کښې را ټینګ کړه ، د محمود غزنوی عزم او د شهاب الدین غوری همت چه کم خدمتی په دمرکه دا افغانستان کښې را اکړه شکه بې چه تمام مشرق او مغرب د هغی قائل دی ، د هند و ستان ترکستان اکثر قطعات دایران د دوی د خاندان د کوښښونو او جهاد په خدمتونو سره د اسلام د برکته او د فیضونو نه ډك شو .

نن په عالم اسلام باندی بیا هغه زمانه را غلی ده چه د دښمنانو د دین زور ډیر شوی ده چه هر یو قوم د مسلمانانو د هغوی د دام تزویر ونه ځان نشی خلاصولی او د اسلام خدمت به څه وکړه .

خاندان د عثمان خان چه له یوی زمانی نه د خلافت اسلامیه او د ملت د شرعیه محافظین او خادمین وه نن ورځ د کفارو د لاسه دومره پریشانه او بدحاله دی ، چه د غه حفاظت نشی ادا کولی ، د یونانی فلسفی نه زیات نن ورځ د یوروپ فلسفې جدیدې د اهل اسلام په عقائدو او په اخلاقو باند بربادی را پریستلې ده ، ځموږ ساده لوحی خلك په ځای د دې چه د یوروپ د خلکو سره سیالی او ننګ اوکه ، او د هغو پښان خاوندان د کمالاتو او د هنرونو شی هغه تقلید شروع کی او تقلید هم بیا په فنونو او کمالونو کښې نه بلکه په بدو اخلاقو او په خلاف شرع خیالاتو او عقائدو کښې نعوذ بالله منها

قدرت دالله تعالیٰ او مطابقت دواقعاتو د زمانی ته گوری چه پٔ هم
په داسی نازك وقت او تباه حالت د اسلام کښ شرف او عزت او حفاظت
او خدمت د شریعت اسلامی هم دی زموږ خاوره د افغانستان له
الله تعالیٰ ورکړه ، نه خو مصطفیٰ کمال صدر
د جمهوریت د ترکیه په خاوره د اناطولی کښ د اگران بار د عزت
او د امانت د لك قبول کړی شو ، نه په خاوره د عربستان کښ چا ده
شریف خدمت ته غاړه کیخودی شو ، نه په آبادو او لویو لویو ښهرو
کښ د هندوستان د دے ځای پیدا شه ، نه په مصر کښ او نه په بل
وطن کښ د ادرونه بار د حفاظت او د خدمت د شریعت
چا پخپله ذمه کښ واخست ، هغه زموږ د غریب افغانستان
زړه ور او ښیکړه پادشاه زموږ مَیَن او محبوب القلوب دین پناه
اعلیحضرت شهریار غازی امیر المؤمنین تولواك "امیر امان الله" دی.

موږ پښتانه او سیدونکی د افغانستان ، چه یکه خبره باندی هم
ځومره فخر وکړو شائیگی ! هر ځومره خوشحالی چه ښکاره کړو یکار ده
جو فکر کول یکار دی چه زموږ د دے ټول فخر او د خوشحالی سبب اصلی
محض د دے پادشاه غازی خوش خلقی ، شرافت ذاتی ، نیك
خوئی ده ؛ خدا ے پاك دی دده سوری پر موږ باندی تل تر

تله لری ، آمین یارب العلمین .

زما معززو صاحبانو زه حیران یم چه د دے غازی مهربان
پادشاه خپل شکریه پخپله عاجزه ژبه سره په کمو الفاظو کښ
ادا کړم ، شکریه د دے نعمت او بل له د دے احسان داده
چه موږ ټول ملت د دی خپل اولی الامر اطاعت او
فرمان برداری په ځانو نو او په مالونو سره اختیار کړو !
خپل ځانونه او مالونه دده په تابعداری کښ فدا کړو !
هله به دا د شریعت خدمت او د دین حفاظت پوره
پوره اداشی هله به دا امانت د رسول الله صلعم محفوظ
پاتی شی ، او که چری موږ په دے کار کښ پوره ، پوره فداکاری
ښکاره نکړو نو گویا که موږ د دے نعمت چه په برکت د دے
خپل اعلیحضرت موږ ته عطا شویده شکریه ادا نکړی شو
په دا سے حالت کښ به خدای نه که موږ مستحق عذاب الیم
او د سزا دردناکی وگرزو .

الله پاك دا ملت د افغانستان د دے عذاب الیم وساتی ، او
توفیق ورکی چه د دے غازی پادشاه خپل او د دین او د
شریعت او د وطن خپل خدمت همیشه وکړو ، آمین یارب العلمین

اعلیحضرت از حسیات کسانیکه درین جرگه حاضر اند اظهار تشکر میکنم ! آنچه که در صفت من بیان کردند از شان من بلند تر است :- البته اینقدر گفته میتوانم که من خاص خدمتگار و فدا کار و عاشق ترقیات شما ملت هستم و اگر همچنین نطقها در صفت من علاوه برین ایراد کنید چنانچه بار بار شما را تاکید کرده ام وقت میگذرد تنها همین قدر اکتفا کنید که من از شما خیلی ممنون و مشکورم .

رئیس صاحب شورای اعلیحضرتا ! از مشائخ کرام لویه جرگه مثل ملا صاحب چکنور و استاد صاحب هده ، میر صاحب گازرگاه ، سید آقای خاکسار و باقی مشائخ و سادات و علمای لویه جرگه بحضور اعلیحضرت عرض میکنند :- از باعث سوء تفهیم و بعضی از اغراض ذاتی و شیطانی خارجی یا داخلی در سمت جنوبی چنان واقعاتی رونما شده که آنها وقوع آنرا آرزو نداشتند و نمیخواستند که بحضور مانند شما یک اولی الامر رحیم القلب غازی خود شرمنده شوند چنانچه تا این زمان خیال شما پادشاه اولی الامر ما نرا در حق آن برادرهای عاصی و گنهگار فریب خورده ما سوای شفقت و بدون مهربانی دیگر چیز ندیده ایم که تا این زمان نخواستند که بآنها تلفاتی برسد اکنونکه لویه جرگه بانجام رسید و ما بعزم رفتن مقامات خود ها میباشیم بعرض میرسانیم نمیخواهیم که برادرهای گنهگار گول خورده ما

اضافه برین گرفتار گمراهی و گناه باشند اگر امر و اجازهٔ اعلیحضرت غازی ما باشد ، میرویم و بایشان پند و نصائح میکنیم چه رضای اعلیحضرت بقتل و قمع آنها نرفته و در عرائض خویش که قلباً بحضور اعلیحضرت تاجدار ما کرده اند تائب شده اند .

[اعلیحضرت لفظ تائب را شنیده بیک نگاه استنکار و استعجاب بطرف رئیس صاحب نگریسته قطع کلام او را نموده فرمودند «من آنها را تائب گفته نمیتوانم ، برین کلام شما جداً اعتراض دارم شما قول خود را خاتمه بدهید در خاتمه عرض میکنم " ب . د .]

امّا خوف میکنند و تأمین میخواهند ما میرویم و آنها را حاضر میکنیم هرگاه اوشان توبه نمودند و بر ما اعتماد نکردند و یا دانستیم که آنها بکدام تحریک داخلی یا خارجی بهمین کردار نادانی خود محکم ایستاده اند ما علما و مشایخ بهر گونه اقدامات حتی به قتل و قمع ایشان با اقوام و عشائر و تبعه خود حاضر و آماده هستیم .

اعلیحضرت اگرچه آرزو نداشتم که در بخصوص با شما چیزی بگویم امّا چون شما درین مبحث طولانی پیچیدید و گفتید که آنها عفو خواستند و تائب شدند عرض میکنم که من آنها را تائب گفته نمیتوانم چرا از یکطرف قرآن پاک را روانه میکنند و از طرف دیگر هتک عزت و حرمت کلام الهی را نموده بجنگ و مقابله میبرایند ، اگر ما آنها را تائب بگوئیم گویا که خود را ظالم قرار داده ایم

استغفرالله من ذلک !

میخواهم یکقدرے اولاً از کارستانهائیکه آنها بحکومت شما کرده اند
با احسانات و اشفاق و مراحمیکه بآنها نموده ام و از ابتدالی الآن او شمارا
تسلی داده ام بیان کنم :-

هفت یا هشت ماه پیشتر ازین چند احوال خفیه برایم رسید که در معاملات
حکومت جنوبی باین سمت بعضے سخن ها گفته میشود، بنابرین براے حاکم آنجا
نوشتم که کیفیت چیست؟ درجواب ازطرف حاکم مرقوم شد که این اطلاع غلط
بشما رسیده است، درینجا کاملاً خیریت است مطمئن باشید، حالانکه اساس
این مسئله درهمان زمان طرح یافته بود از اصل حقیقت این شورش احدے
اطلاع ندارد که اساس آن چندبندی بود که همیشه از سبب رهائی آنها
اقوام شان بنزد هر حاکم عرض میکردند و مقصد شان خلاصی آن مجرمین
بود، چون میدانید که حکومت موجودهٔ شما غیر عدل کارے نکرده و
نمیتواند که از مجرمین چشم پوشی کند، لهذا طرفداری هیچکس را درین مورد
قبول نمیکند زیرا که گفته اند ؎

ترحم برپلنگ تیز دندان ٭ ستمگاری بود بر گوسفندان

چون طرفداری و عریضه پردازی آنها سودمند نشد بصورت حالیه مخالفت
شما را جلوه داده اند، از اساس این معامله هیچکس حتّی مأمورین شما هم خبر ندارند!

چندروز بعد یک مکتوبے از سمت جنوبی بمن رسیده، دران نوشته
بود که درین اطراف افواه شدید است که اساس قانون و نظامنامه هاے حکومت
نعوذ بالله خلاف شریعت است، بازبراے حکومت آنجا خبر دادم تفصیلات
این مسئله را خواستار شدم در اثر آن یکروز جمعه از انجا به تیلیفون برایم
زنگ زده شد و حاکم[1] خبر داد که درجواب مکتوب نمبر فلانی شما که درینجا رسید
عرض میکنم که خیریت است بعد ازچند روز یک مکتوب دیگرے به پوسته
ازطرف بعضے اشخاص برایم رسید دران نوشته بود که ما در معاملات دولتی
با حکومت چیزے گفتگو داریم من از خواندن آن بسیار خوش شدم و بدل خود
تشکر کنان گفتم، لله الحمد که حال ملت من باین درجه احساس پیدا کرده
که در امورات دولتی بحث میکنند و براے حکومت خود رأے میدهند،
بجواب شان نوشتم که من ازین اظهار شما تشکر میکنم، بسم الله بکابل بفرمائید
بحث و مذاکره نمائید، ممکن است که رأیے تان اگرچه مردم صحرانشین و اطراف
میباشید قابل قبول باشد ؎

در بیشه گمان مبر که خالیست ٭ شاید که پلنگ خفته باشد

من نمیگویم که تنها در شهر اشخاص روشن فکر است و در اطراف نیست

(۱) این حاکم امرالدینخان حاکم اعلاے سمت جنوبی است که بعقیدهٔ بنده یکشخص فضول
بے تجربه خوابیده میباشد و درین واقعه حسب مطلوب کارے ننموده است (برهان الدین کشککی)

زیراکه الماس ها، جواهر ها در دشت ها و کوه ها بزیر خروارهای خاک میباشد ممکن است که از افکار عالی شما یک منفعت برای دولت و ملت ما حاصل شود (چنانچه این عاجز و حکومت تان چندی قبل برین در مناسبات خارجهٔ خود اکثریه از رأی یک آهنگر نیز صرف نظر نمیکرد) و برای آنها نوشتیم که خرچی و تسهیلات سفریهٔ شما از طرف دولت تهیه میشود تا شما بکمال خاطر جمعی حاضر مرکز شده معلومات درست بدهید و توضیحاتی را برای خویش در لویه جرگهٔ امساله بهمراه دیگر وکلای محترم افغانستان برای خود اکتساب کنید، لکن از خیانتی که آنها در دل داشتند ترسیدند بدل خود گفتند که مارا شاید حکومت به بهانه میخواهد و می کُشد اگر غداری و خیانت در دل شان نمی بود چون فرمان من بدست شان موجود بود چرا می ترسیدند در سلطنت یک پادشاه و عهد حکومتش اگر بفرمانش اعتماد نباشد دیگر بچه چیز اعتماد خواهد بود؟! بالفرض والتقدیر اگر مطلب حکومت از ان زمان الی الآن حتی تا چندی بعد ازین نیز بکشتن آنها میبود و یا باشد در آنجا و اینجا فرقی نداشت، خلص اینکه ترس و خوف بدوشان باندازهٔ مستولی شد که به نزد طرفداران همان مجبوسین رفته مسئله را باین درجه بوخامت رسانیدند که اصلاح آن بحکومت مقامی آنجا صعب معلوم شد؛ لهذا برای تفهیم و اصلاح این معامله یک جمعیت اصلاحیه و یک قوهٔ عسکریه فرستادیم آن هیئت نیز نتوانستند

که اصلاح فوری مینمودند در عقب آن بعضی از علما و آخندزاده صاحب موسهی را با یک فرمان شفقت بنیان نصیحت توامان خویش فرستادم از خواندن آن فرمان در بین رعایا یک جوش و خروش فوق العاده تولید شد دفعهٔ دوم شاید شما هم خوانده باشید یک اعلان رقت آور دیگری را انتشار داده دران تحریر داشتم که باطمینان بیائید و مطمئن باشید که برای شما هیچ تکلیف نیست و اگر خائن باشید مسئول من نیستم بخیال اینکه ممکن است که این خائنان دوستان خواهند بود چون نادانند و نمیتوانند که این شفقت و مرحمت و نوازش حکومت را نسبت بخودها بفهمند ـ

دشمن دانا بلندت میکند ٭ بر زمینت میزند نادان دوست

هرچند با آنها مدارا و مواسا و مفاهمه بعمل آمد و نظریات مراحم آمیزانهٔ حکومت بد انها دانانده شد فائده نه بخشید بلکه غلیان جهالت بنیان شان بدبختانه زیاده تر شد.

درصورتیکه من معززانه او شانرا بمرکز خواستم و نیامدند خودتان فکر کنید و منصف شوید که قصور از کیست؟ آیا خود من دنبال هرکدام بروم یا شما راست که بنزد من بیائید؟ اگر شما نفری لویه جرگه درینجا نمی آمدید من دنبال هرکدام تان در هرده و هر شهر آمده میتوانستم؟ نی! معلوم است یکنفر نمیتواند که بجائی رسیده بتواند.

درعقب آن باز برای رفع سوء تفهیم و مزید دانانیدن آن جهال را از حقایق حضرت صاحب شوربازار و وزیر صاحب عدلیه و عبدالحمید خان معین داخلیه و سردار محمد عثمانخان و چند نفر دیگرے بدانجا فرستاده شدند تا آنها رفته با آن جهال بحث و مذاکره کرده آنها را براه هدایت و صلاحیت بیاورند، من ازین هیئت تشکّر میکنم که آنها رفته این معامله را بجاے اینکه انجام میدادند دیگر اشکالاتے را در پیشگاه حکومت عائد نمودند که حکومت متبوعهٔ شان ابدًا براے قبولیّت و تحمّل و برداشتن آن اوضاع خجالت آور حاضر و آماده نبوده و نه هست و نخواهد شد، بعون الله تعالیٰ بلکه از معاونت خداوندی و برکت روحانیت حضرت رسالت پناهی و قوهٔ سرنیزهٔ این افواج ظفر امواج افغانی مغز جهالت را از کلّه هاے پراز نخوت آنها اگر از نصایح و اندرزهاے خود ناکامیاب ماندیم خواهیم کشید، شرافت یک سلطنت، عزت و وقار یک حکومت گاهے اینچنین ذلت را قبول نمیکند و نکرده توانست، که یک خائن و غدار بنا بر تعلیم و هدایت اغیار مطالباب شخصی خود را بنام شریعت و مذهب گلت کاری کرده از یک حکومت اسلامیّه مانند سلطنت موجودهٔ افغانیه پیش ببرد، والله اگر بنادانی خود تا آخر ماندند عقیده دارم که خداوند پاک لایزال و برکات انفاس پیغمبر ستوده خصال ما بواسطهٔ سر شمشیر و نوک برچه هاے عساکر ظفر مآثر مان آن خائنان اجانب پرست را برباد

وتباه میکنند نه تنها در دنیا این مذلّت و نکبت اگر نصیحت این بهی خواه خود را نشنیدند و شفقت مرا بنظر قدر و قیمت ننگریستند برای شان عائد بلکه معتقدم که در آخرت نیز ملول و مخجول و شرمسار خواهند بود خَسِرَ الدُّنیا وَالآخِرَةُ ذٰلِكَ هُوَ الخُسرانُ المُبِیْنُ .

و باید که در دنیا و آخرت بهمین مصیبت گرفتار باشند زیرا این جهال ناعاقبت اندیش سدّ راه ترقیات ملت و مملکت اسلامیهٔ خود گردیده اند و آن عسکر یرا که من هر هر فرد آنرا به مقابله و تعرض و مدافعهٔ دشمن دین خود مثل اولادم تربیه داده ام و تربیه میدهم این ظلام بدبخت او را پیشتر از دشمن بلا هیچ یک سبب مشروعه هدف میسازند !!!

احسان و خوبی و نیکی هاي که من بالامی سمت جنوبی که فی الحال بمقابل من برخواسته اند کرده ام والله بخاندان پدر خود بقوم محمدزائے نکرده ام برای یک آتن ملی اگر کدام هیئت آنها در کابل می آمدند در بدل آن بسیار روپیه ها میبردند حتی اکثریه منوره های عسکری از افراد این قوم بدبخت ترتیب و بدشمن نشان داده میشد بالآخر نسبت بعموم ملت افغانستان براے حفاظت خودم اینقوم را اختصاص داده نگهبان سر من اینها بودند، درجائیکه از دور تکفیر را از سمت جنوبی میدیدم: آواز میدادم :-

هزبزه ! چیری ئی ! راڅه ! هرکله راشی (۱) سینه های ملعون شان

(۱) عزیزم ! کجائی ! بیا ! خوش آمدی .[ب ، د]

از اعطای نشانهای وفای بی وفائی مثل ریگ پرست، مالیهٔ دیگر اشخاصی را که در جهاد خدمت کرده بودند یکسال و ازین احسان فراموشها را تا سه سال معاف کردم! (۱) وقتیکه بمقابل اینهمه احسانهای من این قوم بدبخت جاهل محسن کش بر روی من میزنند لعنت برایشان باد !

[غلغلهٔ عموم جرگه آمین بهزار بار بر آنها لعنت]

درین پنجسال حکومت تان چقدر خون جگر خوردم و زحمت کشید تا چیزی کارطوس و چند دانه تفنگ خریداری کرد حتی گفت و شنید و قیل و قال که درین زمستان با انگلیس داشتیم سببش غیر آوردن همین اسلحه را بافغانستان دیگر چیزی نبود زیرا که آنها این اسلحهٔ ما را قید کرده بودند، آرزو داشتیم که این کارطوسها اول بسینه های آن دشمنان ما که به شان و عزت مملکت ما حمله کنند بخورد و این برچه های براق بشکم های بدخواهان مملکت مان فرو برود بدا بحال سمت جنوبی که امروز اولین اسلحهٔ که از انطرف میاید راه براه برای قتل سمت جنوبی میرود (۲)

(۱) درینجا ذات ملوکانه در شمردن این احسانهای حکومت نسبت بدان اهل بغاوت کلام خود را بسیار شرح دادند که از انجمله این مرتب بتذکر همین چند مسئله پرداخته است.

(۲) درینجا عموم لویه جرگه چنان تحت یک تأثیر عمیق از کلمات تأثیر آیات همایونی آمده بودند که تماماً از وضع و هیئت خود بهر ذریعهٔ ممکنه که باشد قلع و قمع آنها را نشان میدادند. ب، د.

برچه های عسکر شجاعم بسینه های که فرو میرود ؟ بسینه های مردم منگل، عسکر دلیرم که را میکشد ؟ جهال سمت جنوبی را.

خوب است تا چندی نصیحت میکنم و درد دلم را برای این جهال میدانانم اگر فهمیدند زهی سعادت شان و الا عسکر را اجازه میدهم که این خیره سران شوخ چشم را بکیفر کردار شان برسانند.

بلی! بعد از اینکه نصیحت من کارگر نشد و شفقت و رأفت من بدلهای سخت آنها اثری نیفگند ضرور امر است که عسکرم آن کافر نعمتان بی ایمان را بکشند، در اعطای گوشمالی و سرزنش و مجازات این طوائف جهالت پیشهٔ سمت جنوبی تا حال تأخیر رفته و تا چندی بعد ازین نیز انتظار هدایت و براه صلاحیت آمدن شانرا بواسطهٔ پند و نصیحت داریم زیرا که بدانها احسان کرده ایم و او شانرا پروردهٔ دست خود می انگاریم !

چوب را آب فرو می نبرد حکمت چیست - شرمش آید ز فرو بردن پروردهٔ خویش

افسوس برین ملت جاهل و این عشائر نادان که خود شان تیشهٔ ریشهٔ خود شده اند جای حسرت است که این جهال را بدست شفقت پیوست خودم پرورش کردم و عقل دادم حال شاگردان بی وجدان چوب را بمقابل استاد و مربی خود گرفته اند.

این چه جهل است و این چه نادانی !!!

افسوس میکنم برحال این اقوام جاهل ونادان که تمام خدمات مراکه برای رفاه وترقی شان نموده ام خیانت نشان داده وعدالت مراکه برای ترفیه وآسوده حالی شان مینمودم بزبان ظلم وزحمت معرفی نمودند، جانکنی وزحماتی را که من برای آسایش وخوبی شان درنظر داشتم ازدسیسهٔ اغیار ظلم وستم میدانند، بلی!

«گر قلم در دست غداری بود؛ لاجرم منصور برداری بود»

ازحق تعالی خواسته ام کسانیکه این اشخاص نادان وملت جاهلم را از راه برده اند وچنین تعلیم وتحریک داده اند شرمنده گردد!!!

بازبهمان خدائی که خدا بمن داده وبه آن حبل المتین که چنگ زده ام وبهمان ایمان وصدق که من بخدا ورسول خدا دارم هیچ گاهی از دشمن خود اگرچه قوی باشد پروا وباکی ندارم وبغیراز خدای خود بهیچکس پناه نمی برم وبغیر از ذات پاک آلهی از هیچکس امداد ومعاونت نمیخواهم زیرا این کار وزحمت وعرق ریزیهائی راکه مینمایم برای مفاد ذاتی خویش نمیکنم بلکه یگانه نقطهٔ نظر وآرزو وتمنای من بهبودی وترقی وتعالی ملت عزیزم وبلندی عالم اسلام وسرسبزی وآبادی مملکت محبوبم است وبس.

وقتیکه آرزو وتمنای من ترقیات وبلندی مملکت وملت عالم اسلامی است ومن محض جهة نائل شدن بدین مقاصد مقدسهٔ خویش خدمت میکنم

اگر درین راه سرم برود وسلطنتم برباد شود هیچ پروا ندارم درراه این خدمت مقدس بهزارها کله خاک شد اگر امان الله هم درراه حصول این مطلب مقدس برود پروا نیست[1] باز اگر عزت، شرافت وآرامی وآبادی شما ملت درمد نظرم نباشد از سلطنت توبه ستین سنه توبه[2] چراکه همیشه آرزوی من عزت وترقی شما وعالم اسلام است نه سلطنت نه عزت، نه آرامی خودم، چون مطلبم عیش وعشرت نیست فقط خوشنودی خداوند وخدمت شما قوم وعالم اسلام است عقیده دارم که هیچ دست بالای دست من نخواهد بود.

ازابتدای این بغاوت الی الآن همه وزرا ومأمورینم معلوم وتمام تیلیفونچیها اطلاع دارند که به آوزیر حربیه وعموم قوماندانهای نظامی خود پیام داده ام واو شانرا از تعرض نمودن واذیت دادن وبه کیفر کردار رسانیدن این فرزندان نادان خود مانع شده ام ونگذاشته ام البته اگر نقصاناتی برای شان رسیده است آنهم بصورت پیشقدمی وانتقام خواهی نبوده زیرا امیخواهم نیکی ها واحسانهائیکه

(۱) ازشنیدن این کلمه یک غلغلهٔ دعائیه ازتمام نفری جرگه بالا شده گفتند خداوندا سایهٔ هما پایهٔ این تاجدار ترقی خواه را ازسر مارعایای صادقهٔ شان کم وکوتاه نگردانی.

(۲) یعنی تا شصت سال، ستین سنه برای تاکید گفته شده درعرب این محاوره موقعی استعمال میشود که متکلم از کدام کار تباعد ودوری ابدی را خاطرنشان مستمع کند ویا ادامه واستمرار خود را به فعلی ذهن نشین نمودن بخواهد، ذات شاهانه بنابر اینکه بعضی از اساتذهٔ شان از مردم عرب است وهم بلسان عربی اندک محاوره میفرمایند. لهذا اکثریه درمواقع لازمه این محاورهٔ از وشان شنیده میشود. (برهان الدین کشککی)

من باینقوم کرده ام ضائع شود چنانچه اگر خبر آنشانرا میخواستم درصورتیکه عموم علما
و فضلا و سائر ملت افغانستان آنهارا باغی گفتند و بر علیه آنها از قندهار و ترکستان
و قطغن و بدخشان و سمت مشرقی و سائر نقاط مملکت افغانی اهالی شوریدند و اجازهٔ گوشمالی
و سرکوبی آنهارا بکمال عذر و معذرت از حکومت خواستار شدند و هر فرد ملت از
هر گوشهٔ مملکت به بسیار جوش و خروش برای قتل و بربادی آنها حاضر و آماده اند
من جوش و خروش آنهارا فرو نشاندم و بدانها اجازهٔ سرزنش شانرا میدادم بلی! من قطع
نمودن این عضو ملتم را تصمیم ننموده ام و نمیخواهم که آنهارا تباه کنم. ورنه بیک لحظه
عسکر دلیر و غیور مردانه ام که نام خدمت اسلامیت و ملت و مملکت و این خادم تانرا
شنیده جان خود را فدا میکنند، بربادشان میکنند بنابرین مسائلیکه گفته شد. و نظر بمقاصدیکه
بشمهٔ ازان اشاره رفت دست وزارهٔ حربیهٔ خود را گرفته ام که نکش نکش، بنابرین توصیه
و هدایتیم تا حال عسکر ما سوای مدافعه با آنها هیچ معامله و مقابله ننموده است اگر تا آخرین
مرحله دیدیم که این جهال اصلاح نشدند خواهید دید که چه نشان نشان میدهیم. چون عزم جنگ ما
درصورت ضرورت با یکی از دول معظمهٔ دنیا بالجزم شود و تصمیم نمائیم که باید با یکی از آنها
بجنگیم از محاربهٔ آنها هیچیک خدشه را بدل راه نداده با آنها داخل محاربه شده چنانچه
بار بار داد شجاعت و حماست و مردانگی خود هارا داده ایم بار دیگر نیز میدانرا از حریفان
پرزور و شور میبریم، پس چنانچه برخی از کوتاه فکران گمان میکنند
از منگل و جدران چگونه ترس خواهیم خورد .

بالفرض والتقدیر اگر این نفری سمت جنوبی واقعاً در بعضی نظامات دولتی گفت و شنید
و یا تعدیل و تصویبی را در نظر داشتند پس بایستی قرار اطلاعیکه مکرراً برای شان داده شده
مانند شما در «لویه جرگه» که انعقاد شدنی بود حاضر میشدند و بحث و مذاکره میکردند والا
ریش حکومت بدست بچه ها نیست که یکی بطرف خود کش کند و دیگری بطرف خود، یکی بگوید
این طور کن و دیگری بگوید اینطور، و نه حکومت مجبور است که بخیال هر کس و ناکس رفتار کند .
اگر درین «لویه جرگه» از طرف کدام ملا صاحب و یا کدام وکیل صاحب در یک مقصد حکومتی
برخلاف شرع شریف و مقاصد منیف من که در راه ترقیات ملت و مملکت و عالم اسلام
آنرا مکنون ضمیر خویش داشته ام ناخن زده میشد و الله هر قدر که میگفتید من آن نظریه تانرا
قبول میکردم چراکه زمام مهام سلطنت را خداوند عالم بدست من داده و من خود هم نزد خدا
و رسول صلعم و عموم دنیا مسئولم نه اینکه اقتدار و اختیار حکومت را بدست هر ملا و هر وکیل
داده است فقط همینقدر گفته میتوانم که برای کدام فائدهٔ مادی و یا رفع بعضی اشکالات
عمومی از راه مقررات دینی و دنیوی اگر در یک مجلس بزرگ مانند این مجلس «لویه جرگه»
بعد از مشوره و آرای متکاثره کدام مفکوره و نظریهٔ بکثرت آرا تصویب گردد البته
حکومت برای قبول کردن آن حاضر است و بس! (فاذا عزمت فتوکل علی الله)
پس ازان که بکاری قصد کردم توکل بر خدا میکنم از هیچکس خوف و ترس ندارم .
ثبت فرامینی را که برای این جهال سمت جنوبی از اول الی الآن مکرراً روانه
کرده ام بشنوید تا اندازهٔ رأفت و شفقت و دریا دلی و عفو و مسامحهٔ مرا که با این گروه

باغیه مرعی و مأمول داشته ام بخوبی بدانید .

[درینجا کتاب خصوصی ثبت فرامین شاهی خواسته شده و آقای حافظ نور محمّد خان بکمال طلاقت و سلاست اکثری ازان اعلانات و فرامینی را که ذات ستوده صفات جهانبانی از ابتدای این غائله الی الآن برای آن جمعیت نادان بیعقل ارسال داشته بود وآنهارا بالفاظ نهایت رقت آور و دلنشین بسوی اصلاح و اسلامیت و مطاوعت حکومت اسلامی دعوت کرده بود قراءت نموده تمام حضار لویه جرگه از استماع این فرامین رأفت وشفقت قرین بیک عالم آه و افغان و یک غلغله سر دچار شده باز ذات جهانبانی آنهارا امر باسکات داده کلام خود را سرازنو شروع و ادامه فرمودند . ب ، د]

وکلای سمت جنوبی درین جرگه بهمراه شما شامل مجلس از اول بوده اند و الآن نیز اکثر شان حاضر اند ، - برخیزید ای وکلای سمت جنوبی .

(تمام وکلای جنوبی که باستثنای منگل و جدران و سلیمانخیل و بعضی اقوام دیگر از یک گوشهٔ آخرین مجلس خجالت زده برخواستند . ب ، د .]

شخص شمارا نمیگویم زیرا شما برای ما خدمت کرده دید بلکه اشرار بد هنجار و اقوام جهالت شعار تانرا از طرف لویه جرگه و از طرف خود هزار هزار بار لعنت میگویم .

[غلغلهٔ لعنت باد بر اشرار سمت جنوبی ! لعنت ! لعنت ! لعنت]

افسوس که من بکدام اندازه این ملت جاهل را دوست داشتم حتی لباس اینقوم را به فخر میپوشیدم که اینها قوم شجاع و بهادر اند در هر میله و هر جای بهر طرف که آنها میرفتند

من در پهلوی شان می نشستم که دل شان خوش شود ، در منورهای عسکری اینهارا بدوست و دشمن نشان میدادم حتّی پیسه ، دولت ، عزت و هیچ چیزیرا از ایشان دریغ نکردم .

بازهم تباهی شانرا آرزو ندارم و تا چندی او شانرا نصیحت و اندرز میدهم تا باشد که بدین خطای خود بدانند و ازین سهو و خطای خود کسب آگاهی کنند ، بازهم اگر مسلمان نشدند و براه صلاحیت و اسلامیت و مطاوعت حکومت نشتافتند و تسلیم نشدند ، والله اگر باز از هیچ زبان لفظ صلح را بارهٔ آنها بشنوم ، و یا قبول کنم بجز اینکه جمهور شانرا بسوزانم و بگویم که ای وزارهٔ حربیه تو میدانی و این قوم ؛ تا خاک شانرا بتوبره بکشند .

تماماً بیک غلغله و صداهای بلند برخواسته بعرض رسانیدند :-

لویه جرگه ایکاش اگر اعلیحضرت از مزید نصیحت گوئی و شفقت گستری این اقوام نادان سمت جنوبی صرف نظر فرموده تصمیم سرکوبی جدی شانرا بنمایند و بما ملتِ وفاکیشِ خود اجازهٔ گوشمالی آنهارا بدهند ، تا ما بیک سرعت صاعقه نما جان شانرا از جسد بیرون و زمین را از خونهاے شان لاله گون ساخته نام و نشانی از آنهارا باقی نگذاریم .

[درینجا باز ذاتِ جهانبانی به بسیار زحمت و نواختن زنگ سرمیزی به لویه جرگه حکم سکوت نموده فرمودند . ب ، د]

اعلیحضرت

مطلب من این نیست که اینها را قتل کنیم، و یا هستی شان را دفعةً برباد بدهیم، ورنه بتوکّل خداوند عسکر غیرتمندم بیکساعت تمام شانرا پاره پاره میکند و این چند روز محض از بی اهمیتی این مسئله بود که ما حرفی از آنها را درمیان نیاوردیم و حال هم درین بحث شما داخل شده اید فقط جهة آگاه نمودن و دانا ندن شما را از حقائق اینقدر بیانات کرده میشود والّا یک مفسد چیست و بغاوت آن چه اهمیّت خواهد داشت.

بااینقوم شریر احسانهائی که من کردم اگر یکا یک بگویم وقت میگیرد، عسکر شانرا که از سالهای دراز در سمت جنوبی بیک تعداد معیّنی میبود و شش یک بلکه ده یک نماندم وزارهٔ حربیه هر قدر اصرار کرد که عسکر سمت جنوبی را کم کن از نظر بحبت و یگانگی که با آنها داشتم قبول نکردم و گفتم تمام این قوم عسکرند، پس پابند بودن شان در صنف نظام چه حاجت دارد، در زمان احتیاج دولت، همهٔ آنها خدمت عسکری را بخوبی ایفا میکنند، تا آنزمان پیسهٔ که با آنها میدهم برای آبادی معابر و انهار، پلها، آنرا بصرف میرسانم.

نظر بدین عزت و توقیر و اعتماد یکه حکومت بر آنها مینمودند، پس چقدر بدبخت و کافر نعمت میباشند اینقوم که امروز بر علیه حکومت خود کار روائی میکنند، در نتیجه بجز از خواری و زبونی و بیچ کنی و پریشانی خویش معلوم است دیگر فائدهٔ را بخود عائد نخواهند کرد، چنانچه حال بدرجهٔ رسیده اند که از گرسنگی

برگ میخورند، سبیل دشتی زدند و بلعنت گیر آمدند.

در هر دفعهٔ که بر عسکر ما غدارانه و جهالت کارانه حمله کرده اند و فقط سپاهیان ما مدافعه نموده اند، بسیار نفر شانرا بروی خاک انداخته اند که آنها نتوانسته اند که مرده های خود را جمع میکردند بلکه سپاهیان شجاع و غیور ما باز برای رسم تدفین آنها پرداخته اند.

درین روزها شما هم مطلع خواهید بود که چیزی عسکر خود را از آنجا پس طلبیدیم والله آن سپاه ما بخانه های خود نمیرفتند هر فرد عسکر ما باین درجه جوش و خروش دارد که بجز از خوردن خون شان بدیگر هیچگونه تسکین شان نمیشود.

آخر ای نادان! تو چرا اینطور میکنی که این جوش و خروش طرفین بجای اینکه بر دشمن صرف شود، در بین خود ما صرف میشود، چرا هر دو قوت را جمع کرده بمقابل دشمن شرف و ناموس مملکت خود کاری نمیکنید.

این را هم ناگفته باید نگذاریم که در همین سمت بعضی چنان اقوام هستند که نامهای اکثر از او شان را فی الحال بخاطر ندارم، و از بعضی که بیاد من است «نمیخواهم که بگویم تا دیگران ازین نام گرفتن من دق نشوند» که سر خود را فدای دین و اسلام و فدای دولت و ملت خود میکنند، لکن هزار لعنت باد برکسان بدبخت و شریر شان که سپاهی دلیر و شجاع ما را هدف گلهٔ خیانت خود نموده به بغاوت ایستاده اند.

یکوقتی جهال تیره روزگار عسکر مارا در یکجای تنگ بروز عید احاطه کرده بودند که نان برای شان چند وقت ممکن نشد که میسر سید، گفتم تا برای عسکرم نان نرسد من هم نمیخورم والله (۴۷) ساعت، هیچ چیز نخوردم حتی نزدیک بود که از خود بروم رئیس ارکان حربیه و دیگر نفری هر قدر که گفتند یکقدری نان بخورید که فردا مامورین میآیند چطور نطق خواهید کرد و بمراسم دربار چگونه پرداخته خواهد شد، گفتم در چهار پائی ببر ندم، باز در گفتار خود اصرار کردند که سپاهیان بگرسنگی عادت دارند، گفتم بلی! درینوقت آنها بزحمت گرسنه هستند، من باسایش، از یکطرف سفیر روسی که جدید آمده بود بحضورم نطق میکرد از طرف دیگر خودم ضعف میکردم، تا برنج و روغن برای آنها بهمت وشجاعت دیگر برادران عسکری شان رسید باز من هم طعام خوردم.

تا حال این عاجز و حکومت تان تصمیم بانقطاع و انقلاع این فرزندان جاهل افغانستان ننموده ایم و مکرراً دست عسکر و وزارة حربیه را از تعرض و جنگیدن باو شان گرفته ام و گمان میکنم که بالآخر نصائح شفقتکارانه و اندرزهای پدرانه ام کارگر شده اگر خواست خدا باشد براه هدایت خواهند گرائید لهذا برای اوشان یکفرمان هدایت تو امان دیگری را مینویسم و دران برایشان یکوعدهٔ قطعی راجع به تائب شدن و براه صلاح و مطاوعت آمدن معین میکنم، اگر تا آنزمان براه راست آمدند فنعم المطلوب والا بعسکر غیور و وزارة حربیهٔ خود امر میدهم تا اوشانرا بکیفر کردارشان برسانند —

(دشمن آتش پرست باد پیمار ابگو + خاك بر سر کن که آب رفته باز آید بجو)

[درین موقع در تمام لویه جرگه چندان آشوب و غوغا بر پا و باندازهٔ غیظ و غضب و حس انتقام خواهی ازین باغیان سمت جنوبی هویدا شد که ابداً یکنفر مستمع بیچارهٔ مانند این نگارنده بیادداشت نویسی و یا شنیدن کلمات مقررین غیر واحده و داوطلبان متکاثرهٔ این حفلهٔ عالی عطف توجه کرده نمیتوانست وکلای هر مقام علیحده و مشائخ آن جداگانه و سادات از یکطرف و علما از دیگر جانب تماماً برپا خواسته استدعای شمولیت شانرا مخصوصاً از حضور ملوکانه برای سرکوبی این طائفهٔ باغیه مینمودند؛ اعلیحضرت غازی هنوز بجواب یکی نپرداخته نمی بود که دیگری تقدم جسته خود را بدین خدمت مستحق میشمرد وهکذا بالجمله چیزیرا که این مسکین بخاطر دارد و درین فرصت گفته شده حسب ذیل است. ب، د]

وکلای قندهار اعلیحضرتا! مردم قندهار عرض میکنند که سرکوبی سمت جنوبی حق ماست این خدمت را لطفاً برای ما بگذارید.

وکلای قطغن و بدخشان فدایت شویم! این عهدنامه ایست[1] که چهار ماه پیشتر در محکمهٔ قطغن نوشته شده اگر تکلیف نباشد بخوانید

---

(۱) نقل عهدنامه را بدست گرفته این معروضه را میگفتند.

خلص مضمون این است که سر و مال و اولاد های خود را آرزومندیم، که
در راه دین اسلام و ترقیات افغانستان خصوصاً باین خدمت حاضرهٔ
سمت جنوبی فدای همچه تو پادشاه مهربان بگردانیم!

وکلای هزاره اعلیحضرتا! خدمت سمت جنوبی چندان اهمیت ندارد، که جوانان
عسکری جوان همت بدانطرف بروند، این خدمت را برای ما
اقوام از نظر افتادهٔ هزاره بگذارید!

ملک خالوی مهمند اعلیحضرتا! هرگونه فداکاری که بفرمائید ما حاضریم
و خیلے آرزومندیم که سرکوبی این فئهٔ باغیه را تنها بما واگذار
شوید که ما چگونه این اخوان شیطان رجیم را براه صلاح و دین می آوریم!

وکلای سمت مشرقی این سرشوری شوره پشتان سمت جنوبی چندان
اهمیتے ندارد که برای انفصال آن کدام قوهٔ عسکریه
اعزام شود ما فدائیان پادشاه غازی عالیشان حاضریم که بیک حمله دمار از
نهاد این طائفهٔ بدهنجار بکشیم، آیا بخاطر ندارند که در زمان اعلیحضرت شهریار شهید
چگونه بیکسرعت خارقه نما این جهلا را براه آوردیم!

[همچنین اظهار جذبات و گرمجوشی های مزید از وکلای هراة و وکلای
ترکستان، و وکلای فراهی، و وکلای میمنه، و وکلای دیگر اطراف و اکناف
افغانیه و سائر شرکاء لویه جرگه بعمل آمده بلکه اکثریة افتان و خیزان در یکعالم

جوش و خروش خود ها را بنزدیک تخت همایونی رسانیده استرجای
محاربه نمودن خود ها را با بغات سمت جنوبی مینمودند، خلص اینکه منظرهٔ داوطلبی تقریباً
تا به نیم ساعت دوام ورزیده بالآخر اعلیحضرت معظم و رئیس صاحب عمومی شورای
دولت به بسیار اشکال و اشارات سر، و دست، و چشم، و بنوازیدن
زنگ سرمیزی این غلغله و احساسات گرمجوشانه لویه جرگه را فرونشانده
درجواب این عرائض و داوطلبیهای شان نطق مفصلے را ایراد داشتند
که اجمال آن حسب ذیل است]:-

اعلیحضرت معظم از بین مذاکرات شنیدن چنین عرائض و دیدن این داوطلبیها
و معلوم کردن احساسات شما بنده زیرا که از محبت و عقیدت و
علاقه‌مندی عموم حضار باین خادم اسلام بهتر مسبوقم حتی یاد نمودن
این مطالب را درین مجلس عالی خودم مفید نمی پنداشتم چون شما در مبحث داخل
شدید من هم قدرے ازان نیکی های خود که باین طائفهٔ ناسپاس حج درحال
و چه در گذشته کرده ام بیان کردم، تا بخوبی همهٔ شما بدانید که حکومت شما با آنها
سراسر گذشت و مرحمت کرده است، و تا یک زمانے از همین شیوهٔ رأفت و
شفقت خود نخواهد گذشت اگر با وجود آنهم ازین کردار بد خود دست نبرداشتند
حکومت شما با ایشان یک معاملهٔ سخت و شدید خواهد کرد.
از هر کدام تان درینمورد علیحده علیحده اظهار جوش و خروش و همدردی

دیدم ازین حسیّات شما از حد زیاده تشکر میکنم و اظهار ممنونیت مزید مینمایم خداوند از شما راضی باشد من از عموم اظهار رضا میکنم اگرچه مناسب نبود که این چیزها را درین مجلس اظهار نمایم امّا چون من خودم را یک سپاهی و خادم شما ملت میدانم پولتیک و انتریک را بهمراه شما ملت عزیز خویش شیوهٔ خود نمی نمایم و نمیخواهم که هیچیک راز خود را از شما پنهان کنم چنانچه عهدنامه ها و دیگر اسرار دولت را که تا اکنون اکثری از اعضای وزارهٔ خارجیه هم ازان اطلاع نداشتند بشما توضیح نمودم این مسئله را نیز با شما حقانه بدون کم و کاست آشکار و اظهار کردم .

این فرمانرا که قبلاً گفتیم علاوه بر فرامین سابقه با تعیین وقت تائب شدن آنها برای شان روانه میکنم اگر تائب نشدند و برای صلاحیت نشتافتند و همچنین در تیه جهالت و نادانی خود رهسپار ماندند همانا که برطبق خواهشات تان این خدمت را تقسیم میکنم میگویم که این تقسیم از قندهار و این حصهٔ سمت مشرقی ، و این از سمت شمالی و این از ترکستان ، و این از قطغن ، و علی هذا .

اگرچه اوّل نیز گمان میکنم که عسکر غیور م شما را گاهی نخواهد ماند که جنگ کنید بلکه شما را در یک بلندی نشانده جان بازیها خون فشانیها سربازیهای خودها را بشما نه تنها درین معامله بلکه در عموم محاربات نشان خواهند داد

چون عسکرم مرا دوست دارد و من هم عسکر خود را مثل اولاد خود دوست دارم اینقدر از ملت خود امیدوارم هرکه مرا دوست دارد عسکر مرا دوست داشته باشد و همیشه بنظر احترام به بینند .

(درینجا در میان عموم منصبداران نظامی یک آثار جدیت و فعالیت بعیان رسیده تماماً بیک آواز هر برانه و وضعیت عسکرانه برپا خواسته گفتند ما حاضریم که بشرط امر و اجازهٔ همایونی این کافر نعمتان سمت جنوبی را بکیفر کردار شان برسانیم و یکنفر از و شانرا اگر براه صلاحیت و اسلامیت و مطاوعت اعلیحضرت نشتافتند زنده نگذاریم بعده دیگر منصبداران دعای عمر دیرشه پادشاه را گفته نشستند و قوماندان قول اردو بیانیهٔ ذیل را ایراد کردند .

عبدالوکیل خان قرقه مشر حاضرین با تمکین : چند سخن بزبان کلفت عسکری عرض میکنم از کلمات جواهر آیات اعلیحضرت تاجدار غازی ما که درین عرصهٔ بیست روز گوهر نثاری کردند . خیالات اتفاق کارانه و نیات خیرخواهانه شاهانهٔ شانرا تا یکدرجه دانسته شده باشید حاجت تکرار نیست ، در ابتدای جلوس میمنت مانوس ملوکانهٔ شان که هنوز نظم و نسق داخلهٔ افغانستان بخوبی نشده بود دفعةً با انگلیسها که ما را اغلام خود می پنداشتند و بزیر حمایهٔ خود میدانستند و با هیچ دولت ما را بارسال

در رسول کردن نمیگذاشتند، اعلان حرب دادند اگر بیک نظر غور بحال برادرهای هندوستانی خود به بینید که "باهیچیک برادر دینی خود حرف زده نمیتوانند اختیار اموال، اطوار، کردار حتی از حقوق مشروعهٔ خود را نداراند" آئینه تمثال (۶) سال پیشتر تانرا خواهید یافت؛ از برکت شمشیر آبدار این پادشاه عدالت کردار بود که از زیر اسارت انگریز خلاص شدیم و امروز خوش بختانه در محیط مستقل مملکت بزیر سایهٔ هما پایهٔ این شهریار دیندار خود امرار حیات مینمائیم.

بسیار جای افسوس است، کارطوس ها، تفنگ ها، توپهائی را که اعلیحضرت غازی ما برای مقابلهٔ اعدای دین ما آماده و تهیه کرده اند امروز برای بربادی و خانه خرابی آن هموطنان بی عقلان ما که بتحریک بعضی از مرضان صاحب غرض بر روی این پادشاه دیانت اکتناه ما برخواسته اند بسمت جنوبی میرود بفحوای (انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم) اگر شما اهالی لویه جرگه در میان این فرزندان نادان و حکومت متبوعهٔ تان خواهان صلح باشید و خواسته باشید که در بین رفع غلط فهمی شود درین مسئله چیزی عرض کرده نمیتوانم، البته اگر خواستار محاربه و مقاتله با باغیان سمت جنوبی باشید پس این مسئله را نه تنها شخصم بلکه عموم اردوی مظفر افغانی تا زمانیکه لباس مستعار حیات در بدن شان باشد برای خود

ننگ و عار میدانند که آنها نشسته باشند و شما ملت محبوب با آنها محاربه کنید زیرا که خونریزی و جنگ کردن کار ما عسکر است و به سر دادن و جان نثار کردن و خون فشانی کردن ما عسکر حاضر و آماده بوده خدمت ما همین سر دادن و خون ریختاندن است و بس.

اعلیحضرت لویه جرگه را مخاطبه کنان فرمودند. مهربانی کرده دیگر درین باب چیزی نگوئید زیرا که به پیش همت شما اقوام غیور افغانستان منگل چیست، خداوند نکند که شما بمقابلهٔ ایشان بروید یا خون عسکرم درین راه بریزد دشمنان دیرینهٔ شرف و عزت و ناموس ما بیایند، بارها توپ های هژده پن دشمن را که هتک عزت خاک پاک وطن عزیز تانرا نموده است، شما ملت غیرتمندم بچوب ها و سوته ها و ناخنهای خود شکستانده اید و مدعی ها را مانند روباه گریختانده اید و همیشه امتحان اسلامیت و افغانیت وطن خود ها را داده اید باز اگر آنها بخواهند یک تجربه خواهیم کرد.

لویه جرگه بهر قسمیکه ذات پادشاهی فرمایند باستماع و قبولیت آن حاضر بوده مکرراً عرض داریم که ما به ریزانیدن خون خود بهمه گونه فرمایشات شما حاضریم غلغلهٔ الله اکبر الله اکبر الله اکبر الخ.

اعلیحضرت باز از شما التجا میکنم که درین مبحث بیشتر ازین صرف اوقات نکنید از احساسات شما ممنونم و از حد زیاده مشکور، منگل هیچ

اهمیّت ندارد فقط مثل یک سگ نان است. حیف این جوش و غلیان تان که درین موضوع نشان میدهید فقط همین نعرهای دشمن کوب الله اکبر گفتن ما و شما برای دشمنان داخلی و خارجی کافیست.

[درینجا رئیس صاحب شورای دولت عریضهٔ را که لویه جرگه بحضور شاهانه قبلاً نوشته و مهر و امضا نموده بودند بدست گرفته گفت. ب، د.]

رئیس صاحب شورای دولت حضار محترم سکوت کنید و سراپا گوش شده بشنوید که عریضه و داعیهٔ تانرا بحضور شاهانه قرارت میکنم.

لویه جرگه تماماً سکوت ورزیده بمناسبت قراءت این معروضهٔ عمومیه عموم شان برپا خواسته بکمال ادب و خاموشی گوش گذاشته ایستاده شدند.

نقل عریضهٔ لویه جرگه بحضور شاهانه بروز وداع

بحضور اعلیحضرت شهریار غازی شریعت پرور خلدالله ملکه و سلطنته

عرض ما داعیان دین و خادمان دولت علما و مشائخ و سادات و رؤسا و وکلای تمام حصص مملکت محروسهٔ دولت علیهٔ اسلامیهٔ افغانستان صانها الله تعالی عن حوادث الزمان بکمال افتخار و امتنان اینکه:-

اعلیحضرت شریعت پرورا (من لم یشکر الناس لم یشکر الله) ما ملت افغانستان شکریهٔ این مراحم ذات کثیر البرکات شما را بهیچ زبان ادا کرده نمیتوانیم که محض برای غمخواری دین و تقویهٔ شریعت غرای حضرت خاتم النبیین و اصلاح و انجاح امور و آرای ما ملت افغانستان اینچنین یک جمعیتیکه در عالم اسلام نظیر آن در تواریخ کمتر دیده شده است بروی کار آورده در مرکز دولت بحضور مبارک شاهانهٔ خویش جمع فرموده طلب استشاره فرمودند هذا من فضل ربی لیبلونی ءاشکر ام اکفر" فی الحقیقت میتوانیم عرض نمائیم که این نتیجهٔ سعادات و اقبال ما ملت افغانستان است که ایزد متعال در هیچ یکوقت و زمانیکه در فضای عالم اسلام یک گونه نزاکتی پیدا شده تماماً پریشانند ما ملت افغانستان را بوجود مسعود مانند شما یک ذات خجسته صفات نائل و سرافراز گردانید:

این سعادت بزور بازو نیست ❊ تا نه بخشد خدای بخشنده

وقتیکه ما ملت افغانستان بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاه غازی مشرف شدیم بچشم خود دیدیم و بگوش خود شنیدیم و در قلب خود حس کردیم، تمامی محسناتی را که ذات اعلیحضرت غازی معظم مان برای تقویهٔ دین و فلاح و سعادت ما ملت افغانستان سنجیده اند و در خاطر مبارک خویش دارند فوق ازان است که عقل ما و فکر ما بآن اصابت نماید و یا ما بتوانیم به آن سعادات و اقبال و مدارج ترقی و تعالی رسیدگی نمائیم مع مافیه بقرارات هدایا و تجویزات اعلیحضرت غازی همانست که لویه جرگه برای تصویبات نظامات و احکام شرعیه از بین خود ما علمای گرام را بصدارت جناب فضیلت پناهان ملا صاحب چکنور و استاد صاحب حضرت

وحضرات شمس المشایخ و نور المشایخ صاحبان و آخندزاد صاحب موسهی که بصفات حمیده موصوف و در حقائق و دقائق علوم دینیه و شرعیه معلومات کافی داشتند بجمعیت علمای منتخبهٔ لویه جرگه تعین و برای امور ملکیه و وکلای منتخبهٔ ما با باقی وکلا و رؤسای لویه جرگه مقرر گردید که در امور شرعیه صنف علما و در امور ملکیه صنف وکلا و رؤسا تحقیق و تدقیق نموده آنچه مسائل مفتی به شرعیهٔ دینیه باشد علمای اعظام و آنچه خیر و بهبود مهمات ملکیه باشد وکلا و رؤسای کرام هویدا ساخته تصویباً بعرض حضور مبارک اعلیحضرت غازی برسانند چنانچه باوراق جداگانه تصویبات هر یک ازین دو شعبهٔ مهمه تقدیم حضور مبارک گردید درنتیجهٔ حسن این اقدامات بزرگ و خدمات سترگ که ذات اعلیحضرت غازی معظم مان فرمودند «لویه جرگه» چهار مقصد عالی آتی را بحضور مبارک تقدیم میکند و امید قبولی آنرا بدرگاه خداوندی و اعلیحضرت شهریار غازی دارد.

۱:- تحفهٔ دعاست از طرف ما داعیان دین و دولت اسلامی که آلهی بعزت بزرگی خود و حرمت روح پر فتوح حضرت خاتم النبیین صلعم، سلطنت اسلامیهٔ غیورهٔ افغانستان را بزیر لوای شریعت غرای محمدیه دامر اولی الامر معظم مان المجاهد فی سبیل الله الغازی امان الله خان از جمیع دست برد و حوادث جانب و اغتشاشات و اضطرابات داخلی مصئون و مأمون داشته همه وقت متفق و متحد مان بدارد آمین یارب العالمین.

۲:- بیادگار انعقاد این مجلس اسلامیهٔ عالیهٔ «لویه جرگه» یک نشان ذیشان که توثیق عهد است موسوم به «لویه جرگه» را برای حسن خدمت درراه شریعت و مملکت که

اولی الامر غازی مان ابراز فرموده اند از طرف ملت صادقهٔ شاهانه شان تقدیم مینماید تا که ذات شاهانه هر زمان که نشان موصوف را بسینهٔ بی کینهٔ مبارک خویش نصب نمایند یادگار خدمات مجاهدانهٔ شاهانه شان در راه دین و دولت و مظهر اطاعت و صداقت و وفاداری و عهد ما به نسبت ذات شاهانه بوده سبب شرف و افتخار ما باشد علاوتاً لویه جرگه یک میل تفنگ و یک قبضه شمشیر را نیز بحضور مبارک تقدیم مینماید تا ذات شاهانه برای حفظ دین و منافع مملکت مقدسهٔ اسلامیه بمقابل غاصبین حقوق بشریت و انسانیت به استعمال آن شرف اسلامیت و شجاعت افغانیت را ابراز نمایند.

۳:- چون لفظ امیر در شریعت و در عرف گاه برای شخصیکه زیر حکم پادشاه باشد مثل امیر عسکر و امیر الجیش و امیر السریه و گاه در بارهٔ پادشاه کلان که زیر حکم دیگر نباشد مثل امیر المؤمنین استعمال میشود جهت دفع این توهم که آیا دولت ما زیر حکم است، خدا نخواهد الحمد لله سلطنت افغانستان دارای استقلال داخلی و خارجی بوده یک دولت معظم و مستقل آزاد است لهذا ما ملت افغانستان امیدواریم که لفظ امیر بلفظ امیر المؤمنین (تول واک) که پادشاه گفته شود تبدیل یافته عموم ملت افغانستان بعوض الغازی امیر امان الله، الغازی امیر المؤمنین ټول واک، امان الله بگویند. شعر

فانك شمس و الملوك كواكب   فاذا طلعت لم يبد منهن كوكب

۴:- چونکه اعلیحضرت پدر شهید سعید و اعلیحضرت جد امجد مرحوم شما از طرف ملت به القاب سراج الملة والدین و ضیاء الملة والدین ملقب بودند «لویه جرگه»

تمنا میکند که اعلیحضرت غازی مان ملقب بلقب سیف الملة والدین شوند و این لقب را از طرف لویه جرگه قبول فرمایند. شعر

الحمد لله العظیم الشان - ذی المجد والاحسان للانسان
یا خادم الشریعة یا حامیا لحقیقة من قومك الافغان
وانت علینا رحمة من ربنا لیست بقانون سوی الفرقان
فجزاك رب الخلق حسن جزائه عنا وعن ثقلین للامان

اعلیحضرت شهریارا! دین مقدس اسلام نصب امام را بالای ملت اسلام واجب ولازم گردانیده است واصولاً مقرر فرموده است که تمام اوامر ونواهی موافق شریعت غرای محمدی صلعم تحت امر اولی الامر شخص پادشاه بر هر فرد مسلمان واجب ونافذ باشد کما قال الله تبارك وتعالی: اَطِیعُوا اللهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاُولِی الاَمرِ مِنکُم وقال النبی صلی الله علیه وسلم: من مات ولیس فی عنقه بیعة الامام مات میتة الجاهلیة

لهذا ما داعیان لویه جرگه وکل ملت افغانستان عهد میکنیم که هرگاه شخصی یا اشخاصی بخواهند که اساس اولوا الامر اسلامیه را به تقالید سلطنت های اروپائی مثل مشروطه ویا جمهوری وغیره انقلاب داده تبدیل نمایند ابداً راضی نبوده ما ملت افغانستان بسر وجان خود ها حاضر خواهیم بود که از ان تعرض غیر مشروع مدافعه نموده سلطنت مقدس اسلامی خود ها محافظت نمائیم ومن الله التوفیق وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العلمین

پاینده باد اسلام، زنده باد اولوا الامر اسلام، سرافراز دین ودنیا باد هواخواهان اسلام.

[بعد از اتمام این عریضه اعلیحضرت بیک وضعیت متحیرانه که تحت رقت وتاثیر عمیقی از شنیدن این عریضه آمده بودند برپا خواسته فرمودند، ب، د]

اعلیحضرت

زدشت بیخودی می آیم از وضع ادب دورم
جنونی گر کنم ای صاحبان عقل معذورم

والله بالله مطلبم بجز از ترقیات شما دیگر چیزی نیست! وباز خدا شاهد است بجز ازینکه حیات خود را، زندگانی خود را، سلطنت خود را فدای شما ملت اسلام بگردانم دیگر آرزوئی ندارم، واین خدماتی را که درین شش سال نموده ام وینمایم، نه تنها برای افغانستان بلکه نقطهٔ نظرم خدمت عالم اسلام وخوشنودی خدا ورسول الله است که هیچیک لحظه از خدمت تان باز نمانده ام وباز نخواهم ماند، وعهد میکنم تا یک قطره خونی که داشته باشم بجز از بهبودی ورفاه شما آنرا بدیگر جای صرف نمیکنم.

این عهد های متواتر وموثقی را که مکرراً با من میکنید، واینقدر که بنظر لطف ومحبت مرا مینگرید، واین چهار چیز را که برایم پیش میکنید در جواب هر کدام آن یکایک عرض میکنم:-

دعائی را که برای آبادی ملت ومملکت خود بعمر من عاجز کرده اید حقتعالی قبول بگرداند وخداوند اینطور عمر داند که بی آسایش شما یک نفس نکشم.

خدایا مرا توفیق اینطور خدمتها را بدهی که در عمر خود ترقیاتی را حاصل کنم تا عالم اسلام و قوم من در آسایش باشد، اگر من زنده باشم یا نباشم.

شما ملت عزیزم که مرا بدین نظر لطف و مرحمت می بینید! و به اینطور یک نشان ذیشان که در تمام دنیا هیچیک ملت برای پادشاه خود نداده است ممتاز و سرفرازم میسازید، تشکر میکنم، اما نشان را چکنم! بس است نشان بهبودیها و ترقیات شما که بر دل من است، نه تنها در حیات من بلکه در زیر خاک هم بر سینهٔ من این نشان شما خواهد بود!

پیشتر عرض کردم ع "جنونی گر کنم ای صاحبان عقل معذورم" اگرچه از ادب دور است اما معذورم دارید، بعضی از شما خواهند گفت که نشان ما را از بی پروائی و بی اعتنائی قبول نمیکند! نی تاج را که شما ملت بخاندان ما از یک خوشهٔ گندم داده اید و تا به امروز اولادهٔ همان خاندان سلطنت کرده اند بران فخر میکنند فقط بشرف عسکری خود سوگند میخورم خدماتی را که برای شما آرزو دارم هزار یک آنرا تا هنوز نکرده ام هر وقت که خدمتی بشما ملت و این مملکت خود کردم باز خود من میگویم که مستحق فلان نشان هستم، حال محبت شما برای من نشان است، والله اگر این نشان از یک آفتاب مجلل میبود، آنقدر خوش نمیشدم که ازین جوش وخروش شما امروز خوش شدم —

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی ✦ دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند

من دیوانهٔ ترقیات شما هستم، من مجنون تعالیات تان میباشم، والله بذات اقدس آلهی قسم است که دیگر آرزوئی ندارم مهربانی کرده مرا از گرفتن نشان معاف کنید و بچشم های گریه پر و اشک ریزم نظر کرده اضافه برین تکلیف گرفتن اورا بمن نکنید، اگرچه از ادب دور است لکن من بشرف عسکری خویش که خود را یکفرد عسکر میدانم، قسم خوردم که درین اظهارم ناز و تکلف نمی نمایم.

(آمدیم بلقبی که لویه جرگه بمن ارزانی میفرماید)

آیا بنام من عاجز اسم حضرت الهی شامل باشد خوب است وبدان خورسند و ممنون باشم و یا به "سیف" در وقتیکه من طفل بودم و هیچ تکرم با من و امان نبود نامم از زبان جدّ امجدم "امان الله" نهاده شده است دیگر لقبی را که خداوند از لطف و مرحمت خود بمن مهربانی فرموده "غازی" است.

در اوّل سلطنت من نیز بقبول نمودن "شمس الملة والدین" "سیف الملة والدین" تکلیف شدم، اما گفتم که قبول کرده نمیتوانم.

خدمت شما صادقانه عرض میکنم، که "امان الله" خدمتگذار شما وخادم اسلام است! و خیلی آرزو دارم که تا آخر عمر خود بنام "بندهٔ عاجز الله" یاد شوم! و در خاک "الله، الله" گفته بروم، تنها این لقب غازی را

که خدا من عطا وارزانی فرموده است، کفایت میکند.

اگر شما میگوئید که اعلیحضرت امیر مرحوم و اعلیحضرت شهید چرا القاب را قبول کرده بود نه عرض میکنم.

البته آنها او را لازم دیده باشند، خودم هیچیک خدمتے نکرده ام که تقدیر کرده شود و یا سزاوار این نام باشم، باز اگر خدمتے کرده باشم، بمقابل آن امروز این صداهاے ملّتم که از هر گوشه و کنار بگوشم میرسد کفایت میکند، تشکر میکنم، این بار گران را بگردنم نیندازید ـــ

جوهر مرد بتقلید نگردد حاصل ✤ مخترع شو که دگرها بتو تقلید کنند

من نمیخواهم که در هر کار تقلید کنم، فقط در اسلامیت تقلید میکنم و بس! همینقدر که گفتید کافی است.

آنچه درباب امیر المؤمنین غازی امان الله ٹول واک فرمودید! خوب میدانم که در افغانی تول واک کل اختیار را میگویند هر وقت که زبان افغانی بهمه نقاط مملکت افغانستان و در بین مأمورین ما رواج یافت البته خودم نیز بقبول کردن آن حاضرم!

امیر المؤمنین :- آیا خلفاے راشده رض امیر گفته نمیشوند؟ میشوند! آیا آنحضرات بزیر حمایهٔ احدے بودند؟ نے! خاندان ما بهمین لقب امیر یاد شده اند، حالا شما مختارید که این خادم اسلام را "امیر" میگوئید

یا "امیر المجاهدین" یا "امیر غازی" یا "خادم اسلام" میخوانید، هرچه بگوئید خوب است هیچ پروائے ندارم، اینهمه از محبت شماست، لکن خودم خود را نسبت بشما خوب میشناسم.

بخیال من اگر مرا "امیر امان الله" بگوئید خوب است، تا زمانیکه یک خدمت شایان تقدیر و قابل تحسین براے شما ملت و عالم اسلام ابراز کنم

(نه از دنیا غمی دارم که عقبی هست در پیشم ✤ جنون خدمت خویشم ازین پس کو چه ها دورم)

فقط وقار و عزتم در آبادی و بهبودی شماست و بس.

درخصوص شمشیر :- قانوناً و شرعاً و عقلاً شما را ملامت میکنم، و قبول کرده نمیتوانم چرا این شمشیر شما از طلا است و بعضی از انهای الماس هم دارد.

فقط براے پاس خاطر و خوشنودی تان همین تفنگ را قبول میکنم و با شما عهد میکنم که در اثناے محاربه اگر سرم برود، در پهلوی این تفنگ خواهد بود تا اولاً سر خود را در راه خدمات شما ملّت ندهم این تفنگ را بدشمنان نخواهم داد.

باقی چیزهاے شما را هم منظور میکردم، لکن بنابر دلائلے که عرض کردم قبول کرده نمیتوانم باقی خاتمهٔ کلام خود را بدعاے ترقی و تعالی عالم اسلام مخصوصاً افغانستان نموده میگویم:

(الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد)

لویه جرگه بعد از فراغ تکبیر مکرراً عرض قبولیت شان را به بسیار عجز و انکسار اظهار

داشته تماماً بیک زبان بحضور اعلیحضرت معظم غازی شان عرض نمودند که بمقابل این خدمات وجانفشانیهای شما اگر ما قطرات خون خود را بر کاب تان نثار کنیم هنوز کم، واگر هستی وثروت ودنیا ومافیهای آنرا نذر پیشگاه عزت بنمائیم باز هم اندک است، ایکاش اگر امکان میداشت ما این نشان را از یک تکهٔ الماس به بسیار زیبائی و خوبی تیار کرده تقدیم میکردیم!

اعلیحضرت قبلاً بحضور تان عرض کردم و دلائل عدم قبولیت نشان را برای تان تشریح دادم که گرفته و قبول کرده نمیتوانم و خودم را درین اظهار خود صادق دانسته ناز و بازار و تکلیف درین مسئله نمیکنم و نه عادت دارم معاف کنند!

لویه جرگه بالفاظ مؤدبانه و وضعیت احترام کارانه باز تکلیف قبولیت نشان را نمودند، درین مراتبه باز ذات همایونی چنین قطع کلام شان را نمودند!

اعلیحضرت با اینکه شما حضار محترم را فردا مانند روز اوّل بطور خصوصی وداع خواهم کرد باز هم امروز رسماً با همهٔ شما حضار عالی خدا نگهبانی و وداع میکنم بعضی از شما اگر درین جرگه چیزے نگفته است و یا حصهٔ دران بصورت مذاکره و مباحثه نگرفته است ما ویرا نیز باندازهٔ اشخاصیکه گفت و شنید کرده اند میدانیم زیراکه او را سخنهاے ماخوش آمده

تنها شنیدن را وظیفهٔ خود پند اشته است، چیزے که بیشتر موجب مسرّت و ممنونیتم را تولید کرده است همانا مذاکرات آزادانه و مباحثات حقانه و گفتار بیغرضانهٔ شما اعضاے لویه جرگه بود که از ابتدا الی الآن خوب بحث نمودید و چیزے را که بدل داشتید بیباکانه اظهار و در اشیائیکه مطلب تان بود بسیار بحث کردید با اینهم در جرگه هاے آینده اگر شما نفری و شما وکلاء علما همینطور بدولت و ملّت خود صادق بودید و زنده ماندید که از خدا طول عمر شما را با سلامتیت و صداقت خواستارم و درین مجلس شامل شدید معلوم است که فکر هاے شما در انفرصت روشنتر و بحث هاے شما قوی تر خواهد بود، زیراکه قبل ازین اکثرے از شما از سیاسیات و اقتصادیات مملکت و ملت و حکومت خویش چنانچه شاید و باید واقف نبودید و هم حکومتهاے اسبق براے تان تأسیس اینچنین یک مجلس مذاکرات را نکرده بود حتّی شما را یک تحسین و آفرین نیز نداده بود، بنابرین لهذا گاه این مسئله که شما نسبت بدیگران اوّلاً درین جرگه حاضر و شامل شده اید و حقانه دران اظهار رأی نموده اید یک یک فرمان و یک یک نشان بطور یادگار لویه جرگهٔ ۱۳۰۳ براے هرکدام تان میدهیم اگر خدا بخواهد بعد ازین نو اساس ترقیات عالم اسلام، از افغانستان شروع شود البته اولادهاے شما باین فرمان و نشان فخر خواهند کرد که در اوّل جرگهٔ افغانستان

واساسس ترقیات جدید عالم اسلام پدر ما شامل بوده واین مشرف نامه را برای مفخرت ما گذاشته است وپیشتر ازانکه شما بگوئید خودم میگویم که من نیز بقدر طاقت خود درین جرگه برای روشن کردن افکار شما خدمت کرده ام، لهذا درین نشان هائی که فردا بسینه های صداقت دفینهٔ شما نصب خواهم کرد، خودم نیز یک نشان حق دارم.

لویه جرگه اعلیحضرتا! محض بغرض امتیاز نظر بدین زحمت وعرق ریزی ومراحم وشفقت همایونی که از ابتدا الی الآن بهمراه مامشت عاجزان مبذول فرموده اید جدًا آرزومندیم، تا این نشان عاجزانهٔ ما راکه مظهر احساسات ما و موجب خوشنودی عموم است یکراتبه بسینهٔ مبارک خود منصوب فرمائید.

رئیس صاحب شورای [محض بغرض تصفیهٔ کلام وتسکین خاطر راعی ورعیت این بحث را بدین الفاظ خاتمه داده گفت، ب، د]

اعلیحضرتا! چونکه درهمین ساعت بحضور شما توثیق عهد کردیم که امر اولوالامر خود را اطاعت میکنیم:- درباب هدایای فوق که نمونهٔ جذبات واظهار شوق ومحبّت ما ملت بذات اعلیحضرت بوده آنها را بحضور مبارک اولوالامر خود تقدیم کردیم آنچه راکه قبول کردند زهی عزت وشرف وآنچه را بهر مقصدی که باشد قبول نفرمودند ما درآنباب هیچ اصرار

وگفتار وتکرار کرده نمیتوانیم، بلکه مزید برین گفت وشنید نمودن آنرا قرین صواب ندیده آه نمیکشیم!

اعلیحضرت عزیزان من! ازین حسیات شما خیلی ممنون ومشکورم، لکن چنانچه معروض داشتم، هروقت که استحقاق پیدا کردم خودم میگویم که سزاوار فلان نشانم، مهربانی کرده بمن عطا کنید:

رئیس صاحب شورای اعلیحضرتا! اگر مسئلهٔ استحقاق باشد علاوه بر مستحق بودن ذات ملوکانه مراین اشیاء تحفه شدهٔ اهمیت عالیهٔ لویه جرگه را آنقدر حقوق ومراتب وعزت برما دارید که ما بشمردن زبانی آن قاصریم!

لویه جرگه نیز همین معانی معروضهٔ رئیس صاحب عمومی شورای دولت را بالفاظ دیگر وبعبارات رنگین تر بعرض رسانیدند!

اعلیحضرت عزیزانم! پیشتر گفتم اگرچه خلاف ادب وتعظیم است بیخودانه عرض میکنم که علاوه برین نمیخواهم درینخصوص مرا تکلیف دهید ویا چیزی بگوئید، من آرزوی بهبودی وترقیات شما راکه برای این خادم تان نشان حقیقی است دارم، درینوقت همین حسیات صادقانه وکلمات اخلاصمندانهٔ شما برای من نشان بلکه بالاتر ازان است، زیاده تکلیفم ندهید!

باقی همهٔ شمارا امروز رسماً وداع میکنم و از خدای خود امیدوارم که در آینده روشن کنندهٔ افکار عموم افغانستان و عالم اسلام، شما باشید و از افکار عالی شما عموم عالم اسلام علی الخصوص افغانستان ترقیات فوق العادهٔ راکه دران رضا و خوشنودی حضرت الٰهی باشد بدست بیاورد، غیر خوشنودی حضرت الٰهی دیگر چیزی را نمیخواهم، شمارا بخدا سپردیم تا بخیر و عافیت بخانه های خود بروید!

لویه جرگه: شمارا هم بخدا سپردیم، دشمنانت در هر دو جهان خوار و مضطرباً برب العباد! (غلغلهٔ دعاگوئیها)

[برای خاتمهٔ این روز بتقریب این وداع رسمی اگرچه تحریراً و تقریراً بسیار ادعیه و مقالات مدحیه قبلاً از طرف "لویه جرگه" تهیه و آماده شده بود فامّا بواسطهٔ عدم وجود وقت و موقع نتوانستند که از اول مجلس امروزه تا آخر بسمع حضار و گوش دقایق نیوش شهریار دیندار ما میرسانیدند تا اینکه ساعت مجلس پوره و ذات همایونی بکلمات فوق مجلس را خاتمه داد. ب، د]

گذارشات روز چهارشنبه (۸) اسد

درین روز که برای وداع خصوصی از طرف اعلیحضرت معظم غازی برای اعضای محترم لویه جرگه تخصیص شده بود، عموم شرکای لویه جرگه قرار تقسیم ولایات و حکومتهای اعلیٰ طوریکه مفصلاً در ملاقات خصوصی ابتدائی که در صحیفهٔ نمبر ۳۱ این کتاب قبلاً تشریح داده شده است، بحضور موفور السرور ملوکانه مشرف شده بعد از مذاکرات گفت و شنید معمولی و صرف چای و شیرینی و نصب شدن نشان یادگار لویه جرگه بارقیمهٔ که بامضای بیضای همایونی مزین شده بود و ذیلاً نقل آن تحریر میشود و اجراء مراسم مصافحه و معانقه با ذات شاهانه و اخذ تمثال رأفت مثال اعلیحضرت معظم غازی شان و بوسیدن دست حق پرست شهریاری با یک عالم حزن و ملال و دیدهٔ پرآب پریشان احوال هرکدام شان شهریار محبوب القلوب خودها را تودیع کنان بزبان حال این بیت را ترنم کنان مرخص میشدند

حیف در چشم زدن صحبت یار آخر شد
روی گل سیر ندیدیم و بهار آخر شد

(نقل فرامین نشان لویه جرگه)

.... خان .... که بمذاکرات محفل لویه جرگه دعوت و شمولیت داده شده بود چون نسبت بامورات استشاریهٔ دولت و ملّت ایجاباً ابحاث شایان و افکار خوبے را ابراز داده، بیک اسلوب منصفانه اقامهٔ دلائل مینمود، فلهذا بمناسبت (جرگهٔ) نخستین که درافغانستان انعقاد گردیده از حضور همایون ما به این نشان یادگار مکافات فرموده شد. (امضاے همایونی)

روز پنجشنبه (۹) اسد

درین روز عموم مدعوین محترم درصدد نهضت و در شرف حرکت بسوے مقامات مألوف و قرٰی و امصار معهود خود بوده بعضے در پغمان مینو نشان مانده عدهٔ قلیلے از آنها براے بعضے عرائض شخصی شان که بوزارات و مأموریتهاے مرکزی و حضور اعلیحضرت غازی متعلق بود همچنان در پغمان مقیم بودٔ

ذات جهانبانی و عموم وزرا و مأمورین برطبق همانٔ عدهٔ که در طی جرگه نسبت به شنیدن عرائض شخصی لویه جرگه فرموده بودند، درین یوم از فرط رعیّت پروری و ملّت دوستی اعلیحضرت غازی که رئیس شوراے دولت را براے انجام فوری عرائض شخصی این اعضاے گرامی «لویه جرگه» افغانی تاکید اکید فرموده بعموم وزرا و مأمورین درانروز مخص تسهیل کار و بانجام رسانیدن معروضات آن رعایاے صداقت شعار امر و احکام شمولیت شانرا با محرّرین دفاتر لازمه بریاست شوراے دولت فرموده بودند، از صبح تا شام در خود ریاست عمومی شوراے دولت بکارهاے آنها پرداختند، حتّی اینکه قبل از وقت حاضری عصر غور رسی و دادخواهی عارضین مزبور شده، قرار قواعد مقرّره ملازمین خودها را بوزارهٔ جلیلهٔ داخلیّه فرستاده وزارت موصوف، سفرخرج و پول کرایهٔ او شانرا بیک سررشتهٔ نهایت زیبا درجه خود آنها اعطا نموده جرگه باختتام رسید، علی الصّباح اشخاص باقیماندهٔ جرگه نیز بطرف اوطان خود مسرورانه حرکت کردند !

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگه ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسماء	صفت ممیزه	نمبر شمار	اسماء	صفت ممیزه
۱	اعلیحضرت معظم غازی امیر امان الله خان مدظله العالی	شهریار استقلال بخش افغانستان رئیس اول لویه جرگه	۱۲	جناب محمد نعیم خان	وکیل وزارة حربیه
			۱۳	جناب ابوالوکیل خان فرقه مشر	قوماندان قول اردو
			۱۴	جناب محمد اسحق خان	مستشار سفارت پاریس
۲	جناب عبد العزیز خان	رئیس تنظیمیه هرات وزیر داخلیه اسبق حال وکیل وزاره حربیه	۱۵	جناب عبد الحمید خان	معین وزارت داخلیه
			۱۶	جناب علی محمد خان	" " معارف
۳	جناب شیر احمد خان	وکیل وزارة خارجیه رئیس شورای دولت رئیس دوم لویه جرگه	۱۷	جناب شیخ [illegible]	" " عدلیه
			۱۸	جناب محمد عمر خان	نائب سالار
۴	جناب غلام محمد خان	وزیر داخلیه	۱۹	جناب عالی سردار محمد کبیر خان	مدیر [illegible]
۵	جناب سردار حیات الله خان	" عدلیه	۲۰	جناب میرزا غلام [illegible] خان	مستوفی ولایت کابل
۶	جناب میرزا میر محمد هاشم خان	" مالیه	۲۱	جناب [illegible]	لوامشر کتب حربیه
۷	جناب فیض محمد خان	" معارف	۲۲	جناب غلام حیدر خان	" [illegible]
۸	جناب میرزا محمد ایوب خان	وکیل وزارت تجارت	۲۳	جناب عبد الحمید خان	رئیس ارکان حربیه
۹	جناب محمد یعقوب خان	شاغاسی حضوری	۲۴	جناب محمد عمر خان	غندمشر دائره ارکان
۱۰	جناب محمود خان	یاور والی کابل	۲۵	جناب محمد جان خان	" " احتیاطی
۱۱	جناب عالی سردار عنایت الله خان	معین السلطنه سابق	۲۶	جناب میرزا غلام [illegible] خان	رئیس [illegible] مالیه

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگه ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه
۲۷	جناب محمد حسین خان	رئیس تدریسات معارف	۴۹	جناب عبد الحمید خان	کندکمشر احتیاطی حربیه
۲۸	جناب محمد حیدر خان	وزیر مختار	۵۰	جناب سید لال و علیشاه خان	" ترجمان "
۲۹	جناب عبد الرحمن خان	رئیس مرکه د پشتو	۵۱	جناب عبد الشکور خان	مدیر دول اسلامی خارجیه
۳۰	جناب محمد ادیب خان	" مکتب امانی والمانیه	۵۲	جناب حفیظ الله خان	" روس و ترکستان "
۳۱	جناب احمد شاه خان	" نمائشات عرفانی	۵۳	جناب باز محمد خان	" هند و اروپا "
۳۲	جناب گل احمد خان	" کوتوالی .	۵۴	جناب محمد عثمان خان	" تشریفات دار الترجمه "
۳۳	جناب میر محمد حسین خان	" ۲ شورای دولت	۵۵	جناب میرزا غلام محمد خان	" اوراق "
۳۴	جناب عبد الرحیم خان	" ۳ "	۵۶	جناب میرزا غلام رسول خان	" محاسبه "
۳۵	جناب پنین بیگ خان	لوامشر اعضای طبیه شوری	۵۷	جناب سردار محمد عمر خان	" مامورین داخلیه
۳۶	جناب سعد الدین خان	قوماندان کوتوالی	۵۸	جناب عزیز الله خان	" نفوس "
۳۷	جناب محمد یونس خان	رئیس بلدیه	۵۹	جناب عبد الجبار خان	مدیر پست و تیلفون و تلگراف "
۳۸	جناب میرزا محمد اکبر خان	سرکاتب حضور انور والا	۶۰	جناب محمد حسین خان	مدیر معابر "
۳۸	جناب حافظ نور محمد خان	" عالی وزرا	۶۱	جناب میرزا علیجان خان	" محاسبه "
۴۰	جناب میر علی احمد خان	مدیر مکتوب نویسی دائره شاغاسی	۶۲	جناب میرزا محمد سرور خان	" " عمومی مالیه
۴۱	جناب میر محمد هاشم خان	مدیر محاسبه " "	۶۳	جناب میرزا عبد الوهاب خان	" مامورین "
۴۲	جناب محمد کریم خان	کندکمشر مدیر شعبه ۲ ارکان حربیه	۶۴	جناب عبد الاحد خان	" تحریرات معارف
۴۳	جناب حسن بیگ خان	" ترجمان ترکی "	۶۵	جناب محمد اکرم خان	" مامورین "
۴۴	جناب عبد الغفار خان	" ارکان "	۶۶	جناب محمد عیسی خان	" تنظیمات "
۴۵	جناب امین الله خان	" " "	۶۷	جناب محمد اکبر خان	" مامورین عدلیه
۴۶	جناب امیر محمد خان	" رساله شاهی	۶۸	جناب توفیق بیگ خان	مدیر عمومی زراعت وزارت تجارت
۴۷	جناب میرزا محمد مهدی خان	" مدیر لوازمات حربیه	۶۹	جناب عبد البصیر خان	" مکتوب نویسی "
۴۸	جناب میر غلام محمد خان	" طبیه حربیه	۷۰	جناب میرزا عبد العزیز خان	" محاسبه "

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه	نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه
۷۱	جناب میرزا محمد سعید خان	منشی شورای دولت	۹۴	احمد راتب خان	کاتب دائرهٔ تحریرات حضور
۷۲	جناب میرزا محمد نوروز خان	مدیر تحریرات یاوری	۹۵	میرزا عبدالله خان	افغانی نویس 〃 〃
۷۳	جناب میرزا عبدالرحیم خان	مدیر مالیهٔ مرکزی ایالت کابل	۹۶	میرزا رجب علیخان	کاتب اول اوراق 〃 〃
۷۴	جناب میرزا محمود خان	〃 تحصیلی 〃 〃	۹۷	میرزا سید محمود خان مرحوم	〃 ۲ 〃 〃 〃 〃
۷۵	جناب میرزا محمد اکبر خان	〃 عین المال	۹۸	یار محمد خان	تولیمشر ۳ ارکان حربیه
۷۶	جناب میرزا محمد نوروز خان	〃 ضبط احوالات	۹۹	میر عبدالسلام خان	〃 ۲ 〃 〃
۷۷	جناب ملا عبدالرحمن خان	قاضی مرافعهٔ کابل	۱۰۰	حاجی حفیظ الله خان	〃 تحویلدار کتبخانهٔ عسکری
۷۸	جناب میرزا خیر محمد خان	مدیر نفوس ایالت 〃	۱۰۱	سید اکبر خان	〃 ۲ ارکان حربیه
۷۹	جناب میر محمد صدیق خان	〃 زراعت 〃 〃	۱۰۲	سید احمد خان	〃 ٤ 〃 〃
۸۰	جناب محمد حسین خان	〃 معارف 〃 〃	۱۰۳	ذکریا خان	〃 ۲ 〃 〃
۸۱	جناب میرزا محمد اسلم خان	〃 محاسبهٔ 〃 〃	۱۰٤	محمد علیخان	〃 ٤ 〃 〃
۸۲	مولوی برهان الدینخان	سرکاتب دائرهٔ سوانح نگاری حضور	۱۰۵	سلطان احمد خان	〃 احتیاطی 〃
۸۳	میرزا محمد سرور خان	مخفف نویس 〃	۱۰٦	محمد علی خان	〃 ۲ 〃
۸٤	میرزا رحمت الله خان	〃 〃 〃	۱۰۷	میرزا میر امام الدینخان	سرکاتب ۲ 〃
۸۵	میرزا عبدالسلام خان	〃 〃 〃	۱۰۸	میرزا رستم علیخان	〃 دائرهٔ محاکمات حربیه
۸٦	میرزا محمد اکبر خان مرحوم	〃 〃 〃	۱۰۹	میر غلام رؤف خان	〃 〃 شخصیهٔ 〃
۸۷	میرزا سلطان محمد خان	کاتب دائرهٔ سوانح نگاری حضور	۱۱۰	میرزا فضل احمد خان	〃 حربیه
۸۸	میرزا دلاور خان	〃 〃 〃 〃	۱۱۱	میرزا دوست محمد خان	〃 شعبهٔ ۲ شخصیهٔ حربیه
۸۹	میرزا میر عبدالله خان	سرکاتب دائرهٔ تحریرات شاغاسی	۱۱۲	میرزا غلام نبی خان	〃 حربیه
۹۰	میرزا میر عباس خان	〃 〃 محاسبه 〃	۱۱۳	میرزا غلام بهاء الدینخان	〃 〃
۹۱	سید محمد ایشان خان	سرکاتب مطبعهٔ دائرهٔ تحریرات حضور			
۹۲	میرزا سراج الدینخان	کاتب 〃 〃 〃	۱۱٤	میرزا محمد قاسم خان	〃 اوراق 〃
۹۳	میرزا محمد محسن خان	〃 〃 〃 〃	۱۱۵	میرزا عبدالله خان	〃 وزارت 〃

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه	نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه
۱۱٦	میرزا عبدالعلیخان	سرکاتب وزارهٔ حربیه	۱۳۲	میرزا عبدالغفور خان	سرکاتب ولایت کابل مالیه
۱۱۷	میرزا محمد یعقوبخان	معاون دول اسلامی خارجیه	۱۳۳	میرزا حمزالله خان	〃 〃 〃
۱۱۸	میرزا عبدالغفور خان	سرکاتب 〃 〃	۱۳٤	میرزا محمد سرور خان	〃 ولایت قندهار و هرات
۱۱۹	میرزا غلام احمد خان	معاون روس و ترکستان 〃	۱۳۵	میرزا سراج الدینخان	〃 〃 〃 〃
۱۲۰	میرزا عبدالصبور خان	سرکاتب 〃 〃	۱۳٦	میرزا محمد اکبر خان	سرکاتب ترکستان و قطغن
۱۲۱	میرزا سلطان احمد خان	معاون هند و اروپا 〃	۱۳۷	میرزا عبدالرحیم خان	〃 〃 〃
۱۲۲	میرزا عبدالهادیخان	〃 شفر و ترجمان 〃	۱۳۸	میرزا غلام نبی خان	〃 حکومتی های اعلی
۱۲۳	میرزا محمد جانخان	مأمور بقایای مالیه	۱۳۹	میرزا عزیز الله خان	〃 〃 〃
۱۲٤	میرزا میر سلام الدینخان	〃 وزارة 〃	۱٤۰	میرزا فیض الدینخان	〃 بقایای مالیه
۱۲۵	میرزا عبدالقیوم خان	〃 بودجه 〃	۱٤۱	دیوان حکم چند	〃 〃 〃
۱۲٦	میرزا عبدالله خان	〃 اوراق 〃	۱٤۲	میرزا غلام صدیق خان	〃 وزارة 〃
۱۲۷	حاجی میرزا محمد عمر خان	سرکاتب تصفیهٔ ماضیه 〃	۱٤۳	میرزا محمد حسن خان	〃 〃 〃
۱۲۸	حاجی میرزا محمد یعقوبخان	〃 〃 〃	۱٤٤	میرزا علی محمد خان	〃 بودجه 〃
۱۲۹	میرزا فخر الدینخان	〃 〃 〃 〃	۱٤۵	میرزا عبدالستار خان	〃 مأمورین 〃
۱۳۰	میرزا محمد نبی خان	〃 〃 〃 〃	۱٤٦	میرزا نور احمد خان	〃 مکتوب 〃
۱۳۱	میرزا محمد علم خان	〃 〃 〃 〃	۱٤۷	میرزا محمد قاسم خان	معاون مدیریت شفرهٔ خارجیه

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت مميزه	نمبر شمار	اسما	صفت مميزه
١٤٨	ميرزا عبد المجيد خان	معاون دار الترجمهٔ خارجیه	١٦٣	ميرزا عبد القادر خان	معاون محاسبهٔ ماليه
١٤٩	ميرزا عبد الرحمن خان	ترجمان 〃	١٦٤	ميرزا عبد اللطيف خان	مأمور ولايت كابل
١٥٠	ميرزا غلام احمد خان	سر كاتب شفر خارجيه	١٦٥	ميرزا فضل احمد خان	〃 قندهار و هرات
١٥١	ميرزا عبد الغفار خان	〃 مديريت اوراق 〃	١٦٦	ميرزا محمد اكبر خان	〃 تركستان
١٥٢	ميرزا نياز محمد خان	مأمور پست هر كابی وزارهٔ داخله	١٦٧	ميرزا حبيب الله خان	〃 حكومتيهای اعلی
١٥٣	ميرزا حبيب الله خان	سر كاتب تحريرات 〃	١٦٨	ميرزا محمد حسين خان	سر كاتب تصفيه محاسبهٔ ماليه
١٥٤	ميرزا عبد العليخان	〃 اوراق 〃	١٦٩	ميرزا محمد اكبر خان	〃 〃 〃 〃
١٥٥	ميرزا قطب الدينخان	〃 مأمورين 〃	١٧٠	ميرزا فضل احمد خان	〃 〃 〃 〃
١٥٦	ميرزا نور الدينخان	〃 نفوس 〃	١٧١	ميرزا پير محمد خان	〃 〃 〃 〃
١٥٧	ميرزا حسين عليخان	〃 تيلفون 〃	١٧٢	ميرزا سيد محسن خان	〃 〃 〃 〃
١٥٨	ميرزا غلام نبی خان	〃 پست 〃	١٧٣	ميرزا محمد يسين خان	〃 〃 〃 〃
١٥٩	ميرزا عنايت الله خان	〃 محاسبهٔ 〃	١٧٤	ميرزا عبد الله خان	〃 〃 〃 〃
١٦٠	ميرزا محمد حليم خان	〃 معابر 〃	١٧٥	ميرزا احمد جان خان	〃 〃 〃 〃
١٦١	ميرزا محمد يسين خان	مأمور فنيهٔ 〃	١٧٦	ميرزا دين محمد خان	〃 〃 〃 〃
١٦٢	ميرزا سيد جعفر خان	سر كاتب برقی 〃	١٧٧	ميرزا محمد يوسف خان	〃 〃 〃 〃

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت مميزه	نمبر شمار	اسما	صفت مميزه
١٧٨	ميرزا امين الله خان	سر كاتب تصفيهٔ محاسبهٔ ماليه	١٩٤	ميرزا محمد امان خان	سر كاتب رياست سنجش ماليه
١٧٩	ميرزا غلام محمد خان	〃 〃 〃 〃	١٩٥	ميرزا حضرت شاه خان	〃 〃 〃 〃
١٨٠	ميرزا محمد علم خان	〃 〃 〃 〃	١٩٦	ميرزا غلام محمد خان	〃 〃 〃 〃
١٨١	ميرزا محمد هاشم خان	〃 〃 〃 〃	١٩٧	عبد الحكيم خان	مفتش وزارهٔ معارف
١٨٢	ميرزا محمد طاهر خان	〃 〃 〃 〃	١٩٨	ميرزا عبد الواحد خان	سر كاتب تنظيمات 〃
١٨٣	ميرزا قادر داد خان	〃 〃 〃 〃	١٩٩	ميرزا عبد اللطيف خان	〃 تدريسات 〃
١٨٤	ميرزا عبد الحميد خان	〃 〃 〃 〃	٢٠٠	ميرزا عبد الله خان	〃 اوراق 〃
١٨٥	ديوان گشن سنگهه	〃 〃 〃 〃	٢٠١	ميرزا عبد الكريم خان	〃 محاسبه 〃
١٨٦	ديوان لچمن داس	〃 〃 〃 〃	٢٠٢	عطا محمد خان	عضو اول محفل تميز عدليه
١٨٧	ميرزا محمد حسين خان	مأمور رياست سنجش 〃	٢٠٣	ميرزا محمد عمر خان	سر كاتب محاسبهٔ 〃
١٨٨	ميرزا عبد الحميد خان	〃 〃 〃 〃	٢٠٤	ميرزا نظر محمد خان	〃 محكمهٔ تميز 〃
١٨٩	ميرزا سيد حسين خان	〃 〃 〃 〃	٢٠٥	ميرزا احمد مير خان	〃 مكتوب 〃
١٩٠	ميرزا محمد هاشم خان	سر كاتب 〃 〃 〃	٢٠٦	ميرزا عبد الغفور خان	〃 مأمورين 〃
١٩١	ميرزا سيد قاسم خان	〃 〃 〃 〃	٢٠٧	ميرزا احمد عليخان	〃 پساپورت 〃
١٩٢	ميرزا محمد عثمان خان	〃 〃 〃 〃	٢٠٨	ميرزا عبد الخالق خان	〃 اوراق 〃
١٩٣	ميرزا محمد صديق خان	مأمور 〃 〃 〃	٢٠٩	ميرزا احمد عليخان	〃 〃 تجارت

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه
٢١٠	میرزا خان محمد خان	سرکاتب معدنیات تجارت	٢٢١	میرزا میر یوسف علیخان	سرکاتب محکمهٔ مرافعهٔ شورى
٢١١	میرزا سید اکبر خان	« مأمورین «	٢٢٢	میرزا سید محبوبخان	« « ابتدائیهٔ شورى
٢١٢	دیوان شنکر داس	« زراعت «	٢٢٣	میرزا سید محمد حسین خان	مأمور محاسبهٔ طبیه
٢١٣	حافظ عبد الغفار خان	عضو شورای دولت	٢٢٤	میرزا محمد حسین خان	سرکاتب «
٢١٤	محمد سرور خان	« « «	٢٢٥	عبد الرسول خان	معاون مدیر معارف ولایت کابل
٢١٥	محمد علیخان	« « «	٢٢٦	محمد اکبر خان	قاضی سابق ابتدائیه « «
٢١٦	محمد یوسف خان	وکیل ترکستان عضو منتخبه شورى	٢٢٧	میرزا عبد الخالق خان	سرکاتب ضبط احوالات «
٢١٧	یماق خان	« میمنه « « «	٢٢٨	میرزا محمد کریم خان	« « « «
٢١٨	سید جلال خان	« قطغن و بدخشان « «	٢٢٩	میرزا محمد علیخان	کاتب شورای دولت
٢١٩	محمد اصیل خان	« سمت جنوبی « « «	٢٣٠	میرزا شیر احمد خان	« « «
٢٢٠	میرزا عبد الله خان	سرکاتب تحریرات شورى	٢٣١	میرزا ملک جی خان	سرکاتب تصفیهٔ قضیهٔ مالیه

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت کابل

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٢٣٢	شهنواز خان	خان	قلعهٔ مراد بیگ	٢٤٥	محمد حسین خان	خان	تلنگ
٢٣٣	محمد یوسف خان ولد جلندر خان	«	تتمدرهٔ چهاریکار	٢٤٦	خان محمد خان	«	چارکه میدان
٢٣٤	میر اکبر خان ولد محمد یوسف خان	«	سرخ و پارسا	٢٤٧	فیض محمد خان	«	صدمرده
٢٣٥	میر افضل خان	«	استالف	٢٤٨	سکندر خان	«	نرخ عمرخیل
٢٣٦	کاظم خان	«	ترکمان پارسا	٢٤٩	محمد ایوبخان	«	تکانه
٢٣٧	سید محمد خان ولد میربچه خان	«	کوهدامن	٢٥٠	سید زین العابدین خان	سید	غوربند
٢٣٨	پیر محمد خان	«	تگاب	٢٥١	محمد جان خان	خان	«
٢٣٩	میر گلخان کوچی	«	قره باغ	٢٥٢	محمد ایوبخان	«	«
٢٤٠	حسین علیخان	«	مالستان غزنی	٢٥٣	محمد قاسم خان	«	«
٢٤١	حاجی باز محمد خان	«	سراب «	٢٥٤	غلام قادر خان	«	«
٢٤٢	میرآخور احمد علیخان	«	واعظ اندری	٢٥٥	محمد اعظم خان	«	«
٢٤٣	محمد افضل خان	«	قیاق	٢٥٦	فیض محمد خان	«	برکی راجان
٢٤٤	ابراهیم خان	«	قوچ	٢٥٧	میرزا غلام حسن خان	«	چرخ

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۲۵۸	میرزا ملک جی خان	کارتیب تصفیه ماضیهٔ مالیه	کابل	۲۷۳	شجاع خان	وکیل	.
۲۵۹	سید شاه خان	〃	لهوگرد	۲۷۴	غوث الدینخان	〃	.
۲۶۰	آخندزاده عبدالحق خان	〃		۲۷۵	غلام علی خان	〃	.
۲۶۱	سید عبدالصمد خان	〃	سمت شمالی	۲۷۶	محمد رفیق خان	〃	پغمان
۲۶۲	رضا بخش خان	〃	بهسود	۲۷۷	محمد عمر خان ولد دوست محمد خان	〃	موسهی لهوگرد
۲۶۳	جلال الدینخان	وکیل	محمد آغه	۲۷۸	اختر محمد خان	〃	مقر
۲۶۴	شهاب الدینخان	〃	〃	۲۷۹	محمد سمیع خان ولد محمد رحیم خان	〃	〃
۲۶۵	میرزا عباس خان	〃	بهار نورک	۲۸۰	احمد علیخان ولد محمد الله خان	〃	بامیان
۲۶۶	ملک عبدالله خان	〃	کتواز	۲۸۱	خوشدل خان	〃	قره باغ
۲۶۷	سنگی عوض فتح محمد خان	〃	〃	۲۸۲	محمد حسن خان ولد پیر محمد خان	〃	غزنی
۲۶۸	عبدالکریم خان	〃	لهوگرد	۲۸۳	بادل خان ولد محمد سلام	〃	سیغان کهمرد
۲۶۹	میرزا آقاجان خان	〃	〃	۲۸۴	صاحبخان ولد محمد رحیم	〃	وردک
۲۷۰	عبدالقادر خان	〃	〃	۲۸۵	میرزا عبدالحمید خان	〃	غزنی
۲۷۱	نور محمد خان	〃	〃	۲۸۶	ملا محمد جان ولد امیر محمد خان	〃	خواجه احمد
۲۷۲	جلال الدینخان	〃	〃	۲۸۷	نهان محمد خان	〃	قلعهٔ عبدالاحد خان

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۲۸۸	جانعلیخان ولد حاجی محمد خان	وکیل	گلرک	۳۰۳	محمد جانخان ولد شاه پسند خان	وکیل	میدان
۲۸۹	میرزا محمد سرور خان	〃	نجراب	۳۰۴	خواجه میر محمد علم خان	〃	سرای خواجه
۲۹۰	محمد صدیق خان ولد محمد یعقوب خان	〃	تگاب	۳۰۵	سلطان محمد خان	〃	بامیان
۲۹۱	شهاب الدینخان	〃	پریان پنجشیر	۳۰۶	سید قاسم خان ولد سید امیر خان	〃	کابل
۲۹۲	فیاض خان	〃	〃	۳۰۷	میر آقا خان	〃	چهار آسیاب
۲۹۳	مهر علیخان	〃	شکردره	۳۰۸	نظر محمد خان	〃	قلعهٔ قاضی
۲۹۴	عبدالغفور خان ولد غلام رسول خان	〃	ریزه کوهستان	۳۰۹	محمد حسن خان	〃	تره خیل ده سبز
۲۹۵	پادشاه گلخان	〃	فرزه	۳۱۰	عبدالستار خان	〃	بتخاک
۲۹۶	محمد شریف خان	〃	استرغچ	۳۱۱	عین الدینخان	〃	چهار آسیاب
۲۹۷	محمد زمانخان	〃	جبل السراج	۳۱۲	محمد شریف خان	〃	پغمان
۲۹۸	محمد شرف الدینخان	〃	سنجن درنامه	۳۱۳	میر محمد خان ولد امیر محمد خان	〃	ارغنده
۲۹۹	محمد اسحق خان	〃	بوغران	۳۱۴	شهنواز خان	〃	پغمان
۳۰۰	محمد سرور خان	〃	جاغوری	۳۱۵	خواجه جلال الدینخان	〃	گلدره
۳۰۱	میر حمزه خان ولد جمال الدینخان	〃	میدان	۳۱۶	مولاداد خان	〃	
۳۰۲	محمد ایوبخان	〃	کوت غزو	۳۱۷	محمد حکیمخان ولد محمد اشرف خان	〃	ترکمان و پارسا

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگه ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۳۱۸	حاجی گل آخندزاده	شیخ	مقر	۳۳۳	حاجی محمد رسول خان	عالم	لهوگرد
۳۱۹	سید محمد عثمان خان	سیادت	کابل	۳۳۴	ملا سربلند خان آخندزاده	〃	غزنین
۳۲۰	سید انبیا خان	〃	سه آب کوهدامن	۳۳۵	مولوی عبدالغنی خان	〃	قلعهٔ بلند چهاریکار
۳۲۱	میر محمد حسین خان	〃	لهوگرد	۳۳۶	مولوی عبدالحی خان	〃	رخهٔ پنجشیر
۳۲۲	میر محمد اسمعیل خان ولد سید جعفر خان	〃	بهسود	۳۳۷	مولوی محمد رفیق خان	〃	جمال آغه
۳۲۳	سید اکبرشاه خان ولد سید حسین خان	〃	دایزنگی	۳۳۸	ملا سید محمد جان خان	〃	تگاب
۳۲۴	سید علیخان ولد سید رضا خان	〃	علی آباد غزنین	۳۳۹	ملا عبدالستار خان	〃	کهمرد
۳۲۵	سید کریم خان	〃	کاریز میر	۳۴۰	ملا محمد نعیم خان	〃	کابل
۳۲۶	سید امیر خان ولد سید عبدالله خان	〃	اوپیان	۳۴۱	ملا احمد نور خان ولد ملا احمد جان	〃	لهوگرد
۳۲۷	آقا میر خان ولد محمد سعید خان	〃	روضهٔ غزنی	۳۴۲	عید محمد خان برادر باز محمد خان	خوانین	الوخیل
۳۲۸	میر محمد عسکر خان	〃	بامیان	۳۴۳	محمد ابراهیم خان ولد تیمور شاه	〃	لهوگرد
۳۲۹	میرزا میر حسین خان	〃	یک اولنگ دایزنگی	۳۴۴	برات خان ولد سعادتخان	〃	〃
۳۳۰	میر ویس الدینخان ولد سید احمد شاه	〃	کابل	۳۴۵	بهرام خان ولد کهندل خان	〃	〃
۳۳۱	جناب آخندزاده صاحب تگاب	شیخ	تگاب	۳۴۶	محمد رفیق خان ولد عبدالحکیم خان	〃	〃
۳۳۲	ملا صوفی خان ولد ملا محمد نور خان	عالم	چند لبائی پغمان	۳۴۷	حاجی محمد افضل خان ولد پاینده محمد	〃	〃

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگه ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۳۴۸	محمد صادق خان ولد میر سلیمان بیگ	خوانین	دایزنگی	۳۶۳	محمد اسمعیل خان ولد نامدار خان	خوانین	مقر
۳۴۹	میر محمد علی بیگ	〃	〃	۳۶۴	عبدالغفار خان ولد عبدالطاهر خان	〃	〃
۳۵۰	میرزا محمد حسین خان	〃	دایکندی	۳۶۵	محمد علیخان ولد نائب سالار مرحوم	〃	اندری
۳۵۱	محمد حسن بیگ ولد محمد حسین بیگ	〃	دایزنگی	۳۶۶	محمد اسمعیل خان ولد عبدالعزیز خان	شیخ	شلگر
۳۵۲	میر غلام حسن بیگ ولد میر محمد حیدر خان	〃	〃	۳۶۷	غلام حیدر خان	〃	لکن خیل
۳۵۳	میر غلام حسن بیگ ولد قمبر بیگ خان	〃	یک اولنگ	۳۶۸	خدایداد خان	〃	قلعهٔ بالی بابای اندری
۳۵۴	اکبر شاه خان ولد میرزا حسین خان	〃	یک اولنگ	۳۶۹	عبدالستار خان ولد غلام صدیق خان	〃	رفقانی
۳۵۵	غلام حیدر خان برادر محمد اکرم خان	〃	〃	۳۷۰	دین محمد خان ولد سلطان محمد خان	〃	قلعهٔ علی اندری
۳۵۶	میر کرم علی بیگ	〃	هزاره	۳۷۱	احمد جان خان ولد وکیل مرحوم	〃	کهمرد
۳۵۷	کلبی رضا بیگ ولد یعقوب علی	〃	یک اولنگ	۳۷۲	سید محمد حسن خان	سیادت	بامیان
۳۵۸	محمد حسین خان کربلائی	〃	سرجنگل	۳۷۳	محمد محسن خان ولد سردار شیر علیخان	خوانین	جاغوری
۳۵۹	عبدالرشید خان ولد محمد حسین خان	〃	دایزنگی	۳۷۴	عبدالله خان ولد باز محمد خان	〃	〃
۳۶۰	عبدالحکیم خان ولد حاجی عبدالله خان	〃	ناوهٔ غزنین	۳۷۵	میرزا نور محمد خان	〃	ناور
۳۶۱	محمد علم خان ولد امین الله خان	〃	مقر	۳۷۶	ملک محمد عمر خان ولد محمد اکرم خان	〃	کتواز
۳۶۲	عبدالقادر خان ولد عبدالرزق خان	〃	گنده آب	۳۷۷	ملا ملنگ آخندزاده ناصری	〃	حاجی بیک بسمت تیمانی

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۳۷۸	مولوی فضل الدین خان ولد ملا محمد هاشم خان	خوانین	خم زرگر سمت شمالی	۳۹۳	محمد صادق خان ولد نجفعلیخان	خوانین	قلعهٔ نو غزنی
۳۷۹	میر حیدر خان ولد طوطی خان	″	وردک	۳۹۴	احمد علیخان ولد ولی محمد خان	″	ننجراب
۳۸۰	محمد کریم خان ولد محمد شاه خان	″	″	۳۹۵	محمد پردل خان ولد درویش خان	″	پنجشیر
۳۸۱	عبد الغیاث خان ولد محمد عثمان خان	″	″	۳۹۶	جانباز خان	″	تگاب
۳۸۲	میرزا عبد العزیز خان ولد علی محمد خان	″	جغتو سمت شمالی	۳۹۷	شیر جان خان ولد خواجه جان خان	″	چهاریکار
۳۸۳	محمد سرور خان ولد غلام حیدر خان	″	″ ″	۳۹۸	محمد امین خان	″	ترکمان و پارسا
۳۸۴	زرین خان ولد پیر گل خان	″	″ ″	۳۹۹	خیر الله خان ولد اسد الله خان	″	″
۳۸۵	محمد حسن خان ولد سردار خان	″	″ ″	٤۰۰	محمد کریم خان ولد محمد علم خان	″	قلعهٔ مراد بیگ
۳۸۶	عزیز خان ولد حبیب الله خان	″	″ ″	٤۰۱	عبد العلیخان	″	ترکمان و پارسا
۳۸۷	غلام محی الدین خان ولد رسولداد خان	″	″ ″	٤۰۲	حاجی یار محمد خان ولد میر محمد خان	″	پنجشیر
۳۸۸	جمعه خان ولد ملک عبد العزیز خان	″	وردک	٤۰۳	جنگو خان	″	چهاریکار
۳۸۹	ملک طوطا خان ولد میر احمد خان	″	ولنگ غزنی	٤۰٤	فقیر محمد خان	″	کوهستان
۳۹۰	میرزا فتح محمد خان برادر عبد الرشید خان	″	″	٤۰۵	عبد الوهاب خان	″	ریزه کوهستان
۳۹۱	ملک امیر محمد خان ولد گل محمد خان	″	خوگانی ″	٤۰٦	فتح محمد خان ولد لنگر خان	″	پنجشیر
۳۹۲	محمد رضا خان ولد ملا کامران	″	قلعهٔ شهر اندری	٤۰۷	میر بابه صاحب خان	″	چاریکار

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٤۰۸	محمد اسلم خان ولد جلندر خان	خوانین	تتمدره	٤۱۹	ارباب فقیر علیخان ولد کلبی خان	خوانین	دایزنگی
٤۰۹	عبد الله خان	″	ترکمان	٤۲۰	سید محسن خان ولد میر اکبر خان	″	″
٤۱۰	ملک رستم خان ولد عبد الرحمن خان	″	دکو	٤۲۱	حاجی محمد خان	وکیل	ده دانا
٤۱۱	محمد ایوب خان	″	شکردره	٤۲۲	غلام حضرت خان ولد قاضی سید حسین خان	″	سمت شمالی
٤۱۲	محمد اسمعیل خان	″	گلدره	٤۲۳	ملا صاحب کاکر	″	قره باغ ″
٤۱۳	عبد العزیز خان	″	لکن خیل	٤۲٤	محمد یعقوب خان	وکیل	لهوگرد
٤۱٤	محمد علیخان	″	خواجه عمری	٤۲۵	نور المشائخ	شیخ	کابل
٤۱۵	اختر محمد خان	وکیل منتخب	مقر	٤۲٦	شمس المشائخ	″	″
٤۱٦	محمد علم خان ولد محمد گل خان خروتی	خوانین	قره باغ غزنین	٤۲۷	جان محمد خان	وکیل	غزنین
٤۱۷	شاه محمد حسین خان	سیادت	بهسود	٤۲۸	ملک نظر محمد خان ولد غلام احمد خان	″	قلعهٔ قاضی
٤۱۸	حاجی غلام حیدر خان ولد غلام نبی خان	وکیل	گذر بابای خودی				

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت هرات

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۴۲۹	میر عطا محمد خان	سیادت	مرکز هرات	۴۴۲	ملا محمد صدیق خان	شیخ	زیارتگاه هرات
۴۳۰	سید حکیم خواجه خان	〃	اسفراز	۴۴۳	محمد امین خان ولد شیخ عبد الحبیب خان	〃	مرکز هرات
۴۳۱	میر محمد صدیق خان ولد سید محمد وحشی آقا	〃	سیاوشان	۴۴۴	ملا عبد الباقی خان ولد ملا دلدار خان	〃	〃 〃
۴۳۲	میر سید اعظم شاه خان ولد میر عبد العظیم خان	〃	غور	۴۴۵	ملا صلاح الدین خان ولد ملا حبیب الله خان	〃	〃 〃
۴۳۳	میر عثمان خان	〃	دیو بالی	۴۴۶	درویش احمد خان ولد حاجی عبد الرحمن خان	〃	〃 〃
۴۳۴	میر عبد الله خان	〃	نوین	۴۴۷	عبد الرؤف خان ولد ولی الله خان	〃	سیاچه
۴۳۵	میر غلام نبی خان متولی گازرگاه	〃	گازرگاه	۴۴۸	آخندزاده عبد الرحیم خان ولد ملا محمد عظیم خان	〃	خسرو
۴۳۶	میر عبد الله خان آقا	〃	〃	۴۴۹	خواجه میر امام الدین خان ولد میر ضیاء الدین خان خواجه	〃	محلهٔ بابه جی
۴۳۷	میر محمد شریف خان آقا	〃	〃	۴۵۰	خواجه اشرف الدین خان ولد حاجی خواجه احمد خان	〃	مرکز هرات
۴۳۸	میر محمد عمر خان ولد ملا داود شاه خان	〃	دلوشان	۴۵۱	خواجه نجم الدین خان	〃	〃
۴۳۹	سید غلام محی الدین خان ولد سید نجیب خان	〃	مرکز هرات	۴۵۲	عبد القدوس خان ولد عبد الکریم خان	〃	〃
۴۴۰	میرزا محمد عثمان خان ولد میرزا محمد عمر خان	〃	〃	۴۵۳	فضل محمد خان ولد عبد الوهاب خان	〃	〃
۴۴۱	حاجی میر اسحق خان ولد حاجی میر اسمعیل خان	〃	〃	۴۵۴	محمد یوسف خان ولد سردار محمد اسلم خان	خوانین	غریان

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۴۵۵	دین محمد خان ولد حاجی محمد خان	خوانین	شافلان	۴۷۰	ملا عبد الکریم خان ولد ملا دوست محمد خان	وکیل	قلعهٔ غوریان
۴۵۶	محمد علم خان ولد صمد خان	〃	سبزوار	۴۷۱	ملا مرتضی خان ولد ملا مصطفی خان	〃	انار دره
۴۵۷	حاجی محمد امان خان ولد ابوبکر خان	〃	انا آباد	۴۷۲	دوست محمد خان ولد عطا محمد خان	〃	هرچمن غور
۴۵۸	محمد عثمان خان ولد حاجی محمد عمر خان	〃	بالا مرغاب	۴۷۳	سعید محمد خان ولد یار محمد خان	〃	بلوک کجران
۴۵۹	محمد حسن خان	〃	〃	۴۷۴	محمد ابراهیم خان ولد گلاب خان	〃	فرارود
۴۶۰	محمد اکبر خان ولد عبد الله خان	〃	قلعهٔ نو	۴۷۵	عبد الواحد خان ولد محمد یوسف خان	علما	شهر
۴۶۱	عزیز محمد خان	〃	〃	۴۷۶	حاجی ملا محمد حیدر خان	خوانین	.
۴۶۲	سردار محمد اعظم خان ولد سردار محمد خان	〃	اورسکن	۴۷۷	عبد العزیز خان	〃	فیروزکوهی
۴۶۳	شهنواز خان ولد خواجه محمد خان	〃	کروچه	۴۷۸	محمد عثمان خان	〃	شهر
۴۶۴	فاضل خان	〃	چخچران	۴۷۹	ملا عبد الله خان	〃	.
۴۶۵	عجب خان ولد ملا بدل خان	وکیل	غوریان	۴۸۰	عصمت الله خان ولد دین محمد خان	〃	اوبه
۴۶۶	میر محمد محسن خان ولد سید بشیر خان	〃	چخچران	۴۸۱	خلیفه سید ابراهیم خان ولد سید خواجه	〃	قلعهٔ نو
۴۶۷	غنیمت خان	〃	فرسبیل	۴۸۲	عبد الله خان	〃	تاوش
۴۶۸	ملا عبد الستار خان ولد محمد رسول خان	〃	جوند	۴۸۳	امیر محمد خان ولد ملا محمد فاروق خان	〃	شهر
۴۶۹	ملا عبد الحمید خان ولد ملا غفور خان	〃	شهرک	۴۸۴	میر محمد عثمان خان	〃	〃

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۴۸۵	محمد امین خان ولد محمد عمر خان	خوانین	اسفزار	۵۰۰	عبدالرحمن خان ولد سرفراز خان	وکیل	عریان
۴۸۶	محمد نبی خان ولد حاجی ذوالفقار خان	〃	کرخ	۵۰۱	محمد ابراهیم خان	〃	کمراق
۴۸۷	دین محمد خان ولد ولی محمد خان	〃	سیاوشان	۵۰۲	خدای نظر خان ولد سید مراد خان	〃	تلک
۴۸۸	محمد اکبر خان ولد محمد حسین خان	〃	محلهٔ صفحه	۵۰۳	سکندر خان ولد نصرالله خان	〃	اوبی
۴۸۹	عبدالله خان فیروزکوهی	〃	قاوس	۵۰۴	شیرعلی خان ولد ابوبکر خان	〃	سیاوشان
۴۹۰	پاینده محمد خان غلجائی ولد عصمت الله خان	〃	اوبه	۵۰۵	محمد نعیم خان ولد ملا سلطان	〃	مرغاب
۴۹۱	ملا عطا محمد خان ولد عبدالمجید خان	وکیل	کرخ	۵۰۶	میر تهجوی ولد بابائی	〃	بلده
۴۹۲	محمد هسیم خان	〃	کجران	۵۰۷	غلام نبی خان	〃	السان
۴۹۳	آدم خان ولد جمعه خان	〃	ادوان تیزان	۵۰۸	خواجه ظهیرالدین خان ولد خواجه زنده پیل	〃	خیابان
۴۹۴	دولت خان ولد ابوبکر	〃	تولک	۵۰۹	حاجی قربانعلی خان	〃	
۴۹۵	محمد خان ولد دوست محمد خان	〃	کنج	۵۱۰	عبدالغفور خان	〃	قلعهٔ نو
۴۹۶	عبدالله خان ولد عطا محمد خان	وکیل منتخبه	شافلان	۵۱۱	میر محمد هاشم خان ولد محمد عثمان خان	〃	اسفزار
۴۹۷	مهردخان ولد قاسم بای	وکیل	کهسان	۵۱۲	محمد اسمعیل خان ولد ابراهیم بیگ	〃	قادس
۴۹۸	ملا محمد حیدر خان	〃	بلوک النجان	۵۱۳	فضل احمد خان ولد جناب حضرت صاحب	مشائخ	انار دره
۴۹۹	محمد اسمعیل خان ولد ازباصمد خان	〃	گجران	۵۱۴	غوث محمد خان ولد صاحبزاده	〃	غوریان

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۵۱۵	میرزا محمد حیدر خان ولد میرزا محمد عمر خان	مشائخ	کرخ	۵۲۴	محمد رستم خان ولد محمد عظیم خان	خوانین	شافلان
۵۱۶	میر عبدالصمد خان	〃	〃	۵۲۵	دوست محمد خان ولد محمد خان	〃	تولک
۵۱۷	ملا عبدالله خان سلجوقی ولد قاضی ملا احمد خان	علما	مرکز هرات	۵۲۶	عبدالباقی خان ولد مصطفی خان	〃	اسفزار
۵۱۸	ملا عبدالله خان واعظ ولد ملا یحیی خان	〃	گازرگاه	۵۲۷	محمد خان ولد ارجان	〃	غور
۵۱۹	عبدالرحمن خان	〃	مرکز هرات	۵۲۸	حاجی محمد عثمان خان ولد عبدالله خان	〃	کوات
۵۲۰	عطاءالله خان	〃	غریان هرات	۵۲۹	دوست محمد خان ولد عطا محمد خان	〃	غوریان
۵۲۱	جنیدالله خان ولد محمد خان	مشائخ	اسفزار	۵۳۰	محمد رفیق خان ولد محمد سرور خان	〃	اوبه
۵۲۲	محمد یاور خان ولد فیض محمد خان	خوانین	باغ دشت	۵۳۱	انبیا خان ولد میر عطا خان جرنیل	〃	〃
۵۲۳	امیر محمد خان ولد سردار خان	〃	چار برجک	۵۳۲	محمد ایوب خان ولد شهنواز خان	〃	غلجائی اوبه

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت قطغن و بدخشان

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٥٣٣	مولوی عبدالرؤف خان	عالم	نهرین	٥٤٦	ملا محمد ابراهیم خان	عالم	بغلان
٥٣٤	ده ملا محمد حسین خان	″	غوری	٥٤٧	ایشان سید امرار خان	سید	تالقان
٥٣٥	حاجی محمد نظر خان	شیخ	قندوز	٥٤٨	ایشان منصور خان	″	″
٥٣٦	ملا سید اسحق خان	سیادت	خوست و فرنگ	٥٤٩	میر هاشم خان ولد میر سلطان فدا خان	خان	فرخار
٥٣٧	ملا گل محمد خان خطیب	عالم	حضرت امام صاحب	٥٥٠	میر قربان خان	″	″
٥٣٨	ملا گل دست خان	″	خان آباد	٥٥١	میر اکبر خان ولد میر بهادر خان	سید	اندراب
٥٣٩	قاری عبدالرشید خان	شیخ	برکه تیمز	٥٥٢	میر سید احمد خان	″	اشکمش
٥٤٠	سید حسن خان	سیادت	جنگل باشی	٥٥٣	ملا محمد عیسی خان	وکیل	خان آباد
٥٤١	سید محمود پادشا	″	چهارده قندز	٥٥٤	نائب محمد مراد خان	″	اندراب
٥٤٢	سید عطا خان	″	خان آباد	٥٥٥	داستان بیگ خان	″	ایل آباد قندوز
٥٤٣	سید گوهر خان	″	انداب	٥٥٦	شیر محمد خان منگباشی	″	غوری
٥٤٤	ایشان عبدالقیوم خان	″	بغلان	٥٥٧	حاجی منگلخان	″	تالقان
٥٤٥	خواجه کلان		غوری	٥٥٨	ملا محمد حسین خان ولد محمد عطا خان	″	کشم

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٥٥٩	ملا غنیمت خان	وکیل	راغ	٥٧٤	الف بیگ خان	خان	شغنان
٥٦٠	میر امان الدین خان ولد میر عزیز خواجه	سیادت	رستاق	٥٧٥	قاضی اجارت شاه خان	وکیل	فیض آباد
٥٦١	سلطان العلی خان ولد قاسم علی خان	وکیل	زیباک	٥٧٦	محمد ضیا خان	″	رستاق
٥٦٢	محمد نظیف خان	″	انجمن	٥٧٧	بابه کلان	″	جرم
٥٦٣	محمد سعید خان	خان	فیض آباد	٥٧٨	عبدالرسول خان ولد محمد کریم خان	عالم	درواز
٥٦٤	محمد شریف خان ولد محمد علی خان	وکیل	شهر بزرگ	٥٧٩	ملا شیخ محمد خان	″	واخان
٥٦٥	غلام دستگیر خان	″	کشم	٥٨٠	ملا شیر جان خان ولد ملا عاشور	وکیل	
٥٦٦	محمد نظیر خان	خان	فیض آباد	٥٨١	شاه میر حسین خان	عالم	شغنان
٥٦٧	فیض الله خان	″	چاه آب	٥٨٢	ملا اسکندر خان	″	″
٥٦٨	نائب غلام بیگ خان	″	رستاق	٥٨٣	عبدالله خان ولد فیض الله خان	خان	چاه آب
٥٦٩	محمد سعید خان	″	جرم	٥٨٤	ملا محمد اسمعیل خان	وکیل	ینگی قلعه
٥٧٠	قیچقار خان	″	″	٥٨٥	میرزا کلان جان	″	کیله گی
٥٧١	عبدالرحمن خان	″	کشم	٥٨٦	ارباب محمد کریم خان	″	غوری
٥٧٢	محمد شریف خان ولد محمد صالح خان	″	شهر بزرگ	٥٨٧	صفر محمد خان	″	″
٥٧٣	میر سربلند خان	″	واخان	٥٨٨	سید بدرالدین خان	سید	اندراب

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۵۸۹	ملا محمد امیر خان	سید	قندوز	۵۹۹	قربان خان	وکیل	حضرت امام صاحب
۵۹۰	محمد نسیم خان منگباشی	وکیل	خان آباد	۶۰۰	ملا محمد کریم خان	〃	قندوز
۵۹۱	محمد افضل خان	〃	چال	۶۰۱	ایشان شاه سعید خان	〃	خوست فرنگ
۵۹۲	ملا علیخان	〃	حضرت امام صاحب	۶۰۲	محمد شریف خان	〃	چال
۵۹۳	میرزا اصغر محمد خان	〃	نهرین	۶۰۳	ایشان دیوانه خان	〃	فرخار
۵۹۴	محمد حسین خان	〃	خان آباد	۶۰۴	ملا سعدالله خان	〃	کلفگان
۵۹۵	خواجه جمال الدینخان	〃	تالقان	۶۰۵	عبدالروف خان	〃	خنجان
۵۹۶	عبدالقدوس خان	〃	اندراب	۶۰۶	ملا تغای محمد خان	〃	تاله و برفک
۵۹۷	غلام رسول خان	〃	بغلان	۶۰۷	داملا شریف خان	عالم	فیض آباد
۵۹۸	ملا شمس الدینخان	〃	برکه تیمز	۶۰۸	شیخ کمال خان	شیخ	خان آباد

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت ترکستان

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۶۰۹	ایشان محمد اکرم خان ولد میرزا طوره جان	فراشباشی روضهٔ شریف	ترکستان	۶۲۲	میرزا عبدالعزیز خان	وکیل	علی چوپان
۶۱۰	ایشان سید ناصر خان ولد سید عیسی خان	وکیل	〃	۶۲۳	جوره قلیخان ولد حاجی حضرت قل	〃	سنگ چارک
۶۱۱	سید عمر خان ولد عثمان خان	〃	〃	۶۲۴	حاجی محمد ابراهیم خان	〃	بوینه قره
۶۱۲	ایشان سید اقبال خان	〃	دهدادی	۶۲۵	نزد علی بای ولد جان محمد	〃	〃
۶۱۳	ایشان سید مراد خان	〃	درهٔ صوف	۶۲۶	قربان نیاز ولد حاجی محمد	〃	شبرغان
۶۱۴	ایشان سید جلال الدینخان ولد برهان خان	〃	تاشقرغان	۶۲۷	ملا محمد طاهر خان	〃	〃
۶۱۵	ایشان سید یعقوب شاه	〃	آیبک	۶۲۸	ملا حضرت قل خان ولد نظر قل	〃	سرپل
۶۱۶	سید مظهر خان	〃	سنگ چارک	۶۲۹	محمد قل بای ولد صوفی	〃	〃
۶۱۷	ایشان محمد غوث خان ولد سید عبدالخالق خان	〃	مزار شریف	۶۳۰	غلام رسول خان	〃	ترکستان
۶۱۸	سید قلیخان ولد ایل نظر	〃	خم آب	۶۳۱	ارباب غلام حسین ولد کلبی حسین	〃	سرپل
۶۱۹	سید اسدالله خان ولد سید جانخان	〃	تاشقرغان	۶۳۲	عبدالعزیز خان ولد جلال الدینخان	〃	آقچه
۶۲۰	ملا محمد عثمانخان ولد ملا محمد قاسم خان	〃	مزار شریف	۶۳۳	میرزا محمد قاسم خان	〃	تاشقرغان
۶۲۱	ایشان عبدالعزیز خان	〃	علی چوپان	۶۳۴	ایشان رحمت الله خان ولد میرزا صلاح الدینخان	〃	خرم

اسامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٦٣٥	اولیاقل ولد عبدالرزاق	وکیل	بلخ	٦٥٠	حسن بای ولد رسول بای	وکیل	سنگ چارک
٦٣٦	حاجی طورخان	عالم	〃	٦٥١	غلام نبی خان ولد گل محمد	〃	درهٔ صوف
٦٣٧	ملا شیر علیخان ولد بابو خان	〃	〃	٦٥٢	ارباب محمد مرادخان ولد سید مراد	〃	دولت آباد
٦٣٨	عبدالرشید بای	〃	دولت آباد	٦٥٣	صاحب نظرخان ولد بیگ مراد	〃	شور تیپه
٦٣٩	ملا عبدالجلیل آخندزاده	〃	زرغنداب	٦٥٤	شاه مراد بیگ خان	〃	درهٔ صوف
٦٤٠	ملا ربیع آخندزاده	〃	دولت آباد	٦٥٥	ابراهیم قلیخان ولد اهل نظر	〃	شور تیپه
٦٤١	روزی بای ولد حسین بای	وکیل	مارمل	٦٥٦	ملا امام قل ولد آقا محمد	عالم	〃
٦٤٢	ملا عزت الله خان ولد ملا بدل	〃	نهر شاهی	٦٥٧	ملا نورخان ولد ملا خواجه نیاز خان	〃	〃
٦٤٣	غلام حضرتخان ولد ملا سید محمد خان	〃	تاشقرغان	٦٥٨	سلیم بای ولد محمد رحیم خان	وکیل	〃
٦٤٤	حاجی محمد امیر بای ولد خدای نور بای	〃	〃	٦٥٩	محمد ایوبخان ولد میان علم	〃	〃
٦٤٥	محمد علی خان ولد محمد نبی خان	〃	سرپل	٦٦٠	گرگ علیخان ولد فقیر محمد خان	〃	چهارکنت
٦٤٦	سلطان خان ولد بابه مراد	〃	کوهستان	٦٦١	محمد قلبای ولد ملا ولی	〃	آقچه
٦٤٧	دولت بیگ ولد بنیاد احمد علیخان	〃	سرپل	٦٦٢	ملا عبدالرحمن خان ولد ملا عبدالغیاث خان	〃	سرپل
٦٤٨	صوفی محمد جانخان	〃	سنگ چارک	٦٦٣	امان نظرخان ولد محمد صادق خان	〃	آقچه
٦٤٩	میرزا عبدالستار خان	خان	کشنده	٦٦٤	عید محمد خان ولد میرزا احمد خان	خان	فیض آباد

اسامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٦٦٥	ملا ایماق خان ولد نور علیخان	عالم	سرپل	٦٧٣	خدایبرن خان ولد بابه قل	وکیل	شور تیپه
٦٦٦	ملا محمد سرور خان	〃	〃	٦٧٤	ملا گردی شاه خان ولد رحیم بای	〃	درهٔ صوف
٦٦٧	بابا مراد حاجی ولد خال محمد	وکیل	قورچی	٦٧٥	ملا طاهرخان ولد محمد رضا خان	〃	روئی دوآب
٦٦٨	ملا عبدالصمد خان	عالم	شبرغان	٦٧٦	محمد حسین خان ولد حاجی محمد یوسف خان	خان	نهر بلخ
٦٦٩	قرشی بای ولد سلیمان قل	وکیل	سنگ چارک	٦٧٧	نور محمد خان ولد پاینده محمد خان	〃	چارکنت
٦٧٠	ملا برات ولد ملا جوره خان	عالم	کشنده	٦٧٨	رجبعلیخان ولد خان مراد	وکیل	نهر سیاه گرد
٦٧١	قاسم بیگ ولد محمد کریم بیگ	وکیل	آیبک	٦٧٩	محمد شاه بای ولد شریف شاه خان	خان	مزار شریف
٦٧٢	نوروز خان ولد سپهبد رحمت خان	〃	دولت آباد	٦٨٠	بیرم قلخان ولد انه بردی	〃	قرقین

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت میمنه

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٦٨١	سید احمد شاه خان	سید		٦٩٤	محمد ضیا خان	خان	
٦٨٢	داملا میر سید خان	عالم		٦٩٥	ملا احمد خان	〃	
٦٨٣	سید جلال الدینخان	〃		٦٩٦	دولت مراد خان	〃	
٦٨٤	عبد الرحیم خان	خان		٦٩٧	ملا بدل خان	〃	
٦٨٥	سید جلال الدینخان	سید		٦٩٨	ملا احمد خان	وکیل	
٦٨٦	سید عبد الرحیم خان ولد محی الدینخان	〃		٦٩٩	توخته مش خان	〃	
٦٨٧	سید محمد جانخان	〃		٧٠٠	اسفندیار خان	خان	
٦٨٨	خلیفه ملا عاشور قلخان	عالم		٧٠١	فیض کریم خان	〃	میمنه
٦٨٩	داملا رجب علیخان	〃		٧٠٢	محمد خان شمل زائی	〃	〃
٦٩٠	خلیفه عبد الرزاق خان	وکیل		٧٠٣	گلذار خان افغان بارکزائی	〃	〃
٦٩١	میرزا محمد جانخان	خان		٧٠٤	ملا قلندر کوسائی	〃	〃
٦٩٢	روزنقل خان کاروان باشی	〃		٧٠٥	ملا نذیر قل خان	〃	〃
٦٩٣	میرزا محمد امین خان	〃		٧٠٦	خال مراد خان	〃	〃

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
٧٠٧	محمد مراد خان مرکز	وکیل	میمنه	٧١٢	آستانه قلخان	وکیل	تنگاب شیرین
٧٠٨	سید عابد خان	سید	اندخوی	٧١٣	ملا عطا محمد خان	〃	اسمار
٧٠٩	سید محمد خان	〃	درزاب	٧١٤	سید محمد خان	سید	کوهستان
٧١٠	ملا رستم خان	وکیل	بیرون سونه ها	٧١٥	ملا خواجه خان	وکیل	دولت آباد
٧١١	سید کمال خان	سید	قیصار				

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت قندهار

نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۷۱۶	سید محمد عیسی خان	سید	قندهار	۷۲۹	علی محمد خان توخی	عالم	قندهار
۷۱۷	سید عبدالشکور خان	〃	〃	۷۳۰	غلام دستگیر خان	〃	〃
۷۱۸	سید شیرین خان	〃	〃	۷۳۱	شاه محمد خان	〃	〃
۷۱۹	سید محمد جانخان	〃	〃	۷۳۲	عبدالحمید خان	〃	〃
۷۲۰	سید محمد اکرم خان	〃	〃	۷۳۳	عبدالقیوم خان	〃	〃
۷۲۱	سید ابوبکر آقا	〃	〃	۷۳۴	محمد رسول خان اسحق زائی	〃	〃
۷۲۲	سید علی اکبر آقا	〃	〃	۷۳۵	محمد اسمعیل خان ولد حاجی محمد خان	〃	موشان
۷۲۳	سید محمد نعیم خان	〃	ریگ آباد	۷۳۶	جمال الدینخان	〃	〃
۷۲۴	سید قوام الدین شاه	〃	پشت رود	۷۳۷	نظام الدینخان	〃	قندهار
۷۲۵	سید دین محمد شاه	〃	〃	۷۳۸	مولوی اختر محمد خان	〃	پشت رود
۷۲۶	سید دوست محمد خان	〃	〃	۷۳۹	عبدالحق خان اسحق زائی	〃	〃
۷۲۷	نثار خان صاحبزاده	〃	دراود قندهار	۷۴۰	حاجی محمد کریم خان	خان	قندهار
۷۲۸	عبدالحمید خان	عالم	قندهار	۷۴۱	غلام حیدر خان	〃	〃

نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبرشمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۷۴۲	عبدالله خان	خان	قندهار	۷۵۷	محمد صدیق خان نورزائی	خان	قندهار
۷۴۳	محمد رفیق خان	〃	〃	۷۵۸	حاجی عبدالرحمن خان	〃	〃
۷۴۴	حاجی محمد حسن خان	〃	〃	۷۵۹	پیر محمد خان	〃	〃
۷۴۵	حاجی محمد عمر خان	〃	〃	۷۶۰	آقا محمد جان بارکزائی	〃	〃
۷۴۶	محمد افضل خان اسحق زائی	〃	〃	۷۶۱	عبدالقیوم خان محمدزائی	〃	〃
۷۴۷	عبدالحمید خان	〃	〃	۷۶۲	حاجی غلام نبی خان نورزائی	〃	〃
۷۴۸	غلام حیدر خان	〃	〃	۷۶۳	دیوان جلیا	〃	〃
۷۴۹	قلم خان ناصری	〃	〃	۷۶۴	دیوان میرچند	〃	〃
۷۵۰	یار محمد خان فوفلزائی	〃	〃	۷۶۵	نظر محمد خان	〃	جلاک
۷۵۱	محمد حسن خان	〃	〃	۷۶۶	سیر یمین خان الکوزائی	〃	〃
۷۵۲	حاجی غلام حیدر خان	〃	〃	۷۶۷	محمد عثمان خان بارکزائی	〃	شرین
۷۵۳	حاجی فیض محمد خان	〃	〃	۷۶۸	محمد حسین خان اچکزائی	〃	〃
۷۵۴	حاجی محمد اسلم خان بلوچ	〃	〃	۷۶۹	خدایرحم خان فوفلزائی	〃	〃
۷۵۵	عبدالله خان	〃	〃	۷۷۰	داد محمد خان	〃	〃
۷۵۶	محمد عثمانخان	〃	〃	۷۷۱	حاجی محمد امان خان	〃	〃

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۷۷۲	محمد رسول خان نورزائی	خان	کشک نخود	۷۸۷	ولی محمد خان الکوزائی	خان	نو زاد
۷۷۳	محمد سعید خان ولد کهندل خان	«	وسله	۷۸۸	یار محمد خان اسحق زائی	«	«
۷۷۴	عبد الحبیب خان محمد زائی	«	ارغستان	۷۸۹	عبد الغفور خان اسحق زائی	«	«
۷۷۵	حاجی غلام جانخان فوفلزائی	«	«	۷۹۰	محمد فاضل خان نورزائی	«	«
۷۷۶	نظر محمد خان علیزائی ولد محمد افضل خان	«	گرمسیر	۷۹۱	محمد رفیق خان نورزائی	«	سیاپشته
۷۷۷	محمد حسین خان نورزائی ولد حاجی خان	«	«	۷۹۲	غلام رضا خان	«	کرتمک
۷۷۸	نیک محمد خان نورزائی ولد صالح محمد خان	«	«	۷۹۳	عزیز الله خان نورزائی	«	سیاپشته
۷۷۹	حاجی عبد الرحمن خان ولد اقبال خان	«		۷۹۴	محمد شریف خان مهاجر	«	ارزگان
۷۸۰	حاجی محمد یوسف خان ولد یار محمد خان فوفلزائی	«	خاکریز	۷۹۵	حاجی خداداد خان	«	«
۷۸۱	محمد ناصر خان بارکزائی	«	قندهار	۷۹۶	عبد الرحیم خان	«	«
۷۸۲	نظر محمد خان نورزائی	«	گرمسیر	۷۹۷	غلام محمد خان	«	«
۷۸۳	فضل محمد خان نورزائی	«	لک تی	۷۹۸	عصمت الله خان توخی	«	کلات
۷۸۴	شیر محمد خان بارکزائی	«	معروف	۷۹۹	محمد شریف خان توخی	«	«
۷۸۵	عبد اللطیف خان بارکزائی	«	نو زاد	۸۰۰	نظر محمد خان	«	«
۷۸۶	محمد عمر خان بارکزائی	«	گرشک	۸۰۱	عبد السبحان خان	«	هوتکی

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقابات
۸۰۲	ملا دین محمد خان	عالم	هوتکی	۸۱۷	محمد انور خان برگد	وکیل	پشت رود
۸۰۳	عبد القیوم خان	«	قندهار	۸۱۸	شمس الدین خان	«	ارغستان
۸۰۴	حکمت الله خان بارکزائی	وکیل	چهارده	۸۱۹	عبد الحبیب خان	«	«
۸۰۵	محمد اکبر خان محمد زائی	«	ارغستان	۸۲۰	محمد حسن خان	«	
۸۰۶	پیر محمد خان توخی	«	کلات	۸۲۱	محمد رسول خان	«	کشک نخود
۸۰۷	خدا باز خان بارکزائی	«	منصور خان	۸۲۲	محمد انور خان	«	«
۸۰۸	محمد ناصر خان فوفلزائی	«	قندهار	۸۲۳	صفدر جنگ خان	«	پشت رود
۸۰۹	عبد الحمید خان بارکزائی	«	تیموریان	۸۲۴	گل محمد خان	«	«
۸۱۰	عزیز الله خان	«	ترین	۸۲۵	محمد خان	«	«
۸۱۱	عبد العلی خان	«	قندهار	۸۲۶	دارو خان	«	«
۸۱۲	محمد انور خان برگد	«	«	۸۲۷	محمد قاسم خان	«	«
۸۱۳	داد محمد خان خروتی	«	ارزگان	۸۲۸	محمد جمعه خان	«	«
۸۱۴	شهزاده جان	«	«	۸۲۹	محمد حسن خان فوفلزائی	«	«
۸۱۵	سید جانخان محمد زائی	«	قندهار	۸۳۰	محمد رسول خان نورزائی	«	«
۸۱۶	عبد الغنی خان اچکزائی	«	ارزگان	۸۳۱	عبد القیوم خان محمد زائی	«	

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۸۳۲	خوشدلخان فوفلزائی	وکیل	قندهار	۸۴۳	حاجی محمد عمر خان	وکیل	ارزگان
۸۳۳	غلام جان بارکزائی	〃	وهله	۸۴۴	بلاد خان	〃	گزاب
۸۳۴	ولیمحمد خان توخی	〃	تزین	۸۴۵	عبدالغفور خان کاکری	〃	ارزگان
۸۳۵	عبدالصمد خان فوفلزائی	〃	بالادگرز	۸۴۶	ملاحسین خان ملاخیل	〃	〃
۸۳۶	محمد رفیق خان بارکزائی	〃	ملاکوچه	۸۴۷	حاجی صراف اسحق زائی	〃	کشک نخود
۸۳۷	نظر محمد خان توخی	〃	قشلاق	۸۴۸	صاحب جانخان	〃	کلات
۸۳۸	ملاغلام محمود خان	عالم	کلات	۸۴۹	سلطان محمد خان	خان	نوزاد دشت رود
۸۳۹	ملاعبدالله خان	〃	قندهار	۸۵۰	غلام یحیی خان	〃	قندهار
۸۴۰	باز محمد خان	وکیل	اتک	۸۵۱	عبدالرشید خان محمد زائی	〃	〃
۸۴۱	دلاور خان	〃	ارزگان	۸۵۲	عبدالوهابخان	وکیل	〃
۸۴۲	محمد ایوبخان	〃	وهله				

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت سمت مشرقی

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۸۵۳	ملاصاحب چکنور	شیخ	چکنور	۸۶۶	محمد گل خان ولد محمد سعید خان	عالم	بولان
۸۵۴	محمد صدیق خان	〃	سرکانی	۸۶۷	عبدالغفور خان ولد میر پادشاه	〃	کندی باغ
۸۵۵	استاد صاحب ولد عمراخان صاحب	〃	هده	۸۶۸	مسکین خان ولد ملافیض احمد خان	〃	کامه
۸۵۶	محمد یوسف خان ولد صوفی صاحب	〃	فقیرآباد	۸۶۹	محمد صادق خان ولد خواجه وسیم خان	〃	سلطانپور علیا
۸۵۷	سید غلام سرور خان ولد سید غلام جان	سید	چارباغ	۸۷۰	عبدالحمید خان خطیب ولد سید امیر جان	〃	لغمان
۸۵۸	سید عباس خان ولد بدیع الزمانخان	〃	کنر	۸۷۱	سید محمود خان ولد میاگل پادشاه	〃	〃
۸۵۹	سید فخرالدینخان	〃	حصارک مرزینه	۸۷۲	قاضی سید محمد خان ولد میر عابد خان	〃	حصارک مرزینه
۸۶۰	محمد پادشاه ولد گل پادشاه	〃	〃	۸۷۳	مولوی حبیب الرحمن خان ولد عبدالحمید خان	〃	سنگر سرای کامه
۸۶۱	سید صاحب خاکسار ولد سید اعظم خان	〃	چکنور	۸۷۴	بشیر احمد خان ولد مولوی رحیم بخش خان	〃	چمرکند
۸۶۲	زیور شاه خان	〃	اسمار	۸۷۵	میر افضل خان	خوانین و کلا	غنی خیل
۸۶۳	ملافقیر محمد خان ولد گل حسن خان	عالم	لعل پور	۸۷۶	ملک الله دوست خان ولد محمود خان	〃	ناریان شنوار
۸۶۴	مولوی محمد ابراهیم خان ولد عبدالحمید خان	〃	سنگر سرای	۸۷۷	ملک ناصر خان ولد نظیم خان	〃	شنوار
۸۶۵	ملا محمد صدیق خان ولد ملالطیف خان	〃	گردی سرای	۸۷۸	میرزا قمبر خان ولد محمد اکبر خان	〃	پشد کنر

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۸۷۹	ملک عبدالله خان ولد سلطان محمد خان	خوانین و وکلا	کنر	۸۹۴	ملک مراد خان	خوانین و وکلا	کوٹ
۸۸۰	ملک جانانخان ولد ملک غریب خان	،،	،،	۸۹۵	محمد اکبر خان	،،	جلال آباد
۸۸۱	عبدالرحمن خان ولد عبدالغفور خان	،،	چپرهار	۸۹۶	ملک محمد عمر خان ولد غلام جانخان	،،	فتح آباد
۸۸۲	فیروز خان ولد عمرا خان	،،	انبار خانه	۸۹۷	سید مختار خان ولد سید حسینخان	،،	بٹی کوت
۸۸۳	ملک عبدالرحمن خان ولد ملا خان	،،	چپرهار	۸۹۸	ملا عبدالعزیز خان ولد فخرالدین خان	،،	جلال آباد
۸۸٤	ملک مزدور خان ولد نور گلخان	،،	،،	۸۹۹	ملا عبدالغفور خان ولد غلام حیدر خان	،،	کامه
۸۸۵	سید محمد خان ولد سید حسینخان	،،	پشد کنر	۹۰۰	ملک محمد شیر نخان ولد فتح محمد خان	،،	لغمان
۸۸٦	محمد موسی خان ولد محمد عیسی خان	،،	چپرهار	۹۰۱	محمد جانخان ولد فیض طلب خان	،،	خواجه زائی
۸۸۷	ملک عبدالحمید خان ولد محبوب خان	،،	هده	۹۰۲	میر افضل خان ولد محمد اکرم خان	،،	
۸۸۸	امیر محمد خان ولد نور محمد خان	،،	خواجه زائی	۹۰۳	ملک آمین خان	،،	سرخرود
۸۸۹	سردار خان ولد محمد اکرم خان	،،	گردایی	۹۰٤	حاجی عبدالعزیز خان	،،	،،
۸۹۰	ملک شافعین خان ولد محمد سعید خان	،،	کامه	۹۰۵	ملک محمد میر خان ولد مزمل خان	،،	مزار کنر
۸۹۱	زین العابدین خان	،،	لعل پوره	۹۰٦	میان میر اکبر خان ولد محمد اکبر خان	،،	هزارناو
۸۹۲	دوست محمد خان	،،	،،	۹۰۷	ملا عبدالله خان ولد یار محمد خان	،،	سالارکی مهمند
۸۹۳	حاجی امان الله خان ولد ارسلاح خان	،،	سرخرود	۹۰۸	ملک محصل خان	،،	مهمند

اسامی سامی شرکای محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۹۰۹	ملک خالو خان	خوانین و وکلا	سالارکی مهمند	۹۲٤	ارسلاح خان ولد مزمل خان	خوانین و وکلا	کوت
۹۱۰	ملک محمد ایوب خان ولد شاد محمد خان	،،	گندمک	۹۲۵	سید میرانخان ولد سلطان محمد خان	،،	کنر
۹۱۱	گل علم خان	،،	خوگیانی	۹۲٦	سید کاظم خان ولد سید عبدالله خان	،،	مشیوه
۹۱۲	دردیزه خان	،،	کلالی	۹۲۷	ملک آخندجان ولد فخرالدینخان	،،	چهاودنی لغمان
۹۱۳	عبدالصمد خان	،،	نورستان	۹۲۸	عبدالجلیل خان ولد عبدالحمید خان	،،	لغمان
۹۱٤	عبدالله خان	،،	اسمار	۹۲۹	ملک خیر محمد خان ولد ملک اسد خان	،،	،،
۹۱۵	عبدالرحیم خان ولد صالح محمد خان	،،	کنواز	۹۳۰	محمد علم خان ولد خوشحال خان	،،	شنوار
۹۱٦	محمد عمر خان	،،	کاندس	۹۳۱	میرزا اینک محمد خان ولد یار محمد خان	،،	جلال آباد
۹۱۷	عبدالعزیز خان ولد حاتم خان	،،	پیچ	۹۳۲	احمد جانخان ولد ملا اشرف الدینخان	،،	شنوار
۹۱۸	شیر احمد خان ولد گل محمد خان	،،	پارون	۹۳۳	گلزار خان ولد ازبک خان	،،	،،
۹۱۹	محمد هاشم خان	،،	پیچ	۹۳٤	ملک غلام جیلانی خان ولد غلام حسینخان	،،	کندی باغ
۹۲۰	احمد گلخان ولد محمد گلخان	،،	چپرهار	۹۳۵	عطا محمد خان ولد حمید خان	،،	لغمان
۹۲۱	غلام رضا خان	،،	کنر	۹۳٦	ملک اجون خان ولد اکبر خان	،،	مزینه
۹۲۲	کریم شاه خان	،،	بریکوت	۹۳۷	محمد نظیر خان ولد گلمیر خان	،،	دکه
۹۲۳	محمد حلیم خان ولد مهتر خان	،،	کنر	۹۳۸	گل محمد خان ولد غلام جانخان	،،	باسول

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۹۳۹	ملک محمد حسینخان ولد دین محمد خان	خوانین و وکلا	لغمان	۹۵۴	پادشاه میرخان ولد حضرت میرخان	خوانین و وکلا	عبد التحلیل
۹۴۰	احمد خان ولد محمد خان	〃	〃	۹۵۵	کامران خان ولد محمد اکرم خان	〃	مزینه
۹۴۱	ملا نورز خان ولد محمد اکبر خان	〃	〃	۹۵۶	میر نظام الدینخان ولد محراب خان	〃	لغمان
۹۴۲	حاجی محمد خان طبیب ولد ملا مرتضی خان	〃	جلال آباد	۹۵۷	محمد علم خان ولد نور محمد خان	〃	〃
۹۴۳	محمد سلمان ولد عبد القادر خان	〃	تگری لغمان	۹۵۸	سید حسن خان ولد فیض محمد خان	〃	شنوار
۹۴۴	ملا اسد الله خان ولد شامرد خان	〃	شنوار	۹۵۹	شاه حسین خان ولد محمد حسن خان	〃	خوگیانی
۹۴۵	شیر علیخان ولد پردل خان	〃	〃	۹۶۰	میان عبد الجلیل خان ولد میان لباب گلخان	〃	〃
۹۴۶	سید امان خان ولد نثار علیخان	〃	اسمار	۹۶۱	محمد معصوم خان ولد محمود خان	〃	لغمان
۹۴۷	حبیب الله خان ولد امیر محمد خان	〃	شنوار	۹۶۲	محمد سرور خان ولد پادشاه خان	〃	حصارک
۹۴۸	عصمت الله خان ولد میرزمانخان	〃	کنر	۹۶۳	عطر سنگهه چودری	〃	جلال آباد
۹۴۹	ملک شمس الدینخان ولد نصر الله خان	〃	اکام	۹۶۴	ایاسنگهه ولد امیر سنگهه	〃	لغمان
۹۵۰	نواب خان ولد محمود خان	〃	خوگیانی	۹۶۵	مولوی فضل ربی خان ولد سید محمود خان	علما	مهاجر مقیم باجور
۹۵۱	زرداد خان ولد الله داد خان	〃	دکه	۹۶۶	پادشاه گلجان ولد حاجی صاحب	شیخ	مهمند
۹۵۲	رستم خان ولد لعل محمد خان	〃	لعلپور	۹۶۷	مولوی فضل محمود خان ولد نور محمد خان	علما	باجور
۹۵۳	میر عبد الرحیم خان ولد عبد الحق خان	〃	کامه		•	•	•

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت فراه

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسماء	صفت ممیزه	مقامات
۹۶۸	سید تاج الدین خان ولد سید پادشاه خان	سید	اسلام آباد	۹۸۱	محمد زمانخان ولد سیفور خان علی زائی	خوانین	مرکز
۹۶۹	سید دلجو خان ولد سید شیر خان	〃	عارف 〃	۹۸۲	محی الدین خان ولد تاج محمد خان نورزائی	〃	کوچکین
۹۷۰	سید غلام خان ولد سید عبد الحق خان	〃	چخانسور	۹۸۳	محمد عمر خان بارکزائی	〃	نوده
۹۷۱	سید اختر محمد خان ولد سید عبد الله خان	〃	خاشرود	۹۸۴	محمد حسن خان ولد فیض محمد خان	〃	〃
۹۷۲	سید محمد حسینخان ولد سید کلان خان	〃	راشن جوین	۹۸۵	عبد الرحمن خان ولد شمس الدینخان	〃	فراه
۹۷۳	ملا غلام نبی خان ولد ملا شمس الدینخان	عالم	خاشرود	۹۸۶	محمد انور خان ولد محمد عمر خان	خوانین و وکلا	دگی فراه
۹۷۴	ملا عبد العزیز خان ولد ملا عبد الفتاح خان	〃	مساو	۹۸۷	محمد نبی خان ولد محمد امان خان	〃	سیاه
۹۷۵	ملا عبد الواحد خان	〃	درآباد	۹۸۸	نظر محمد خان ولد غلام حیدر خان	〃	نوده
۹۷۶	ملا عبد القیوم خان ولد دین محمد خان	〃	کهنه	۹۸۹	شاه محمد خان ولد داد خدا خان	〃	چخانسور
۹۷۷	ملا عبد الحق خان ولد محمود خان	〃	〃	۹۹۰	یار محمد خان ولد غلام محمد خان	〃	〃
۹۷۸	سردار عطا محمد خان ولد سردار شیر محمد خان	خوانین	چار برجک چخانسور	۹۹۱	غلام محمد خان ولد عبد الله خان	〃	لاش جوین
۹۷۹	یحیی خان ولد محمد عمر خان	〃	مساد	۹۹۲	شهاب الدینخان ولد شاه جهان خان	〃	بکول
۹۸۰	نور احمد خان ولد عبد العزیز خان نوبستی	〃	فراه	۹۹۳	حاجی محمد بشیر خان ولد محمد اسمعیل خان	〃	〃

نمبر شمار	اسماء	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۹۹۴	محمد خان ولد غلام حیدر خان	خوانین و وکلا	خاشرود	۱۰۰۴	احمد خان بلوچ ولد ولی محمد خان	وکلای منتخبه	چخانسور
۹۹۵	احمد شاه خان بارکزائی	»	مرکز	۱۰۰۵	محمد علم خان بلوچ	»	نهرشاهی
۹۹۶	ولی محمد خان نورزائی	»	بکول	۱۰۰۶	عبد القادر خان	خوانین و وکلا	
۹۹۷	عبد الاحمد خان	»		۱۰۰۷	سلطان محمد خان ولد عبد الرحیم خان	»	
۹۹۸	محمد اسلمخان ولد موسے خان	وکلای منتخبه	گلستان	۱۰۰۸	سید محمد خان ولد محمد زمان خان	»	چخانسور
۹۹۹	شیر علیخان بلوچ	»	بولنگ	۱۰۰۹	امیر محمد خان ولد احمد خان بارکزائی	»	»
۱۰۰۰	نور محمد خان ولد شیر علیخان	»	چخانسور	۱۰۱۰	اختر محمد خان ولد سردار خان	»	»
۱۰۰۱	عبد المجید خان نورزائی	»	لاش جوین	۱۰۱۱	امیر محمد خان ولد محمد خان کروخیل	»	»
۱۰۰۲	یار محمد خان »	»	بکول	۱۰۱۲	عبد الرحمن خان ولد نائب خان نورزائی	»	»
۱۰۰۳	کهندل خان ولد دوست محمد خان	»	گلستان	۱۰۱۳	محمد عمر خان ولد دین محمد خان	»	»

شرکای محترم لویه جرگه از ولایت سمت جنوبی

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۱۰۱۴	سید سکندر شاه خان	سید	خواجه حسن	۱۰۲۷	پیر دوست خان ولد نیاز محمد خان		رود احمدزائی
۱۰۱۵	غلام حیدر خان ولد جهانگیر خان	وکیل	»	۱۰۲۸	نور محمد خان ولد عطا گل خان		میرزکه
۱۰۱۶	جلاد خان ولد ملک علم خان		»	۱۰۲۹	حیدر خان ولد ملک نظام خان		»
۱۰۱۷	عزیز خان ولد دلاور خان		»	۱۰۳۰	بل خان ولد جمال الدینخان		»
۱۰۱۸	سید محمد خان ولد حاجی شاه محمد خان		کوچی خیل	۱۰۳۱	واصل خان ولد گلاب شاه خان		»
۱۰۱۹	مدد خان ولد دلاور خان		حسن شاه	۱۰۳۲	درانی خان ولد لعل محمد خان		خوشحال خیل
۱۰۲۰	سیف الله خان ولد رحمت الله خان		انبو	۱۰۳۳	عبد الرحمن خان ولد عاشق خیل		مچلغو
۱۰۲۱	محمد رؤف خان ولد ملک عبد القدوس خان		ملک خیل	۱۰۳۴	غلام رسول خان ولد ملک امیر محمد خان		شانی خیل
۱۰۲۲	آزاد خان ولد دوست محمد خان		نارو خیل	۱۰۳۵	عبد الرحمن خان ولد شیر جانخان		احمدزائی
۱۰۲۳	شیر دلخان ولد نور محمد خان		کندی خیل	۱۰۳۶	شاه محمد خان ولد شیر محمد خان		حسن خیل
۱۰۲۴	جان محمد خان ولد پاینده محمد خان		خند خیل	۱۰۳۷	محبت خان ولد شیر علیخان		نوراخیل مچلغو
۱۰۲۵	سکندر خان ولد شانک خان		»	۱۰۳۸	شهنواز خان ولد سلطان خان		خندی خیل
۱۰۲۶	شهنواز خان ولد محمد حسیم خان		رود احمدزائی	۱۰۳۹	یار محمد خان ولد محمد خان		بارو خیل مچلغو

اسامی سامی شرکاء محترم لویه جرگه ۱۳۰۳

نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات	نمبر شمار	اسما	صفت ممیزه	مقامات
۱۰۴۰	میر فقیر شاه خان ولد میر عین الدین خان	سید	چکمنی	۱۰۴۷	عبدالرحمن خان ولد حبیب الله خان		زرمت
۱۰۴۱	محمد عزیز خان ولد سند و خیل	وکیل منتخبه	״	۱۰۴۸	صاحب نور خان ولد حضرت نور خان		مده خیل حاجی
۱۰۴۲	احمد شاه خان ولد کالان خان	״	هاشم خیل حاجی	۱۰۴۹	محمد اکبر خان ولد آزاد خان		کلالی کو
۱۰۴۳	نور محمد خان ولد شاه محمد خان	״	علی ״ ״	۱۰۵۰	خان محمد خان ولد مغل خان		عثمان خیل طوطی خیل
۱۰۴۴	محمد علیخان ولد حمزه خان	״	حسن ״ ״	۱۰۵۱	ملک محمد نظر خان ولد ملک شاه مرد خان		یوسف خیل ارزبت
۱۰۴۵	اختر محمد خان ولد محمد اکبر خان		صالح ״ زرمت	۱۰۵۲	محمد گلخان		مده خیل
۱۰۴۶	عصمت الله خان ولد فتح الله خان		الوف ״				

تمام شد

صورت تصدیق و تصحیح

ریاست محترم شورای دولت

این خادم اعلیحضرت و بهیخواه ملت تمام تسویدات (لویه جرگه) را که درین کتاب بصورت حالیه ترتیب و تنظیم یافته و حسن مساعی و عرق ریزی اخلاص کیش صادق اعلیحضرت غازی برادرم مولوی "برهان الدین خان کشککی" سوانح نگار حضور همایونی ویرا بزیور حقیقی بجامهٔ اصلی آن که تماماً مبنی بر گذارشات و جریانات حقانه و اسوله و اجوبهٔ منصفانهٔ شرکاء محترم لویه جرگهٔ ۱۳۰۳ میباشد آراسته و پیراسته است، از اول الی آخر بکمال دقت ملاحظه کرده تمام این مندرجات و مسطورات را با وقایع و گذارشات و مرئیات آن مجلس عالی مطابق و درست یافتم و سطور هذا را بطور تصدیق و تائید و صحیح بودن آن تحریر داشتم. و از خداوند کریم برای جناب مولوی صاحب موصوف توفیقات نیک و عزتهای زیاد بزیر سایه مبارک اعلیحضرت شهریار غازی مدظله خواستگارم که بدوام سلطنت اسلامیهٔ افغانیه آرام و آسوده باشند. امضا رئیس صاحب عمومی شورای دولت آقای (شیر احمد) خان

بیانیهٔ مؤلف

ستایش و نیایش نذر بارگاه کبریائیست که ما را بر ایفاے آن وعدهٔ ما که در بارهٔ تصحیحات طبع باردوم این رویداد (لویه جرگه) داده بودیم، موفق ساخت وهر یک ازین مجلدات طبع ثانوی را، از حسن مساعی در تصحیح و نزاکت آفرینی خطاط شهیر مشارٌ بالبنان حضرت سیّد محمّد ایشان خان سرکاتب مطبعهٔ حضور، بچنان محاسن صوری و مزایاے تحریری مینگریم، که دیده را از ملاحظهٔ آن نور، و سینه را از مشاهده اش سرورے بهم میرسد الحق که این مطبوعهٔ لاحق، نظر بچهاپ سابق، مضمون نورٌ علیٰ نورٌ را بیاد، و مفاد بهجةٌ علی السّرور راپیش نهاد میکند.

ما برین حسن خط و چهاپ خوشنمط، حضرت ایشان را تحسین میگوئیم و آفرین میخوانیم و مزید بر مزید توفیقات را برای "ایشان و مأمورین شان" خواستاریم، و از الطاف خداوندی در افق مطبوعات افغانستان مانند "ایشان" مشتاق به نظارهٔ بسیار ستارهاے روشن و درخشان میباشیم. ۱۵ اسد ۱۳۰۴

اهدائی جناب آقای دکتر [illegible] مقتدری
سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

حضور مبارك
اعلیحضرت غازی
امیر امان الله

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اثرات چربی دست های کثیف و آلوده بر روی کتاب با گذشت زمان، کتاب را بد بو می کنند.

ذهن و فکر اندیشمندان ما در کتاب متجلی است پس آن را مخدوش نکنیم.

در هر ماه به جای هزینه صحافی می توان بیش از هزار جلد کتاب را خریداری نمود.

کتاب، زبان اندیشه گذشتگانمان است و بریدن آن...!

در هر ماه بیش از سه هزار و پانصد جلد کتاب نیازمند صحافی مجدد می باشند.